

فهرست و تمدن قرآن

سال ششم / شماره ۳ / پیاپی ۲۱ / پاییز ۱۴۰۴
شماره شابا الکترونیک : ۳۳۷۵۶ - ۲۷۸۳
فصل نامه علمی



دانشگاه علوم قرآنی اصفهان



- ◆ آسیب‌شناسی موانع توسعه فرهنگ قرآنی همراه با نگاه تحلیلی به منشور توسعه فرهنگ قرآنی کشور
حسین قادری بغداد • علی صفری • جلیل یروین
حسن اصغرپور
- ◆ مبانی جامعه شناختی سبک زندگی قرآنی در حوزه تعاملات اجتماعی
روح اله محمدی
- ◆ الگوسازی تربیتی سبک زندگی اسلامی‌سوره نور با رویکرد تمام‌ساحتی در عصر جدید
مریم نساج • مهری صادقیان
- ◆ همگرایی تمدن‌ها: تحلیل ایثار و جهاد در آموزه‌های بودا و نقد قرآنی آن (راهبرد، مبانی، اهداف و شاخصه‌ها)
حجت‌الله مهربانی • ابراهیم رضایی آدریانی • محسن برقی کار • حمید الهی دوست
- ◆ مولفه های تمدن اسلامی بر اساس سیر تاریخی نزول داستان حضرت نوح(ع) در قرآن کریم
سمیه عمادی • مهری گریسی
- ◆ خوانش پیرامنتی آرایه‌های قرآنی با تکیه بر نظریه پیرامینت ژرار ژنت
آزرم مرکزی • محمدرضا شریف زاده • محمد عارف

QCC



DOAJ

فكر آران فرهنگ و تمدن





فصل نامه علمی «قرآن، فرهنگ و تمدن»

دانشکده علوم قرآنی اصفهان (دولت آباد)

سال ششم / شماره ۳ / پیاپی ۲۱ / پاییز ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم _ دانشکده علوم قرآنی اصفهان

مدیر مسئول: حجت الاسلام دکتر سید احمد سجادی جزئی

سر دبیر: دکتر محمدعلی چلونگر

مدیر اجرایی: دکتر مهدی اثنی عشران

کارشناس نشریه: لیلا قصابی

ویراستار ادبی: دکتر روح اله ناظمی

روابط عمومی: مجتبی میرزاخانی

مترجم انگلیسی: دکتر مهدی حبیب اللهی

طراحی و صفحه آرایی: مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان

طراح جلد: زینب ناجی

آدرس دفتر فصل نامه: اصفهان، دولت آباد، خیابان طالقانی، خیابان حسام دولت آبادی، دانشکده علوم قرآنی اصفهان

تلفن: ۰۳۱۴۵۸۵۰۱۱۱ داخلی: ۱۱۷

شاپا الکترونیکی: ۳۳۵۶-۲۷۸۳

ایمیل: qcc@quran.ac.ir

www.qcc.quran.ac.ir

شیوه نامه نگارشی مقالات: در سایت فصل نامه

« این نشریه حاصل فعالیت مشترک دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی اصفهان)

و انجمن علمی اعجاز قرآن ایران است.»

اعضای هیئت تحریریه

♦ محمدعلی چلونگر

استاد گروه تاریخ و ایرانشناسی دانشگاه اصفهان

♦ قاسم درزی

استادیار الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی تهران.

♦ محسن دیمه کارگراب

دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

♦ محمدحسین رجیبی دوانی

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه امام حسین

♦ نصرالله شاملی

استاد زبان و ادبیات دانشگاه اصفهان

♦ نعمت الله صفری فروشانی

استاد گروه تاریخ جامعه المصطفی العالمیه

♦ رحمان عشریه

دانشیار تفسیر دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

♦ مرضیه محمص

دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید بهشتی تهران.

♦ محمدعلی مهدوی راد

دانشیار فقه و اصول پردیس فارابی دانشگاه تهران

♦ سید محمد نقیب

دانشیار تفسیر دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

♦ اعضای هیئت تحریریه بین الملل

هادی عبدالنبی محمد التیمی، استاد تاریخ اسلام دانشگاه نجف اشرف

عمار عبودی محمد حسین نصار، استاد گروه تاریخ دانشگاه کوفه

کرت آندرس ریچاردسن، استاد دانشکده الهیات، دانشگاه مک مستر تورنتو کانادا

عبدالمجید بن حبیب، دانشیار دانشگاه ابوبکر بلقاید تلسمان الجزایر

آنتونیو کوچینیلو، عضو انجمن بین المللی مطالعات قرآنی و گروه پژوهشی زبان‌شناسی قرآنی

ارزیابان علمی محترمی که مقالات این شماره را داوری کرده اند:

شناسه پژوهشگر (ORCID)	نام خانوادگی	نام	
0000-0002-7737-7952	پورشعبانیان	زهرا	♦
0000-0002-5496-4054	پورمحمدی	ابوذر	♦
0000-0002-4623-5011	جعفریان	مجید	♦
0000-0002-8411-101X	حبیب الهی	مهدی	♦
0000-0002-2277-0415	حسینی	سیدمعصوم	♦
0000-0003-1644-037X	راستگو	کبری	♦
0000-0001-9101-3306	زمانی	عباس	♦
0000-0001-9952-8910	صالحی زاده	محمداسماعیل	♦
0009-0001-3051-1755	صفری نژاد	احمد	♦
**	عباسی	آزاده	♦
0000-0002-1463-7358	کشاوری	زهراسادات	♦
0000-0002-8290-7815	قاسمی حامد	مرتضی	♦
0000-0002-9288-9067	قلمکاریان	سید محمد	♦
0000-0002-0326-6731	ملاابراهیمی	عزت	♦
0009-0008-4152-4501	میرصانعی	سیدمحمدعلی	♦
0000-0002-7260-6824	ناظمی	روح اله	♦



موضوعات مورد پذیرش

فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن در پی آن است که با ارائه مقالات اندیشمندان و فرهیختگان به تبیین تمدن اسلامی و همخوانی آن با فرهنگ غنی دینی که از سرچشمه قرآن و کلام معصومین سیراب می‌شود، بپردازد. امید وافر داریم پژوهشگرانی که چنین دغدغه‌ای دارند، با ارسال پژوهش‌های مکتوب خود که حداقل یکی از شاخص‌های زیر را دارا باشد این فصلنامه را یاری رسانند:

۱- قرآن و تمدن:

الف) مولفه‌های تمدنی قرآن

ب) مباحث تمدن اسلامی و زیرشاخه‌های آن با استناد به قرآن کریم

ج) تمدن نوین قرآنی

د) مقایسه تمدن قرآنی با دیگر تمدن‌ها

ه) تمدن‌ها از نگاه قرآن

و) مستشرقان و تمدن قرآنی

ز) تحلیل تاریخی قرآن در ابعاد مختلف

ح) سیر تاریخی قرآن پژوهی

ط) تحلیل قصص و موضوعات قرآن با رویکرد تمدنی

ی) سیره انبیاء و معصومین با رویکرد قرآنی

۲- قرآن و فرهنگ:

الف) فرهنگ‌ها از منظر قرآن

ب) تأثیرات فرهنگی قرآن

ج) مقایسه فرهنگ قرآنی با دیگر فرهنگ‌ها

د) قرآن و فرهنگ اجتماعی

ه) مستشرقان و فرهنگ قرآنی

و) شاخص‌های فرهنگ ساز قرآن در ابعاد فردی



فهرست

- آسیب‌شناسی موانع توسعه فرهنگ قرآنی همراه با نگاه تحلیلی به منشور توسعه فرهنگ قرآنی کشور
حسین قادری بغداد، علی صفری، جلیل پروین، حسن اصغریپور..... ۱
- مبانی جامعه‌شناختی سبک زندگی قرآنی در حوزه تعاملات اجتماعی
روح اله محمدی ۲۷
- الگوسازی تربیتی سبک زندگی اسلامی سوره نور با رویکرد تمام‌ساختی در عصر جدید
مریم نساج، مهری صادقیان ۵۱
- همگرایی تمدن‌ها: تحلیل ایتار و جهاد در آموزه‌های بودا و نقد قرآنی آن (راهبرد، مبانی، اهداف و شاخصه‌ها)
حجت‌الله مهربانی، ابراهیم رضایی آدریانی، محسن برقی کار، حمید الهی دوست..... ۷۱
- مولفه‌های تمدن اسلامی بر اساس سیر تاریخی نزول داستان حضرت نوح (علیه السلام) در قرآن کریم
سمیه عمادی، مهری کریمی..... ۹۵
- خوانش پیرامنی آرایه‌های قرآنی با تکیه بر نظریه پیرامینت ژرار ژنت
آزم مرکزی، محمدرضا شریف زاده، محمد عارف..... ۱۱۹

ترتیب مقالات براساس زمان پذیرش مقالات است.

Pathology of the Obstacles to the Development of Qur'anic Culture with an Analytical View of the National Charter for the Development of Qur'anic Culture

Hossein Qaderi-Baghdad ¹  Ali Safari ²  Jalil Parvin ³  Hassan Asgharpoor ⁴ 


1. PhD Candidate in Qur'anic and Hadith Sciences, Qur'an and Hadith Campus, University of Qur'an and Hadith, Tehran, Iran (Corresponding Author).

2. Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Faculty of Qur'an and Hadith, International University of Islamic Denominations, Tehran, Iran.

4. Associate Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran.

Corresponding Email: Hghaderi485@gmail.com

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.484381.1405>

Article History:

Received: 2024-10-31

Revised: 2025-03-01

Accepted: 2025-03-04

Online First: 2025-09-14

Keywords

Holy Qur'an,
Culture,
Pathology,
Obstacle,
development of Qur'anic
culture.

Type of Article:

Research

Abstract: The widespread establishment of a culture derived from the Qur'an and the Ahl al-Bayt (PBUT) has always required intensified efforts, optimization, and the provision of suitable groundwork. Accordingly, the present study aims to identify the most significant obstacles to the development of Qur'anic culture and to propose corresponding corrective measures, with an analytical focus on the National Charter for the Development of Qur'anic Culture. The central research question is: what are the major obstacles and the most essential corrective actions necessary for realizing the development of Qur'anic culture in society? Utilizing a descriptive-survey method combined with library research, the study employed a questionnaire consisting of ten key questions, gathering insights from Qur'anic experts and activists nationwide, with a statistical population exceeding 1,450 participants. After examining a wide range of obstacles and proposed reforms, the findings classify these obstacles into two categories based on their level of impact: structural and secondary. Among the most important structural obstacles are: the multiplicity of governmental authorities overseeing Qur'anic affairs, insufficient conviction regarding the centrality and priority of the Qur'an in national governance, and the lack of cohesive support for Qur'anic activists. As for secondary obstacles, they include inadequate attention to training and recruiting efficient and specialized Qur'anic practitioners, the absence of a comprehensive system of evaluation and continuous supervision of Qur'anic activities, and the lack of modern, integrated information systems with ongoing updates. The results indicate that the development of Qur'anic culture in society is achievable, but its realization requires the removal of obstacles and the implementation of a wide range of corrective measures centered on the National Charter for the Development of Qur'anic Culture.

How to cite:

Qaderi-Baghdad, Hossein; Safari, Ali; Parvin, Jalil; & Asgharpoor, Hassan. (2025). Pathology of the obstacles to the development of Qur'anic culture with an analytical view of the National Charter for the Development of Qur'anic Culture. *Quran, Culture And Civilization* , 6 (3), 1-26. <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.484381.1405>



آسیب‌شناسی موانع توسعه فرهنگ قرآنی همراه با نگاه تحلیلی به
منشور توسعه فرهنگ قرآنی کشور

دریافت: ۱۴۰۳-۰۸-۱۰
بازنگری: ۱۴۰۳-۱۲-۱۱
پذیرش: ۱۴۰۳-۱۲-۱۴
انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۶-۲۳

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.484381.1405>



مقاله: پژوهشی

حسین قادری بغداد*^۱
علی صفری^۲
جلیل پروین^۳
حسن اصغرپور^۴

چکیده

فراگیر شدن فرهنگ منبعث از قرآن و عترت علیهم‌السلام، همواره به تلاشی مضاعف و بهینه‌سازی و تمهید زمینه‌های لازم نیاز دارد. از این‌رو هدف پژوهش حاضر آسیب‌شناسی مهم‌ترین موانع توسعه فرهنگ قرآنی و نیز تبیین اقدامات اصلاحی متناظر با آن، با نگاه تحلیلی به منشور توسعه فرهنگ قرآنی کشور است. سؤال اصلی پژوهش چنین است: مهم‌ترین موانع و ضروری‌ترین اقدامات اصلاحی لازم برای تحقق توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه چیست؟ در این پژوهش، با طراحی و ارائه پرسش‌نامه، از روش توصیفی پیمایشی و نیز مطالعات کتابخانه‌ای استفاده کرده و با طرح ده سؤال اساسی، از نظرات فعالان و کارشناسان قرآنی کشور با جامعه آماری بالغ بر ۱۴۵۰ نفر بهره برده‌ایم. نویسنده پس از بررسی طیف وسیعی از موانع و اقدامات اصلاحی متناسب با آن، این موانع را بر اساس میزان اثرگذاری هر یک، به دو بخش موانع ساختاری و فرعی تقسیم کرده است. تعدد و تکثر متولیان دولتی قرآن کریم، باورمندی ناکافی به محوریت و اولویت قرآن کریم در مدیریت کلان کشور و حمایت‌های غیرمنسجم از فعالان قرآنی از مهم‌ترین موانع ساختاری به شمار می‌رود. توجه ناکافی به تربیت و جذب حداکثری فعالان قرآنی کارآمد و متخصص، فقدان نظام جامع ارزیابی و نظارت مستمر بر فعالیت‌های قرآنی و فقدان سامانه‌های نوین و جامع اطلاعاتی و به‌روزرسانی مستمر آن نیز از مهم‌ترین موانع فرعی است. نتایج این پژوهش نشان داد توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه امری امکان‌پذیر و تحقق آن نیازمند مانع‌زدایی و طیف وسیعی از اقدامات اصلاحی با محوریت منشور توسعه فرهنگ قرآنی است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، فرهنگ، آسیب‌شناسی، مانع، توسعه فرهنگ قرآنی.

استناد به مقاله:

قادری بغداد، حسین؛ و همکاران. (۱۴۰۴). آسیب‌شناسی موانع توسعه فرهنگ قرآنی همراه با نگاه تحلیلی به منشور توسعه فرهنگ قرآنی کشور. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۶(۳)، ۱-۲۶.

doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.484381.1405>

Hghaderi485@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث پردیس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران.

۴. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.



۱. مقدمه

بی‌تردید قرآن کریم جامع‌ترین و استوارترین و آخرین رهنمود پروردگار متعال است که برای دستیابی انسان به سعادت دنیوی و اخروی نازل گردیده است؛ لیکن نیل به این مهم، علاوه بر تلاوت و فهم آیات کریمه قرآن، موکول به عمل خالصانه به اوامر و نواهی آن است. به همین دلیل، اگرچه قرآن خود را بارها «هُدًى لِلنَّاسِ» (بقره: ۱۸۵؛ آل عمران: ۴؛ انعام: ۹۱) خوانده است، تنها پارسایانند که از نور هدایتش بهره می‌گیرند؛ چنان‌که خود می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲)؛ چه اینکه پرهیزکاران امور خود را در عرصه‌های مختلف اعتقادی و فردی و اجتماعی بر اساس معارف بلند و راهبردهای زندگی‌ساز قرآن کریم بنا نهاده‌اند. قرآن کریم که دربردارنده عالی‌ترین دستورات حیات‌بخش برای نیل انسان به سعادت دنیوی و اخروی است، از جامعیت علمی بی‌ظنیری برخوردار است؛ چنان‌که خود در این باره می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ. بِرِئَاسَةِ الْكِتَابِ (قرآن) را فرستادیم که بیانگر هر چیزی است» (نحل: ۸۱). همچنین پیامبر اکرم ﷺ در این باره فرمود: «مَنْ أَرَادَ عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فَلْيَتَوَرَّ الْقُرْآنَ: هرکس دانش اولین و آخرین را می‌خواهد، باید [آن را] در قرآن بجوید» (متقی هندی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۵۴۸). به علاوه کلام خداوند همواره تازه و باطراوت است و گذر زمان یا پیشرفت‌های مختلف علمی و اقتصادی و تغییر سبک زندگی در دوره‌های مختلف زندگی بشر پس از نزول قرآن، موجب کهنگی و قدیمی شدن آن نمی‌گردد. به همین دلیل، امام باقر علیه السلام قرآن را زنده و پویا می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّ الْقُرْآنَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ: قطعاً قرآن زنده است و هرگز نمی‌میرد» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۰۳). از همین رو به عموم مسلمانان توصیه شده است که با جدیت به تعلیم و تعلم قرآن کریم پردازند و از این امر مهم غفلت نورزند. به عنوان نمونه پیامبر اکرم ﷺ در این باره فرمود: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ مَأْذِبَةُ اللَّهِ، فَتَعَلَّمُوا مَأْذِبَتَهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ: همانا این قرآن ضیافت خداوند است. پس چندان‌که می‌توانید، ضیافتش را بیاموزید» (طبرسی، ۱۳۵۰ش، ج ۱، ص ۱۶). البته تلاوت قرآن باید همراه با تدبیر و توجه به محتوای آن باشد. قرآن کریم خود نیز به این مهم تذکر داده و فرموده است: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ. [این] کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده‌ایم، تا در [باره] آیات آن بیندیشند و خردمندان پند گیرند» (ص: ۲۹). در این باره امام علی علیه السلام نیز فرمود: «أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَذَكُّرٌ: آگاه باش. در خواندنی که در پی آن تدبیر نباشد، خیری نیست» (صدوق، ۱۳۶۱، ص ۲۲۶؛ دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۰۰).

بر اساس آنچه بیان شد، می‌توان به خوبی دریافت که ایمان به قرآن، اصلی‌ترین بخش از اندیشه و باور دینی هر مسلمانی است و بی‌تردید عینیت یافتن این باور عمیق و اندیشه زلال، در گرو انس و ارتباط و تعامل با قرآن کریم است؛ وگرنه اکتفا به قرائت قرآن، هرچند موزون و زیبا و دلپذیر باشد، منجر به بهره‌مندی کامل از این منبع فیاض الهی نخواهد شد.

لیکن آنچه امروز و پس از گذشت بیش از چهارده قرن از نزول قرآن، در عرصه و صحنه زندگی فردی و اجتماعی مردم، به‌ویژه عموم مسلمانان و به طور خاص شیعیان مشاهده می‌شود، با رهنمودهای سعادت‌آفرین و نجات‌بخش قرآن کریم بسیار فاصله دارد. میزان دور از انتظار ارتباط و انس افراد با قرآن کریم (جمالی، طرح آمار سرانه، ۱۴۰۰، ص ۲۸)، کمبود آگاهی و ضعف باور نسبت به اهمیت و محوریت قرآن در مدیران و فعالان نظام فرهنگی (سلمانی ماهینی، ۱۳۹۴، صص ۱۴-۸)، وضعیت رو به نقصان فرهنگ عفاف و حجاب که با طرح مباحث مختلف در جامعه و ابلاغ یا عدم ابلاغ لایحه عفاف و حجاب مواجه گردیده،^۱ نیز سبک زندگی غربی گروه‌های

۱. لایحه عفاف و حجاب. مصوبه شهریورماه ۱۴۰۲ مجلس شورای اسلامی.

قابل توجهی از جامعه و نقایص موجود در شیوه بانکداری اسلامی (خالوزاده، ۱۴۰۲، صص ۷-۹)، مصادیقی مهم و مؤثر از فاصله گرفتن تدریجی جامعه از تعالیم حیات‌بخش قرآن کریم است. این فاصله معنادار، نگارندگان را بر آن داشت تا به آسیب‌شناسی موانع توسعه فرهنگ قرآنی و مهم‌ترین اقدامات اصلاحی متناظر با آن بپردازند.

توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه اسلامی از موضوعاتی است که پس از دو دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به طور جدی‌تری مورد توجه دانشمندان و کارشناسان این امر قرار گرفت و به‌ویژه در مسیر نگارش و تدوین منشور توسعه فرهنگ قرآنی، تحقیقات گسترده و فشرده‌ای در این مورد صورت پذیرفت. بدین‌منظور طرح‌های پژوهشی متعددی (شامل هشت طرح یا فرآیند ارزیابی و آسیب‌شناسی) از سال ۱۳۸۹ به بعد تدوین و طراحی و به مرحله اجرا درآمد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۱. گزارش تفصیلی ارزیابی عملکرد کمیسیون‌ها از سال ۸۹ تا ۹۰؛
 ۲. طرح پژوهشی چالش‌های اجرای منشور توسعه فرهنگ قرآنی (۱۳۹۰)؛
 ۳. نتایج هم‌اندیشی بررسی مسائل اساسی اجرای منشور شامل دبیرخانه شورا و کمیسیون‌ها (۱۳۹۶)؛
 ۴. ملاحظاتی درباره عملکرد کمیسیون‌ها در تعامل با شورای توسعه فرهنگ قرآنی (۱۳۹۹).
- همچنین مطالعات کارشناسی مفصلی پیش از تشکیل شورای توسعه فرهنگ قرآنی در خصوص آسیب‌های فعالیت‌های قرآنی بر اساس مطالعات دهه ۸۰ به انجام رسید که در نهایت منجر به ارائه طرح تشکیل شورا در قالب سند منشور توسعه فرهنگ قرآنی با بهره‌گیری از طرح جامع قرآنی (۱۳۸۵)، طرح جامع نهضت قرآن‌آموزی (۱۳۸۵) و طرح شناخت راهکارهای هماهنگی و سازماندهی فعالیت‌های قرآنی کشور (۱۳۸۴) گردید (شعبانی‌فرد، ۱۳۹۹، ص ۱۳). مهم‌ترین نتایج حاصل از این مطالعات عبارت است از:

۱. تعدد و تکثر مراجع مؤسس و بنیان‌گذار نهادها و سازمان‌های دولتی در حوزه فعالیت‌های قرآنی که موجب بی‌سامانی در این حوزه شده است؛
۲. نظام‌مند نبودن امر توسعه و تقویت فعالیت‌های قرآنی در ساختار و نظام اجرایی کشور؛
۳. ضرورت پایه‌ریزی نظام جامع حمایتی از مبلغان قرآنی و کارآمد نبودن نظام تقدیر و تکریم مادی و معنوی فعالان حوزه تبلیغ و ترویج قرآن کریم؛
۴. اشاعه فعالیت‌های سازمان‌یافته رسانه‌های ضد دینی؛
۵. لزوم طراحی سازوکار و برنامه مناسب جهت بهره‌گیری از دانش و فناوری‌های اطلاعاتی برای ارتقای کمی و کیفی فعالیت‌های قرآنی؛
۶. کم‌توجهی به امر پژوهش در حوزه قرآن و ضعف محتوایی برنامه‌های آموزشی، پژوهشی، تبلیغی و ترویجی؛
۷. لزوم تعریف استانداردهای لازم در حوزه آموزش و پژوهش و فعالیت‌های تبلیغی ترویجی قرآن کریم؛
۸. لزوم در نظر گرفتن ساختار و تشکیلات مناسب در زمینه چگونگی تبلیغ امور قرآنی؛
۹. لزوم تقویت عزم و اراده جدی برای سامان‌دهی فعالیت‌های قرآنی در بین مسئولان کشور؛
۱۰. ضرورت پایه‌ریزی نظام کارآمد نظارتی و ارزیابی فعالیت‌های قرآنی؛

۱۱. تقویت بیش از پیش استفاده از منابع انسانی کارآمد و متخصص؛

۱۲. سامان بخشی به تقسیم وظایف و پرهیز از ناهماهنگی و موازی کاری و تداخل نقش‌ها در فعالیت‌های قرآنی (شعبانی فرد، ۱۳۹۹، صص ۱۳-۱۵).

همچنین در پایان‌نامه‌ای که به شناخت و اولویت‌بندی چالش‌های اجرای منشور توسعه فرهنگ قرآنی اختصاص یافته است، پس از مصاحبه‌های مختلف با فعالان برجسته قرآنی و کارشناسان خبره و صاحب‌نظران این عرصه، فهرستی از چالش‌های این منشور که مهم‌ترین سند بالادستی برای توسعه فرهنگ قرآنی در کشور به شمار می‌آید، ارائه شده است. نتایج به دست آمده در این پژوهش نیز که ذیل ۲۸ عنوان سامان یافته، شباهت زیادی با مطالعات آسیب‌شناسانه پیش‌گفته دارد (سلمانی ماهینی، ۱۳۹۴، صص ۶۶-۹۷).

۲. تعاریف نظری

فرهنگ: واژه «فرهنگ» را مرکب از دو واژه «فر» و «هنگ» به معنای عقل، ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت، بندگی، فضیلت، وقار و شکوهمندی دانسته‌اند. «فرهنگ» در لغت به معنی تعلیم و تربیت است و در اصطلاح عبارت است از: «ابزارها، رسوم، معتقدات، علوم، هنرها و سازمان‌های اجتماعی» (آشوری، ۱۳۵۷، صص ۱۵-۱۷). همچنین «فرهنگ» را کلیت درهم‌تنیده‌ای از دانش، دین، هنر، قانون و اخلاقیات تعریف کرده‌اند (اسلامی ندوشن، ۱۳۵۴، صص ۲۴-۳۰). همچنین برای واژه «فرهنگ» در منابع مختلف معانی لغوی و تعاریف اصطلاحی متعددی یافت می‌شود؛ از جمله اینکه برخی «فرهنگ» را یک مفهوم گسترده، شامل باورها و ارزش‌ها و رفتارها می‌دانند که منطبق بر ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای موجود در جوامع بشری مطرح شده است. همچنین گروهی دیگر «فرهنگ» را دربردارنده مجموعه‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، آداب و رسوم اجتماعی و عادت‌های افراد در یک گروه یا در یک جامعه دانسته‌اند (تایلر، ۱۸۷۱ق، ص ۱۲). ولی آنچه نگارنده از واژه «فرهنگ» در این پژوهش مدنظر قرار داده، عبارت است از: مجموعه عقاید، باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم و شیوه‌های عمل که برگرفته از قرآن کریم و سنت پیشوایان معصوم علیهم‌السلام باشد.

مانع: واژه «مانع» به معنای بازدارنده، جلوگیری‌کننده، دافع، رادع و عایق آمده (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۴، ص ۲۴۲؛ عمید، ۱۳۵۰، ص ۳۷۴؛

معین، ۱۳۵۱، ص ۲۶۸؛ ذیل واژه مانع) و مقصود از آن در این پژوهش، عوامل اصلی یا فرعی بازدارنده توسعه فرهنگ قرآنی است.

آسیب‌شناسی: واژه «آسیب» در لغت به معنای زخم، صدمه، لطمه، آفت، رنج، آزار، زیان و ضرر آمده و مترادف واژگانی مانند

خدشه، گزند، عیب، نقص و خسارت است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۴۴؛ عمید، ۱۳۵۰، ص ۵۵؛ معین، ۱۳۵۱، ص ۷۳؛ ذیل واژه

آسیب) و در اصطلاح به هر عیب، نقص یا جراحی که به سبب عامل یا عواملی ایجاد می‌شود، اطلاق می‌گردد. مقصود از

«آسیب‌شناسی»، شناسایی آن دسته از عواملی است که وجود آن می‌تواند باعث توقف یا کندی هر نظام و سیستمی بشود (بنیانیان،

۱۳۹۵، ص ۲۸). آسیب‌ها انواع مختلفی دارد که از آن جمله، آسیب‌های اجتماعی و آسیب‌های فرهنگی است. آسیب‌های اجتماعی به

هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چهارچوب قواعد حاکم بر جامعه قرار نمی‌گیرد و با منع قانونی یا قبح اخلاقی و

اجتماعی روبه‌رو می‌گردد (ستوده، ۱۳۸۹، ص ۱۹). آسیب‌های فرهنگی نیز به مجموعه عواملی گفته می‌شود که با هدف مسخ یا تغییر

فرهنگ غالب در یک جامعه رخ می‌دهد و موجب تغییر یا تبدیل باورها و عادات و رسوم مردم می‌شود (ستوده، ۱۳۸۹، ص ۲۱). در این

پژوهش، مقصود از «آسیب‌شناسی»، شناخت موانع اصلی یا فرعی تحقق توسعه فرهنگ قرآنی و فراگیری آن در جامعه است.

توسعه فرهنگ قرآنی: به طور کلی، به تعمیم و تعمیق شناخت و ایمان به قرآن کریم و نیز ارتباط و انس با آن، با هدف تحقق مضامین آیات قرآنی در رفتار فردی و اجتماعی اقشار مختلف جامعه، «توسعه فرهنگ قرآنی» اطلاق می‌شود (فریدونی، ۱۳۹۲، ص ۶۵).

۳. پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است: با نگاه تحلیلی به منشور توسعه فرهنگ قرآنی کشور، موانع توسعه فرهنگ قرآنی چیست؟ همچنین از رهگذر این پژوهش، می‌توان به این دو پرسش نیز پاسخ داد: موانع ساختاری برای تحقق فراگیر توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه چیست؟ موانع فرعی توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه چیست؟

ردیف	متن سؤال	روش	مقیاس	دوسویه	منبع اقتضایی*
۱	وجود تشّت و پراکندگی در بین متولیان دولتی و مردمی فعال در عرصه قرآن کریم را تا چه اندازه به عنوان یک آسیب برای توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه ارزیابی می‌کنید؟	طیف لیکرت	پنج درجه‌ای	از خیلی زیاد تا خیلی کم و خنثی (نمی‌دانم)	آسیب‌شناسی
۲	وجود مشکلات اقتصادی به ویژه تورّم را تا چه اندازه به عنوان یک چالش برای توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه ارزیابی می‌کنید؟				چالش‌ها
۳	تغییر ذائقه فرهنگی و نگرش‌های اعتقادی مردم را تا چه اندازه به عنوان یک چالش برای توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه ارزیابی می‌کنید؟				چالش‌ها
۴	تأثیر آلودگی‌های ناشی از استفاده آزاد و بی‌قاعده از فضای مجازی را تا چه اندازه به عنوان یک چالش برای توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه ارزیابی می‌کنید؟				چالش‌ها
۵	میزان عدم توفیق متولیان دینی مردمی یا دولتی یا هر دو در ارائه الگوهای شایسته و جذاب قرآنی به جامعه را تا چه اندازه به عنوان یک آسیب برای توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه ارزیابی می‌کنید؟				آسیب‌شناسی
۶	ایجاد و گسترش ابهامات در گروه‌هایی از مردم نسبت به آموزه‌های دینی و قرآنی و عدم ارائه پاسخ‌های مناسب به آن را تا چه اندازه به عنوان یک چالش برای توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه ارزیابی می‌کنید؟				چالش‌ها
۷	تأثیر عملکرد نامناسب برخی از شخصیت‌های دینی و پیشکسوتان قرآنی در توسعه فرهنگ قرآنی را تا چه اندازه به عنوان یک چالش برای توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه ارزیابی می‌کنید؟				چالش‌ها
۸	تعارضات موجود در گرایش‌های سیاسی و اثرات آن بر جامعه را تا چه اندازه به عنوان یک آسیب برای توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه ارزیابی می‌کنید؟				آسیب‌شناسی
۹	اقدامات شیطنت‌آمیز دشمنان داخلی و خارجی در تخریب چهره‌های قرآنی مشهور را تا چه اندازه به عنوان یک چالش برای توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه ارزیابی می‌کنید؟				چالش‌ها
۱۰	تأثیر تهجم فرهنگی و گسترش سبک زندگی غربی در توسعه فرهنگ قرآنی را تا چه اندازه به عنوان یک چالش برای توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه ارزیابی می‌کنید؟				چالش‌ها
۱۱	تعدّد و تکثر متولیان دولتی و فقدان یک ساختار مرکزی و مرجع را تا چه اندازه به عنوان یک آسیب برای توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه ارزیابی می‌کنید؟				آسیب‌شناسی
۱۲	فقدان نظام جامع حمایتی از فعالان قرآنی به صورت هوشمند و هدفمند را تا چه اندازه به عنوان یک آسیب برای توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه ارزیابی می‌کنید؟				آسیب‌شناسی
۱۳	باورمندی ناکافی به محوریت و اولویت قرآن کریم در مدیریت کلان کشور را تا چه اندازه به عنوان یک آسیب برای توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه ارزیابی می‌کنید؟				آسیب‌شناسی
۱۴	میزان نیازمندی منشور توسعه فرهنگ قرآنی به اصلاح یا تکمیل را تا چه اندازه به عنوان یک آسیب برای توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه ارزیابی می‌کنید؟				آسیب‌شناسی

نگارندگان بر اساس روش طیف لیکرت و با مقیاس پنج‌درجه‌ای، به طراح و تدوین پرسش‌نامه‌ای متناسب با اهداف پژوهش خود پرداخته‌اند تا با بهره‌گیری از نتایج حاصل از پاسخ‌های دریافتی، بر غنای پژوهش بیفزایند. در پرسش‌نامه‌ای که به روش طیف لیکرت طراحی شده، پاسخ‌دهنده با ملاحظه سؤالات (گویه‌ها)، بر اساس یک مقیاس سه یا پنج یا هفت‌درجه‌ای یا بیشتر، پاسخ لازم را ارائه می‌کند. طیف لیکرت برای اندازه‌گیری دیدگاه، احساس، قضاوت و به طور کلی موضوعاتی که قابل مشاهده نیست، اما بر رفتار اشخاص اثرگذار است، به کار می‌رود. سؤالات این پرسش‌نامه از نوع مفاهیم دوقطبی یا دوسویه و مبتنی بر اهداف پژوهش طراحی گردیده است

(نورمن، سادمن، ۱۳۸۵، ص ۱۵۰). برای تولید هر گویه از جدول زیر، از منابع پژوهشی دبیرخانه شورای توسعه فرهنگ قرآنی استفاده و به اختصار در جدول به آن اشاره شده است (سلمانی ماهینی، ۱۳۹۴، صص ۷۱-۷۷).

۴. روش شناسی پژوهش

روش تحقیق توصیفی پیمایشی نوعی روش تحقیق است که به جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه یا مصاحبه‌های ساختاریافته می‌پردازد. هدف اصلی این روش، توصیف و تحلیل ویژگی‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای مربوط به موضوع تحقیق است. در این روش، پژوهشگر به دنبال پاسخ به سؤالاتی خاص است که به درک بهتر یک پدیده اجتماعی، فرهنگی یا روان‌شناختی کمک می‌کند (حبیبی، ۱۴۰۰، ص ۶۲).

از آنجاکه هدف اصلی این پژوهش، آسیب‌شناسی موانع و راهکارهای توسعه فرهنگ قرآنی است، می‌توان گفت پژوهش حاضر از نظر هدف، در حیطه پژوهش‌های کاربردی قرار دارد. از سوی دیگر و با عنایت به اینکه در این پژوهش از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و نیز روش‌های میدانی (مانند پرسش‌نامه) استفاده شده است، می‌توان اذعان کرد که از منظر ماهیت و روش گردآوری داده‌ها، یک پژوهش توصیفی پیمایشی به حساب می‌آید. این پژوهش از یک جامعه آماری بالغ بر ۱۴۵۰ نفر، شامل جمعی از قاریان و حافظان و فعالان قرآنی و نیز اساتید و دانشجویان علوم قرآن و معارف اسلامی، مدیران مؤسسات و مراکز قرآنی مردمی و متولیان دولتی امر قرآن برخوردار است؛ همچنین از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند از نمونه آماری ۳۶۵ نفره، شامل مدیران مؤسسات و مراکز قرآنی و متولیان دولتی امر قرآن و نیز اساتید و دانشجویان علوم قرآن و حدیث بهره برده است. به‌علاوه برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار نظرسنجی (پرسش‌نامه) استفاده شده است. نتایج حاصل از جمع‌آوری داده‌ها بر اساس روش روایی همگرا (اعتبار) و روش پایایی بازآزمایی (قابلیت اعتماد) تأیید گردیده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز بر اساس روش تحلیل کیفی و با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا صورت پذیرفته است. این تحقیق در صدد است تا بر اساس این روش، با تمسک به قرآن و سیره پیشوایان معصوم علیهم‌السلام و نیز با نگاه تحلیلی به منشور توسعه فرهنگ قرآنی کشور، به آسیب‌شناسی مهم‌ترین موانع موجود در مسیر توسعه فرهنگ قرآنی بپردازد، تا از رهگذر این ارزیابی، اقدامات اصلاحی لازم پیش‌بینی گردد.

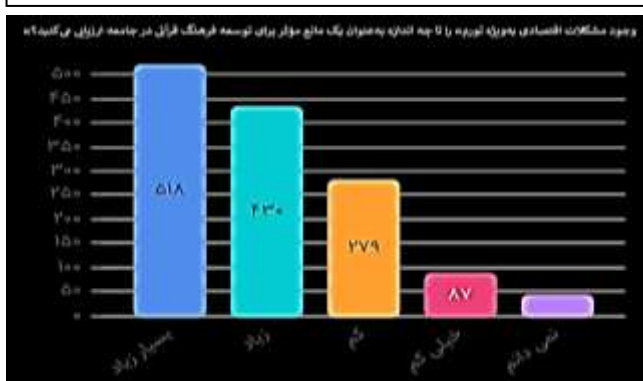
۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. جداول و نمودارها

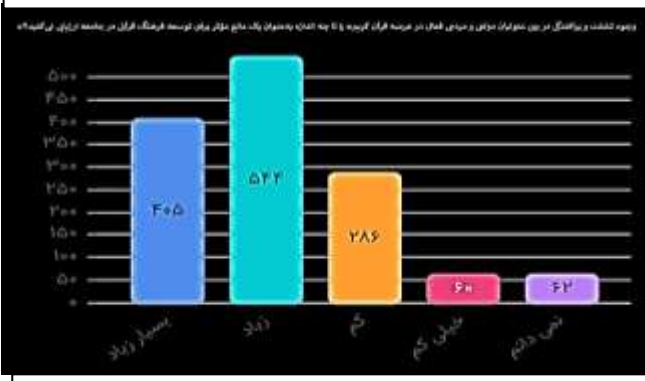
جدول مبتنی بر نتایج و متن سؤالات و نمودارهای به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه که رویکردی آسیب‌شناسانه دارد، به شرح زیر است:

ردیف	ابعاد	حیطه‌ها	موانع	درصد فراوانی پاسخ‌ها	میزان تأثیر زیاد و بسیار زیاد	میزان تشابه با نتایج پژوهش‌های پیشین
۱	موانع مربوط به ماهیت و محتوا	موانع مربوط به پاسخ‌گویی	میزان نیازمندی مشهور توسعه فرهنگ قرآنی به اصلاح یا تکمیل	۸۸	زیاد ۴۴ بسیار زیاد ۴۴	زیاد
			ایجاد ابهام‌ها و شبهه‌ها در بخش‌هایی از جامعه نسبت به آموزه‌های قرآنی و ارائه نکردن پاسخ‌های مناسب به آن‌ها	۸۱٫۵	زیاد ۴۱٫۵ بسیار زیاد ۴۰	زیاد
۲	موانع مربوط به مجریان و مردم	موانع مربوط به ویژگی‌های اعتقادی مجریان و مردم	باورمندی ناکافی به محوریت و اولویت قرآن کریم در مدیریت کلان کشور	۸۸	زیاد ۴۰ بسیار زیاد ۴۸	بسیار زیاد
			تغییر ذائقه فرهنگی و نگرش‌های اعتقادی مردم	۸۲	زیاد ۳۶ بسیار زیاد ۴۶	زیاد
۳	موانع مربوط به عوامل محیطی	موانع مربوط به ویژگی‌های رفتاری مجریان و مردم	تأثیر عملکرد نامناسب برخی از شخصیت‌های دینی و پیشکسوتان قرآنی	۷۵	زیاد ۴۲ بسیار زیاد ۳۳	زیاد
			تعدد و تکثر متولیان دولتی و فقدان یک ساختار مرکزی و مرجع	۸۸٫۵	زیاد ۴۳٫۵ بسیار زیاد ۴۵	بسیار زیاد
			وجود تعارضات موجود در گرایش‌های سیاسی چهره‌های شاخص قرآنی و تأثیرات مخرب آن در جامعه	۷۸٫۵	زیاد ۳۹٫۵ بسیار زیاد ۳۹	زیاد
			وجود تشکیلات و پراکندگی در بین متولیان دولتی و مردمی در عرصه قرآن کریم	۷۰	زیاد ۴۰ بسیار زیاد ۳۰	بسیار زیاد
۳	موانع مربوط به شرایط اقتصادی	موانع مربوط به مخاطبین	وجود مشکلات اقتصادی به‌ویژه گرانی و تورم	۷۰	زیاد ۳۲ بسیار زیاد ۳۸	بسیار زیاد
			تهاجم فرهنگی و گسترش سبک زندگی غربی	۸۶	زیاد ۳۳ بسیار زیاد ۵۳	بسیار زیاد
۳	موانع مربوط به متولیان دولتی	موانع مربوط به فضای مجازی	آلودگی‌های ناشی از استفاده آزاد و بی‌قاعده از فضای مجازی	۸۲	زیاد ۴۳ بسیار زیاد ۳۹	بسیار زیاد
			تخریب برخی از چهره‌های شاخص و مشهور قرآنی و ابهام‌زایی نکردن از جایگاه آنان	۷۵	زیاد ۳۴ بسیار زیاد ۴۱	زیاد
۳	موانع مربوط به متولیان دولتی	موانع مربوط به نظام اداری	ارائه نکردن الگوهای شایسته و جذاب قرآنی به جامعه از سوی متولیان مردمی یا دولتی عرصه قرآن	۷۹٫۵	زیاد ۴۴٫۵ بسیار زیاد ۳۵	زیاد
			فقدان نظام جامع حمایتی از فعالان قرآنی به صورت هوشمند و هدفمند	۸۳٫۵	زیاد ۴۰٫۵ بسیار زیاد ۴۳	بسیار زیاد

وجود مشکلات اقتصادی به‌ویژه تورم به عنوان یک آسیب برای توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه



وجود تشکیلات و پراکندگی در بین متولیان دولتی و مردمی فعال در عرصه قرآن کریم به عنوان یک آسیب برای توسعه فرهنگ قرآنی در



تأثیر آلودگی‌های ناشی از استفاده آزاد و بی‌قاعده از فضای مجازی به عنوان یک آسیب برای توسعه فرهنگ قرآنی در



تغییر ذائقه فرهنگی و نگرش‌های اعتقادی مردم به عنوان یک آسیب برای توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه



میزان عدم توفیق متولیان دینی مردمی یا دولتی یا هر دو در ارائه الگوهای شایسته و جذاب قرآنی به جامعه



ایجاد و گسترش ابهامات در گروه‌هایی از مردم نسبت به آموزه‌های دینی و قرآنی و ارائه نکردن پاسخ‌های مناسب به آن



تعارضات موجود در گرایش‌های سیاسی و اثرات آن بر جامعه



تأثیر عملکرد نامناسب برخی از شخصیت‌های دینی و پیشکسوتان قرآنی در توسعه فرهنگ قرآنی



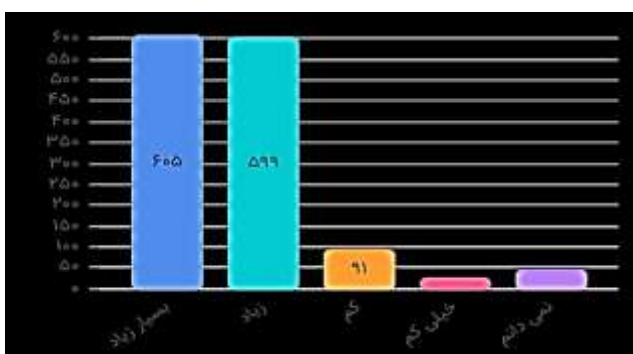
تأثیر تهاجم فرهنگی و گسترش سبک زندگی غربی در توسعه فرهنگ قرآنی



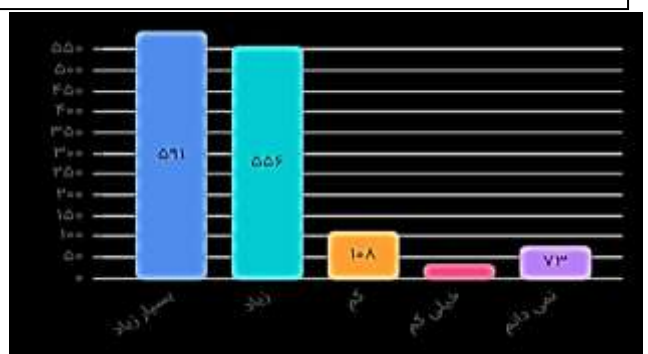
اقدامات شیطان‌آمیز دشمنان داخلی و خارجی در تخریب چهره‌های قرآنی مشهور



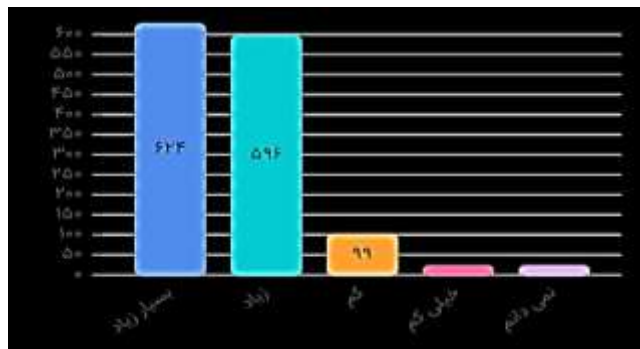
میزان نیازمندی منشور توسعه فرهنگ قرآنی به اصلاح یا تکمیل



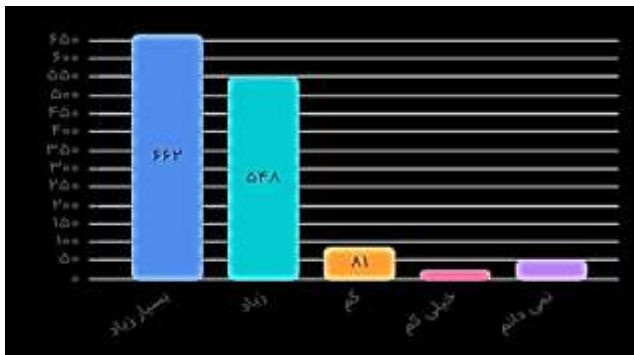
فقدان نظام جامع حمایتی از فعالان قرآنی به صورت هوشمند و هدفمند



تعدد و تکثر متولیان دولتی و فقدان یک ساختار مرکزی و مرجع



باورمندی ناکافی به محوریت و اولویت قرآن کریم در مدیریت کلان کشور



۲-۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از بررسی و ارزیابی نتایج حاصل از پاسخ‌های دریافتی، می‌توان با اطمینان، به موارد زیر اذعان کرد:

الف) متولیان مردمی و دولتی قرآن کریم نیازمند انسجام هرچه بیشتر و هماهنگی پایدار و هدفمند و بابرنامه هستند. این مهم می‌تواند در مسیر گسترش فرهنگ والای قرآن بسیار مؤثر واقع شود. یکی از بهترین راه‌های دستیابی به این مهم، پرهیز از تعدد و تکثر متولیان دولتی امر قرآن و تأسیس یک نهاد مرجع و همه‌جانبه‌نگر است.

ب) در میان موانع مختلفی که پرسش‌شوندگان درباره میزان تأثیر آن‌ها نظر داده‌اند، موانعی مانند اثرات مخرب تهاجم فرهنگی و گسترش سبک زندگی غربی، آلودگی‌های ناشی از استفاده بی‌قاعده و افسارگسیخته از فضای مجازی رهاشده، تغییر تدریجی ذائقه فرهنگی و نگرش‌های اعتقادی مردم و نیز تأثیرپذیری جامعه از ابهامات و شبهات ایجادشده از سوی معاندان و پاسخ‌گویی ناکافی به آن‌ها و ارائه نکردن الگوهای شایسته و جذاب قرآنی از سوی متولیان به جامعه، بیشترین تأثیر کاهنده را بر توسعه و گسترش فرهنگ قرآنی در جامعه داشته و دارد.

ج) اگر عملکرد متولیان مردمی قرآنی و چهره‌های مشهور، در این عرصه با لغزش یا خطای عامدانه و حتی سهوی همراه باشد و توسط عده‌ای مغرض یا جاهل، با ابزارهایی چون فضای مجازی در جامعه منتشر و بر حجم آن به صورت کاذب افزوده شود، می‌تواند بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به امر توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه وارد کند و جبران آن هم ممتنع یا بسیار دشوار است.

۳-۵. موانع ساختاری

در میان موانع توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه، برخی از آن‌ها اساسی و ریشه‌دار و بسیار مهم است؛ به‌گونه‌ای که خود موجب ایجاد موانع متعدد دیگری می‌شود. با رفع چنین موانعی، به طور طبیعی بسیاری از موانع پدیدآمده در مسیر گسترش و تعمیق فرهنگ حیات‌بخش قرآن و عترت علیهم‌السلام برطرف می‌شود. اهمیت فراوان این موانع به‌گونه‌ای است که رفع آن نیازمند عزمی جدی و اراده‌ای راسخ از سوی مجموعه فعالان قرآنی به‌ویژه متولیان دولتی این امر است. زدودن عالمانه و اصولی این موانع، مهم‌ترین اقدام اصلاحی برای توسعه فرهنگ قرآنی به شمار می‌آید.

۱-۳-۵. تعدد و تکثر متولیان دولتی قرآن کریم

یکی از موانع اساسی در مسیر توسعه فرهنگ قرآنی، تعدد و تکثر مراجع مؤسس و بنیان‌گذار نهادها و سازمان‌های دولتی در حوزه فعالیت‌های قرآنی است. مهم‌ترین اثر مخرب این مانع نابسامانی و سردرگمی در عرصه این فعالیت‌هاست. سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شورای توسعه فرهنگ قرآنی وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی، نهادهای

قرآنی وابسته به نیروهای نظامی و انتظامی، شورای عالی قرآن، سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور، سازمان دار القرآن الکریم، اداره پشتیبانی از فعالیت‌های قرآنی و دینی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای هماهنگی فعالیت‌های قرآن و عترت دانشگاه‌ها، مرکز قرآن و عترت وزارت بهداشت، سازمان قرآن و عترت بسیج، اتحادیه تشکل‌های قرآنی، مدیریت قرآن و حدیث حوزه‌های علمیه، اداره کل قرآن، نماز و عترت وزارت آموزش و پرورش، دانشکده‌های علوم قرآنی، گروه‌های علوم قرآن و حدیث دانشگاه‌ها و واحدها یا ادارات قرآنی و فرهنگی سایر ادارات و سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها، همه و همه به انواعی از فعالیت‌های متنوع قرآنی در حوزه‌های آموزش و پژوهش و تبلیغ و ترویج اشتغال دارند. اگرچه نهادهای مذکور بر اساس آیین‌نامه‌ها، شرح وظایف و شیوه‌نامه‌های مخصوص به خود، به فعالیت‌های ارزشمندی در این عرصه مشغولند، تحقق فراگیر توسعه فرهنگ قرآنی نیازمند انسجام و تمرکز و هدفمندی بیشتر این فعالیت‌ها در مسیر پیش‌بینی شده در منشور توسعه فرهنگ قرآنی است.

اساساً هر فرآیند اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی که از مدیریت چندگانه و هم‌سطح یا هم‌تراز برخوردار باشد، به دلیل اختلاف باورها، سلاقی، شیوه‌ها و تفاوت در شتاب عملکردها، به سرعت دچار تشتت و اضطراب می‌گردد و چنانچه این معضل برطرف نگردد، در نهایت به سردرگمی و ازهم‌پاشیدگی منجر می‌شود و حاصل همه تلاش‌ها و رنج‌ها را در کام خود فرو می‌برد. ساحت فعالیت‌های قرآنی نیز هرگز از این قاعده مستثنا نبوده و نیست. با بررسی آیات قرآن و نیز متون روایی و غور در حوادث صدر اسلام پس از رحلت جانگداز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، می‌توان نتیجه گرفت که یکی از اصلی‌ترین دلایل صبر تاریخی امام علی علیه السلام در مقابل غضب حق مسلمانان در زعامت جامعه اسلامی، پرهیز از هرگونه تشتت و چندگانگی برای حفظ و دوام نهال نوپای اسلام بوده است (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۴۹). میزان تشابه این نتیجه با نتایج آنچه از پژوهش‌های مشابه به دست آمده است، بسیار زیاد ارزیابی می‌شود (شعبانی‌فرد، ۱۳۹۹، صص ۱۸۰-۲۰۱).

۲-۳-۵. باورمندی ناکافی به محوریت و اولویت قرآن کریم در مدیریت کلان کشور

بی‌تردید جمهوری اسلامی ایران نظامی برخاسته از عمق باورهای دینی با پشتوانه رهبری مرجعیت عالی فقیه جامع‌الشرایط و خون‌های مطهر شهیدان راه خدا و شیفتگان قرآن و عترت علیهم السلام است که این نظام را بر پایه تعالیم قرآن و عترت علیهم السلام و با تحمل سختی‌ها و رنج‌های فراوان بنا کرده‌اند. بدیهی است در چنین نظامی، قرآن کریم و تعالیم اهل بیت علیهم السلام باید به مثابه دو بال پرواز و پیشرفت در همه عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مورد توجه ویژه قرار گیرد. لیکن مشاهده وضع موجود، از منظر میزان رسوب فرهنگ والای قرآن و عترت علیهم السلام در جای‌جای جامعه اسلامی، نشان از لزوم توجه مضاعف به جایگاه باعظمت قرآن کریم دارد. اگر جامعه اسلامی را همانند سایر جوامع، مجموعه‌ای درهم‌تنیده از نظام‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بدانیم و با دقت جایگاه فرهنگ قرآنی را در این نظام‌های چهارگانه بررسی کنیم، شاهد وجود شکاف‌ها و فاصله‌های زیاد نظام‌های مذکور با فرهنگ قرآنی خواهیم بود. این ادعا، نتیجه‌ای است که علاوه بر بررسی‌های مطالعاتی و کتابخانه‌ای، به شهادت آمار و ارقام حاصل از پژوهش‌های میدانی و پرسش‌نامه نیز با اطمینان بالا قابل اثبات است (شعبانی‌فرد، ۱۳۹۹، صص ۱۸۰-۲۰۱).

اما آنچه مهم است و در این مجال، پرداختن به آن ضروری به نظر می‌رسد، چرایی این ضرورت آشکار و مهم است. باید دید جامعه‌ای که بر پایه تعالیم قرآن کریم و معارف بلند اهل بیت علیهم السلام و با محوریت فقاهت شیعی به پا خاسته است، چرا در این زمینه به وضع

مطلوب دست نیافته است؟ چه دلایل یا عواملی موجب پدید آمدن این شرایط و فاصله گرفتن جامعه و نظام حکمرانی از این فرهنگ متعالی و حیات آفرین شده است؟ باید به عنوان یک اقدام اصلاحی ساختاری در مدیریت کلان کشور، باید اساساً ضابطه یا التزام قانونی وجود داشته باشد تا مدیران اجرایی، تصمیم‌ساز یا تصمیم‌گیر را ملزم کند تصمیم‌ها و فرآیندهای اجرایی موردنظر خود را در تمام عرصه‌ها، مبتنی بر تعالیم قرآن و عترت علیهم‌السلام به انجام رسانند. این امر، خود به طور طبیعی باعث می‌شود مدیران ارشد نظام اسلامی اولاً خود را موظف به آشنایی با قرآن و عترت علیهم‌السلام و تمسک مستمر به آن بدانند که در نتیجه، تبدیل به مدیرانی مطلع از معارف بلند قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام می‌شوند؛ ثانیاً ایشان در هنگام تصمیم‌سازی یا تصمیم‌گیری و اجرای آن، خود را نیازمند به انطباق آن تصمیم‌ها با تعالیم این کتاب آسمانی می‌بینند. میزان تشابه این نتیجه با آنچه از پژوهش‌های مشابه به دست آمده است نیز بسیار زیاد ارزیابی می‌شود (شعبانی فرد، ۱۳۹۹، صص ۱۸۰-۲۰۱).

۳-۳-۵. فقدان نظام جامع حمایت از فعالان قرآنی به صورت هوشمندانه و هدفمند

بی‌تردید توسعه فرهنگ قرآنی که برای جامعه اسلامی امری بسیار مهم و ضروری به شمار می‌آید، کار چندان ساده و آسانی نیست؛ چراکه برای تحقق توسعه فرهنگ قرآنی، متولیان دولتی و مردمی امر قرآن باید ابتدا خود توانمند شوند. سپس بر اساس طرح و برنامه‌ای جامع و هدفمند و هوشمندانه باید این توانمندی‌ها در طول یکدیگر با هم جمع شوند و به صورت هم‌افزا عمل کنند. حمایت‌های مؤثری از فعالان قرآنی اعم از قاریان، حافظان، مدیران و مربیان از سوی نهادهای مختلف انجام شده و می‌شود، لیکن این حمایت‌ها نیازمند نظامی جامع و هدفمند و مؤثر است. نهادها و دستگاه‌های مختلف متولی امر قرآن کریم، مانند شورای توسعه فرهنگ قرآنی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونت قرآن و عترت آن، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه و سایر دستگاه‌ها، هر کدام متناسب با ظرفیت‌های فرهنگی و اقتضانات مالی خود به حمایت از فعالان قرآنی اهتمام داشته و دارند و حتی در این باره ضوابط و آیین‌نامه‌ها و مقرراتی هم تدوین کرده و به تصویب رسانده‌اند یا در قالب فراخوان‌های متعدد در حمایت از طرح‌ها و برنامه‌های قرآنی در سطح کشور سعی بلغی نموده‌اند، اما نگارندگان بر این امر مهم تأکید می‌کنند که این حمایت‌ها اولاً باید منسجم و هدفمند باشد، ثانیاً حمایت‌های نهادها و دستگاه‌های مختلف با یکدیگر باید متمرکز و هم‌افزا شود و ثالثاً به صورت کلی و کلان، کشور نیازمند یک نظام جامع حمایتی از فعالان قرآنی اعم از حقیقی یا حقوقی است که بتواند به صورت هوشمندانه و هدفمند و بر اساس نیازهای واقعی و اساسی‌شان، به گونه‌ای از آن‌ها حمایت کند که علاوه بر ایجاد دلگرمی مضاعف برای ایشان و همه دستداران فعالیت‌های قرآنی، دغدغه‌های مادی و معیشتی آنان را فرونشاند؛ چه اینکه بر اساس آیه ۷ سوره محمد علیهم‌السلام، یکی از مصادیق یاری خداوند بر اساس روایات، یاری کتاب آسمانی اوست (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۱۶۹). میزان تشابه این نتیجه با نتایج آنچه از پژوهش‌های مشابه به دست آمده است، بسیار زیاد ارزیابی می‌شود (شعبانی فرد، ۱۳۹۹، صص ۱۸۰-۲۰۱).

۴-۳-۵. انحرافات و آلودگی‌های ناشی از استفاده آزاد و بی‌قاعده از فضای مجازی

هم‌اکنون بسیاری از شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای با جذاب‌ترین و درعین حال پیچیده‌ترین شیوه‌های ممکن، مشغول فعالیت‌های ضد دینی و ضد اخلاقی هستند (حسینی، ۱۳۹۴، صص ۹-۱۴). از طرف دیگر و با گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی و تعاملی، حجم عظیمی از جمعیت فعال جهان و ایران، با شتابی وصف‌ناپذیر به سمت استفاده از این فناوری‌ها در قالب تلفن همراه، ماهواره، شبکه

جهانی اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و اخیراً هوش مصنوعی سوق یافته‌اند. این موضوع توجه ویژه دشمنان اسلام و قرآن را به خود جلب کرده است تا با گسترش فرهنگ استفاده مستمر از فضای مجازی از یک‌سو و ارائه و تزیین مطالب و محتواهای غیردینی، ضد دینی، غیراخلاقی و شهوت‌گرایانه از سوی دیگر، اذهان و افکار و باورهای نوجوانان و جوانان و بزرگسالان را آماج تهاجمی گسترده و عمیق و وحشتناک قرار دهند و با تمسک به این فناوری‌های نوین، آرام‌آرام با تغییر باورها و آداب و رسوم و نیز ارزش‌ها و ضد ارزش‌های مردم، فرهنگ منحط و منحرف خویش را تبلیغ و ترویج کنند و در نهایت با ایجاد «گسل نسلی» در باورهای جامعه، از نسل نو جمعیتی بسازند که یا نسبت به اسلام و قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام بی‌تفاوت و مردّد و سطحی‌نگر است، یا شوربختانه به جمع مخالفان اسلام و قرآن پیوسته و با خرافه دانستن بسیاری از حقایق و حیانی، با آن مبارزه می‌کند. در کشور ما علی‌رغم تشکیل نهادهایی چون شورای عالی فضای مجازی و تصویب برخی از مقررات و ضوابط ضروری، فضای مجازی هم‌اکنون به دلیل فقدان قوانین و مقررات جامع و مانع و نیز نبود نظارت مؤثر و مستمر، همانند یک افعی هفت‌سر در حال بلعیدن اعتقادات و باورها و ارزش‌های فرد و اجتماع است و بزرگ‌ترین ضربه‌ها را بر پیکره ایمان و اعتقاد مردم به‌ویژه جوانان فرود می‌آورد. بنابراین مهم‌ترین اقدام اصلاحی در این عرصه، مدیریت هوشمندانه و هدفمند و مستمر فضای مجازی است. میزان تشابه این نتیجه با نتایج پژوهش‌های مشابه نیز بسیار زیاد ارزیابی می‌شود [\(سلمانی ماهینی، ۱۳۹۴، ص ۹۲\)](#).

۵-۳-۵. تأثیر عملکرد نامناسب برخی از شخصیت‌های دینی و پیشکسوتان قرآنی

به‌طورکلی در همه جوامع بشری، عملکرد شخصیت‌های برجسته و مورد عنایت مردم تأثیر بسزایی بر باورها و نیز عملکرد عموم مردم داشته و دارد. می‌توان از آن این موضوع با عنوان «ارائه الگوهای شایسته یا ناشایست» نیز یاد کرد که در میان ادیان و جوامع و ملل مختلف از دیرباز مورد توجه و اهتمام بوده است. در اسلام نیز معرفی الگوهای شایسته یکی از راه‌های جدی جلب و تقویت باورها به حقایق دینی بوده است. بسیاری از عالمان و شخصیت‌های برجسته اسلامی و قرآنی در طول تاریخ با مجاهدت‌های بی‌نظیر و ایثار جان و مال و آبروی خود مدافع حقیقی حریم پاک اسلام و قرآن بوده‌اند، لیکن تعداد اندکی از شخصیت‌های مشهور دینی یا پیشکسوتان قرآنی، علی‌رغم برجستگی‌ها و شایستگی‌های خود، در برخی مواقع از عملکرد شایسته‌ای در عرصه‌های خانوادگی، اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی برخوردار نبوده‌اند. در این میان، اقدامات شیطنت‌آمیز دشمنان داخلی و خارجی اسلام و نظام اسلامی در بازتاب و ضریب دادن به این غفلت‌ها و در نتیجه تخریب گسترده و وسیع چهره‌های شاخص را نیز نباید از نظر دور داشت. بررسی تاریخ دین اسلام نیز نشان می‌دهد، ضربه‌های سهمگینی که برخی از چهره‌های شاخص از صحابه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به‌خصوص پس از وفات ایشان، به اعتقادات و باورها و در مجموع به پیشرفت اسلام وارد کردند، تأثیرات مخرب و برجسته‌ای داشت. تجمل‌گرایی، دنیاطلبی، ریاست‌طلبی، انحرافات سیاسی، فقدان بصیرت در امور اجتماعی و سیاسی و نیز انحصارطلبی و ویژه‌نگاری در مورد خود یا خانواده و فرزندان، از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که برخی از چهره‌های مشهور دینی یا پیشکسوتان قرآنی به آن دچار شده‌اند. یک نمونه مشهور، زبیر بن عوام پسر عمه پیامبر و امام علی علیه‌السلام است که با آن سوابق ارزشمند در جنگ و جهاد برای پیشرفت اسلام در زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، پس از وفات ایشان به دلایل مختلفی از جمله جاه‌طلبی و وسوسه‌های فرزندش عبدالله، از مسیر دفاع از ولایت امام علی علیه‌السلام منحرف گردید. این مهم در حالی بود که او پس از وفات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، از بیعت با ابوبکر سر باز زد و در زمره یاران خاص امام علی علیه‌السلام قرار گرفت. امام علی علیه‌السلام درباره او فرمود: «زبیر همیشه از ما اهل بیت علیهم‌السلام بود؛ تا آن زمان که فرزند نامبارک او عبدالله بزرگ شد» [\(نهج البلاغه، حکمت ۴۵۳\)](#).

به نظر می‌رسد بروز رفتارهای مغایر با معیارهای قرآنی از سوی متولیان قرآنی یا فعالان شهیر این عرصه، می‌تواند موجبات دلسردی بسیاری از آحاد جامعه به‌ویژه نوجوانان و جوانان از فراگیری قرآن کریم و معارف بلند آن را فراهم آورد؛ به‌ویژه آنکه دشمنان اسلام در کمین نشسته و آماده‌اند تا کمترین و کوچک‌ترین غفلت‌ها را به کمک رسانه و ابزارهای نوین ارتباطی، به بزرگ‌ترین انحرافات فاحش و مضمّن‌کننده بدل کنند و از این رهگذر به هدف اصلی خود، یعنی جلوگیری از نشر و ترویج فرهنگ انسان‌ساز قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام دست یابند. میزان تشابه این نتیجه نیز با نتایج پژوهش‌های مشابه، زیاد ارزیابی می‌شود (سلمانی ماهینی، ۱۳۹۴، ص ۹۶).

۵-۳-۶. وجود مشکلات عدیده اقتصادی، به‌ویژه گرانی و تورّم

اساساً در هر جامعه‌ای، شرایط اقتصادی حاکم بر مردم، پیوندی اجتناب‌ناپذیر با فرهنگ و اعتقادات مردم آن جامعه دارد. احتمال گرفتار شدن فرد یا اجتماعی که دچار مشکلات عدیده اقتصادی به‌ویژه تورّم و گرانی افسارگسیخته است، در دامن رفتارهای ناصحیح و گناه‌آلود اقتصادی افزایش می‌یابد؛ به این دلیل که آن فرد و جامعه برای تأمین مایحتاج و نیازهای اولیه خود و خانواده ناچار به سختی می‌افند. به سخن دیگر، در این شرایط سخت، افرادی که ایمان مستحکم و پایداری ندارند و به طور نسبی جمع زیادی از جامعه را تشکیل می‌دهند، ممکن است به سمت اموری مانند ربا، تقلّب، غش در معامله، گران‌فروشی، ویژه‌خواری و مانند آن سوق یابند. لقمه حرام که نتیجه شوم رفتارهای گناه‌آلود اقتصادی است، وقتی در درون خانواده و به تدریج جامعه جای گیرد، افراد را از تلاوت و فهم قرآن کریم و نیز عمل مؤمنانه به مقتضای تعالیم انسان‌ساز آن باز می‌دارد و این امر خود به یک آسیب جدی برای توسعه فرهنگ قرآنی تبدیل می‌شود. به‌علاوه تشدید مشکلات و تنگناهای اقتصادی و به‌خصوص پدید آمدن معضلات خاص اقتصادی، مانند گرانی‌های چندباره، موجب می‌شود توجه افراد به طور فزاینده به مدیریت و حلّ این موضوع جلب شود و عملاً وقت و حوصله و حتی کوشش و علاقه‌مندی افراد را به معنویات به‌ویژه قرآن کریم کاهش دهد. البته گروهی از اهل ایمان به دلیل ایمان مستحکم خود، حتی در اوج مشکلات اقتصادی، ضمن حفظ کردن اقتصاد خود از لقمه حرام، بر همت و ارتباطشان با مظاهر دینی چون نماز، قرآن، توسّل و مانند آن می‌افزایند. لیکن این گروه تنها بخش کوچکی از جامعه را تشکیل می‌دهند و بسیاری از افراد در چنین شرایطی، هم به روابط اقتصادی ناسالم تن می‌دهند و هم نسبت به تعالیم قرآن و معارف اهل بیت علیهم‌السلام کم‌توجه می‌شوند. بر این اساس، لزوم مدیریت مناسب اقتصاد کشور به عنوان یک اقدام اصلاحی، امری کاملاً روشن به نظر می‌رسد. میزان تشابه این نتیجه با نتایج پژوهش‌های مشابه بسیار زیاد ارزیابی می‌شود (سلمانی ماهینی، ۱۳۹۴، ص ۴۸).

۵-۳-۷. تعارضات موجود در گرایش‌های سیاسی و اثرات آن بر جامعه

اگر در جامعه‌ای، بر اساس تعالیم دین اسلام، نظام و حکومت اسلامی حاکم باشد، به طور طبیعی زمامداران و حاکمان بیش از جوامع سکولار مورد توجه مردم قرار می‌گیرند. در نظام جمهوری اسلامی که بر پایه فقه شیعه و به رهبری یک فقیه جامع‌الشرایط تشکیل شده، بالطبع رفتارهای سیاسی مدیران و مسئولان نهادها و دستگاه‌های مختلف، از نگاه تیزبین مردم مخفی نمی‌ماند. به‌علاوه وجود ابزارهای نوین ارتباطی نظیر شبکه‌های اجتماعی، موجب می‌شود بسیاری از زوایای پنهان عملکرد شخصی و کاری مدیران و مسئولان نظام اسلامی در زمانی بسیار کوتاه در معرض دید و قضاوت آحاد مردم قرار گیرد. بدیهی است در چنین جامعه‌ای، وجود گرایش‌های سیاسی مختلف و تعارض‌های ناشی از آن، می‌تواند اثرات مخربی در امور سیاسی و اجتماعی و حتی در میزان تقیّد و اعتنای مردم به

فرهنگ دینی حاکم برجا گذارد؛ به‌خصوص اگر جناح‌های سیاسی در موقعیت‌های ویژه نظیر انتخابات، بی‌محابا به نقد غیرمنصفانه یکدیگر پردازند و برای جلب توجه مخاطبان به خود و دور کردن آنان از جناح رقیب، انواعی از اتهامات و نسبت‌های ناروا را نثار یکدیگر کنند. در چنین موقعیتی مردم احساس می‌کنند زمامداران که به‌نوعی رهبران دینی جامعه محسوب می‌شوند یا به آنان انتساب دارند، خود از تعهد دینی و اخلاقی برخوردار نیستند. بنابراین تنظیم شایسته تعاملات سیاسی و التزام به قانون از سوی همگان به‌ویژه مسئولان نظام، اقدام اصلاحی بسیار مؤثری به شمار می‌آید. میزان تشابه این نتیجه با نتایج پژوهش‌های مشابه زیاد ارزیابی می‌شود (شعبانی‌فرد، ۱۳۹۹، صص ۱۸۰-۲۰۱).

۴-۵. موانع فرعی

پس از برشماری و تبیین موانع ساختاری توسعه فرهنگ قرآنی، اکنون در ادامه، به‌اجمال و به صورت بسیار فشرده، به مهم‌ترین موانع فرعی توسعه و تعمیق فرهنگ قرآنی در جامعه اشاره می‌کنیم. مقصود ما از موانع فرعی، آن دسته از موانعی است که نتیجه قهری و طبیعی موانع ساختاری یا موانعی است که با سطح اهمیت و تأثیرگذاری پایین‌تر نسبت به موانع ساختاری، در راه توسعه فرهنگ قرآنی به عنوان عاملی بازدارنده و سلبی عمل می‌کند و تأثیرگذار است. بدیهی است که نباید نسبت به این موانع نیز غفلت کرد؛ چراکه آن‌ها به نوبه خود عاملی بازدارنده برای دستیابی به توسعه و ترویج فرهنگ حیات‌بخش قرآن و عترت ﷺ به حساب می‌آید و برای زدودن هر کدام باید به طور مناسب و حساب‌شده، برنامه‌ریزی اقدام کرد.

۴-۵-۱. ضعف در جذب فعالان قرآنی کارآمد و متخصص

به‌طورکلی یکی از موانع مشهود در بدنه دستگاه‌ها و نهادهای دولتی متولّی امر قرآن، فقدان یا کمبود معنادار نیروهای متخصص و کارآمد قرآنی است که هم از دانش و تحصیلات مناسب در رشته‌های مختلف علوم قرآن و حدیث برخوردار باشند و هم از لحاظ اجرایی سوابق و تجارب ارزشمندی داشته باشند. البته این مشکل با شدت و دامنه کمتری، در متولیان مردمی قرآن نیز وجود دارد و به‌وضوح قابل مشاهده و ارزیابی است. البته هم در بدنه نهادهای قرآنی دولتی و هم در تاروپود مؤسسات و مراکز قرآنی مردمی، فرهیختگانی بسیار کارآمد و دانش‌پایه حضور دارند، لیکن این عده، به تناسب نیاز برای تحقق توسعه فرهنگ قرآنی، درصد اندکی از آنچه شایسته و بایسته است تشکیل می‌دهند و در این زمینه کمبود وجود دارد. امروزه در علم مدیریت، یکی از اصلی‌ترین ارکان مدیریت فرایندها را وجود منابع انسانی کاردان و پیرانگیزه می‌دانند؛ در نتیجه وجود چنین کمبودی، خبر از آسیبی جدی در فرآیند توسعه فرهنگ دینی و قرآنی می‌دهد (برومندنسب، ۱۳۹۹، ص ۱۹).

۴-۵-۲. فقدان نظارت بر فعالیت‌های قرآنی و ارزیابی مستمر و مؤثر آن

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، طرح‌های مختلفی به ارزیابی و نظارت فعالیت‌های قرآنی در عرصه‌های مختلف دولتی و مردمی و ارزشیابی عملکردهای متفاوت مجریان آن‌ها در کشور پرداخته و زحمات زیادی برای این مهم تقبل شده است، لیکن این نظارت‌ها اولاً نیازمند فرآیند مستمر و تکرارشونده در فواصل زمانی منظم است و ثانیاً نتایج حاصل از آن باید منجر به بازخوردهای جدی در فرآیندهای اجرایی و حتی علمی و دانش‌پایه در این فعالیت‌ها و مجریان آن شود. بنابراین به نظر می‌رسد این نظارت و ارزیابی‌ها باید به صورت

معناداری تقویت شود. طبعاً در هر فرآیند گسترده اجتماعی، سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی خاطیان و فرصت طلبان و چندچهرگانی طماع و ناکارآمد وجود دارند که بر اساس نتایج حاصل از ارزیابی‌ها باید با آنان برخورد کرد. فرآیندهای قرآنی نیز از این امر مستثنا نیست؛ لیکن پس از ارزیابی‌ها و انتشار نتایج نظارت‌های انجام‌شده، انجام برخوردهای انضباطی مورد انتظار است و نباید با تسامح و مصلحت‌اندیشی همراه شود (برومندنسب، ۱۳۹۹، صص ۱۲۱-۱۲۵).

۳-۴-۵. اشتغال اجرایی مضاعف فعالان قرآنی و تمرکز نداشتن بر فعالیت‌های قرآنی

حقیقت آن است که به دلایل مختلف، جمع کثیری از متولیان دولتی و مردمی امر قرآن، به فعالیت‌های متنوعی در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی اشتغال دارند؛ تا آنجا که فعالیت‌های قرآنی تنها بخشی از کار ایشان را تشکیل می‌دهد و در نتیجه آنان به هیچ‌وجه امکان فعالیت متمرکز و مستمر و منسجم برای پیشبرد اهداف کلان قرآنی در جامعه را ندارند. در بسیاری از موارد، تنها سهم بسیار اندکی از وقت و انرژی شخصیت‌ها و چهره‌های شاخص قرآنی در عرصه‌های مختلف علمی و پژوهشی، عملی و اجرایی و حتی مدیریتی، در خدمت توسعه فرهنگ قرآنی قرار می‌گیرد و همان سهم اندک هم متأسفانه گاهی با اشتباهات و موازی‌کاری‌ها و رقابت‌های ناسالم درمی‌آمیزد. البته افراد خردوم و ارزشمندی نیز هستند که همه عمر و زندگی و امکانات مادی و معنوی خود را به پای خدمت به قرآن آورده‌اند، لیکن این عزیزان در مقایسه با میزان موردنیاز برای دستیابی به هدف والای توسعه فرهنگ قرآنی در کشور، بسیار محدود و کم‌شمارند (شعبانی‌فرد، ۱۳۹۹، صص ۸۵-۹۲).

۴-۴-۵. فقدان سامانه‌های جامع اطلاعاتی در عرصه فعالیت‌های قرآنی

بی‌تردید آنچه برای موفقیت در هر فرآیندی، پیش‌نیاز اولیه و مهمی برای طراحی برنامه‌های لازم جهت تحقق اهداف مدنظر صاحبان فکر و اندیشه است، شناخت کافی و جامع از کلیات و جزئیات مربوط به آن فرآیند است. برای دستیابی به شناخت همه‌جانبه نیز نیاز مبرم به اطلاعات کمی و کیفی جامع وجود دارد تا برنامه‌ریزان و طراحان زبردست بر اساس آن اطلاعات، به شناختی نزدیک به واقعیت موجود آن فرآیند دست یابند. مجموعه فعالیت‌های خرد و کلان قرآنی نیز از این امر مستثنی نیست. لیکن آنچه خود را به وضوح، به عنوان مانعی جدی در مسیر تحقق توسعه و گسترش فرهنگ قرآنی در جامعه نشان می‌دهد، فقدان یک نظام جامع و طبقه‌بندی‌شده و است. طراحی چنین نظامی می‌تواند اطلاعات قرآنی (شامل انواع طرح‌ها و برنامه‌های خرد و کلان، پژوهشگران موردنیاز، اساتید، پیشکسوتان و مربیان قرآنی و سطح کمی و کیفی فعالیت‌های آنان) و نیز انواع و تعداد مراکز، تشکلهای، انجمن‌ها و مؤسسات مردمی و حوزه‌های واقعی فعالیت‌های قرآنی آنان و از همه مهم‌تر، جهت حرکت و تلاش آنان و میزان انطباق آن بر اهداف توسعه‌ای فرهنگ قرآن و عترت علیهم‌السلام را به گونه‌ای مناسب در دسترس فعالان و مدیران قرآنی کشور قرار دهد (سلمانی ماهینی، ۱۳۹۴، صص ۱۲۷-۱۳۱).

۵-۴-۵. فراگیر نبودن منشور توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه

منشور توسعه فرهنگ قرآنی پس از گذشت نزدیک به پانزده سال از تصویب و ابلاغ آن، به طور قطع نیازمند بازنگری و اصلاح و تکمیل است، ولی در حال حاضر بهترین و مهم‌ترین سند بالادستی عرصه قرآن کریم در نظام اسلامی به شمار می‌آید. با وجود این، نه تنها آحاد مردم از وجود چنین سندی بی‌اطلاعند، بلکه جمع کثیری از فعالان قرآنی اعم از دولتی یا مردمی نیز از وجود چنین سند راهبردی و

مهمی آگاهی‌چندانی ندارند؛ زیرا نهاد متولی اصلی، یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی، به پیگیری ابلاغ این سند با امضای رئیس‌جمهور و تشکیل کمیسیون‌های وابسته به آن و نیز تشکیل جلسات متعدد و تدوین و صدور اسناد راهبری توسعه فرهنگ قرآنی بسنده کرده است و عملاً تشکّل‌ها یا نهادهای قرآنی مردمی یا دولتی ملزم به آشنایی با این منشور و تطبیق برنامه‌ها و فعالیت‌های خود با آن نشده‌اند؛ همچنین نظارت کافی نیز در این زمینه وجود ندارد و حتی مقررات، ضوابط یا قوانینی هم که همگان را به حرکت در مسیر تحقق این منشور ملزم کند، به تصویب نرسیده یا لازم‌الاجرا نشده است. نتیجه این ترک فعل‌ها، فراگیر نشدن مهم‌ترین سند راهبردی توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه و به‌ویژه در بین فعالان قرآنی کشور است. در نتیجه انتظار تحقق توسعه و گسترش فرهنگ والای قرآن و عترت علیهم‌السلام، انتظاری غیر معقول و نامتناسب است (سلمان‌ی ماهینی، ۱۳۹۴، صص ۱۸۱-۲۲۵).

از دیگر موانع فرعی می‌توان به تعدّد مراجع صدور مجوز برای فعالیت‌های قرآنی، فقدان سازوکاری برای مشارکت گسترده نخبگان قرآنی در تصمیم‌سازی‌ها، شکل‌گیری فعالیت‌های قرآنی به صورت غیر منسجم و غیرهم‌افزا و ناکافی بودن مدیران توانمند قرآنی اشاره کرد (سلمان‌ی ماهینی، ۱۳۹۴، صص ۱۸۱-۲۲۵) که تفصیل آن‌ها خود مجال دیگری می‌طلبد.

نتیجه‌گیری

در مجموع، از بررسی و ارزیابی داده‌های حاصل از انجام پژوهش حاضر، می‌توان با اطمینان نتیجه گرفت که اولاً توسعه فرهنگ قرآنی در سطح کلان و در جای‌جای نظام‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه امری شدنی و امکان‌پذیر است؛ لیکن حصول این فرآیند مبارک، نیازمند مقدمات، عوامل، رفع موانع و آسیب‌ها، اجرای روشمند و همه‌جانبه و نظارت و پایش مستمر است. ثانیاً برای تحقق توسعه فرهنگ قرآنی، همانند هر فرآیند محوری دیگر، ابتدا باید با آسیب‌شناسی همه‌جانبه مهم‌ترین موانع اصلی و فرعی پایش رو، به شناختی عالمانه و کامل و جامع از وضع موجود دست یافت و سپس از مهم‌ترین عوامل و شاخصه‌های اساسی برای تحقق این مهم آگاه شد. در گام بعدی لازم است به موانع شناسایی شده به صورت ویژه توجه کنیم و با اقدامات اصلاحی مناسب و مبتنی بر روش‌های عالمانه و کارشناسی شده، به رفع و دفع آن‌ها همّت گماریم. ثالثاً در خصوص موانع توسعه فرهنگ قرآنی، باید ابتدا به رفع موانع اصلی و ساختاری پرداخت؛ چه اینکه از میان برداشتن هر کدام از آن‌ها به منزله حذف بسترهای فرصت‌سوز و مخرب در این مسیر نورانی و جلوگیری از بروز موانع فرعی متعدّد و متکثّری است که می‌تواند ناشی از این موانع ساختاری باشد. به‌علاوه، به طور طبیعی و با حذف موانع ساختاری توسعه فرهنگ قرآنی، فرصت‌های جدید و بسترهای رشددهنده این فرآیند پدیدار می‌شود و شتاب حرکت صحیح در این مسیر را بیش‌ازپیش فراهم می‌کند. رابعاً با عنایت به فاصله معنادار وضع موجود قرآنی کشور با وضع مطلوب آن، مطابق با آنچه در منشور توسعه فرهنگ قرآنی پیش‌بینی شده است، بازنگری و اصلاح و تکمیل این منشور و به‌ویژه تلاش برای فراگیر شدن رجوع و اهتمام به منویات منشور توسعه در بین متولیان مردمی و دولتی قرآن کریم و پیش‌بینی ابعاد اجرایی الزام‌آور و درعین حال هدفمند و هوشمندانه برای آن، امری بسیار ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

ملاحظات اخلاقی:

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آن‌هاست.

مشارکت نویسندگان

مشارکت نویسندگان در مقاله مستخرج از پایان نامه:

نویسنده اول و مسئول: حسین قادری بغدادآباد

نویسنده دوم: استاد راهنمای پایان نامه، آقای دکتر علی صفری.

نویسنده سوم: استاد مشاور پایان نامه، آقای دکتر جلیل پروین.

نویسنده چهارم: استاد مشاور پایان نامه، آقای دکتر حسن اصغرپور.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

حمایت مالی

نویسندگان اظهار می‌دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچ‌گونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده‌اند.

سپاسگزاری

از استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر علی صفری که در طول نگارش این مقاله بارها از راهنمایی‌ها و نظرات ارزشمندشان بهره برده‌ام و

نیز از اساتید محترم مشاور آقایان دکتر جلیل پروین و دکتر حسن اصغرپور صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم.

همچنین از همراهی گران‌سنگ معاونت محترم پژوهش مؤسسه فرهنگی هنری قرآنی ثقلین یزد که بنده را در این فرآیند علمی به‌خوبی یاری

نموده‌اند نیز خاضعانه سپاسگزاری می‌کنم.

از داوران معزز این مقاله که با ارائه نظرات اصلاحی ارزشمندشان بر غنای علمی و استحکام ساختاری این مقاله افزودند نیز صمیمانه

قدردانی می‌کنم.

- قرآن کریم (محمدمهدی فولادوند، مترجم).
- نهج البلاغه (صبحی صالح، مترجم).
- اسلامی ندوشن، محمّدعلی. (۱۳۵۴). فرهنگ و شبه فرهنگ. توس.
- العیاشی، محمّد بن مسعود. (۱۳۸۰ ق). تفسیر العیاشی. المطبعة العلمیة.
- آشوری، داریوش. (۱۳۵۷). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- برومندنسب، علی. (۱۳۹۹). مدیریت اسلامی از منظر قرآن و نهج البلاغه. اکبرزاده.
- بنیانیان، حسن. (۱۳۹۵). پیوست فرهنگی، ضرورت‌های وجودی، راهکارها و فرآیندهای تدوین. سوره مهر.
- تایلر، ادوارد برنت. (۱۸۷۱ ق). فرهنگ ابتدایی.
- جمالی، عبدالرسول. (۱۴۰۰). طرح آمار سرانه قرائت قرآن. انتشارات دبیرخانه شورای توسعه فرهنگ قرآنی کشور.
- حبیبی، آرش. (۱۴۰۰). روش پیشرفته پژوهش. نارون دانش.
- حسینی، سیده صدیقه. (۱۳۹۴). اهداف فرهنگی در جنگ نرم رسانه‌ای. مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.
- خالوزاده، فرشاد. (۱۴۰۲). شناسایی و اولویت‌بندی اجرای موانع بانکداری اسلامی در ایران. اولین همایش ملی پژوهش‌های نوپدید در حسابداری، مالی، مدیریت و اقتصاد با رویکرد توسعه اکوسیستم نوآوری.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا. روزنه.
- دیلمی، حسن بن محمّد. (۱۴۰۸ ق). أعلام الدّین فی صفات المؤمنین. مؤسّسة آل البيت للإحياء التّراث.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی اجتماعی. آوای نور.
- سلمانی ماهینی، مرتضی. (۱۳۹۴). شناسایی و اولویت‌بندی چالش‌های اجرای منشور توسعه فرهنگ قرآنی. دبیرخانه اولین کنفرانس ملی قرآن و تحول علوم ایران با محوریت فرهنگ عمومی.
- شهبانی فرد، علیرضا. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی عملکرد کمیسیون‌ها و شورای توسعه فرهنگی قرآنی و دستگاه‌ها. خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا).
- شیخ صدوق، محمّد بن علی بن بابویه. (۱۳۶۱). معانی الأخبار. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.
- شیخو، لوئیس. (۱۳۹۳). المنجد (محمّد بندرریگی، مترجم). اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۵۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ابراهیم میرباقری، مترجم). فراهانی.
- طیب، سیّد عبدالحسین. (۱۳۷۸). أطيّب البیان فی تفسیر القرآن. اسلام.
- عمید، حسن. (۱۳۵۰). فرهنگ عمید. جاویدان.
- فریدونی، محمّدحسین و دیگران. (۱۳۹۲). آشنایی با منشور توسعه فرهنگ قرآنی. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۳۷۳). تفسیر الصّافی. مکتبة الصّدر.
- لایحه عفاف و حجاب. (مصوبه شهریورماه ۱۴۰۲). مجلس شورای اسلامی.
- متقی هندی، علی بن حسام‌الدّین. (۱۴۲۴ ق). کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال. دارالکتب العلمیة.
- مفید، محمّد بن علی. (۱۴۱۳ ق). الإرشاد فی معرفة الله علی العباد. آل البيت ﷺ.
- معین، محمّد. (۱۳۵۱). فرهنگ فارسی معین. مؤسّسة انتشاراتی امیرکبیر.
- نورمن ام برادرین، سیمور سادمن. (۱۳۸۸). روش‌های طراحی پرسش‌نامه (عبدالباقی روشنی، مترجم). کارا پیام.

Pathology of the Obstacles to the Development of Qur'anic Culture with an Analytical View of the National Charter for the Development of Qur'anic Culture

Hossein Qaderi-Baghdad ¹  Ali Safari ²  Jalil Parvin ³  Hassan Asgharpoor ⁴ 

1. PhD Candidate in Qur'anic and Hadith Sciences, Qur'an and Hadith Campus, University of Qur'an and Hadith, Tehran, Iran (Corresponding Author).

2. Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Faculty of Qur'an and Hadith, International University of Islamic Denominations, Tehran, Iran.

4. Associate Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran.

Corresponding Email: Hghaderi485@gmail.com

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.484381.1405>

Introduction

The Holy Qur'an is the most comprehensive, reliable, and final guidance revealed by Almighty God to lead humankind to worldly prosperity and eternal salvation. Attaining this lofty goal, however, requires not only the recitation and understanding of its noble verses but also sincere adherence to its commands and prohibitions. Although the Qur'an repeatedly introduces itself as "a guidance for mankind" (Q 2:185; 3:4; 6:91), only the pious truly benefit from its light of guidance: "This is the Book about which there is no doubt, a guidance for the God-fearing" (Q 2:2). More than fourteen centuries after its revelation, the lived realities of individuals and societies-particularly Muslims in general and Shi'a communities in particular-show a considerable gap from the Qur'an's salvific and life-giving instructions. It is this significant gap that has motivated the present study to analyze the obstacles hindering the development of Qur'anic culture and to propose the most essential corrective measures.

Methodology

The development of Qur'anic culture in the Islamic society has increasingly become a serious focus of attention among scholars and practitioners. Especially during the drafting of the National Charter for the Development of Qur'anic Culture, a number of extensive studies were conducted, the most important of which include:

1. The detailed performance evaluation reports of the Charter's commissions;
2. The research project on the challenges of implementing the Charter;
3. The outcomes of consultative sessions addressing key issues in the Charter's implementation, including the Secretariat and commissions;
4. Observations on the performance of the commissions in their interaction with the Supreme Council for the Development of Qur'anic Culture.



In addition, comprehensive expert assessments had already been carried out in the 2000s-before the formal establishment of the Council for the Development of Qur'anic Culture-regarding the shortcomings of Qur'anic activities. These efforts culminated in the proposal to establish the Council through the Charter document, benefiting from three major initiatives: the Comprehensive Qur'anic Plan, the National Qur'an Literacy Movement, and the Strategic Plan for the Coordination and Organization of Qur'anic Activities in the country.¹

For the empirical stage, the researcher designed a questionnaire aligned with the objectives of the study, employing the Likert five-point scale. The questions were framed in bipolar or dichotomous conceptual forms and developed on the basis of the study's objectives.² The items were drawn from research sources produced by the Secretariat of the Council for the Development of Qur'anic Culture, as summarized in the reference table.³

Row	Question Text	Method	Scale	Bipolar	Source Category*
1	The existence of dispersion and fragmentation among governmental and non-governmental authorities active in the field of the Holy Qur'an as an obstacle to the development of Qur'anic culture in society	Likert scale	Five-point	From very high to very low, plus Neutral (I don't know)	Pathology
2	The existence of economic problems, especially inflation, as an obstacle to the development of Qur'anic culture in society				Challenges
3	The change in cultural tastes and people's religious outlooks as an obstacle to the development of Qur'anic culture in society				Challenges
4	The impact of pollution arising from unregulated and unrestricted use of virtual spaces as an obstacle to the development of Qur'anic culture in society				Challenges
5	The degree of failure of governmental or non-governmental religious authorities-or both-in presenting worthy and appealing Qur'anic models to society				Pathology
6	The creation and spread of ambiguities among groups of people about religious and Qur'anic teachings and the failure to provide appropriate answers				Challenges
7	The negative impact of the improper behavior of some religious figures and veteran Qur'anic personalities on the development of Qur'anic culture				Challenges
8	The existing conflicts among political tendencies and their effects on society				Pathology
9	The mischievous actions of domestic and foreign enemies in tarnishing the reputation of famous Qur'anic figures				Challenges
10	The impact of cultural invasion and the spread of Western lifestyles on the development of Qur'anic culture				Challenges
11	The multiplicity and redundancy of governmental authorities and the absence of a central reference structure				Pathology
12	The lack of a comprehensive, intelligent, and targeted support system for Qur'anic activists				Pathology
13	The insufficient belief in the centrality and priority of the Holy Qur'an in the macro-management of the country				Pathology
14	The extent to which the Charter for the Development of Qur'anic Culture requires amendment or completion				Pathology

1 .Shabani-Fard, Alireza. "Pathology of the Performance of the Commissions and the Supreme Council for the Development of Qur'anic Culture and Its Affiliated Bodies." (1980s–1990s SH / 2000s–2010s CE), p. 13.

2 . Norman M. Bradburn and Seymour Sudman. *Methods of Questionnaire Design*, p. 150.

3 .Salmani-Mahini, Morteza. "Identification and Prioritization of the Challenges in Implementing the Charter for the Development of Qur'anic Culture." (Hereafter cited as "Challenges"); and Shabani-Fard, Alireza. "Pathology of the Performance of the Commissions and the Supreme Council for the Development of Qur'anic Culture and Its Affiliated Bodies." (Hereafter cited as "Pathology").

The primary objective of this study is to analyze the obstacles to, and propose strategies for, the development of Qur'anic culture. Accordingly, the present research falls within the category of applied studies in terms of its aim, and it is classified as a descriptive–survey study in terms of its nature and data collection method. The validity of the data collection was confirmed using the convergent validity method, while its reliability was established through the test–retest technique. Data analysis was carried out through qualitative methods, employing the technique of content analysis.

Findings

Table based on the questionnaire results with a pathological approach:

Row	Dimensions	Domains	Obstacles	Frequency Percentage of Responses	Percentage of “High” and “Very High” Impact	Degree of Similarity with Previous Studies
1	Obstacles related to nature and content	Obstacles related to responsiveness	The extent to which the Charter for the Development of Qur'anic Culture requires amendment or completion	88	High 44 – Very high 44	High
			The creation of ambiguities and doubts among segments of society about Qur'anic teachings and the failure to provide appropriate responses	81.5	High 41.5 – Very high 40	High
2	Obstacles related to executors and the public	Obstacles related to the religious convictions of executors and the public	Insufficient belief in the centrality and priority of the Holy Qur'an in the macro-management of the country	88	High 40 – Very high 48	Very high
			The change in cultural tastes and people's religious outlooks	82	High 36 – Very high 46	High
		Obstacles related to behavioral features of executors and the public	The negative impact of the improper behavior of some religious figures and veteran Qur'anic personalities	75	High 42 – Very high 33	High
			The multiplicity and redundancy of governmental authorities and the absence of a central reference structure	88.5	High 43.5 – Very high 45	Very high
			The existing conflicts among political tendencies of prominent Qur'anic figures and their destructive effects on society	78.5	High 39.5 – Very high 39	High
			The existence of dispersion and fragmentation among governmental and non-governmental Qur'anic authorities	70	High 40 – Very high 30	Very high
3	Obstacles related to environmental factors	Obstacles related to economic conditions	The existence of economic problems, especially high prices and inflation	70	High 32 – Very high 38	Very high
		Obstacles related to audiences	Cultural invasion and the spread of Western lifestyles	86	High 33 – Very high 53	Very high
			Pollution arising from unregulated and unrestricted use of virtual spaces	82	High 43 – Very high 39	Very high
			Defamation of prominent and well-known Qur'anic figures and the lack of clarification of their status	75	High 34 – Very high 41	High
4	Obstacles related to governmental authorities	Obstacles related to the administrative system	The failure of governmental or non-governmental Qur'anic authorities to provide worthy and appealing Qur'anic models to society	79.5	High 44.5 – Very high 35	High
			The lack of a comprehensive, intelligent, and targeted support system for Qur'anic activists	83.5	High 40.5 – Very high 43	Very high

From the evaluation of the responses received, the following conclusions can be drawn with confidence:

a) Governmental and non-governmental Qur'anic authorities require greater cohesion, sustainable coordination, purposeful planning, and unity of action. This is one of the most effective means for promoting the exalted culture of the Qur'an. Among the best ways to achieve this goal is to avoid multiplicity and redundancy among governmental bodies concerned with Qur'anic affairs and to establish a central, comprehensive authority.

b) Among the various obstacles identified by respondents in terms of their degree of impact, the following were considered to have the greatest negative effect on the development of Qur'anic culture: the destructive consequences of cultural invasion and the spread of Western lifestyles; the harms of unregulated and uncontrolled use of virtual spaces; the gradual shift in cultural tastes and religious outlooks of the people; the influence of ambiguities and doubts created by opponents coupled with inadequate responses; and the failure of authorities to present attractive and worthy Qur'anic models to society.

c) If the performance of Qur'anic figures-whether popular personalities or institutional authorities-is marred by slips, intentional errors, or even unintentional mistakes, and these are disseminated by hostile or ignorant actors, especially through virtual platforms, they may inflict the gravest damage on the development of Qur'anic culture. In many cases, such damage becomes irreparable or exceedingly difficult to redress.

d) Some of the obstacles to developing Qur'anic culture in society are fundamental, deep-rooted, and highly influential, such that they in turn generate numerous secondary obstacles. Removing these core impediments will naturally eliminate many derivative ones, paving the way for the expansion and deepening of Qur'anic and Ahl al-Bayt culture. Because of their critical importance, eliminating these obstacles requires serious resolve and determination on the part of Qur'anic activists, especially governmental authorities. Scientifically grounded and principled efforts to remove them constitute the most essential corrective action for the development of Qur'anic culture.

e) Weaknesses in recruiting efficient and specialized Qur'anic activists, the absence of continuous and effective monitoring and evaluation of Qur'anic activities,¹ the excessive administrative burdens placed on Qur'anic actors², the lack of comprehensive information systems for Qur'anic activities³, and the limited dissemination of the National Charter for the Development of Qur'anic Culture in society⁴ are among the most important secondary obstacles to Qur'anic cultural development.

Conclusion

The findings of this study confirm that, first, the development of Qur'anic culture across the political, economic, cultural, and social structures of society is indeed achievable. Second, to realize this goal, a comprehensive pathology of both primary and secondary obstacles is required to provide a holistic and scholarly understanding of the current situation, followed by targeted

1. Boroomandnasab, Ali. *Islamic Management from the Perspective of the Qur'an and Nahj al-Balāgha*, p. 19.

2. Shabani-Fard, Alireza. "Pathology of the Performance of the Commissions and the Supreme Council for the Development of Qur'anic Culture and Its Affiliated Bodies," pp. 85–92.

3. Salmani-Mahini, Morteza. "Identification and Prioritization of the Challenges in Implementing the Charter for the Development of Qur'anic Culture," pp. 127–131.

4. Ibid., pp. 181–225.

corrective measures. Third, priority should be given to addressing the main structural obstacles, since the removal of each of these simultaneously eliminates several secondary ones. Fourth, given the significant gap between the current state of Qur'anic culture in the country and the desired state envisioned in the National Charter for the Development of Qur'anic Culture, revising, amending, and completing this Charter is both urgent and indispensable.

Keywords

Holy Qur'an, culture, pathology, obstacle, development of Qur'anic culture.

Ethical Considerations

Compliance with research ethics. The authors observed the ethical principles in conducting and publishing this scholarly research, and this is confirmed by all of them.

Author Contributions

Contributions to the article derived from the thesis:

- **First and corresponding author:** Hussein Qaderi Baghdadabad
- **Second author (thesis supervisor):** Dr. Ali Safari
- **Third author (thesis advisor):** Dr. Jalil Parvin
- **Fourth author (thesis advisor):** Dr. Hasan Asgharpoor

Conflict of interest

The authors declare that they have no conflict of interest.

Funding statement

The authors declare that no funds, grants, or other support were received during the preparation of this manuscript.

Acknowledgments

We express our sincere gratitude to the thesis supervisor, Dr. Ali Safari, whose guidance and valuable comments we repeatedly benefited from during the preparation of this article; and to the thesis advisors, Dr. Jalil Parvin and Dr. Hasan Asgharpoor, for their generous counsel. We also humbly thank the Research Department of the Thaqalayn Qur'anic Cultural–Artistic Institute of Yazd for their invaluable support during this scholarly process. We further extend our sincere appreciation to the esteemed reviewers of this article, whose constructive comments enhanced its scholarly richness and structural rigor.

References

- The Holy Qur'an (M. Fooladvand, Trans.).
- Nahj al-Balagha* (Ş. Şālih, Trans.).
- al-'Ayyāshī, M. b. Mas'ūd. (1960). *Tafsīr al-'Ayyāshī*. al-Maṭba'a al-'Ilmiyya. [In Arabic]
- al-Daylamī, Ḥ. b. Muḥammad. (1987). *A'lām al-dīn fī ṣifāt al-mu'minīn*. Mu'assasat Āl al-Bayt li-Ihyā' al-Turāth. [In Arabic]
- al-Mufīd, M. b. 'A. (1992). *Al-Irshād fī ma'rifat ḥujaj Allāh 'alā al-'ibād*. Āl al-Bayt. [In Arabic]
- al-Muttaqī al-Hindī, 'A. b. Ḥ. (2003). *Kanz al-'ummāl fī sunan al-aqwāl wa-l-af'āl*. Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
- al-Şadūq, M. b. 'A. b. Bābawayh. (1982). *Ma'ānī al-akhbār*. Daftar Entesharat-e Eslami, Howzeh Elmiyeh Qom. [In Arabic]
- al-Ṭabrisī, Faḍl b. Ḥasan. (1971). *Majma' al-bayān fī tafsīr al-Qur'an* (E. Mirbagheri, Trans.). Farahani. [In Arabic]
- Amid, H. (1971). *Amid dictionary*. Javidan. [In Persian]
- Ashouri, D. (1978). *Definitions and the concept of culture*. Markaz-e Asnād-e Farhangi-ye Āsiyā. [In Persian]
- Bonyanian, H. (2016). *Cultural appendix: Existential necessities, strategies, and drafting processes*. Soreh Mehr. [In Persian]
- Boroumandnasab, A. (2020). *Islamic management from the perspective of the Qur'an and Nahj al-Balagha*. Akbarzadeh. [In Persian]
- Bradburn, N. M., & Sudman, S. (2009). *Questionnaire design methods* (A. Roshani, Trans.). Karapayam. [In Persian]
- Dehkhoda, A.-A. (1994). *Dehkhoda dictionary*. Rozaneh. [In Persian]
- Eslami Nodoushan, M.-A. (1975). *Culture and pseudo-culture*. Toos. [In Persian]
- Fereydouni, M.-H., et al. (2013). *Introduction to the Charter for the Development of Qur'anic Culture*. Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution. [In Persian]
- Feyd Kāshānī, M. (1994). *Tafsīr al-şāfi*. Maktabat al-Şadr. [In Arabic]
- Habibi, A. (2021). *Advanced research methods*. Narvan Danesh. [In Persian]
- Hijab and Chastity Bill*. (September 2023). Islamic Consultative Assembly. [In Persian]
- Hosseini, S. S. (2015). *Cultural goals in the soft war of the media*. IRIB Research Center. [In Persian]
- Jamali, A.-R. (2021). *Statistical plan for per capita Qur'an recitation*. Secretariat of the Supreme Council for the Development of Qur'anic Culture. [In Persian]
- [Khaloozadeh, F. \(2023\). Identifying and prioritizing barriers to implementing Islamic banking in Iran. *First National Conference on Emerging Research in Accounting, Finance, Management and Economics with a Focus on Innovation Ecosystem Development*. \[In Persian\]](#)
- Moein, M. (1972). *Moein Persian dictionary*. Amir Kabir. [In Persian]
- [Salmani Mahini, M. \(2015\). Identifying and prioritizing challenges in implementing the Charter for the Development of Qur'anic Culture. *Secretariat of the First National Conference on the Qur'an and the Transformation of the Sciences of Iran*. \[In Persian\]](#)
- Setoudeh, H. (2010). *Social pathology*. Avaye Nour. [In Persian]
- Shabani Fard, A. (2020). Pathology of the performance of commissions and the Supreme Council for Qur'anic Cultural Development and institutions. Islamic Republic News Agency (IRNA). [In Persian]
- Sheikho, L. (2014). *Al-Munjid* (M. Bandar Rigi, Trans.). Eslami. [In Arabic]

Ṭayyeb, S.-'A. (1999). *Aṭyab al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Eslami. [In Arabic]

Tylor, E. B. (1871). *Primitive culture*. Murray. [In Persian]

How to cite:

Qaderi-Baghdad, Hossein; Safari, Ali; Parvin, Jalil; & Asgharpoor, Hassan. (2025). Pathology of the obstacles to the development of Qur'anic culture with an analytical view of the National Charter for the Development of Qur'anic Culture. *Quran, Culture And Civilization* , 6 (3), 1-26.
<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.484381.1405>

Sociological Foundations of Qur'anic Lifestyle in the Sphere of Social Interactions

Rouhollah Mohammadi ¹ 

1. Assistant Professor, Department of Exegesis and Qur'anic Sciences, Faculty of Qur'anic Sciences, Shahrood, University of Qur'anic Sciences and Teachings, Shahrood, Iran (Corresponding Author).

Corresponding Email: r.mohammadi@quran.ac.ir

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.484618.1402>

Article History:

Received: 2024-10-20

Revised: 2025-03-14

Accepted: 2025-03-18

Online First: 2025-09-14

Keywords

society,
Qur'anic lifestyle,
sociological foundations of
lifestyle,
social interactions,
Holy Qur'an.

Type of Article:

Research

Abstract: With the growing trend of globalization and the promotion of global values—often in conflict with religious values and teachings—Islamic societies face unprecedented challenges. In this context, the Qur'anic lifestyle, grounded in religious foundations and moral values, is recognized as a stable and resilient model that can effectively withstand these challenges, preserve itself within modern social interactions, and contribute to improving the quality of social life. Given the influence of prevailing beliefs and values on both individuals and society, attention to the foundations of lifestyle is of great importance, since they shape an individual's behavior in the community. Using a descriptive-analytical method and library sources, this study identifies fixed principles as the foundations that influence human behavior and actions in life. Accordingly, the research seeks to answer the following question: upon which sociological foundations is lifestyle in the sphere of social interactions established? The findings indicate that these sociological foundations consist of those religious elements and guidelines that have become fundamental principles shaping individual behavior and action in society. Among the most important sociological foundations of Qur'anic lifestyle are: belief in the simultaneous material and spiritual dimensions of life; the purposeful nature of society; social development and progress toward perfection; the need for guiding leaders and adherence to role models; the necessity of morality and value orientation in social behavior; the necessity of reason's authority in social conduct; and the necessity of maintaining a clear boundary between truth and falsehood in social interactions.

How to cite:


Mohammadi, Rouhollah. (2025). Sociological foundations of Qur'anic lifestyle in the sphere of social interactions. *Quran, Culture And Civilization* , 6(3), 27-50. <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.484618.1402>

@ authors retain the copyright and full publishing rights. Licensee University of Quranic Studies and Sciences this article an open access article distributed under the term and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CCBY 4.0) <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



مبانی جامعه‌شناختی سبک زندگی قرآنی در حوزه تعاملات اجتماعی



روح‌الله محمدی* 

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.484618.1402>

 doi

دریافت: ۱۴۰۳-۰۷-۲۹
بازنگری: ۱۴۰۳-۱۲-۲۴
پذیرش: ۱۴۰۳-۱۲-۲۸
انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۶-۲۳

مقاله: پژوهشی

چکیده

با توجه به روند روبه‌رشد جهانی شدن و ترویج ارزش‌های جهانی که اغلب با ارزش‌ها و آموزه‌های دینی در تضاد است، جوامع اسلامی با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه شده‌اند. در این میان، سبک زندگی قرآنی که بر اساس مبانی دینی و ارزش‌های اخلاقی شکل گرفته است، به عنوان یک الگوی پایدار و مقاوم در برابر این چالش‌ها شناخته می‌شود که می‌تواند به شکل مؤثر در تعاملات اجتماعی مدرن حفظ شود و به بهبود کیفیت زندگی اجتماعی کمک کند. از این رو با توجه به تأثیر باورها و ارزش‌های حاکم بر فرد و جامعه، توجه به مبانی سبک زندگی حائز اهمیت است. اهمیت این بحث از آن‌روست که نحوه رفتار فرد در جامعه را جهت می‌بخشد. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به استخراج قواعد ثابتی به عنوان مبانی می‌پردازد که بر رفتار و نوع عملکرد انسان در زندگی مؤثر است. بر این اساس، این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش است: سبک زندگی در حوزه تعاملات اجتماعی بر چه مبانی جامعه‌شناختی استوار است؟ نتایج حاکی از آن است که مبانی جامعه‌شناختی آن دسته از عناصر و رهنمودهای دینی است که به صورت اصول مسلم و زیربنایی درآمده و بر رفتار و عملکرد فرد در جامعه تأثیر می‌گذارد. از این رهگذر می‌توان اعتقاد به زندگی مادی و معنوی توأمان، هدفمند بودن جامعه، تکامل اجتماعی و حرکت به سوی کمال، نیاز به رهبران هدایت و تبعیت از الگو، لزوم اخلاق‌مداری و ارزش‌مداری در رفتارهای اجتماعی، لزوم حاکمیت عقل در رفتارهای اجتماعی و ضرورت وجود مرزبندی میان حق و باطل در رفتارهای اجتماعی را از مهم‌ترین مبانی جامعه‌شناختی سبک زندگی قرآنی به شمار آورد.

واژگان کلیدی: جامعه، سبک زندگی قرآنی، مبانی جامعه‌شناختی سبک زندگی، تعاملات اجتماعی، قرآن کریم.

استناد به مقاله:

محمدی، روح‌الله. (۱۴۰۴). مبانی جامعه‌شناختی سبک زندگی قرآنی در حوزه تعاملات اجتماعی. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۶(۳)، ۲۷-۵۰.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.484618.1402>



۱. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشکده علوم قرآنی شاهرود، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول).



۱. مقدمه

دین اسلام به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع هویتی و ارزش‌گذار، نقش بسزایی در شکل‌گیری و تعیین رفتارهای اجتماعی افراد مسلمان دارد. قرآن کریم، به عنوان کتاب آسمانی و منبع اصلی آموزه‌های اسلامی، اصول و مبانی متعددی را برای سبک زندگی فردی و اجتماعی ارائه می‌دهد. سبک زندگی قرآنی به عنوان یک الگوی جامع و همه‌جانبه، نه تنها بر جنبه‌های فردی زندگی تأکید دارد، بلکه به صورت گسترده‌ای مبانی جامعه‌شناختی را نیز پوشش می‌دهد که می‌تواند در تعاملات اجتماعی نقش بسزایی ایفا کند. از این رو در دنیای معاصر که ارزش‌های جهانی شدن و مدرنیته به شدت در حال تأثیرگذاری بر جوامع مختلف است، درک و تبیین دقیق این مبانی برای حفظ هویت دینی و تقویت تعاملات اجتماعی سالم و پایدار ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس، شناخت دقیق این مبانی می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات و چالش‌های اجتماعی باشد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه‌های موجود در زمینه سبک زندگی نشان می‌دهد که از سال ۱۳۸۰ تاکنون، اقبال محققان به این موضوع بیشتر شده است. در مورد سبک زندگی و مبانی آن مطالعاتی صورت گرفته است که به شماری از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱-۱-۱. کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها

فاضلی (۱۳۸۲ش) در کتاب مصرف و سبک زندگی، به بررسی بینش‌های نظری درباره مصرف، مفهوم سبک زندگی، کارکرد و پیامد سبک زندگی، روش‌شناسی تحلیل زندگی و نقدهای وارد بر مفهوم و تحلیل سبک زندگی می‌پردازد.

مهدوی کنی (۱۳۸۴ش) در رساله دکتری «دین و سبک زندگی»، به مطالعه موردی شرکت‌کنندگان در یکی از جلسات مذهبی در رابطه با دین و سبک زندگی می‌پردازد و رابطه آموزه‌های دینی یک مبلّغ مذهبی با سبک زندگی شرکت‌کنندگان مستمر و با سابقه آن را به صورت محدود بررسی می‌کند.

کاویانی (۱۳۹۱ش) در کتاب سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، به بررسی پیشینه و دیدگاه‌های روان‌شناختی درباره سبک زندگی، الگوی درخت سبک زندگی اسلامی و آزمون آن می‌پردازد و معلوم می‌کند که افراد و گروه‌ها چه مقدار دارای سبک زندگی اسلامی هستند و در کدام مؤلفه، قوت بیشتر و در کدام مؤلفه قوت کمتری دارند.

فاضل قانع (۱۳۹۲ش) در کتاب سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی، تلاش کرده است برای درک آموزه‌های اسلامی و الگوگیری از آن‌ها و ایجاد شیوه‌ای از زندگی بهتر، بستری مناسب با رویکرد رسانه‌ای فراهم آورد.

شریفی (۱۳۹۲ش) در کتاب همیشه بهار؛ سبک زندگی اسلامی ایرانی، به بررسی سبک زندگی اسلامی و آسیب‌شناسی سبک زندگی موجود ایرانیان می‌پردازد.

فاضل‌نیا (۱۳۹۳ش) در پژوهشی با عنوان «مبانی نظری سبک زندگی خانواده از منظر قرآن و روایات»، به بررسی مبانی نظری سبک زندگی خانواده پرداخته و مهم‌ترین این مبانی را خداشناسی، هستی‌شناسی، فرجام‌شناسی و انسان‌شناسی معرفی کرده است.

کافی (۱۳۹۸ش) در کتاب سبک زندگی اجتماعی با تأکید بر آیات قرآن، به عوامل و زمینه‌های ایجاد سبک زندگی اسلامی و مؤلفه‌های فردی و اجتماعی آن می‌پردازد و سپس به ویژگی‌ها و پیامدهای سبک زندگی و نیز راه‌های گسترش سبک زندگی اشاره می‌کند.

قهرمانی (۱۴۰۱ش) در کتاب آشنایی با مبانی و مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی، به مباحثی چون اصول و مفاهیم اسلامی که بر سبک زندگی تأثیر می‌گذارد (مانند قرآن و سنت)، مؤلفه‌های زندگی اسلامی شامل عناصری مانند اخلاق، رفتار اجتماعی، خانواده و سلامت، چگونگی تأثیر فرهنگ و جامعه بر سبک زندگی اسلامی و بالعکس و چالش‌ها و موانعی که در پیاده‌سازی سبک زندگی اسلامی در دنیای معاصر وجود دارد، اشاره کرده است.

خاکی بختیاروند (۱۴۰۱ش) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «مبانی انسان‌شناختی سبک زندگی اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)»، به بررسی مبانی انسان‌شناختی سبک زندگی اجتماعی در سه حوزه اقتصادی و سیاسی و اخلاقی از دیدگاه امام علی (ع) می‌پردازد.

۱-۱-۲. مقالات

ملک‌مکان و علی‌اکبری (۱۳۹۳ش) در پژوهشی با عنوان «بررسی مبانی سبک زندگی اسلامی»، به مبانی سبک زندگی در حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی، حقوق اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد.

حسینی (۱۳۹۳ش) در پژوهشی با عنوان «بررسی مبانی و شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی»، سبک زندگی را دارای دو عنصر مبانی و شاخصه می‌داند. او مبانی سبک زندگی را ارزش‌ها و باورها و بایدها و نبایدها و شاخصه‌های آن را کنش‌ها و واکنش‌ها معرفی می‌کند.

ساکی (۱۳۹۳ش) در تحقیقی با عنوان «بررسی مبانی نظری سبک زندگی اسلامی»، به مبانی اعتقادی سبک زندگی چون خدامحوری و حق‌مداری و عدالت‌محوری می‌پردازد.

محمدی و فقهی‌زاده (۱۳۹۶ش) در پژوهشی با عنوان «مبانی انسان‌شناختی روش تربیتی قرآن و حدیث در بعد اجتماعی»، به بررسی و تحلیل مبانی انسان‌شناختی شیوه تربیتی اسلام در روابط اجتماعی می‌پردازد.

جلاییان اکبرنیا (۱۳۹۷ش) در تحقیقی با عنوان «شناخت و واکاوی مفهوم اصول و مبانی سبک زندگی اسلامی»، به مفهوم‌شناسی اصول و مبانی سبک زندگی اسلامی و ارتباط آن دو می‌پردازد.

اسکندرلو (۱۳۹۹ش) در مقاله‌ای با عنوان «سبک زندگی اسلامی و غربی؛ مبانی و رویکردها»، پس از اشاره به پیشینه پژوهش، سبک زندگی کنونی مسلمانان را در مواجهه با فرهنگ غربی بررسی کرده، سپس به مقایسه مبانی سبک زندگی اسلامی و غربی پرداخته است.

سلطانی و فراهانی (۱۴۰۱ش) در تحقیقی با عنوان «ارتباط معنایی سوره علق و تأویل آن با مبانی سبک زندگی اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، با توجه به مفاهیم بنیادین سوره علق، به بررسی دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره مبانی سبک زندگی موحدانه بر سه پایه معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی در سال‌های اخیر پرداخته است.

بررسی پیشینه نشان می‌دهد که تاکنون مطالعه‌ای در مورد مبانی جامعه‌شناختی سبک زندگی در تعاملات اجتماعی صورت نگرفته است. از این رو تبیین رابطه فرد و جامعه و چگونگی تأثیر آن دو و نیز شناخت مبانی جامعه‌شناختی سبک زندگی قرآنی در حوزه روابط اجتماعی امری ضروری است که هدف این نوشتار است.

۱-۲. مبانی نظری

صاحب‌نظران به «سبک زندگی»^۱ به عنوان یکی از جلوه‌های تجلی جامعه، در شاخه‌های مختلف علوم انسانی چون فلسفه و روان‌شناسی کم‌وبیش پرداخته‌اند؛ اما این مسئله به عنوان اصطلاحی فنی، مدیون تأسیس جامعه‌شناسی است. به همین دلیل، نخستین جامعه‌شناسان در کنار فهم جامعه جدید، به صورت‌بندی پروبلماتیک سبک زندگی پرداختند. سبک زندگی نخستین‌بار در نوشته‌های ماکس وبر^۲ و گنورگ زیمل^۳، جامعه‌شناسان آلمانی، مفهوم‌پردازی شد (فریزی، ۱۳۷۵، ص ۴۳۷). برای آن‌ها این زیست‌جهان، یعنی بستر پروبلماتیک‌سازی سبک زندگی، انسان زیست‌کننده در خود را به طریقی ماهوی در نسبت با آنچه پیش از آن بوده متحول ساخته است. این تحول، نمودهای عینی بسیاری دارد که یکی از آن‌ها سبک زندگی است. سبک زندگی ابتدا نزد کلاسیک‌های جامعه‌شناختی، خود را در سطحی روان‌شناختی و در تحولات ذهنی انسان مدرن متجلی می‌کند. این است که فی‌المثل برای زیمل، سبک زندگی مجموعه‌ای از واکنش‌های عینی انسان مدرن به تحریکات عصبی نهفته‌ای است که در ذات تحولات و تغییرات سریع و بدون وقفه محرک‌های بیرونی و درونی جامعه جدید وجود دارد. پس افزایش سرعت تغییرات زندگی، به تحول سبک زندگی انسان می‌انجامد و به این ترتیب برای افرادی چون وبر و زیمل، به مسئله‌ای قابل پژوهش تبدیل می‌گردد (نک: زیمل، ۱۳۷۲، ص ۵۴). همچنین از نظر ماکس وبر، سبک زندگی ناشی از کنش خاص گروه‌های منزلتی است و بعد فرهنگی مفهوم سبک زندگی از بعد اقتصادی آن پررنگ‌تر است. «نقش تعیین‌کننده سبک زندگی در حیثیت منزلتی به این معناست که گروه‌های منزلتی حاملان ویژه میثاق‌ها هستند. هرگونه سبک بخشیدن به زندگی به هر شکلی که متجلی شود، یا از درون گروه‌های منزلتی ریشه می‌گیرد یا به وسیله آن‌ها تداوم می‌یابد» (وبر، ۱۳۸۷، ص ۲۱۹).

ظهور سبک زندگی به عنوان مسئله‌ای جامعه‌شناختی در همان ابتدای تأسیس رشته، خود را در کنار مسئله‌مندی مدرنیته، اقتصاد پولی، سرمایه‌داری و مانند آن می‌دیده است. از این‌رو انتظار آن است که هر جامعه‌ای که درگیر چنین تحولاتی می‌شود، سبک زندگی به عنوان مسئله‌ای جامعه‌شناختی رخ نماید و پژوهشگران را به پژوهش و مذاقه بر روی آن ترغیب کند (صمیم، ۱۳۹۳، صص ۴۷-۱۴۶). از این‌رو سبک زندگی در بعد جامعه‌شناختی یک مسئله فرهنگی است که متأثر از بینش و کنش و عواطف انسانی است. از آنجاکه دین به عنوان یک خرده‌فرهنگ دارای این عناصر است، می‌تواند سبک‌ساز باشد؛ چراکه دین یکی از مهم‌ترین عناصر هویت‌ساز است که می‌تواند در برابر ضد ارزش‌ها مقاومت ایجاد کند. هویت دینی نیز یکی از معنابخش‌ترین هویت‌هایی است که در رویارویی و تضاد با ارزش‌های جهانی شدن پیدا می‌شود (نک: اشرفی، ۱۳۷۷، ص ۹؛ گودرزی، ۱۳۸۷، ص ۵۰؛ کلاتری و همکاران، ۱۳۸۸، صص ۱۲۶-۱۲۹). روشن است که مردم صرفاً به واسطه نقد عقلانی از چرایی دستورات دین، از ایمان به خدا دست نمی‌کشند؛ ولی اگر زندگی روزمره به صورتی تغییر کند که مردم گمان کنند ایمان با زندگی دنیوی آن‌ها تناسب ندارد، دین را رها خواهند کرد. بر این اساس، غفلت از بُعد تفکرگرایانه همه‌جانبه و برنامه‌ساز دین اسلام، مانع از فهم سبک زندگی در چهارچوب فکری و فرهنگی اسلام خواهد شد. نگره‌های اسلامی، سهم خالق، دنیا، جایگاه دنیا و آخرت، انسان و جامعه را در زندگی معلوم کرده‌اند که بی‌تردید این امر باید خود را در سبک‌ها و صورت‌هایی که برای زندگی برگزیده می‌شود، نشان دهد. سبک‌سازی این فرصت را به مسلمانان می‌دهد که زندگی دینی را در نسل خود بازتولید کنند. از این‌رو به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین عامل‌های گسست و شکاف میان ارزش‌ها و رفتارها، عامل شناختی^۴ است (محمدی، ۱۳۹۵).

1. Lifestyle.

2. Weber, M.

3. Simmel, G.

۴. عامل شناختی در ارتباط بین ارزش‌ها و رفتارها، به فرآیندهای ذهنی و شناختی اشاره دارد. این عامل بر اینکه چگونه افراد ارزش‌ها را درک می‌کنند و سپس این ارزش‌ها را به رفتارهای خاص تبدیل می‌کنند، تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، عامل شناختی در تعیین اینکه چگونه افراد ارزش‌های خود را شکل می‌دهند و آن‌ها را به رفتارهای ملموس تبدیل می‌کنند، نقش مهمی دارد. این عوامل می‌توانند به فهم بهتر ارتباط پیچیده بین ارزش‌ها و رفتارها کمک کند. مهم‌ترین عاملی که این فرایند را شکل می‌دهد، باورها و اعتقادات فرد است.

صص ۲-۳). سبک زندگی هر فرد، بر پایه اعتقادات و باورها و شیوه زندگی به دست می‌آید و شخصیت و رفتار آدمی در درون جامعه انسانی رشد و توسعه می‌یابد. از این رو زندگی اجتماعی از چنان اهمیتی برخوردار است که گاه تأثیر روانی جامعه بر انسان، قابل چشم‌پوشی نیست؛ زیرا این جامعه است که فرد در آن تولد و رشد می‌یابد و شخصیتش در آن شکل می‌گیرد و تمام تجلیات زندگی از خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، شادی‌ها و اندوه‌ها، همگرایی‌ها و واگرایی‌ها، همه و همه، در جامعه شکل می‌گیرد و چگونگی رفتار انسان در این کنش‌هاست که به زندگی جهت می‌بخشد و سبک زندگی فرد را می‌سازد (محمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۲). اهمیت این بحث از آن روست که نحوه رفتار فرد در جامعه را جهت می‌بخشد؛ چراکه بسته به میزان استقلال فرد، انسان‌ها می‌توانند در جامعه برای خود نقشی قائل شوند و نیز نوع و نحوه رفتار در جامعه، بسته به دیدگاه اتخاذ شده در باب ماهیت جامعه است.

در اینجا لازم است قبل از ورود به بحث، واژگان کلیدی تحقیق را مفهوم‌شناسی کنیم:

۱. مبانی: ^۱ جمع «مبنا» از ریشه «بنا» و در لغت به معنای شالوده، اساس، بنیان، بنیاد، پایه، ریشه و زیرساخت است (نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۴۷؛ انوری، ۱۳۸۱، ج ۷، ص ۶۶۰۳). معنای اصلی این واژه «ضمیمه‌سازی اجزا و مواد و عناصر خاص به یکدیگر به منظور پیدایش ساختار ویژه، با کیفیت و هیئت خاص است. تفاوت ندارد که آن ساختار مادی باشد یا معنوی» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۳۴۴). در اصطلاح وقتی سخن از مبانی یک علم یا نظریه به میان می‌آید، منظور بنیاد و ریشه و زیرساخت‌های آن علم یا نظریه است، نه جزئیات و فروع؛ هر چند مبنای هر پدیده و نظریه‌ای خاستگاه فروع آن است و فهم درست مبانی موجب فهم آسان جزئیات و فروع آن می‌شود؛ بلکه موجب عمل و رفتار صحیح نیز می‌گردد.

۲. جامعه: ^۲ از ریشه «جمع»، در لغت به معنای «گروه مردم یک شهر، کشور، جهان یا صنفی از مردم مانند جامعه بشریت، سیاه‌پوستان، هنری، و...» آمده است (معین، ۱۳۸۲، ذیل واژه جامعه). در اصطلاح به «مجموعه‌ای از انسان‌ها که در یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و ایده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده، در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند» (اخترشهر، ۱۳۸۸، ص ۸۷) اطلاق می‌شود. بدین ترتیب می‌توان «جامعه» را چنین تعریف کرد: «جامعه جمعیتی سازمان‌یافته از اشخاص هستند که با هم در سرزمینی مشترک سکونت دارند، با همکاری در گروه‌ها نیازهای اجتماعی و اصلی خود را تأمین می‌کنند و با مشارکت در فرهنگی مشترک، به عنوان یک واحد اجتماعی متمایز شناخته می‌شوند» (نیازی، ۱۳۸۷، ص ۵۸).

مبانی جامعه‌شناسی، مفاهیم و تئوری‌های پایه‌ای است که برای بررسی جامعه و فرایندهای اجتماعی استفاده می‌شود. این مبانی کمک می‌کند تا درک کنیم جوامع چگونه کار می‌کنند، چگونه ساختارها و فرایندها از فرهنگ، اقتصاد و قدرت تأثیر می‌پذیرند و چگونه این عوامل با هم تعامل دارند.

۱-۲-۱. سبک زندگی قرآنی^۳

عبارت «سبک زندگی» در معانی گوناگونی به کار رفته است. برخی از این معانی از این قرار است: «روش نوعی زندگی فرد، گروه یا فرهنگ» (ویستر، ۱۳۷۹، ص ۶۷۲)، «روش خاصی که یک فرد یا گروهی از مردم بر اساس آن کار و زندگی می‌کنند» (گروه مؤلفان، ۱۳۹۰، ص ۷۴۳)، «مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌ها و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند؛ یا به اختصار: مجموعه نظام‌مند کنش‌های مرجح»

1. Basics.
2. Society.
3. Quranic Lifestyle.

(مهدوی کنی، ۱۳۸۷ش، ص ۲۲۸). همچنین برخی سبک زندگی را طیفی رفتاری می‌دانند که اصلی انسجام‌بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده هست و الزاماً برای همگان قابل تشخیص نیست؛ اگرچه محقق اجتماعی میان آن و بقیه طیف رفتارهای افراد جامعه تمایز قائل می‌شود (فاضلی، ۱۳۸۲، ص ۸۳).

سبک زندگی قرآنی در تعاملات اجتماعی، مجموعه‌ای از بینش‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری مستفاد از آموزه‌های قرآنی در روابط اجتماعی است که افراد آن را به عنوان شیوه زندگی برمی‌گزینند. بنابراین، می‌توان سبک زندگی قرآنی را حاصل تحول ارزشی در جامعه و تلاش افراد به منظور وفق دادن خود با نظام ارزشی قرآن کریم دانست.

۲-۱-۲. سبک زندگی و اصالت فرد و جامعه از منظر دانشمندان اسلامی

در تفکر جامعه‌شناسی اسلامی، جامعه از رابطه انسان با خدا و انسان با دیگر انسان‌ها شکل می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۵۲). صورت‌های زندگی اجتماعی بر تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای فردی تأثیر می‌گذارد و در این روابط متقابل ممکن است پاره‌ای از رفتارها به عنوان رفتار غالب، روح جمعی پیدا کند و فرد را تحت تأثیر قرار دهد. علامه طباطبایی در کتاب روابط اجتماعی در اسلام می‌نویسد: «دستگاه آفرینش یک سلسله اجزای ابتدایی که دارای آثار و خواص مخصوص است، می‌آفریند؛ بعد آن‌ها را ترکیب می‌کند و آن‌ها را با ویژگی‌هایشان به هم می‌آمیزد و فواید جدیدی علاوه بر فوایدی که هر کدام از اجزا داشتند، پدید می‌آورد» (طباطبایی، ۱۳۷۶، صص ۱۱-۱۰). از این رو در سبک زندگی نمی‌توان از تأثیرگذاری روح حاکم بر جامعه غافل بود. «بخشی از تأثیرات جامعه بر فرد، به همانندسازی و الگوپذیری فرد از اطرافیان مربوط است. متداول شدن عملی خاص در جامعه، آدمی را به موافقت خود دعوت می‌کند و باعث تشکیل عادات رفتاری و صورت‌های ذهنی جدید در مورد آن عمل می‌شود؛ به گونه‌ای که انسان از مخالفت آن وحشت و مخالفت با آن را هم چون شنای بر خلاف جریان آب تصور می‌کند و قهراً اعمالش با اوضاع و احوال محیط و جو زندگی اجتماعی تطبیق می‌گردد» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۲۶۵). به همین دلیل، کسب تقوا برای تربیت اخلاقی انسان کافی نیست؛ بلکه علاوه بر آن، انسان باید در جمع افراد صالح قرار گیرد و از مخالطه با اهل معصیت دوری جوید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۲۰۲)، اما این به معنای اصالت داشتن جامعه نیست و این‌گونه نیست که فرد را مجبور به انجام برخی امور گرداند؛ بلکه فرد می‌تواند با اختیار و اراده در برابر این روح حاکم بر جامعه مقاومت کند؛ چنان‌که قرآن کریم خطاب به خدامحوران می‌فرماید: به خودتان بپردازید و خودتان را اصلاح کنید که اگر شما هدایت یابید، گمراهی دیگران به شما زیانی نمی‌رساند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (مائده: ۱۰۵).

قرآن در کنار یادآوری تولد تمام انسان‌ها از یک پدر و مادر (آدم و حوا) که منطقی بودن همگرایی را نشان می‌دهد، از کرامت ذاتی (اسراء: ۷۰) و رشد و بالندگی آن با غذای تقوا (حجرات: ۱۳) سخن می‌گوید که حقیقت آن را گرایش به خوبی‌ها و بیزاری از بدی‌ها تشکیل می‌دهد. سپس به قصد فراخوانی به خودپروری و ضرورت رشد شخصیت انسانی، تلاش‌های فردی و اجتماعی بشر را بازتاب شکل‌گیری حالات روحی آن‌ها معرفی می‌کند و می‌گوید: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» (اسراء: ۸۴). قرآن این حقیقت را که وضعیت ظاهری و بیرونی جامعه به‌ویژه تعامل اجتماعی، بر اساس سنت الهی محصول و ثمره همگانی شدن خودسازی است که توسط خود افراد انجام می‌پذیرد، در آیاتی چون «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) یادآور می‌شود (سجادی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۰). از این رو می‌توان گفت در آموزه‌های اسلامی صراحتی بر تقدم و اصالت فرد و جامعه دیده نمی‌شود و آنچه صراحت دارد، «تقدم قوانین و احکام الهی است که گاهی منطبق با منافع اقلیت است، زمانی در راستای تأمین منافع اکثریت و در پاره‌ای مواقع، مخالف منافع هر دو است؛ اما با توجه به مجموعه تعالیم اسلام، وجود روح جمعی در عین استقلال فرد استنباط می‌شود» (فخر زارع، ۱۳۹۳، ص ۱۰۰) و

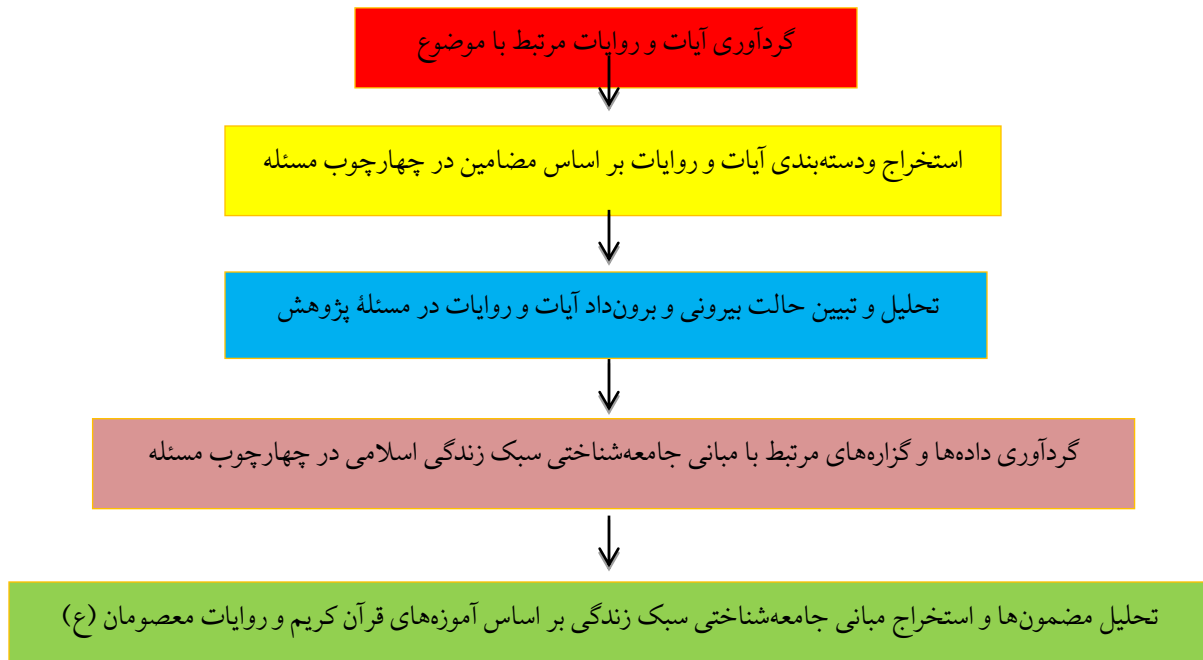
از آنجاکه هدف اساسی سبک زندگی اسلامی، ایجاد تحول اجتماعی است و تحول اجتماعی معمولاً با دگرگون شدن افراد آغاز می‌شود، امکان حاکمیت ایدئولوژی واحد، با چنین ویژگی امکان‌پذیر است. براین اساس، توجه به مبانی جامعه‌شناختی سبک زندگی در تعاملات اجتماعی و تبیین آن امری ضروری به نظر می‌رسد.

۳-۱. روش پژوهش

پژوهش فراروی، به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و آموزه‌های حدیثی، به تبیین و تحلیل مبانی جامعه‌شناختی سبک زندگی قرآنی در حوزه تعاملات اجتماعی پرداخته است؛ بنابراین از نوع تحقیقات توسعه‌ای و با روش کیفی است که به تحلیل مضامین آیات و احادیث معصومان (ع) می‌پردازد. براین اساس و پس از تعیین موضوع پژوهش، با استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی جامع‌التفاسیر و جامع‌الاحادیث آیات و روایات مرتبط را استخراج کرده‌ایم؛ سپس با تحلیل آموزه‌های قرآنی و حدیثی و تطبیق و تحلیل عناصر سبک زندگی، به مبانی جامعه‌شناختی سبک زندگی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و حدیثی پرداخته‌ایم.

۲. یافته‌های پژوهش

مبانی جامعه‌شناختی سبک زندگی، آن دسته از عناصر و رهنمودهای دینی است که اصول موضوعه شمرده می‌شود و برای رفتار و عملکرد انسان در جامعه و رفتارهای اجتماعی جنبه زیربنا دارد و به نحوی چگونگی تأثیر انسان بر جامعه و تأثیر متقابل جامعه بر انسان را تبیین و تعیین می‌کند.



شکل ۱. نمودار سیر پژوهش مبتنی بر روش توصیف و تحلیل (منبع: یافته‌های تحقیق)

۱-۲. مبانی جامعه‌شناختی سبک زندگی در تعاملات اجتماعی

مهم‌ترین این مبانی عبارت است از:

۱-۱-۲. اعتقاد به زندگی مادی و معنوی توأمان

تفسیری که جهان‌بینی الهی از جهان ارائه می‌دهد، به انسان می‌آموزد که از یک‌سو هستی وی کاملاً «وابسته» به خداوند و خداوند به تمام معنای کلمه «رب» انسان است؛ از سوی دیگر، زندگی او منحصر به زندگی دنیا نیست، بلکه زندگی واقعی او آن‌چنان عمیق و گسترده است که زندگی دنیا در برابر آن چیزی به حساب نمی‌آید (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۹۳). از این رو «آیات قرآن در اکثر موارد، مصداق فلاح را سعادت اخروی معرفی می‌کند. البته این سخن به این معنا نیست که اسلام به انسان ترک کلی دنیا را توصیه کند و آن را کلاً به حساب نیاورد، بلکه به این معناست که باید رابطه دنیا را با زندگی ابدی حفظ و اندازه‌اش را در مسیر وصول به سعادت جاودانه خود رعایت کند و در یک جمله، آن را همان‌طور که هست، یعنی به عنوان وسیله و مقدمه بشناسد و مورد بهره‌برداری قرار دهد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۹۳). بنابراین در چهارچوب مکتب اسلام، نمی‌توان یک زندگی منهای اعتقاد به مبدأ و معاد را مطرح کرد؛ زیرا چنین زندگانی نمی‌تواند حیات موردنظر اسلام باشد، بلکه حیاتی غیراسلامی یا حداکثر سبکی از زندگی التقاطی خواهد بود. از این رو قرآن کریم به انسان دنیا‌محور می‌فرماید: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا...» (قصص: ۷۷). این آیه به انسان توصیه می‌کند که با آنچه خداوند از مال و سلامتی و عقل به او داده است، در جهت رسیدن به خدا بکوشد و هدفش در زندگی آخرت باشد، اما در عین حال نصیب خود از دنیا را نیز فراموش نکند؛ چراکه راه رسیدن به آخرت همین دنیاست (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۶، ص ۸۶). از این رو یکی از مبانی جامعه‌شناختی سبک زندگی قرآنی این است که انسان باید از هوش، استعداد، عقل و امکاناتی که خداوند به او داده است، در مسیر رسیدن به او استفاده کند و هدفش تأمین آخرت باشد و در عین حال از دنیا نیز بهره‌بردار. از این رو چگونه زیستن مهم است؛ زیستن با بهره‌گیری از دنیا برای رسیدن به آخرت و به گونه‌ای که آخرت هدف باشد و دنیا در خدمت انسان برای رسیدن به آن هدف قرار گیرد.

۱-۲-۲. اعتقاد به هدفمندی و آرمان‌گرا بودن جامعه در سبک زندگی

در جامعه اسلامی، سبک زندگی اجتماعی مطلوب سبکی است که بر اساس جهان‌بینی قرآنی پی‌ریزی شده باشد (کافی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۰). در جهان‌بینی قرآنی، جهان و هر آنچه در آن است، رو به جهت معینی در حرکت است. از این نظر، جهان و هر آنچه در آن است به سوی خدا گام می‌سپرد و هیچ حرکت و تغییری بیهوده و بی‌هدف نیست. قرآن می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا قَوْلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ» (ص: ۲۷ و نیز نکه: روم: ۸؛ آل‌عمران: ۱۹۱؛ دخان: ۳۸). از این آیات به دست می‌آید که جهان هستی بر اساس حق آفریده شده است و بنابراین هدفی شکوهمند و متعالی را در آینده دنبال می‌کند و آفرینش جهان، باطل و بیهوده و بازیچه نیست.

«جامعه» نیز در سبک زندگی قرآنی، بر «جهان‌بینی الهی» استوار است. در این جهان‌بینی، آغاز و پایان زندگی مشخص و غایت‌مند است و برنامه‌ای که در طول این مدت باید انجام شود نیز مشخص است. اسلام فلسفه آفرینش و برنامه و اصول زندگی انسان را معین نموده است، تا فرد به هدف واقعی حیات معنوی خویش نایل شود. از نظر قرآن مبدأ و مقصد انسان خداست: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶).

زندگی انسان یک حیات جمعی است؛ خواه جامعه وجودی جدا از وجود افراد داشته باشد که عده‌ای بر آن‌اند، یا آنکه جامعه وجودی مستقلی نداشته، بلکه وجود آن همان حیثیت اجتماعی هر فردی باشد که همراه با حیثیت فردی وی آفریده

شده است؛ چنان‌که گروه دیگری بر این نظرند. بنابراین صلاح هر فردی را باید در صلاحیت حیات جمعی جامعه جست‌وجو کرد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۴۳).

از آنجاکه روح جامعه، هم مرتکب صواب می‌شود هم خطا، هم انحطاط دارد هم اعتلا، با انحراف‌های آن باید مبارزه کرد و با پیشرفت‌های آن هماهنگی داشت. روح جامعه معیار نیست، بلکه دین معیار است و جامعه را باید با آن تطبیق داد. شخصیت انسان از سه چیز ساخته می‌شود: «۱. فطرت که در درون او تدریجاً رشد می‌کند؛ ۲. آنچه از طبیعت کسب می‌کند؛ ۳. آنچه از جامعه اکتساب می‌کند. مجموع این‌ها فرهنگ و روح جامعه را می‌سازد. ملاک انسانیت انسان فطرت اوست و همان است که به انسان در مقابل جامعه قدرت مقاومت و ایستادگی می‌دهد. فطرت الهی افراد و روحيات آن‌ها، در فطرت و روحيات جامعه اثر می‌گذارد» (مطهری، ۱۳۶۹، ج ۱۵، صص ۸۰۱ - ۷۹۶). از این‌رو زمانی جوامع بشری به جامعه ایده‌آل مبدل می‌شوند که نظام حکومتی الهی بر آن‌ها حاکم شود و در سایه دستورات الهی، هدف عمومی آفرینش حاصل شود. مهم‌ترین هدف و برنامه این جامعه رسیدن به سعادت و کمال واقعی است که در پرتو دوراندیشی و خردورزی و استقرار حکومت صالحان و احیای زمینِ ظلم‌زده و ستم‌دیده و نجات آن از هرگونه تعدی و طغیان و اصلاح آن به گسترش قسط و عدل به دست می‌آید (قصص: ۵؛ انبیاء: ۱۰۵). از این نظر، جامعه آرمان‌گرا در جهان‌بینی اسلامی، با نگاه جامع و دقیق به آینده و برای اعتلای کلمه الله و حاکمیت عقلانیت و معنویت و عدالت در تلاش است، تا با ایجاد روح بندگی خداوند در افراد و جامعه و رهایی از سلطه شیطان و بردگی هوس به این هدف نایل آید. از این‌رو قرآن کریم وظیفه صالحان وارث زمین را چنین ترسیم می‌کند: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱). در این جامعه، هدف، رشد و تکامل نوع انسانی است، تا افراد هرچه بهتر زندگی کنند، به نحو احسن به حقوق حقّه و طبیعی خود دست یابند و از مواهب طبیعت که خداوند در اختیار بشر گذارده، به گونه شایسته و بایسته بهره‌مند گردند» (معرفت، ۱۳۷۸، ص ۱۲). در این جامعه، افراد با پیشه کردن تقوای الهی به هدف نهایی جامعه اسلامی دست می‌یابند و با حاکمیت اندیشه و رفتار الهی، در پی دستیابی به وسیله تقرب به اویند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مائده: ۳۵). انسان معناگرا در جامعه آرمانی، در هر موقعیتی که باشد، به صورت واقع‌بینانه از وظیفه خود آگاه است و با یاد خدا به آن عمل کند. این روند تا آنجا قابل توسعه است که در سراسر زندگی انسان انگیزه‌ای جز خداجویی نباشد (نک: انعام: ۱۶۲).

۳-۱-۲. تکامل اجتماعی و حرکت به سوی کمال در سبک زندگی

اعتقاد به تکامل هستی و پدیده‌های آن، از امور مسلم در جهان‌بینی توحیدی است؛ چراکه عالم در حقیقت متغیر و متحرک، بلکه عین حرکت است (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۹۲). حرکت عبارت از «رهایی تدریجی چیزی از قوه و رسیدن به فعلیت و کمال وجودی است» (جوادی آملی، ۱۳۶۳، ص ۱۸۱). اما باید توجه داشت که هر موجودی مدار تکاملی و ظرفیت وجودی خاص خود را دارد و از نظر قابلیت‌ها و امکان فیض‌گیری از مبدأ هستی، با دیگری متفاوت است. ذات مقدس حق که کمال مطلق و خیر مطلق و فیاض مطلق به شمار می‌رود، به هر موجودی که برای او ممکن است، از کمال وجودی اعطا می‌کند. بنابراین، کمال هر موجودی با موجود دیگر تفاوت دارد (نک: مطهری، ۱۳۸۵، صص ۷۲-۲۱۸). «جهان هستی که حدوث زمانی داشته، عین حرکت است، هدفی دارد؛ زیرا حرکت بدون هدف محال است. نمی‌شود چیزی حرکت کند و تمام سمت‌ها و جهت‌ها برای او یکسان باشد و رابطه ویژه‌ای با هیچ‌کدام از آن‌ها نداشته باشد. بنابراین، برای هر حرکتی پایان و هدفی خاص وجود دارد که قبل از رسیدن به آن پایان و هدف مخصوص، سیال و با رسیدن به آن ثابت می‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۶۳، صص ۱۸۱-۱۸۲). «پس جهان ما جهانی هدف‌دار است؛ یعنی درون موجودات کششی خاص به

سوی هدف کمالیشان وجود دارد. پدیده‌ها با نیروی مرموزی که درونشان هست، به سوی کمالشان کشیده می‌شوند. این نیرو همان است که از آن به هدایت الهی تعبیر می‌شود. با این اوصاف، جهان، واقعیت هدایت‌شده و تکامل جهان، تکامل هدایت‌شده است. تمام ذرات جهان در هر مرتبه‌ای که هستند، نور هدایت دارند. غریزه، حس، عقل، الهام، وحی، همه، مراتب هدایت عامه جهانند» (مطهری، بی‌تا، ص ۷۲)؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۵۰).

انسان و جامعه نیز از این قاعده مستثنا نیستند و هر لحظه در حال حرکت و تغییرند؛ یا در مسیر تکامل و حرکت به سوی رشد و تعالی قرار دارند، یا در حال فرسودگی و انحطاطند. سبک زندگی قرآنی به گونه‌ای طراحی شده است که «سیر تکاملی انسان، از حیوانیت آغاز می‌شود و به سوی انسانیت کمال می‌یابد. این اصل، هم درباره فرد صدق می‌کند و هم درباره جامعه. انسان در آغاز وجود خویش جسمی مادی است. با حرکت تکاملی جوهری، تبدیل به روح یا جوهر روحانی می‌شود... جنبه‌های فرهنگی و معنوی جامعه به منزله روح جامعه است. همان‌طور که میان جسم و روح تأثیر متقابل وجود دارد، میان روح جامعه و اندام آن، یعنی میان نهادهای معنوی و نهادهای مادی آن، چنین رابطه‌ای برقرار است. همان‌طور که سیر تکاملی فرد، به سوی آزادی و استقلال و حاکمیت بیشتر روح است، سیر تکاملی جامعه نیز چنین است؛ یعنی جامعه انسانی هر اندازه متکامل‌تر بشود، حیات فرهنگی [آن] استقلال و حاکمیت بیشتری بر حیات مادی آن پیدا می‌کند. انسان آینده حیوان فرهنگی است، نه حیوان اقتصادی. انسان آینده انسان عقیده و ایمان و مسلک است، نه انسان شکم و دامن» (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲، صص ۲۶-۲۸). این تأثیر متقابل روح و جسم که در انسان مطرح می‌شود، درباره فرد و جامعه نیز مطرح است و در مقام مقایسه فرد در جامعه، مثل روح در بدن انسان است. همچنان‌که در انسان روح اصالت دارد، در جامعه نیز اصالت با فرد است و تکامل روحی و روانی فرد، تکامل و سلامت جامعه را در پی خواهد داشت.

علامه طباطبایی درباره تحول و تطور تاریخی انسان بر این باور است که جامعه به سوی کمال در حرکت است. به عبارت دیگر، بُعد اجتماعی انسان مانند سایر ابعاد آن، در عین حرکت کمی از حالت بساطت و سادگی به حالت پیچیدگی و کثرت، دارای حرکت کیفی از نقص به کمال است (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۴۵). از این رو «اگر بشر در مسئله سنت و روش اجتماعی‌اش، بر سنتی استقرار یابد که فطرت دست‌نخورده‌اش اقتضای آن را دارد و عدالت را در اجتماع برقرار سازد، و نیز اگر بشر در زیر سایه چنین سنتی تحت تربیت صالح قرار گیرد، تربیتی که دو بالش علم نافع و عمل صالح باشد، آنگاه می‌توان برای جوامع بشری سیر تکاملی فرض کرد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۸۷). بر این اساس، حرکت تکاملی انسان و جامعه در سبک زندگی اسلامی، اولاً جهت‌دار و هدفمند است، نه صرف تغییر و تحول؛ ثانیاً پیشرفت، تکاملی تک‌بعدی و تنها در بعد مادیات یا معنویات نیست، بلکه هر دو را شامل می‌شود. از آنجاکه علم و اراده در تعیین سبک زندگی تأثیرگذار است، اصولاً سیر تکاملی فرد و جامعه بدون وقفه و انحراف نیست. اما همچنان می‌توان برای بشر سبکی از زندگی بر پایه فطرت و عمل به دستورات دین در کنار پیشرفت علم ترسیم کرد که در عین بهره‌مندی از مادیات، به معنویات نیز توجه کند.

۳-۱-۴. اخلاق‌مداری و ارزش‌مداری در رفتارهای اجتماعی

اخلاق جمع «خُلُق» و «خُلُق» و در لغت به معنای «سجّیه، سرشت، طبیعت، عادت، خوی و مانند آن» به کار می‌رود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۸۶)؛ در اصطلاح به معنای «صفات یا ملکات نفسانی است که در نفس انسان رسوخ کرده و پایدار شده باشد و باعث شود کارها متناسب با آن صفات، به طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان صادر شود» (ابن‌مسکویه، ۱۳۷۱، ص ۳۶؛ نراقی، بی‌تا، ص ۵۵).

در بحث حاضر، منظور از اخلاق، اخلاق مبتنی بر دین است. در مقام تبیین تذکر این نکته ضروری است که ارائه یک نظام اخلاقی، تابع جهان بینی خاصی است که در آن نظام اخلاقی پذیرفته شده است؛ چراکه طبق هر جهان بینی، نهایت کمال انسان به گونه ای خاص تعریف شده است و عمل اخلاقی عبارت از عملی است که انسان را به این کمال نزدیک تر می کند. بنابراین، «در نظام ارزشی اسلام، ارزش اخلاقی فعل اختیاری انسان تابع تأثیری است که این فعل در رسیدن انسان به کمال حقیقی انسانی دارد. هر کاری به اندازه ای که در آن کمال مؤثر باشد، ارزنده خواهد بود؛ اگر تأثیر منفی دارد، ارزش منفی خواهد داشت و اگر تأثیر مثبت داشته باشد، ارزش مثبت خواهد داشت و اگر نفعاً و اثباتاً تأثیری در آن نداشته باشد، ارزش صفر یا ارزش خنثی خواهد داشت» (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۹).

از این رو «کار اخلاقی به فعل اختیاری ای گویند که هم فی حد نفسه عمل صالح باشد و هم دارای نیت صحیحی باید باشد تا کمالش به نفس برگردد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۲۴۰). بنابراین، اخلاق مداری در اینجا یعنی رعایت امور اخلاقی که مطابق با عقاید و ارزش های اسلامی شکل می گیرد و داشتن نیت صحیح و هدف متعالی از ارکان آن است؛ چنان که در این توصیه امام علی علیه السلام به آن اشاره شده است: «عَوِّذُ نَفْسِكَ حُسْنَ النِّيَّةِ وَجَمِيلَ الْمَقْصِدِ، تُدْرِكُ فِي مَبَاغِيكَ النَّجَاحَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۹۲).

در نظام اخلاقی اسلام، «خاستگاه خوب و بد و تشخیص آن ها نه صرفاً عواطف و احساسات آدمی است و نه قرارداد محض و نه امر الهی است؛ بلکه مفاهیمی حقیقی و خارجی اند؛ البته نه به صورت مفاهیم ماهوی که دارای مابه ازای عینی و مستقل باشند، بلکه از قبیل مفاهیم فلسفی می باشند که منشأ انتزاع خارجی دارند. از این رو هر کاری که به کمال مطلوب انسان منتهی شده و در خدمت رسیدن به آن قرار گیرد، خوب و هر کاری که انسان را از آن دور سازد، بد است. از این رو خوبی یا بدی فعل اختیاری انسان پس از تأمل عقلانی، با سنجش و مقایسه میان آن رفتار و کمال مطلوب به دست آمده و تابع میل و سلیقه و قرارداد ما نیست» (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، صص ۱۰۲-۱۰۳) از طرفی، «چون تضمینی وجود ندارد که عقل انسان کمال مطلوب را درست شناخته، یا پیوند میان افعال اختیاری آدمی با آن را درست درک کند... برای تشخیص هدف مطلوب و نیز راه منتهی به آن، باید به دامان شرع و پیام الهی پناه آورد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، صص ۱۰۴-۱۰۵). در نتیجه می توان گفت، نظام اخلاقی اسلام عقلانی و حیوانی است؛ بدین معنا که هم بر خرد و اندیشه انسان و هم بر دستورات الهی متکی است. بر این اساس، طبیعی است که اگر هدف انسان رسیدن به خدا باشد، باید اخلاق او هم خدایی باشد و چه در اصل این اخلاق و چه در جزئیات آن، از منبع و حیوانی و الهی استفاضه نماید. از این رو انتظار می رود که سبک زندگی قرآنی که اساس آن رفتارهای خدایسندانه و تعالی انسان هاست، با معیارهای اخلاقی عجین شده باشد. بر همین اساس، می توان اخلاقی بودن را معیاری اساسی در سنجش حقانیت ادعاهای افراد و گروه ها دانست؛ چنان که یکی از یاران امام باقر علیه السلام نقل کرده است که «با مسرت نزد حضرت رفتم و به ایشان نوید دادم که شیعه و پیروان شما در نزد ما بسیار است. ایشان فرمود: آیا آن ها به ندار مهربانی می کنند؟ آیا در میان آن قوم، نیکوکاران از بدکاران درمی گذرند؟ آیا به یکدیگر کمک می کنند؟ عرضه داشتم: نه. فرمود: آنان شیعه نیستند. شیعه کسی است که این کارها را به جا می آورد» (فیض الاسلام، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۷۷). از این روایت چنین استنباط می شود که زندگی بر پایه اخلاق، با روح دینداری ارتباط تنگاتنگ دارد و اخلاق مداری پیش شرط دینداری است. اهمیت اخلاق مداری در سبک زندگی متکی بر قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام تا بدان جا است که آیات بسیاری در قرآن به مسائل اخلاقی اشاره کرده (برای نمونه نک: خوش گفتاری و احترام به پدر و مادر (بقره: ۸۳)، قرض الحسنه (بقره: ۲۴۵)، دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران: ۱۰۴)، امانت داری و عدالت (نساء: ۵۸)، دادگری و نیکوکاری و کمک به خویشاوندان و دوری از پلیدی و زشتی و نهی از ستم (نحل: ۹۰-۹۱)، صدق و راست گویی (توبه: ۱۱۹) و صبر (انفال: ۴۶)) و روایات فراوانی در این باره وارد شده است. شعار محوری بعثت پیامبر اکرم (ص) نیز تکمیل فضایل

اخلاقی بوده است: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۰۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۸)؛ زیرا اخلاق مهم‌ترین مسئله‌ای است که انسانیت بر مدار آن معنا می‌یابد. اگر اخلاق، به معنای منش و خوی پسندیده، در انسانی نباشد، چیزی از انسانیت به ارث نبرده است و اساساً تفاوت انسان با دیگر موجودات و آفریده‌های هستی در داشتن اخلاق نیک و پسندیده و امکان پرورش و تربیت است؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی، راه نزدیکی به خدا را تخلق به اخلاق الهی معرفی کرده است: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ صَلََّةً بَيْنَهُ وَبَيْنَ عِبَادِهِ. فَحَسَبُ أَحَدِكُمْ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِخُلُقٍ مُتَّصِلٍ بِاللَّهِ» (ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۲).

فضایل اخلاقی رابطه‌ای استوار میان انسان و خدا ایجاد می‌کند و باعث می‌شود روابط اجتماعی مستحکم‌تر گردد. از این‌رو زندگی بر اساس اخلاق الهی و رفتار پسندیده لذت‌بخش‌ترین زندگی معرفی شده است. امام صادق علیه السلام در این‌باره فرمود: «لَا عَيْشَ أَهْنًا مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۶۰؛ کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۵۵۶). از این‌رو می‌توان گفت، اخلاق از مبانی و پایه‌های محیطی سبک زندگی اسلامی است و خانواده و به تبع آن جامعه، یکی از مهم‌ترین ارکان پایه‌های محیط در تحولات اخلاقی است (نک: سلیمی‌زاد، ۱۴۰۰، ص ۱۳۹).

۵-۱-۳. باورمندی ضرورت رهبران هدایت و تبعیت از الگو در سبک زندگی

از دیگر مبانی جامعه‌شناختی در سبک زندگی قرآنی، نیاز به رهبر و الگو در جامعه است. «در نظام الحادی، جامعه مقدم بر قانون است؛ زیرا قانون مولود تفکر اندیشوران جامعه می‌باشد؛ ولی در نظام الهی و اسلامی، قانون مقدم بر جامعه است؛ زیرا از ناحیه‌ی خدای سبحان و برای تأمین سعادت جامعه نازل شده است و بر همین اساس، خداوند اولین انسان، یعنی حضرت آدم علیه السلام را فردی باقانون و دارای نبوت آفرید تا هیچ‌گاه هیچ بشری بدون قانون سعادت‌بخش نباشد» (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۸۷). از این‌رو «تأمین حیات جمعی جامعه بدون نظام حکومتی ممکن نیست؛ یعنی بدون قانون یکتا و رهبری و بدون پذیرش همگان نسبت به قانون جامع و رهبری واحد، یا اصلاً زندگی اجتماعی میسر نیست یا به کمال مطلوب نمی‌رسد» (نک: جوادی آملی، ۱۳۷۸، صص ۸۹-۸۸). بر این اساس، «تدوین قانون جامع از طرف فرد معین یا گروه خاص، هرگز ضامن منافع همه اقشار و جوامع نمی‌باشد؛ زیرا هر فرد یا گروهی، یا فقط سود خود را می‌طلبد یا در تشخیص سود و زیان دیگران ناتوان است؛ چنان‌که رهبری فردی که فقط چهره مردمی داشته، از تأیید الهی برخوردار نمی‌باشد یا به طور صحیح وارث مکتب الهی نیست، ضامن مصالح همه مردم نبوده؛ بلکه در گرایش‌ها و تنش‌های سیاسی و اجتماعی، منافع طبقه مخصوص را بر مصالح دیگران ترجیح می‌دهد. لذا چاره‌ای جز تأمین دو رکن اصیل سیاسی اجتماعی نیست: اول، قانون آزاد و دوم، رهبر آزاده. و قانون آزاد از اشتباه و تبعیض نابجا، همانا قانون الهی است و رهبر آزاده همانا انسان وارسته‌ای است که از بند باندبازی آزاد و از مرز آز و آزار حریت یافته باشد» (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۴۷).

از آنجاکه طبق جهان‌بینی اسلامی، کمال انسان در رسیدن به خداوند است، از این‌رو سبکی از زندگی ارزشمند خواهد بود که انسان را در رسیدن به این هدف یاری کند. حال با پذیرفتن این اصل باید دید انسانی که خود در مسیر تکامل بوده و چه‌بسا در مراحل ابتدایی این کمال است، آیا نسبت به مسیری که باید طی کند احاطه کاملی دارد؟ آیا می‌تواند در مورد ارائه طریق و سبکی متناسب با هدف نهایی خود استقلال داشته و بی‌نیاز از راهنما باشد؟ طبیعی است که اگر هدف انسان رسیدن به خدا باشد، باید سبک او هم خدایی باشد و در اصل این سبک و جزئیات آن از منبع وحیانی و الهی استفاضه نماید. در این مقام، معلوم نیست که زندگی بدون خدا و انسان‌محور، انسان

را به خدا خواهد رسانید، یا به خواسته‌های خود انسان. از این رو ادعای استقلال عقل، آن هم عقل خودمحور و منفعت طلب بشری در بناگذاری سبک زندگی الهی و حقیقی، از دیدگاهی که هدف انسان را رسیدن به خدا می‌داند، پذیرفته نخواهد بود.

از طرفی، «ادراک عقلی نیز تنها وسیله‌ای برای درک سلسله مفاهیم کلی و بدیهیات اولیه است. این‌ها نیز برای شناخت و تعیین مسیر زندگی کارایی ندارد. بیشترین توان چنین شناخت‌هایی آن است که بتواند یک سلسله مسائل فلسفی محض مانند وجود خدای متعال را اثبات کند، اما در چگونگی رسیدن به خدا قاصر است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۱۱). از این رو «با وجود چنین نارسایی در فرآیند راه‌های شناخت و ناتوانی آن در تعیین برنامه دقیق زندگی به گونه‌ای که موجب سعادت و کمال اخروی و ابدی بشود از یک سو، و حکیم بودن خداوند که معنا ندارد انسان را برای دستیابی به سعادت ابدی از راه اعمال اختیاری آفریده، ولی شناخت‌های لازم را در اختیار او قرار ندهد از دیگر سو، این نتیجه به دست می‌آید که حکمت الهی اقتضا می‌کند که شناخت لازم را در اختیار همه انسان‌ها قرار داده و راهی را معین کند که به پایه آن، انسان بتواند هدف و چگونگی رسیدن به آن را بشناسد و این راه چیزی جز راه وحی و نبوت نیست» (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۱۵). قرآن کریم نیز بدین حقیقت اشاره می‌کند و می‌فرماید: «رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ» (نساء: ۱۶۵).

قرآن کریم به عنوان منبع اصلی شناخت، بر این نکته تأکید می‌کند و ناتوانی عقل بشر در راه رسیدن به این مطلب را چنین بیان می‌کند: «وَيَعْلَمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۵۱). خداوند متعال در این آیه نفرمود: «عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَعْلَمُوا: چیزی را به شما آموخت که شما نمی‌دانستید»؛ بلکه فرمود: چیزی را به شما آموخت که شما راهی برای شناخت آن نداشتید؛ یعنی مطالبی آورد که این مطلب از دسترس ادراکات متعارف شما خارج است؛ حس بشر، وهم بشر، خیال بشر و عقل بشری راهی به آن‌ها نداشت. گاهی این تعبیر در قرآن بعد از اینکه خداوند حکمی را بیان کرده، آمده است؛ یعنی ابتدا حکمی را آورده و بعد این عبارت یا آیه‌ای به این مضمون که شما نمی‌توانستید این احکام و دستورات را با عقل خودتان درک کنید (هادوی تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۴۸). این نشان آن است که عقل بشری قادر نیست جواب‌گوی تمام نیازهای انسان باشد و اگر کتاب‌های آسمانی نبود، بشر با عقل خود به هیچ وجه نمی‌توانست به بسیاری از واقعیات دست پیدا کند. از این رو هر چند انسان باید‌ها و نبایدها و اصول کلی زندگی را از طریق عقل تعریف می‌کند، برای تعیین مصداق راه و چگونگی سیر آن، نیازمند قرآن و سنت است.

۱-۶-۳. اعتقاد به حاکمیت عقلانیت در رفتارهای اجتماعی

در سبک زندگی قرآنی، اولاً احکام و دستورات الهی مطابق با عقل و فطرت است؛ ثانیاً انسان موجودی عاقل است و بر رفتارهای اجتماعی او نیز عقلانیت حاکم است. علامه طباطبایی در این باره می‌گوید: «اسلام بشر را به چراغ روشنی‌بخشی دعوت می‌کند که هرگز خاموش نخواهد شد و آن چراغ چیزی جز عقاید و دستوراتی نیست که از فطرت بشر سرچشمه گرفته است و این مجموعه تعالیم حیات‌بخش، کمال واقعی و بهروزی حقیقی‌اش را تأمین خواهد کرد و به همین جهت است که خداوند متعال آن را حق خوانده است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ» (صف: ۹). و حق، رأی و اعتقاد مطابق با واقع و ملازم با رشد و خالی از گمراهی است. بنابراین تعالیم دینی و قرآنی برای مردم بیان می‌کند که دیدگاه‌ها و باورهای آن‌ها درباره جهان خلقت، عالم ماده و خودشان، کدامش حق است و کدامش باطل؛ و نیز باورهای عملی و سنن رفتاری ملهم از آن جهان‌بینی، کدامش حق و کدامش باطل است؛ یعنی چه برنامه‌های عملی‌ای غایت انسانی انسان را تأمین می‌کنند و چه برنامه‌هایی باعث تباه شدن انسان و هلاکت او می‌شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، صص ۲۸۲-۲۸۴).

اسلام دینی است که به عقلانیت و استدلال دعوت می‌کند و مدعی است که تعالیم نظری آن برهان‌پذیر است؛ از این رو دعوت به تفکر و تعقل می‌کند و تعالیم عملی‌اش هم خالی از مصلحت نیست. بر همین اساس، برخی از آن مصالح را تذکر داده است (طباطبایی، ۱۳۹۶، صص ۲۱۵-۲۱۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۶، صص ۱۰۰-۱۰۲). از سوی دیگر، «حقیقت وجودی انسان که او را از دیگر موجودات و حیوانات ممتاز کرده است، نفس ناطقه انسان و عقل اندیشمند اوست» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۳۴۱). به همین خاطر است که قرآن مجید در آیه ۱۷۹ سوره اعراف، کسانی را که از نیروی عقل استفاده نمی‌کنند، مانند چارپایان و بلکه گمراه‌تر از آن‌ها معرفی کرده است: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ». از این رو یکی از اهداف مهم ارسال رسل و انزال کتب، عقلانی نمودن حیات و زندگی بشری بوده است؛ چنان که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيَذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَيَشِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» (سیدرضی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۳). توضیح آنکه «عقل بخشی از حقیقت انسان و به دیگر سخن، وجهی از وجود او است که از طریق آن، هم کسب معرفت می‌کند و هم عمل می‌کند و زندگی انسانی خود را پیش می‌برد؛ هستی و جهانی را که در آن زندگی می‌کند، خود و امکانات و توانایی‌ها و محدودیت‌هایش را، اهداف و سود و زیان‌ها و راه‌های آن را، انسان‌های دیگر و رفتارهای آن‌ها را و همه‌وهمه را عقل می‌شناسد» (فیروزجایی، ۱۳۸۳، ص ۶۵). انسان در زندگی فردی و اجتماعی، رفتار خود را در پرتو عقل و خرد سامان می‌دهد و برای رسیدن به اهداف خود برنامه‌ریزی می‌کند.

از نظر جامعه‌شناسی، رفتارهای اجتماعی انسان در سبک زندگی قرآنی، عقلانی است و مراد از آن، «هماهنگی با فطرت سالم بشری» است. البته «هماهنگی با فطرت به طور مطلق «عقلانیت» خوانده نمی‌شود؛ بلکه عقلانیت وابسته به سلامت فطرت است. انسانی که ظاهراً بهره‌مند از عقل است، آنگاه که یک یا چند تا از غرایز و امیال درونی او طغیان نموده، یا عینک محبت یا خشم یا حرص یا ... به چشم عقل خود بسته، گرچه که هم انسان است و هم عاقل، از حکم به حق ناتوان است و اصلاً هر حکمی که می‌کند، باطل است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۵۴). بر این اساس، انسان برای اینکه در مسیر درست فطرت قرار گیرد و در نتیجه بدان وسیله انسانیت او حفظ شود، لازم است حق همه قوا و غرایز را به اندازه‌اش ادا کند و از افراط و تفریط بپرهیزد، تا فطرت او سالم بماند و در سایه این فطرت سالم، عقل او از انحراف و کژروی مصون و محفوظ بماند؛ یعنی در سایه تقواست که دایره عقل انسان گسترش می‌یابد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶، صص ۲۷۴-۲۷۵). از این رو در تعالیم اسلامی، اعمال خداپسند نشانگر عقلانیت و اعمال ناپسند، غیرمعمول، ناهنجار و شیطانی نشانه کم‌عقلی شمرده شده است (نک: کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، صص ۲۳-۷۰). انسان عاقل، از اطاعت طاغوت (زمر: ۱۷-۱۸) و قدرت‌های شیطانی که به گناه و نافرمانی از خدا امر می‌کنند، اجتناب و دیگران را نیز امر به خوبی و اطاعت از خدا می‌کند (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۲۷۸۴).

در سبک زندگی اسلامی، روش‌های رفتاری انسان که به آن‌ها «آداب» گفته می‌شود، ثمره نگاه‌ها و برداشت‌ها و نتیجه بُعد عقلانی اوست؛ چنان‌که معصوم می‌فرماید: «الآدَابُ تَلْقِيحُ الْأَفْهَامِ وَتَنْتَاجُ الْأَذْهَانَ» (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۱۹). مراد از «ذهن»، بعد عقلانی انسان است؛ زیرا آنچه انسان می‌اندیشد، در قالب رفتار تجلی می‌یابد. لذا در سبک زندگی اسلامی، «هر انسانی باید به یک روش رفتاری خاص دست پیدا کند که از عقلش نشأت می‌گیرد؛ وگرنه با حیوان تفاوتی نخواهد داشت. همان‌طور که حیوان در رفتار خود هیچ مرزی نمی‌شناسد، چنین شخصی نیز حد و مرزی را که عقل برایش مشخص می‌سازد، رعایت نمی‌کند و مانند یک حیوان افسارگسیخته رفتار می‌کند» (تهرانی، ۱۳۹۲، ص ۱۲).

۷-۱-۳. باورداشت مرزبندی میان حق و باطل در رفتارهای اجتماعی

«حق» مطابقت و وقوع شیء در محل خویش است و در تمام مصادیق آن قابل تطبیق است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۲۶۲). «باطل» نقیض حق است و منظور از آن، چیزی است که پس از بررسی معلوم شود ثباتی ندارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۲۹). یکی از ویژگی‌های حق و باطل آن است که مرز بین آن‌ها بسیار ظریف و بدین سبب تشخیص آن دو از یکدیگر مشکل است. «وجه تسمیه شبهه نیز که غالباً حکایت از امر خلاف حق دارد، شباهت آن به حق است» (فیض الاسلام، ۱۳۷۹، خ ۳۸، ج ۱، ص ۱۲۳). همین «آمختگی حق با باطل است که منشأ ظهور فتنه در جامعه می‌گردد. در چنین شرایطی است که حق بر تردیدکنندگان پوشیده، زبان طعنه معاندین دین در مذمت حق گشوده و راه استیلاي شیطان بر شیفتگان هموار می‌گردد» (فیض الاسلام، ۱۳۷۹، خ ۵۰، ج ۱، ص ۱۳۸). آیا امکان شناخت حق برای انسان وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که می‌تواند بین حق و باطل فرق بگذارد و راه خود را به سوی کمال مطلق بیابد. امیرالمؤمنین علیه السلام در ترسیم مراحل خلقت آدم علیه السلام می‌فرماید: «پس آن گل خشکیده را جان داد، بر پا ایستاد؛ درحالی‌که انسانی شد دارای قوه مدرکه... و معرفتی که میان حق و باطل تمیز می‌دهد» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، خ ۱، ص ۴۲). از این رو شناخت حق و باطل یکی از ضروری‌ترین شناخت‌ها در سبک زندگی است؛ چراکه انسان را از سقوط در ورطه حیرت و سرگردانی مصون می‌دارد.

اولین جلوه حق، دین خداست: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳). قید «الحق» به این مطلب اشاره دارد که «مقررات و ضوابط و احکامی که از جانب خداوند متعال تنظیم شده، صددرصد واقعیت داشته و مطابق تکوین الهی است و این حق بودن و واقعیت داشتن، زمینه را محکم و ثابت و آماده می‌کند که بر مصادیق غیرحقیقی و ظاهری آن غالب و ظاهر گشته و آن‌ها را محو و مقهور نماید» (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۱۰۷). خداوند در آیه فوق، دین را نیز مانند حق به خود منسوب کرده و در آیه دیگر فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ» (بقره: ۱۳۲). در واقع خداوند دین را به عنوان تعیین خارجی حق برای ما برگزیده و آن را اولین جلوه جامع حق در میدان وظیفه و تکلیف در ناسوت قرار داده است. در مقابل، جامع‌ترین جلوه باطل، فقدان دین یا بی‌دینی است: «وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۲۱۷).

در منطق قرآن، انسانی که به نظام حق و باطل می‌اندیشد، باطل را رها می‌کند، برای رسیدن به ثروت و قدرت از روش‌های باطل استفاده نمی‌کند، برای رسیدن به مقاصد دنیوی شتاب نمی‌ورزد، برای وصول به معانی اخروی فرصت از کف نمی‌دهد، از فزونی طرفداران باطل و قدرت‌های پشتیبان آن‌ها نمی‌هراسد و زندگی خود را مطابق خواست آن‌ها تنظیم نمی‌کند و از حق‌گویی و درست‌کاری و عدالت‌ورزی خودداری نمی‌کند؛ حتی اگر به نظر برسد در کوتاه‌مدت مناسبات حق مدار کم‌فایده یا بی‌فایده‌اند. او همچنین در برابر باطل مقاومت می‌کند، اما امور حقیقی و صحیح را سخت‌کوشانه دنبال می‌نماید؛ زیرا کم آن را بزرگ و اندک آن را فراوان می‌شمرد (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۵۱، ح ۴۲۲). در چنین سبکی از زندگی است که «رفتارهای درست، محقق و دانماً بازتولید می‌شوند و رفتارهای غلط به تدریج محو می‌گردد. برای این جامعه، معیار حق است. بنابراین، اگر تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به‌ظاهر مقتضی ارزش‌های غیراسلامی باشند، تن دادن به تحولات را گریزناپذیر نمی‌داند؛ بلکه حق به مثابه یک تراز، تحولات را جهت می‌دهد و انسان حق‌گرا می‌کوشد از ویژگی‌های جامعه در ابعاد فوق، از عمودمنصفی به نام حق، کمترین زاویه را پیدا کند» (علاسوند، ۱۳۹۲، ص ۶۰).

در حالی که نادیده انگاشتن این اصل و اعتقاد نداشتن به وجود ارزش‌های پایدار، موجب اصالت فرد و محوریت انسان می‌شود. اعتقاد به اصالت امور دنیوی، باعث غفلت از غیب و حقیقت محیط بر عالم و آدم خواهد شد و نگرش «آخرت‌گرایی» به «دنیاخواهی» تبدیل می‌شود؛ زیرا «نفی بعد متافیزیکی در انسان، مساوی با نفی ثبات و ارزش‌های ماوراء مادی به مفهوم الهی از حقانیت است. عناصر اخلاقی زمانی که از پشتوانه متافیزیکی برخوردار نباشند، تحول‌پذیر و موقعیت‌محور بوده، اطلاق و حتمیت خود را از دست می‌دهند» (علاسوند، ۱۳۹۲، ص ۶۰). در این شرایط، «نسبی‌گرایی اخلاقی و ارزشی به وجود می‌آید و انگیزه‌ای برای وفاداری به قواعد اخلاق نمی‌ماند؛ زیرا این مسئله در جای خود بسیار عمل‌گرایانه است؛ چراکه به طور چشمگیری در ایجاد فاصله میان نسل جدید و نسل پیشین تأثیر گذاشته، باعث می‌شود که نسل جدید ارزش‌های والدین خود را ارزش‌های خود نداند. در همین فرض، ممکن است نسلی انقلاب کند و نسل بعدی نخواهد آرمان‌های انقلاب را حفظ نماید. در واقع، خانواده به مرور ارزش‌هایش سیال‌تر شده و اساساً به پدیده مقاومت متعهد نمی‌ماند» (علاسوند، ۱۳۹۲، صص ۶۱-۶۰). در نتیجه می‌توان گفت فقدان باور جدی به نظام حق و باطل در زندگی باعث می‌شود دین بخشی از هویت خود را که بُعد سلبی است، از دست بدهد. این مسئله تا بدان‌جا پیش می‌رود که موجب تسلط سبک زندگی غیراسلامی بر سبک زندگی فرد مسلمان شود و اساساً کم‌همتی مسلمانان در سبک‌سازی و روش‌سازی و ساختارسازی را نتیجه دهد.

نتیجه‌گیری

سبک زندگی قرآنی، به معنای قالبی که زندگی هر فرد در آن شکل می‌گیرد، متأثر از نوع باورها و ارزش‌های حاکم بر آن فرد و جامعه است. براین اساس، به قواعد کلی و ثابت برگرفته از نگرش‌ها و ارزش‌ها و الگوهای رفتاری مستفاد از آموزه‌های قرآنی در روابط اجتماعی، «مبانی جامعه‌شناختی سبک زندگی قرآنی در تعاملات اجتماعی» گویند.

مبانی سبک زندگی قرآنی در حوزه تعاملات اجتماعی، در سه حوزه مبانی هستی‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی و مبانی جامعه‌شناختی تقسیم‌بندی می‌شود؛ زیرا هنگام بحث از مبانی، مراد بررسی نوع جهان‌بینی و فهم یک مکتب از خدا، جهان، انسان و جامعه است که در استنباط از مسائل اجتماعی، فرهنگی و جز آن نمود پیدا می‌کند.

اعتقاد به زندگی مادی و معنوی توأمان، هدفمند بودن جامعه، تکامل اجتماعی و حرکت به سوی رشد و کمال، نیاز به رهبران هدایت و تبعیت از الگو، لزوم اخلاق‌مداری و ارزش‌مداری در رفتارهای اجتماعی، لزوم حاکمیت عقل در رفتارهای اجتماعی و ضرورت وجود مرزبندی میان حق و باطل در رفتارهای اجتماعی از مهم‌ترین مبانی جامعه‌شناختی سبک زندگی قرآنی به شمار می‌رود.

مبانی جامعه‌شناختی سبک زندگی قرآنی اثرات عمیقی بر تعاملات اجتماعی افراد دارد. این مبانی باعث می‌شود افراد جامعه به‌گونه‌ای رفتار کنند که نه تنها به رشد و تعالی خودشان کمک کند، بلکه به نفع جامعه نیز باشد. چنین ارتباطی می‌تواند به ایجاد جوامع متعادل‌تر و پایدارتر بینجامد. به عبارت دیگر، مبانی جامعه‌شناختی سبک زندگی قرآنی، از طریق ترویج اخلاق‌مداری و همکاری و صداقت، محیطی مثبت برای تعاملات اجتماعی ایجاد می‌کند و با تأکید بر عقل‌محوری و مرزبندی میان حق و باطل به افراد کمک می‌کند تا با تفکر و هوشمندی به مسائل اجتماعی بپردازند. در نتیجه، این مبانی باعث تقویت همبستگی اجتماعی و رشد فردی و گروهی در جامعه می‌شود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آن‌هاست.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

حمایت مالی

نویسندگان اظهار می‌دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچ‌گونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده‌اند.

فهرست منابع

- قرآن کریم (محمد مهدی فولادوند، مترجم).
ابن مسکویه، احمد بن یعقوب. (۱۳۷۱). تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق. بیدار.
ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. دارصادر.
اشرفی، ابوالفضل. (۱۳۷۷). بی‌هویتی اجتماعی و گرایش به غرب (بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر گرایش نوجوانان به الگوهای فرهنگ غربی (رپ و هوی‌متال) در تهران) [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس]. پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج).
<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/f6e55bf2ca124f09f2e91902559c6b90>
- انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. انتشارات سخن.
تیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم (مصطفی درایتی، محقق). دفتر تبلیغات اسلامی.
تهرانی، مجتبی. (۱۳۹۲). رابطه و تأثیرگذاری متقابل عقل و ادب. پاسدار اسلام، ۳۳(۳۸۶-۳۸۵)، ۱۲-۱۳.
جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). انتظار بشر از دین [کتاب الکترونیکی] (محمد رضا مصطفی پور، محقق؛ سعید بندعلی، ویرایش). مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۳). ده مقاله پیرامون مبدأ و معاد. الزهرا (س).
جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). ولایت فقیه؛ ولایت فقاقت و عدالت. مرکز نشر اسراء.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دار العلم.
زیمل، گئورگ. (۱۳۷۲). کلان شهر و حیات ذهنی (یوسف ابادری، مترجم). نامه علوم اجتماعی، ۳(۰)، ۵۳-۶۶.
سجادی، سیدابراهیم. (۱۳۸۸). قرآن و بازتاب تربیتی روابط چهارگانه انسان. پژوهش‌های قرآنی، ۱۵(۵۹-۶۰)، ۹۰-۱۳۹.
سلیمی زاد، محمد. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر معنویت و اخلاق در سبک زندگی اسلامی. فصلنامه دانش نظامی ایلام، ۱۳۹۹(۳۳)، ۱۳۹-۱۵۵.
سید رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه (صبحی صالح، مصحح). هجرت.
صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۸۵). علل الشرائع. کتابفروشی داوری.
صمیم، رضا. (۱۳۹۳). نگاهی انتقادی به پیشینه داخلی مطالعات جامعه‌شناختی بر روی سبک زندگی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۷(۱)، ۱۴۵-۱۶۶.
<https://doi.org/10.7508/ijcr.2014.25.007>
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. دفتر انتشارات اسلامی.
طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۶ق). بررسی‌های اسلامی (سیدهادی خسروشاهی، به کوشش). دار التبلیغ اسلامی.
طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۶). شیعه در اسلام. دفتر انتشارات اسلامی.
طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). مکارم الأخلاق. شریف رضی.
طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. انتشارات ناصرخسرو.
علاسوند، فریبا. (۱۳۹۲). هنجارشناسی سبک زندگی دینی: تبیین سه اصل محوری. زن در فرهنگ و هنر، ۱۵(۱)، ۴۵-۶۲.
<https://doi.org/10.22059/jwica.2013.30352>
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. صبح صادق.
فخر زارع، سیدحسین. (۱۳۹۴). جامعه از منظر قرآن. پژوهشنامه معارف قرآنی، ۵(۱۶)، ۹۳-۱۲۲.
<https://doi.org/10.22054/rjqk.2015.1292>
- فرریزی، دیوید. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسان آلمانی و مدرنیته (مجید مددی، مترجم). ارغنون، ۱۱ و ۱۲(۰)، ۴۳۷-۴۶۰.
فیروزجایی، رمضان. (۱۳۸۳). عقلانیت در نظر علامه طباطبائی (ره). فصلنامه ذهن، ۵(۱۷)، ۶۵-۸۰.
فیض‌الاسلام اصفهانی، علی‌نقی. (۱۳۷۹). ترجمه و شرح نهج البلاغه. مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام.
کافی، مجید. (۱۳۹۶). هدفمندی و آرمان‌گرایی در سبک زندگی اسلامی. پژوهشنامه سبک زندگی، ۳(۲)، ۱۱۹-۱۴۱.

کلانتری، عبدالحسین؛ عزیزی، جلیل و زاهد زاهدانی، سعید. (۱۳۸۸). هویت دینی و جوانان؛ (نمونه آماری، جوانان شهر شیراز). فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۲۲(۲)، ۱۴۱-۱۲۵.

<https://doi.org/10.7508/ijcr.2009.06.006>

کراچکی، محمد بن علی. (۱۴۱۰ق). کنز الفوائد. دار الذخائر.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). الکافی. دار الحدیث.

گروه مؤلفان. (۱۳۹۰). آکسفورد ادونس دیکشنری. انتشارات آکسفورد.

گودرزی، حسین. (۱۳۸۷). کارکرد هویت‌بخش مذهب شیعه در دوره صفویه. فصلنامه مطالعات ملی، ۹(۳۶)، ۴۵-۷۲.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. دار إحياء التراث العربی.

محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۴۱۹ق). میزان الحکمة. موسسه دار الحدیث الثقافیة.

محمدی، روح‌الله. (۱۳۹۵). سبک زندگی در حوزه تعاملات اجتماعی از دیدگاه قرآن و حدیث (مبانی و اصول) [رساله دکتری، دانشگاه تهران]. پایگاه اطلاعات علمی ایران

(کنج).

<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/7828c7e52336ca068e73934b22e636e3>

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۲). معارف قرآن (راه و راهنماشناسی). مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۹). فلسفه اخلاق (احمدحسین شریفی، محقق). مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱). اخلاق در قرآن (محمدحسین اسکندری، محقق). انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۳). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی (احمدحسین شریفی، محقق). انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصطفوی حسن. (۱۳۸۰). تفسیر روشن. مرکز نشر کتاب.

مطهری، مرتضی. (بی تا). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی. صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). جامعه و تاریخ. صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). سیری در سیره نبوی. صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). فلسفه تاریخ. صدرا.

معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۸). جامعه مدنی. التمهید.

مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف. دار الکتب الإسلامیة.

مهدوی کنی، محمدسعید. (۱۳۸۷). مفهوم «سبک زندگی» و گستره آن در علوم اجتماعی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۱(۱)، ۱۹۹-۲۳۰.

doi: <https://doi.org/10.7508/ijcr.2008.01.008>

نراقی، ملا مهدی. (بی تا). جامع السعادات. اسماعیلیان.

وبر، ماکس. (۱۳۸۷). دین، قدرت، جامعه (احمد تدین، مترجم). هرمس.

ویستر، میریام. (۱۳۷۹). لغت‌نامه میریام وبستر. ابتدا.

ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی. (۱۴۱۰ق). تنبیه الخواطر ونزهة النواظر المعروف بمجموعة وزام. مکتبه فقیه.


هادوی تهرانی، مهدی. (۱۳۸۲). باورها و پرورش‌ها. خانه خرد.

Sociological Foundations of Qur'anic Lifestyle in the Sphere of Social Interactions

Rouhollah Mohammadi ¹ 

1. Assistant Professor, Department of Exegesis and Qur'anic Sciences, Faculty of Qur'anic Sciences, Shahroud, University of Qur'anic Sciences and Teachings, Shahroud, Iran (Corresponding Author).

Corresponding Email: r.mohammadi@quran.ac.ir

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.484618.1402>

Introduction

Islam, as one of the most important sources of identity and value-orientation, plays a decisive role in shaping and directing the social behavior of Muslims. The Holy Qur'an, as the divine scripture and the primary source of Islamic teachings, provides numerous principles and foundations for both individual and social lifestyles. The Qur'anic lifestyle, as a comprehensive and holistic model, not only emphasizes the personal dimensions of life but also extensively covers sociological foundations, thereby playing a crucial role in social interactions. In today's world-where globalization and modernity exert significant influence on societies-understanding and explaining these foundations are vital for preserving religious identity and strengthening healthy, sustainable social relations. A precise knowledge of these foundations can help resolve many social challenges. The review of prior research shows that no dedicated study has so far addressed the sociological foundations of lifestyle within social interactions. Hence, clarifying the relationship between the individual and society, their reciprocal influence, and the sociological foundations of the Qur'anic lifestyle in the domain of social relations constitutes the main aim of this study.

Methodology

This developmental research is qualitative in nature, using a descriptive-analytical method and relying on library sources, Qur'anic verses, and prophetic traditions. It seeks to explain and analyze the sociological foundations of the Qur'anic lifestyle in the sphere of social interactions.

Findings

Sociological foundations refer to those religious principles and directives that have become fundamental norms shaping individual behavior and social conduct. In sociology, such foundations serve as basic concepts and theories for analyzing society and social processes, helping us to understand how societies function, how structures and processes are shaped by culture, economy, and power, and how these factors interact. The Qur'anic lifestyle foundations in social interactions can be categorized into three domains: ontological, anthropological, and sociological. This is because any discussion of foundations implies an inquiry into a worldview-how a system conceives of God, the world, human beings, and society-which in turn informs social and cultural interpretations.

Amid the accelerating trend of globalization and the spread of values often in conflict with religious teachings, Islamic societies are confronted with unprecedented challenges. Within this context, the Qur'anic lifestyle, shaped by divine principles and moral values, is recognized as a stable and resilient model that can withstand these challenges, preserve itself within modern social



interactions, and contribute to the improvement of social life. Accordingly, attention to the foundations of lifestyle is critical, since they shape how individuals behave within society. The sociological foundations of the Qur'anic lifestyle-by promoting morality, cooperation, and honesty-create a positive environment for social interactions. By emphasizing rationality and the clear demarcation of truth and falsehood, they help individuals approach social issues with wisdom and discernment. Thus, these foundations reinforce social cohesion as well as personal and collective growth.

From this perspective, the most significant sociological foundations of the Qur'anic lifestyle include: belief in both material and spiritual dimensions of life; the purposeful nature of society; social progress and movement toward perfection; the necessity of guiding leaders and adherence to role models; the indispensability of morality and value-orientation in social behavior; the authority of reason in social conduct; and the necessity of maintaining clear boundaries between truth and falsehood in social interactions.

Conclusion

The Qur'anic lifestyle, understood as the framework within which an individual's life is shaped, is profoundly influenced by the prevailing beliefs and values of both the individual and society. The general, fixed rules derived from Qur'anic perspectives, values, and behavioral patterns in social relations are what constitute the sociological foundations of the Qur'anic lifestyle in social interactions. These foundations deeply influence how individuals behave socially, ensuring that their actions contribute not only to their own growth but also to the well-being of society. Such a framework can lead to the creation of more balanced and sustainable communities. Among the most important foundations are: belief in a dual material-spiritual life; the purposeful nature of society; social development and advancement toward perfection; the need for guiding leaders and role models; the necessity of morality and value-orientation in social interactions; the governance of reason in social conduct; and the requirement to distinguish clearly between truth and falsehood in social behavior.

Keywords

Society, Qur'anic lifestyle, sociological foundations of lifestyle, social interactions, Holy Qur'an.

Ethical Considerations

Compliance with research ethics. The authors observed the ethical principles in conducting and publishing this scholarly research, and this is confirmed by all of them.

Conflict of interest

The authors declare that they have no conflict of interest.

Funding statement

The authors declare that no funds, grants, or other support were received during the preparation of this manuscript.

References

The Holy Qur'an (M. Fooladvand, Trans.).

Allasvand, F. (2013). Normology of religious lifestyle: Explaining three central principles. *Zan dar Farhang va Honar*, 5(1), 45–62. <https://doi.org/10.22059/jwica.2013.30352> [In Persian]

Al-Ṣadūq, M. b. 'A. b. Bābawayh. (2006). *Ilal al-sharā'i*. Ketabforushi Davari. [In Arabic]

Al-Sharīf al-Raḍī, M. b. Ḥ. (1993). *Nahj al-balāgha* (S. Ṣāliḥ, Ed.). Hejrat. [In Arabic]

Al-Ṭabrisī, Faḍl b. Ḥasan. (1993). *Majma' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Naser Khosrow. [In Arabic]

Al-Ṭabrisī, Ḥ. b. Faḍl. (1991). *Makārim al-akhlāq*. Sharif Raḍi. [In Arabic]

Anvari, H. (2002). *Sokhan comprehensive dictionary*. Sokhan Publications. [In Persian]

Ashrafi, A. (1998). *Social identity loss and tendency to the West (A study of socio-cultural factors influencing the inclination of Tehran's adolescents toward Western cultural models: Rap and heavy metal)* [Master's thesis, Tarbiat Modares University]. Iranian Scientific Information Database (Ganj). <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/f6e55bf2ca124f09f2e91902559c6b90> [In Persian]

Author group. (2011). *Oxford advanced dictionary*. Oxford Publications. [In Persian]

Ebn Miskiwayh, A. b. Ya'qūb. (1992). *Tahdhīb al-akhlāq wa taḥīr al-a'rāq*. Bidar. [In Arabic]

Fakhr Zare, S. H. (2015). Society from the perspective of the Qur'an. *Pazhuheshnameh-ye Ma'aref-e Qur'ani*, 5(16), 93–122. <https://doi.org/10.22054/rjqk.2015.1292> [In Persian]

Fayz al-Islām Eṣfahānī, 'A.-N. (2000). *Translation and commentary of Nahj al-Balagha*. Fayz al-Islam Publications. [In Persian]

Fazeli, M. (2003). *Consumption and lifestyle*. Sobh-e Sadegh. [In Persian]

Ferrisby, D. (1996). German sociologists and modernity (M. Madadi, Trans.). *Arghanoon*, 11–12(0), 437–460. [In Persian]

Firoozjai, R. (2004). Rationality in the view of Allameh Tabātabā'i. *Zehn Quarterly*, 5(17), 65–80. [In Persian]

Goodarzi, H. (2008). The identity-giving function of Shi'a religion in the Safavid period. *Motal'at-e Melli Quarterly*, 9(36), 45–72. [In Persian]

Hadavi Tehrani, M. (2003). *Beliefs and questions*. Khane-ye Kherad. [In Persian]

Ibn Manzūr, M. b. Mukarram. (1993). *Lisān al-'Arab*. Dar Sader. [In Arabic]

Javadi Amoli, A. (1984). *Ten essays on the origin and resurrection*. Al-Zahra. [In Persian]

Javadi Amoli, A. (1999). *Velayat-e faqih; Velayat of jurisprudence and justice*. Esra Publications. [In Persian]

Javadi Amoli, A. (2008). *Human expectation from religion* [E-book] (M. Mostafapour, Ed.; S. Bandali, Rev.). Tebyan Cultural and Information Institute. [In Persian]

Kafi, M. (2017). Purposefulness and idealism in Islamic lifestyle. *Pazhuheshnameh-ye Sabk-e Zendegi*, 3(2), 119–141. [In Persian]

Kalantari, A., Azizi, J., & Zahed Zadeh, S. (2009). Religious identity and youth (Case study: Young people in Shiraz). *Farhang Research Quarterly*, 2(2), 125–141. <https://doi.org/10.7508/ijcr.2009.06.006> [In Persian]

Karājikī, M. b. 'A. (1990). *Kanz al-fawā'id*. Dar al-Dhakhā'ir. [In Arabic]

Kulaynī, M. b. Ya'qūb. (2008). *Al-Kāfi*. Dar al-Hadith. [In Arabic]

Mahdavi Kani, M. S. (2008). The concept of "lifestyle" and its scope in social sciences. *Farhang Research Quarterly*, 1(1), 199–230. <https://doi.org/10.7508/ijcr.2008.01.008> [In Persian]

- Majlisī, M. B. b. M. T. (1982). *Bihār al-anwār al-jāmi'a li-durar akhbār al-a'imma al-aṭhār*. Dar Ihya' al-Turath al-'Arabī. [In Arabic]
- Ma'rifat, M.-H. (1999). *Civil society*. Al-Tamhid. [In Persian]
- Merriam-Webster. (2000). *Merriam-Webster dictionary*. Ebtedā. [In Persian]
- Misbah Yazdi, M. T. (2003). *Teachings of the Qur'an (Path and guidance)*. Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Misbah Yazdi, M. T. (2010). *Philosophy of ethics* (A. Sharifi, Ed.). Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Misbah Yazdi, M. T. (2012). *Ethics in the Qur'an* (M. Eskandari, Ed.). Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Misbah Yazdi, M. T. (2014). *Critique and analysis of ethical schools* (A. Sharifi, Ed.). Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Mohammadi Reyshahri, M. (1998). *Mizān al-ḥikma*. Mu'assasat Dar al-Hadith al-Thaqafiyya. [In Arabic]
- Mohammadi, R. (2016). *Lifestyle in the field of social interactions from the perspective of the Qur'an and Hadith (principles and foundations)* [Doctoral dissertation, University of Tehran]. Iranian Scientific Information Database (Ganj). <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/7828c7e52336ca068e73934b22e636e3> [In Persian]
- Moṣṭafavi, H. (2001). *Clear exegesis*. Markaz Nashr Ketab. [In Persian]
- Motahhari, M. (1989). *A study of the prophetic biography*. Sadra. [In Persian]
- Motahhari, M. (1990). *Philosophy of history*. Sadra. [In Persian]
- Motahhari, M. (2006). *Society and history*. Sadra. [In Persian]
- Motahhari, M. (n.d.). *An introduction to the Islamic worldview*. Sadra. [In Persian]
- Mughniyya, M. J. (2003). *Tafsīr al-Kāshif*. Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- Naraqī, M. M. (n.d.). *Jāmi' al-sa'ādāt*. Esmailian. [In Persian]
- Rāghib al-Iṣfahānī, Ḥ. b. Muḥammad. (1991). *Al-Mufradāt fī gharīb al-Qur'ān*. Dar al-'Ilm. [In Arabic]
- Sajadi, S. E. (2009). *The Qur'an and the pedagogical reflection of human's fourfold relations. Pazhuhesh-haye Qur'ani*, 15(59–60), 90–139. [In Persian]
- Salimizad, M. (2021). Examining the effect of spirituality and ethics in the Islamic lifestyle. *Danesh Entezami-e Ilam Quarterly*, 1399(33), 139–155. [In Persian]
- Samim, R. (2014). *A critical look at the domestic background of sociological studies on lifestyle. Farhang Research Quarterly*, 7(1), 145–166. <https://doi.org/10.7508/ijcr.2014.25.007> [In Persian]
- Simmel, G. (1993). *The metropolis and mental life* (Y. Abazari, Trans.). *Nameh-ye Olum-e Ejtemai*, 3(0), 53–66. [In Persian]
- Ṭabāṭabā'ī, M. H. (1976). *Islamic studies* (S.-H. Khosrowshahi, Ed.). Dar al-Tabligh al-Eslami. [In Persian]
- Ṭabāṭabā'ī, M. H. (1996). *Al-Mizān fī tafsīr al-Qur'ān*. Daftar Entesharat-e Eslami. [In Arabic]
- Ṭabāṭabā'ī, M. H. (1997). *Shi'a in Islam*. Daftar Entesharat-e Eslami. [In Persian]
- Tamīmī Āmadī, 'A. b. Muḥammad. (1987). *Taṣnīf ghurar al-ḥikam wa durar al-kalim* (M. Derayati, Ed.). Daftar Tablighat-e Eslami. [In Arabic]
- Tehrani, M. (2013). *The reciprocal relationship between reason and literature. Pasdar-e Eslām*, 33(385–386), 12–13. [In Persian]
- Warām b. Abī Firās, M. b. 'Īsā. (1990). *Tanbīh al-khawāṭir wa nuzhat al-nawāzīr al-ma'rūf bi-majmū'at Warām*. Maktabat Faqīh. [In Arabic]

Weber, M. (2008). *Religion, power, society* (A. Tadayyon, Trans.). Hermes. [In Persian]

How to cite:

Mohammadi, Rouhollah. (2025). Sociological foundations of Qur'anic lifestyle in the sphere of social interactions. *Quran, Culture And Civilization* , 6(3), 27-50.
<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.484618.1402>




Educational Modeling of Islamic Lifestyle in Sūrat al-Nūr with a Comprehensive Approach in the Modern Age

Maryam Nassaj¹  Mehri Sadeghiyan² 

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies Education, Farhangian University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Primary Education, Farhangian University, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

Corresponding Email: mm.sadeghiyan@yahoo.com

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.499123.1430>

Article History:

Received: 2025-01-27

Revised: 2025-03-17

Accepted: 2025-03-22

Online First: 2025-09-14

Keywords

educational model,
crises of the modern age,
comprehensive approach,
Islamic lifestyle,
Sūrat al-Nūr.

Type of Article:

Research

Abstract: Despite the comprehensiveness of Sūrat al-Nūr, no holistic educational model for Islamic lifestyle that adequately responds to the challenges of the modern age has yet been derived from it. The purpose of this study is to construct such an educational model, based on the comprehensive approach. This qualitative research employs thematic analysis, collecting and coding themes with the aid of MAXQDA software. The findings demonstrate that, through a holistic perspective, the surah addresses various crises of modernity: the crisis of spirituality in the doctrinal, devotional, and ethical dimensions (connection with God and reliance on His guidance, integration of faith and practice in life, cultivation of moral values); the crisis of face-to-face communication and complex sedition in political and social dimensions (constructive social interaction, optimization of the judicial and legal system); the crisis of materialism in economic and professional dimensions (attention to the divine aspect in economic matters, avoidance of extremes, adherence to moderation); the crisis of diminishing authentic aesthetics in the artistic dimension (collective moral beauty, spiritual beauty, beauty of nature); the crisis of information explosion in the scientific and technological dimension (linking rational scientific thought with insightful and truth-seeking scholarship); and the crisis of excessive externalism in the bodily dimension (protective and reformative modesty and dress).

How to cite:

Nassaj, Maryam., & Sadeqian, Mehri. (2025). Educational modeling of Islamic lifestyle in Sūrat al-Nūr with a comprehensive approach in the modern age. *Quran, Culture And Civilization* , 6 (3),51-70.

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.499123.1430>

الگوسازی تربیتی سبک زندگی اسلامی سوره نور با رویکرد تمام‌ساحتی در عصر جدید



دریافت: ۱۴۰۳-۱۱-۰۸
 بازنگری: ۱۴۰۳-۱۲-۲۷
 پذیرش: ۱۴۰۴-۰۱-۰۲
 انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۶-۲۳

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.499123.1430> doi

مریم نساچ^۱ id

مهری صادقیان^{۲*} id

مقاله: پژوهشی

چکیده

با وجود جامعیت سوره نور، تاکنون الگوی تربیتی تمام‌ساحتی برای سبک زندگی اسلامی که پاسخ‌گوی چالش‌های عصر جدید باشد، استخراج نشده است. هدف از پژوهش حاضر الگوسازی تربیتی سبک زندگی اسلامی سوره نور با رویکرد تمام‌ساحتی در عصر جدید است. این پژوهش کیفی با روش تحلیل مضمون، به گردآوری مضامین و پیاده‌سازی آن‌ها با نرم‌افزار MAXQDA پرداخته است. نتایج این پژوهش با رویکرد تمام‌ساحتی جواب‌گوی بحران معنویت عصر جدید در ساحت اعتقادی و عبادی و اخلاقی (ارتباط با خدا و بهره‌گیری از هدایت‌گری او، تلفیق ایمان و عمل در زندگی، آراستگی به ارزش‌های اخلاقی)، بحران ارتباطات رودررو و فتنه‌سازی‌های پیچیده در ساحت سیاسی و اجتماعی (سازندگی تعاملات اجتماعی، بهینه‌سازی عملکرد نظام قضایی و حقوقی)، بحران مادی‌گرایی در ساحت اقتصادی و حرفه‌ای (توجه به جنبه الهی در امور اقتصادی، پرهیز از افراط و تفریط و اکتفا به حد تعادل)، بحران کاهش زیبایی‌گرایی واقعی در ساحت زیبایی‌شناسی و هنر (زیبایی رفتار جمعی، زیبایی معنوی، زیبایی طبیعت)، بحران انفجار اطلاعات در ساحت علمی و فناورانه (همراهی تفکر علمی و منطقی با بصیرت و حقیقت‌جویی عالمانه) و بحران ظاهرگرایی افراطی در ساحت زیستی و بدنی (حجاب و پوشش ایمن‌ساز و اصلاح نگاه) بوده است.

واژگان کلیدی: الگوی تربیتی، بحران‌های عصر جدید، رویکرد تمام‌ساحتی، سبک زندگی اسلامی، سوره نور.

استناد به مقاله:

نساچ، مریم؛ صادقیان، مهری. (۱۴۰۴). الگوسازی تربیتی سبک زندگی اسلامی سوره نور با رویکرد تمام‌ساحتی در عصر جدید. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۶(۳)، ۵۱-۷۰.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.499123.1430>

mm.sadeghiyan@yahoo.com

۱. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
 ۲. استادیار گروه آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

@نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند. صاحب امتیاز دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، این مقاله یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت شرایط و ضوابط Creative Commons Attribution 4.0 International توزیع شده است.



۱. مقدمه

عصر حاضر عصر فناوری است و تحولات شگرفی را به همراه داشته است. این عصر، اطلاعات را به راحتی و در هر زمان و مکان در دسترس انسان می‌گذارد، امکان برقراری ارتباط با افراد مختلف در سراسر جهان را فراهم می‌سازد، بسیاری از کارها را به صورت برخط انجام می‌دهد و در راستای زمینه‌سازی جهت ایجاد ایده‌های نو و محصولات خلاقانه و بهبود کیفیت زندگی گام برمی‌دارد؛ اما باید توجه داشت که علاوه بر مزایا، چالش‌هایی نیز به همراه دارد. در عصر جدید انسان شاهد آن است که سبک زندگی افراد به سمت مادی‌گرایی و لذت‌جویی دنیوی رفته و آن‌ها را از جست‌وجوی معنویت و ارزش‌های معنوی غافل کرده است؛ چراکه انسان را یک حیوان اقتصادی با جهان‌بینی مادی می‌داند که با روح مذهبی و اخلاقی در مخالفت است (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۸۸، ص ۵۱). گسترش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، درحالی‌که ارتباطات را تسهیل نموده، به‌نوعی تعاملات رودررو را کم‌رنگ کرده است. این کاهش تعاملات مستقیم، زمینه را برای سوءتفاهم‌ها، شایعات و فتنه‌سازی‌های پیچیده فراهم می‌کند. در این فضا، واقعیت‌ها به راحتی قابل دست‌کاری است و مرز بین حقیقت و دروغ به شدت مبهم می‌شود. با ظهور استانداردهای زیبای مصنوعی و دست‌کاری‌شده در رسانه‌ها، زیباگرایی واقعی و طبیعی جای خود را به ظاهرگرایی افراطی داده است. در این شرایط، ارزش انسان‌ها به جای شخصیت و توانایی‌ها و اخلاقشان، به ظاهر فیزیکی آن‌ها گره خورده و در نتیجه، جامعه‌ای با سبک زندگی سطحی و مبتنی بر قضاوت‌های ظاهری به وجود آمده است. در این باره به یک سبک زندگی متعادل نیاز داریم که بتواند به تمام ابعاد وجودی انسان توجه کند و با ارائه کارکردهای تربیتی جامع و کاربردی، به زندگی آدمی کیفیت ببخشد و او را در برابر آسیب‌های ناشی از پیشرفت‌های عصر جدید در امان نگه دارد.

قرآن متنی پویاست که تعاملات فرهنگی اجتماعی را برجسته (آمالیا و ماهاریا، ۲۰۲۳، ص ۵۶) و سبک زندگی را با توجه به آموزه‌های اسلامی استخراج می‌کند (احمد و وان عبدالله، ۲۰۲۳، ص ۳۵). این کتاب از منابع غنی و ارزشمند برای طراحی سبک زندگی است که با استعانت از تعالیم خداوند متعال، تمام کمالات را دارا و از هرگونه نقصی مبرا است. اتصال به این سرچشمه، می‌تواند مسیر سخت تعلیم و تربیت را هموار گرداند. این کتاب به عنوان منبع آسمانی منبعث از تعالیم الهی، نقشی اساسی در هدایت بشر دارد؛ چراکه مظهر تمام جنبه‌های کمال و عاری از هر عیب است و می‌تواند چهارچوبی کامل و کاربردی برای تربیت بشریت ارائه دهد و یک سبک زندگی صحیح را برای اثرگذاری در ابعاد مختلف زندگی روزمره افراد عرضه کند. قرآن در این باره آورده است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ: او کسی است که در میان جمعیتی درس‌نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت، تا آیاتش را بر آن‌ها بخواند و آن‌ها را تزکیه کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت بیاموزد. آن‌ها مسلماً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» (جمعه: ۲). کتابی مثل قرآن با این محتوای عمیق و عظیم و فرهنگی چون فرهنگ اسلام، زاینده فکر بشر نیست؛ آن هم بشری که نه خود درس خوانده و نه در محیط علم و دانش پرورش یافته است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۱۷۸). در نتیجه، با تمسک به این کتاب ارزشمند می‌توان به راهبردهای روشن خروج از چالش‌های عصر جدید دسترسی پیدا کرد و از مهلکه‌های هولناک زندگی نجات یافت. پیامبر اکرم ﷺ در این باره فرموده است: «هنگامی که فتنه‌ها چون پاره‌های شب تار شما را در خود پیچید، به قرآن روی بیاورید» (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۹۹).

سبک زندگی اسلامی در تمام سوره‌های قرآن انعکاس دارد؛ اما سوره نور به دلیل جامعیت موضوعات و تناسب آموزه‌هایش با نیازها و چالش‌های عصر جدید، جایگاه ویژه‌ای در میان سوره‌های دیگر دارد؛ لذا این سوره می‌تواند به عنوان یکی از منابع اصلی برای استخراج سبک زندگی اسلامی در ابعاد مختلف، نقش بسزایی را ایفا کند و الگوی تربیتی برای دستیابی به کمال و سعادت و دوری از انحراف ارائه دهد. در این راستا از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: زنان خود را به وسیله سوره نور در حصار عفت قرار دهید (طبرسی، ۱۳۵۰،

ج ۱۷، ص ۹۲). سوره نور به عنوان فصل مهمی در کتاب مقدس الهی، دارای ظرفیت قابل توجهی است که می تواند به عنوان یکی از منابع اصلی برای تعریف سبک زندگی چندوجهی اسلامی عمل کند و در نتیجه، چهارچوب جامعی برای تربیت فراهم نماید که هدف آن هم دسترسی به کمال نهایی انسان است؛ تا از طریق آن، او را از انواع انحرافات حفظ کند. این مقاله تلاش می کند تا کارکردهای محوری تربیتی تعبیه شده در سوره نور را بررسی و تبیین کند تا برای ساختن سبک زندگی اسلامی مناسب در جامعه معاصر استفاده شود؛ علاوه بر این، به دنبال کشف روش هایی است که ابعاد سبک زندگی اسلامی را به طور یکپارچه با نگاه تربیتی نوین ادغام کند تا بیشترین قابلیت استفاده را داشته باشد. این پژوهش همچنین بررسی می کند که چگونه می توان از اصول بیان شده در سوره نور به طور ماهرانه در رفع نیازها و چالش های فوری که مشخصه عصر فعلی است، استفاده کرد. بنابراین این نوشتار به دنبال پاسخ به این سؤالات است: کارکردهای تربیتی کلیدی در سوره نور که می تواند برای شکل دهی به سبک زندگی اسلامی در عصر جدید استفاده شود، کدام است؟ چگونه می توان کارکردهای تربیتی سبک زندگی اسلامی در سوره نور را با رویکرد نوین تربیتی تمام ساحتی ارتباط داد؟ چگونه می توان این کارکردهای تربیتی تمام ساحتی را برای پاسخ گویی به نیازها و چالش های عصر جدید به کار برد؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

آیت و مطیع در پژوهشی با عنوان «نقش رعایت حریم در سلامت اجتماعی از دیدگاه قرآن در سوره نور»، به معرفی اصطلاح حریم اجتماعی در حوزه امنیت اجتماعی پرداخته و بر اساس آموزه های این سوره، ارزیابی کمی مؤلفه هایی همچون اشاعه فحشا، تأثیر عدم رعایت حریم زنان از طریق ایجاد ناامنی روانی، حفظ حریم منازل در احساس امنیت اجتماعی فرد، تأثیر نگاه های جنسیتی مردان به زنان و بالعکس و نقش مشارکت در فعالیت های عمومی اجتماعی را در راستای سنجش سلامت اجتماعی پیشنهاد داده اند.

سلطانی در پژوهشی با عنوان «سنخیت میان همسران، تأملی در تفسیر آیه ۲۶ سوره نور»، با بررسی مفاد این آیه به این نتیجه رسیده است که دو احتمال کلی در مفاد آیه وجود دارد: وجه انشایی و وجه خبری. بر اساس ادله و شواهد، مقصود از خبثت در آیه، آلودگی جنسی است و مفهوم آیه در صورت انشایی بودن، بر نهی از ازدواج فرد مؤمن با فرد دارای خبثت از نوع آلودگی جنسی حمل می شود و همسران پیامبران این نوع آلودگی را نداشته اند؛ اما اگر آیه جمله خبری باشد، سه احتمال در مفاد آن وجود دارد: گزارش سنخیت میان مردان و زنان در آخرت، گزارش سنخیت میان مردان و زنان در ازدواج ها، گزارش تناسب میان ناپاکان با یکدیگر و پاکان با همدیگر. از این سه احتمال، مورد اخیر متناسب با آیه است.

خادمی در پژوهشی با موضوع «واکاوی واکنش مؤمنان در برابر دروغ سازی دشمنان علیه بستگان رهبر مسلمانان»، واکنش مؤمنان را به چنین مسئله ای بررسی کرده است که برخی از نتایج آن چنین است: واکنش سازگارانه با دروغ و دروغ سازان نتیجه ضعف ایمان و بی بصیرتی است و سبب تضعیف جایگاه رهبری خواهد شد و بی تفاوتی در این مسئله، عذاب عظیم و دردناکی در پی دارد؛ اما واکنش ناسازگارانه در برابر دروغ سازان نتیجه ایمان و دین داری است و سبب خوش گمانی به مؤمنان و بدگمانی به دشمنان و مانع وقوع منکرات خواهد شد.

عابدی در پژوهشی با موضوع «بررسی نظام اخلاقی عفاف در سوره نور از منظر قرآن کریم»، به استخراج مضامین مربوط به عفاف در سوره نور و تحلیل آن ها پرداخته است. این مضامین، حوزه های فرد و خانواده و اجتماع را در بر گرفته و به منظور ساخت یک مدل و ساختار در حوزه عفاف، چهار مؤلفه اصول و مبانی، مقدمات، الزامات و موانع تبیین شده است.

سجادی، احمدنژاد و حبیب‌اللهی در پژوهشی با عنوان «تحلیل فرهنگ قرآنی استیناس در سوره نور بر اساس آراء مفسران»، به واکاوی مفهوم دقیق «استیناس» و حکمت به کار بردن آن به جای واژه «استیدان» و توجه به ابعاد اخلاقی و تربیتی این دستور اسلامی پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، قرآن با استفاده از دو واژه «تستانسوا» و «تسلموا»، اذن را از حکمی قانونی و رسمی به حکمی اخلاقی تبدیل کرده است. این کار معاشرت را آسان و دلخواه می‌کند و دوستی و یکدلی را بین افراد جامعه رواج می‌دهد.

فتحی، میراحمدی و العامری در پژوهشی با عنوان «زیبایی‌شناسی سیمای هنری زن در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور» نشان داده‌اند که این دو آیه، حاوی بسیاری از ویژگی‌های خاص نظم قرآنی و دارای ارزش‌های بیانی و تصاویر هنری شگفت‌انگیزی است که نقش مهمی در آشکارسازی و تبیین موضوعات تربیتی به همراه مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی تصاویر هنری قرآنی ایفا می‌کند. همچنین، مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی تصویر هنری قرآنی از زنان در این دو آیه با یکدیگر تعامل می‌کنند تا هماهنگی میان عناصر تصویر، زمینه گفتار و مفاهیم آیات درباره موضوع زنان در سوره نور ایجاد شود. این هماهنگی، گیرنده را به تأثیرگذاری در تخیل و ذائقه و درک معنا سوق می‌دهد.

کارگر و بهمنی در پژوهشی با عنوان «جایگاه حجاب در ساختار آیه ۳۱ سوره نور و پیوند آن با کل سوره» بیان کرده‌اند که پوشش و حجاب اسلامی یکی از موضوعات مهم قرآنی است که در آیات وحی از آن سخن به میان آمده است. از جمله آیاتی که به روشنی جایگاه حجاب در ساختار آن ذکر شده، آیه ۳۱ سوره نور است. این پژوهش می‌کوشد با هدف مشخص کردن ساختار این آیه و پیوند آن با کل سوره، جایگاه حجاب و عفاف در قرآن کریم را تبیین کند.

در پژوهش‌های یادشده بعضی از موضوعات سوره نور مثل حریم اجتماعی، سنخیت میان همسران، واکنش مؤمنان در برابر دروغ‌سازی دشمنان و زیباشناسی هنری زن به صورت موردی و بدون توجه به چالش‌های عصر جدید بررسی شده است؛ اما نوآوری این پژوهش در این است که به جای تمرکز بر یک بعد خاص تربیتی، به دنبال شناسایی ابعاد مختلف سبک زندگی اسلامی در قالب یک الگوی تربیتی متناسب با نیازها و چالش‌های عصر جدید است؛ همچنین ارتباط این الگو با رویکردهای نوین تربیتی بیان شده است. این رویکرد نوین تربیتی در الگوی یادشده با توجه به پرداختن به تمام ساحت‌های تعلیم و تربیت، الگوی تمام‌ساحتی است. لذا این پژوهش علاوه بر الگوسازی تربیتی سبک زندگی اسلامی تلاش می‌کند آموزه‌های اسلام را با رویکردهای نوین تربیتی تلفیق نماید و الگویی جامع با رویکرد تربیت اسلامی را پیاده‌سازی کند.

۲-۱. روش پژوهش

روش «تحلیل مضمون» روشی کیفی برای شناسایی و تحلیل و گزارش مضامین در داده‌هاست. مضامین یا با توجه به معانی ظاهری یا آشکار آیات شناخته می‌شود و چیزی فراتر از آن در متن وجود ندارد؛ یا فراتر از معانی آشکار محتوای داده‌هاست و ایده‌ها و مفروضات و مفاهیم نهفته‌ای است که شناسایی می‌شود (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۵، ص ۷۲). این روش قابلیت انعطاف‌پذیری بسیاری دارد و از جهت کاربردی بودن، در رابطه با انواع متون و آثار مکتوب به کار می‌رود (براون و کلارک، ۲۰۰۶، ص ۳۲). روش تحلیل مضمون مبتنی بر فرایند کدگذاری است. شبکه مضامین بر اساس یک رویه مشخص، مضامین زیر را نظام‌مند می‌کند:

۱. مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)؛
۲. مضامین سازمان‌دهنده (مقولات به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه)؛
۳. مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگزیده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل).

سپس این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۷۸). در این پژوهش و بر اساس نکات فوق، نخست خوانش سوره نور و سپس کدهای شناسایی شده و مضامین پایه را استخراج کردیم. در مرحله بعد مضامین پایه بر

اساس اشتراکات و افتراقات، از هم جداسازی شد و در قالب مضامین سازمان‌دهنده دسته‌بندی گردید؛ سپس از طریق مضامین ارائه‌شده، شبکه مضامین یافته‌ها را ترسیم نمودیم. در ذیل نیز با استفاده از نمودار MAXQDA، الگوی تربیتی سبک زندگی اسلامی سوره نور با رویکرد تمام‌ساحتی در عصر جدید طراحی شده است.

۲. یافته‌های پژوهش

۲-۱. مضامین پایه و آیات مرتبط

مضمون پایه	آیات سوره نور
بهره‌مندی از نور هدایت الهی در خانه با یاد و تسبیح الهی	فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (نور: ۳۶)
تسبیح خدا توسط همه موجودات	أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَاقَاتُ كُلِّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ (نور: ۴۱)
توجه داشتن به مراقبت دائمی خدا ضامن کنترل انسان در انحرافات زدگی	أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (نور: ۶۴)
برخورداری از ایمان واقعی	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ (نور: ۶۲)
پرهیز از ایمان زبانی بدون نمود عملی	وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ (نور: ۴۷)
ایمان و تسلیم مطلق در برابر حق به عنوان حقیقت ایمان در زندگی	مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (نور: ۵۲)
انعکاس اطاعت و نافرمانی الهی در زندگی فرد	قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (نور: ۵۴)
اخلاص برای توانایی در برابر بار سنگین اطاعت	وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةَ مَعْرُوفَةً إِنَّ اللَّهَ يَخْبِرُ بِمَا تَعْمَلُونَ (نور: ۵۳)
پرهیز از تهمت به عمل منافی عفت بدون آوردن شاهد، برای جلوگیری از آلودگی به فسق	وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ... أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور: ۴)
حسن ظن به پاکان در تهمت عمل منافی عفت	لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (نور: ۱۲)
عفت در مواقع نبود اسباب ازدواج	وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (نور: ۳۳)
پرهیز از کنجکاوای برای کشف علت اجازه ندادن برای ورود به خانه دیگران	وَإِن قِيلَ لَكُمْ ارجِعُوا فارجِعوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (نور: ۲۸)
پرهیز از تهمت به عمل منافی عفت به علت وارد ساختن آسیب روحی	وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ (نور: ۴)
روشنگری آیات قرآن در زمینه‌سازی برای ایمان در زندگی	لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ (نور: ۴۶)
تنبیه بدنی برای تهمت‌زننده به عمل منافی عفت بدون ارائه شاهد	الرَّائِيَةُ وَالرَّائِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ (نور: ۲)
درخواست شواهد چهارگانه از تهمت‌زننده به عمل منافی عفت	لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ... لَوْ لَا جَاءُ عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ (نور: ۱۳-۱۴)
سوگند پنج‌گانه برای اثبات عمل منافی عفت همسر	وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ * وَالْخَامِسَةَ أَنْ لَعَنَتِ اللَّهُ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (نور: ۶-۷)
سوگند پنج‌گانه همسر برای رفع اتهام عمل منافی عفت	وَيَذَرُوهَا عَنْهَا الْعَذَابُ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ * وَالْخَامِسَةَ أَنْ غَضَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ (نور: ۸-۹)

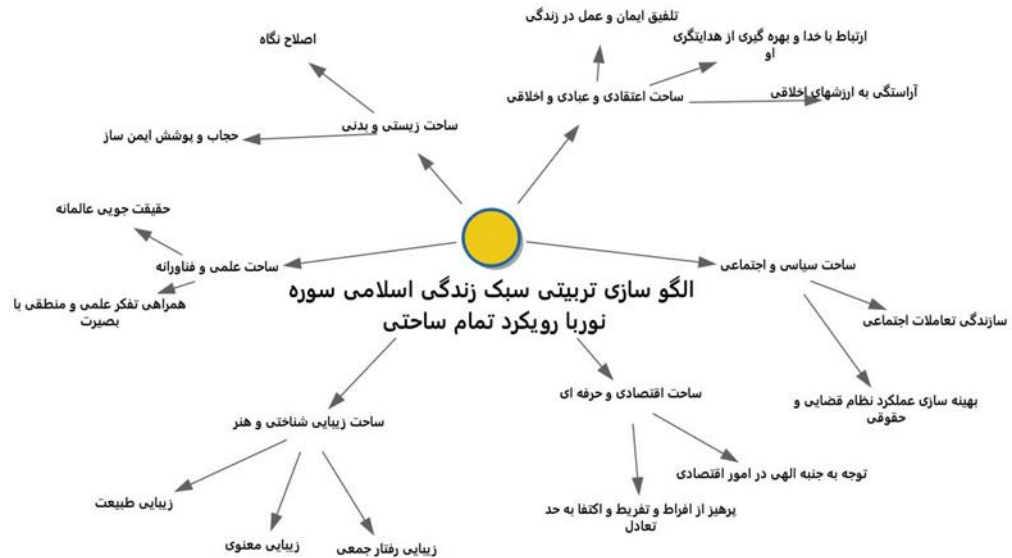
مضمون پایه	آیات سوره نور
تناسب مجازات با سهم شایعه پراکنی در عمل منافی عفت	لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ (نور: ۱۱)
شدت مجازات برای علاقه به رواج شایعه عمل منافی عفت یا کان	إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (نور: ۱۹)
سکوت نکردن و نپذیرفتن شایعه تهمت به یا کان برای عمل منافی عفت	وَلَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ (نور: ۱۶)
جلوگیری از نشر شایعه تهمت به عمل منافی عفت	إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالسَّلَامِ قَالُوا يَا مَرْغُوبُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّئًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ (نور: ۱۵)
ترغیب به ازدواج آسان	وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْزِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (نور: ۳۲)
ازدواج نکردن افراد مؤمن با فرد آلوده به عمل منافی عفت	الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (نور: ۲۶)
نیاز به اجازه برای ورود به خانه والدین و فرزندان	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا (نور: ۲۷)
ناراحت نشدن و بازگشت در صورت اجازه ندادن برای ورود به خانه دیگران	فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ازْجِعُوا فَازْجِعُوا (نور: ۲۸)
مبارزه با سنت غلط ممنوعیت غذا خوردن با افراد معلول و فقیر	لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ... لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا (نور: ۶۱)
شناسایی دشمن در نسبت دادن نابجای عمل منافی عفت	لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ (نور: ۱۱)
نبردن داوری پیش افراد مورد تأیید الهی، با انگیزه‌های سه‌گانه نفاق و شک و ظلم	وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ * أَفَىٰ قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (نور: ۴۸-۵۰)
اجرای حد الهی در عمل منافی عفت در حضور جمع، بدون ابراز احساسات بی‌مورد	الرَّائِيَةُ وَالرَّائِيَةُ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (نور: ۲)
ترک نکردن کمک مالی به دیگران به سبب لغزش‌های گذشته آنان و دریافت بخشش الهی	وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَيُعْطُوا وَيُصَفَّحُوا أَلَّا تَحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (نور: ۲۲)
اكتفا به حد تعادل و دوری از اسراف و تبذیر در صدور اجازه استفاده از غذای خانه بستگان و دوستان نزدیک	لَيْسَ... وَلَا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ مَفَاتِحِهِ أَوْ صَدِيقِكُمْ (نور: ۶۱)
همراهی فعالیت‌های اقتصادی با یاد خدا	رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ (نور: ۳۷)
زندگی مادی وسیله‌ای برای نیل به هدف معنوی عبودیت و توحید	رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ (نور: ۳۷)
تکیه بر فضل الهی در بهانه‌های مالی برای فرار از بار ازدواج	وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْزِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (نور: ۳۲)
اظهار محبت به اهل خانه با سلام کردن بر آنها	فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (نور: ۶۱)
اجازه خواستن توأم با محبت و بدون خشونت برای ورود به خانه دیگران	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا (نور: ۲۷)
فضل و رحمت تکوینی و تشریحی خدا برای نجات از پلیدی‌ها	وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (نور: ۲۱)
بخشش و مهربانی خدا با پذیرش توبه فریب‌خوردگان در شبکه تهمت‌زننده به عمل	وَالَّذِينَ يُؤْمِنُ الْمُحْصَنَاتِ... إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (نور: ۴-۵)

مضمون پایه	آیات سوره نور
منافی عفت، بعد از اصلاح و حیران	
التفات به شگفتی‌های آفرینش در زندگی	أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَرْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ... * يَلْقَابُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ... * وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمَنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمَنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمَنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ... (نور: ۴۳ تا ۴۵)
تصمیم‌گیری بر اساس شواهد در تهمت به عمل منافی عفت	وَالَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور: ۴)
بصیرت صحیح و منطقی درباره حیات و اعمال کافر	وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ سَائِغًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَقَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ * أَوْ كَطَّلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ (نور: ۳۹-۴۰)
دقت عمل شیطان در فریفتن گام‌به‌گام انسان مؤمن	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (نور: ۲۱)
آگاهی از تشکیلات اتهام‌زنی به عمل منافی عفت	إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْأَفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ (نور: ۱۱)
ترجیح اولویت کار جمعی مهم بر کار خصوصی و شخصی	فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِيُعْضَ شَأْنِهِمْ فَأَذْنِ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ (نور: ۶۲)
توجه به حقیقت واقعی تهمت در عمل منافی عفت برای شخص مورد اتهام	إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْأَفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ (نور: ۱۱)
نمایش حقیقت بی‌نیازسازی فرد فقیر و بدون اسباب، در اثر ازدواج	وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (نور: ۳۲)
آشکار نکردن زینت‌های پنهانی در حضور نامحرم	لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا (نور: ۳۱)
مستور کردن سر و گردن و سینه در برخورد با نامحرم	وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ (نور: ۳۱)
مجوز کشف حجاب برای زنان سال‌خورده، بدون جذابیت جنسی و خودآرایی	وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (نور: ۶۰)
مراقبت از چشم و عورت در برابر نامحرم	قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ (نور: ۳۰)
مراقبت چشمی با کوتاه کردن نگاه در برخورد با نامحرم	قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ (نور: ۳۰)

۲-۲. جمع‌بندی مضامین و استخراج مضامین فراگیر

مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
مضمون پایه	ارتباط با خدا و بهره‌گیری از هدایت‌گری او	بهره‌مندی از نور هدایت الهی در خانه با یاد و تسبیح او، توجه به تسبیح خدا توسط همه موجودات، عنایت به مراقبت دائمی خدا ضامن کنترل انسان در انحرافات زندگی
	تلفیق ایمان و عمل در زندگی	برخورداری از ایمان واقعی، پرهیز از ایمان زبانی بدون نمود عملی، ایمان و تسلیم مطلق در برابر حق به عنوان حقیقت ایمان در زندگی، انعکاس اطاعت و نافرمانی الهی در زندگی فرد
	آراستگی به ارزش‌های اخلاقی	اخلاص برای توانایی در برابر بار سنگین اطاعت، پرهیز از تهمت به عمل منافی عفت بدون آوردن شاهد برای جلوگیری از آلودگی به فسق، حسن ظن به پاکان در تهمت به عمل منافی عفت، عفت در مواقع نبود اسباب ازدواج، کنجکاوی نکردن برای کشف علت ندادن اجازه برای ورود به خانه دیگران، پرهیز از تهمت به عمل منافی عفت به علت وارد ساختن آسیب روحی
ساحت سیاسی و اجتماعی	سازندگی تعاملات اجتماعی	سکوت نکردن و نپذیرفتن شایعه تهمت به پاکان در عمل منافی عفت، جلوگیری از نشر شایعه تهمت به عمل منافی عفت، ترغیب به ازدواج آسان، ازدواج نکردن افراد مؤمن با فرد آلوده به عمل منافی عفت، نیاز به اجازه برای ورود به خانه والدین و فرزندان، ناراحت نشدن و بازگشت در صورت ندادن اجازه برای ورود به خانه دیگران، مبارزه با سنت غلط ممنوعیت غذا خوردن با افراد معلول و فقیر
	بهبودسازی عملکرد نظام قضایی و حقوقی	اجرای حد الهی در عمل منافی عفت بدون احساسات بی‌مورد در حضور جمع، تنبیه بدنی برای تهمت‌زننده به عمل منافی عفت بدون ارائه شاهد، درخواست شواهد چهارگانه از تهمت‌زننده به عمل منافی عفت، سوگند پنج‌گانه برای اثبات عمل منافی عفت همسر، سوگند پنج‌گانه همسر برای رفع اتهام عمل منافی عفت، تناسب مجازات با سهم شایعه‌پراکنی در عمل منافی عفت، شدت مجازات برای علاقه به رواج شایعه عمل منافی عفت پاکان، دشمن‌شناسی در نسبت دادن نابجای عمل منافی عفت، نبردن دآوری بیش افراد مورد تأیید الهی با انگیزه‌های سه‌گانه نفاق و شک و ظلم
ساحت اقتصادی و حرفه‌ای	توجه به جنبه الهی در امور اقتصادی	همراهی فعالیت‌های اقتصادی با یاد خدا، زندگی مادی وسیله‌ای برای نیل به هدف معنوی عبودیت و توحید، تکیه بر فضل الهی در بهانه‌های مالی برای فرار از بار ازدواج، ترک نکردن کمک مالی به دیگران به سبب لغزش‌های گذشته آن‌ها و دریافت بخشش الهی
	پرهیز از افراط و تفریط و اکتفا به حد تعادل	اکتفا به حد تعادل به دور از اسراف و تبذیر در مجوز استفاده از غذای خانه بستگان و دوستان نزدیک
ساحت زیبایی‌شناسی و هنر	زیبایی رفتار جمعی	اظهار محبت به اهل خانه با سلام کردن بر آن‌ها، اجازه خواستن توأم با محبت و بدون خشونت برای ورود به خانه دیگران
	زیبایی معنوی	فضل و رحمت تکوینی و تشریحی خدا برای نجات از پلیدی‌ها، بخشش و مهربانی خدا با پذیرش توبه فریب‌خوردگان در شبکه تهمت‌زننده به عمل منافی عفت بعد از اصلاح و جبران
	زیبایی طبیعت	التفات به شگفتی‌های آفرینش در زندگی
ساحت علمی و فناورانه	همراهی تفکر علمی و منطقی با بصیرت	تصمیم‌گیری بر اساس شواهد در تهمت به عمل منافی عفت، بصیرت صحیح و منطقی درباره حیات و اعمال کافر، دقت عمل شیطان در فریفتن گام‌به‌گام انسان مؤمن، آگاهی از تشکیلات اتهام‌زنی به عمل منافی عفت، روشنگری آیات قرآن در زمینه‌سازی برای ایمان در زندگی، ترجیح اولویت کار جمعی مهم بر کار خصوصی و شخصی
	حقیقت‌جویی عالمانه	توجه به حقیقت واقعی تهمت در عمل منافی عفت برای شخص مورد اتهام، نمایش حقیقت بی‌نیازسازی فرد فقیر و بدون اسباب در اثر ازدواج
ساحت زیستی و بدنی	حجاب و پوشش ایمن‌ساز	آشکار نکردن زینت‌های پنهانی در حضور نامحرم، مستور کردن سر و گردن و سینه در برخورد با نامحرم، مجوز کشف حجاب برای زنان سال‌خورده بدون جذابیت جنسی و خودآرایی
	اصلاح نگاه	مراقبت از چشم و عورت در برابر نامحرم، مراقبت چشمی با کوتاه کردن نگاه در برخورد با نامحرم

شکل ۱. نمودار MAXQDA الگوسازی تربیتی سبک زندگی اسلامی در سوره نور با رویکرد تمام‌ساحتی در عصر جدید
(منبع: یافته‌های پژوهش)



۳. تحلیل الگوسازی تربیتی سبک زندگی اسلامی سوره نور با رویکرد تمام‌ساحتی در عصر جدید

نوشتار حاضر به دنبال ارائه یک الگوی تربیتی جامع و کامل سبک زندگی اسلامی در سوره نور برای زندگی در عصر حاضر با رویکرد تمام‌ساحتی است که به همه ساحت‌های شش‌گانه موجود در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شامل ساحت اعتقادی و عبادی و اخلاقی، ساحت اجتماعی و سیاسی، ساحت اقتصادی و حرفه‌ای، ساحت زیستی و بدنی، ساحت علمی و فناورانه و ساحت زیباشناسی و هنر، اشاره دارد و برای هر یک از این ساحت‌ها اصول و ارزش‌های خاصی را ارائه می‌دهد تا بتواند برای نیازها و مشکلات و گرفتاری‌های روزافزون زندگی بشر در عصر تکنولوژی و فناوری مفید باشد و با گزینش الگوی مناسب زندگی، انسان را به سعادت دنیا و آخرت برساند.

۱-۳. ساحت اعتقادی و عبادی و اخلاقی

بزرگ‌ترین بحران جامعه بشریت بحران معنویت است. انسان فطرتی دارد که پشتوانه آن روح الهی است. آدمی هر زمان از این گوهر الهی غافل شود و از دستورات دین فاصله بگیرد، با بحران‌ها و آسیب‌هایی مواجه می‌شود و به ورطه هلاکت می‌افتد. لذا تنها راه نجات، احیای باورهای دینی و مذهبی در پاسخ به ندای فطرت الهی است (شعبان‌زاده، ۱۴۰۰، ص ۱۹). یکی از عرصه‌های رویکرد تمام‌ساحتی نیز به ساحت اعتقادی و عبادی و اخلاقی اشاره دارد و به دنبال ارتباط انسان با خدا با قلبی مؤمن و اعمالی صالح برای نیل به کمال اخلاقی است. ایمان و عمل صالح دو بال پرواز انسان به سوی کمال است. انسان با تسبیح و یاد خدا، نور هدایت را بر دلش می‌تاباند و از

تاریکی های عصر جدید رها می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱۴، ص ۴۸۰). ایمان واقعی نه تنها در گفتار که در عمل نیز نمود پیدا می کند. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: «به ایمان بر اعمال شایسته استدلال می شود و به اعمال شایسته برایمان دلیل می آورند (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶). حقیقت ایمان تسلیم شدن محض در برابر حق است. آیات قرآن نیز بالاترین مقام را برای «مخبتین» بیان کرده است؛ همان تسلیم شدگان در محضر الهی که با مؤمنان واقعی برابری دارند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا... أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا» (انفال: ۲) (راد و نساج، ۱۳۹۱، ص ۴۰). اخلاق نیکو میوه شیرین ایمان حقیقی است. با پرهیز از تهمت و حفظ عفت و حسن ظن می توان به کمال انسانی نزدیک شد. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «بهترین مردم از نظر ایمان، کسی است که دارای نیکوترین اخلاق باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۸۷). در این مسیر، خداوند همیشه مراقب انسان است تا اطاعت الهی را که سنگین ترین اما شیرین ترین بار زندگی است، به مقصد برساند.

۲-۳. ساحت سیاسی و اجتماعی

در عصر جدید، به علت تولید شبکه های اجتماعی گسترده و افزایش ارتباطات برخط افراد با همدیگر، لازم است تعاملات اجتماعی سازنده جهت مبارزه با فتنه سازی های پیچیده دشمن طراحی شود؛ از جمله، ارتباطات سازنده اجتماعی مهم، مانند ازدواج آسان، با اعتقاد به حمایت الهی فرهنگ سازی گردد و در این امر نیز، علاوه بر شناسایی درست افراد نسبت به همدیگر، هر فرد با فرد هم کفو خود ازدواج کند؛ به این معنا که افراد مؤمن با هم جنس خود ازدواج کنند و از تشکیل خانواده با افراد آلوده پرهیز نمایند تا بی بندوباری رواج پیدا نکند و از گسترش شایعات بر علیه پاکدامنی افراد پیشگیری شود. همچنین تعاملات نادرست جمعی، مانند احترام نگذاشتن به حریم خصوصی افراد در خانه و دخالت در امور شخصی آن ها و ممنوعیت قائل شدن برای هم غذایی با افراد نیازمند و معلول هم تغییر کند تا نابرابری های اجتماعی و شکاف فاحش بین افراد مرفه و فقیر کاهش یابد و آسایش و راحتی افراد جامعه در این عصر پرهیاهو تامین گردد (جان بزرگی و پناهی، ۱۳۹۶، صص ۴۵-۷۰)

برای جلوگیری از طراحی هدفمند فتنه ها توسط دشمن با استفاده از پراکنده سازی شایعات در فضای مجازی نیز، باید عملکرد نظام قضایی و حقوقی اصلاح گردد. در این راستا، نظام قضایی و حقوقی جامعه باید مبتنی بر شواهد فساد و بی بندوباری، نه بر اساس اتهامات بی اساس ساخته دست دشمن، وارد عمل شود و برای مجرمان، با میزان آسیب وارد شده به جامعه مجازات متناسب در نظر بگیرد و در اجرای حد الهی دچار محبت و احساس بی مورد نگردد تا جامعه به سمت ایجاد فضایی امن و حمایتی برای افراد پاک و بی گناه حرکت کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱۴، صص ۳۷۳، ۳۹۶ و ۳۵۹).

۳-۳. ساحت اقتصادی و حرفه ای

با توجه به افزایش مادی گرایی در عصر حاضر، اصلاح ساحت اقتصادی و حرفه ای به سمت ارزش های معنوی و انسانی امری ضروری است. زندگی مادی باید در خدمت اهداف معنوی باشد؛ به عبارت دیگر، ثروت و دارایی باید برای کمک به دیگران و رشد معنوی استفاده شود تا زندگی معنا و هدف متعالی پیدا کند. توجه به خدا در تمام امور زندگی، از جمله فعالیت های اقتصادی اهمیت دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱۴، ص ۴۶۵).

افراد باید در کسب درآمد و هزینه کردن آن رضایت خدا را در نظر داشته باشند و اگر مثلاً در جایی از کسی خطایی سر زد، آن خطا را نادیده بگیرند و بخشش مال به آن شخص نیز با انگیزه الهی انجام شود. نکته دیگر اینکه اگر کسی به خاطر فقر تشکیل خانواده نمی دهد، اشتباه می کند؛ زیرا ازدواج در حفظ دین انسان قدرت حداکثری دارد. در روایت آمده است: «هر کس از ترس فقر ازدواج نکند، نسبت به لطف خداوند بدگمان شده است؛ چراکه خداوند می فرماید: اگر آنان فقیر باشند، خداوند از فضل و کرم خود بی نیازشان می کند» (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۲۵۱). روایت دیگری می فرماید: «جووانی که در دوره جوانی خود ازدواج کند، شیطان فریاد زند که دوستم

دینش را از گزند من حفظ کرد» (ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۵، ص ۲۲۵). در این امر باید بر خدا اعتماد و توکل کرد تا خدا به انسان برای مقابله با مشکلات مالی قدرت و توانایی بدهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱۴، ص ۴۵۸). مسئله دیگر در ارتباط با امر اقتصادی، پرهیز از افراط و تفریط و اکتفا به حد تعادل است تا از نعمت‌های خداوند به‌درستی استفاده شود (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۴، ص ۹۵).

۳-۴. ساحت زیباشناسی و هنر

اگر انسان به عصر جدید توجه کند، درمی‌یابد که در این عصر، روابط مجازی و ارتباطات ماشینی افزایش پیدا کرده، ولی درعوض فرصت گرایش به زیبایی‌های واقعی کاهش یافته است؛ لذا توجه به رفتارهای زیبای جمعی، چون اظهار محبت به اهل خانه با سلام کردن بر آن‌ها و اجازه خواستن توأم با محبت و بدون خشونت برای ورود به خانه دیگران، می‌تواند در این راستا راهگشا باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱۴، صص ۵۵۳، ۵۵۹ و ۴۲۸). در این عصر، انسان به دنبال یافتن معنا و هدف حقیقی زندگی برای خلاصی از آلودگی هاست و توجه به زیبایی‌های معنوی، چون فضل و رحمت الهی در نجات از پلیدی‌ها و بخشش و مهربانی خدا در پذیرش توبه فریب‌خوردگان اصلاح‌شده می‌تواند به او آرامش و امید دهد و به او کمک کند تا در مسیر درست زندگی قرار گیرد (قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۲۴۹۲). همچنین در این عصر که انسان به فناوری وابسته شده است، توجه به زیبایی‌های طبیعت می‌تواند به او کمک کند تا به سوی هدف توحیدی خود رهنمون شود.

۳-۵. ساحت علمی و فناوریانه

توسعه علمی بسیار اهمیت دارد (لیو، ۲۰۲۳، ص ۳۷۶)؛ اما جامعه امروز با چالش‌هایی نظیر گسترش اطلاعات نادرست، اخبار جعلی، افراط‌گرایی، ناتوانی در پذیرش دیدگاه مخالف، و بحران اعتماد روبه‌روست. در چنین شرایطی، صرفاً تکیه بر تفکر علمی و منطقی کافی نیست، بلکه این تفکر باید با بصیرت صحیح و آگاهانه همراه شود؛ بصیرتی که در مواجهه با موضوعاتی چون تهمت به عمل منافی عفت، درک واقع‌بینانه حیات و رفتار کافران، شناخت تدریجی بودن فریب‌های شیطان در گمراهی مؤمنان، تأمل در روشنگری آیات قرآن در مسیر ایمان‌آفرینی و ترجیح کار جمعی بر منافع فردی و مانند آن، راهنمای تصمیم‌گیری‌های عادلانه و مبتنی بر شواهد قابل اعتماد باشد. چنین رویکردی می‌تواند به پرهیز از قضاوت‌های عجولانه و کلیشه‌ای، ایستادگی در برابر افراط‌گرایی و شکل‌گیری جامعه‌ای منصفانه، آگاه و پویا منجر شود. همچنین در عصر حاضر که بحران اعتماد، یکی از آسیب‌های اجتماعی مهم به شمار می‌آید، حقیقت‌جویی و شفافیت در عرصه‌های مختلف زندگی، به‌ویژه در حوزه‌هایی چون اتهام‌زنی‌های اخلاقی و بررسی عادلانه وضعیت افراد ناتوان از تأمین شرایط ازدواج، اهمیتی دوچندان دارد. در این زمینه، شفاف‌سازی حقیقت اتهام‌زنی‌های جنسی، تبیین واقع‌بینانه دشواری‌های ازدواج برای افراد بی‌بضاعت و شناخت نقش فتنه‌انگیزی دشمنان و عوامل غیرمادی تأثیرگذار، می‌تواند زمینه‌ساز بازسازی اعتماد عمومی در جامعه باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱۴، صص ۳۹۵-۴۵۸).

۳-۶. ساحت زیستی و بدنی

در عصر حاضر، زیبایی بیشتر به ظاهر و جذابیت فیزیکی محدود و به صورت افراطی دنبال می‌شود. این امر باعث شده است افراد بیشتر بر ظاهر خود تمرکز کنند و به سایر جنبه‌های زندگی کمتر اهمیت دهند. حجاب و پوشش‌ایمن‌ساز به عنوان یک هویت فرهنگی دینی، یک عامل محافظتی است که در این شرایط، هویت افراد را حفظ می‌کند و از سردرگمی و بی‌هویتی جلوگیری می‌نماید. پنهان کردن سر و گردن و سینه و زینت‌های خصوصی فرد در حضور نامحرم به او کمک می‌کند تا هویت خود را فراتر از ظاهر فیزیکی ببیند و به جای جلب توجه ظاهری، بر رشد شخصیت و توانمندی‌های خود تمرکز کند. همچنین حریم شخصی او حفظ شود و از نگاه‌های نامناسب مصون بماند. اما در این راستا استثنا هم وجود دارد که بر اساس شرایط خاص و نیازهای مختلف پدید می‌آید؛ مثلاً با عنایت به شرایط فرد

سال‌خورده و جذابیت نداشتن او، مجوز کشف حجاب شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱۴، صص ۴۴۰-۵۴۷). اصلاح نگاه هم می‌تواند به اصلاح ظاهرگرایی افراطی بینجامد. قرآن در این راستا، به مراقبت از چشم و کوتاه کردن نگاه دستور داده است؛ به این ترتیب، فرد نگاه‌شونده از آسیب‌های روحی و روانی حفظ می‌شود و از سوی دیگر، این کار نشان از ادب و خودکنترلی فرد نگاه‌کننده و احترام گذاشتن او به حریم افراد دیگر است. لذا مفاهیم زیستی و بدنی مرتبط با حجاب و پوشش‌ایمن‌ساز و اصلاح نگاه اهمیت بسیاری دارد؛ چراکه باعث می‌شود توجه خارج از محدوده به ظاهر که مانع بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است، کنترل گردد و سلامت روان و حفظ حریم شخصی فرد و تقویت پیوندهای اجتماعی را به دنبال داشته باشد.

نتیجه‌گیری

عصر حاضر عصر گسترش فزاینده تکنولوژی و شبکه‌های اجتماعی است. در این عصر، پیشرفت‌های چشمگیری در حوزه فناوری، اطلاعات و ارتباطات صورت پذیرفته و دنیای امروز را به صورت بنیادین متحول کرده است. این عصر تمام جنبه‌های زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده و مزایای زیادی دارد، اما چالش‌هایی نیز ایجاد کرده است. از جمله مهم‌ترین چالش‌های عصر جدید بحران معنویت، بحران ارتباطات رودررو و فتنه‌سازی‌های پیچیده، بحران مادی‌گرایی و کاهش توجه به زیباگرایی واقعی، بحران انفجار اطلاعات و بحران ظاهرسازی افراطی است. پژوهش حاضر با استفاده از مفاهیم جامع و کامل سوره نور که به مسائل مختلف اعتقادی، اخلاقی، عبادی، سیاسی و اجتماعی پرداخته، الگوی تربیتی سبک زندگی اسلامی آن را با رویکرد تمام‌ساحتی، در جهت حل بحران‌های مطرح‌شده استخراج کرده است.

در این الگو، ساحت اعتقادی و عبادی و اخلاقی سوره نور دربردارنده سه قسمت ارتباط با خدا و بهره‌گیری از هدایتگری او، تلفیق ایمان و عمل در زندگی و آراستگی به ارزش‌های اخلاقی برای خروج از بحران معنویت است. در ارتباط با خدا و بهره‌گیری از هدایتگری او در زندگی، لازم است یک فضای معنوی در خانه ایجاد شود و اعضای خانواده به سمت وسوی یاد خدا و تسبیح خالصانه او در تمام لحظات پیش روند. این باور ضامن کنترل آن‌ها در انحرافات زندگی است. آن‌ها همچنین باید بدانند که تسبیح خداوند محدود به انسان نیست؛ بلکه همه موجودات به ذکر خداوند مشغولند. در راستای تلفیق ایمان و عمل در زندگی نیز، باید فرهنگ عمل به دستورات دینی در زندگی فرد و پرهیز از انحصار ایمان در مرحله زبان ترویج شود تا ایمان واقعی و حقیقی در زندگی انسان تحقق پیدا کند. برای آراستگی سبک زندگی افراد به ارزش‌های اخلاقی نیز لازم است فواید پرهیز از تهمت و تأثیرات آن بر فرد و جامعه مانند جلوگیری از آلودگی به فسق و پیشگیری از آسیب روحی، آموزش مهارت‌های تفکر مثبت و اجتناب از پیش‌داوری و سوءظن نسبت به دیگران در عمل منافی عفت و نداشتن قضاوت منفی درباره آن‌ها، رعایت عفت و پاکدامنی در موقع نبود اسباب ازدواج و فرهنگ اجازه گرفتن قبل از ورود به حریم خصوصی دیگران ترویج شود.

ساحت اجتماعی و سیاسی دارای دو قسمت سازندگی تعاملات اجتماعی و بهینه‌سازی عملکرد نظام قضایی و حقوقی است و راهبردهایی برای بیرون رفتن از بحران ارتباطات رودررو و فتنه‌سازی‌های پیچیده دارد. در راستای ایجاد تعاملات سازنده اجتماعی، لازم است افراد جامعه در برابر شایعات و تهمت‌های مرتبط با عمل منافی عفت سکوت نکنند و اجازه ندهند این شایعات نشر پیدا کند؛ همچنین بسترهای لازم برای ترغیب نسل جدید به ازدواج آسان با فرد سازگار و هم‌کفو ایجاد شود و از ازدواج فرد مؤمن با فرد آلوده به عمل منافی عفت جلوگیری به عمل آید. به علاوه لازم است حفظ اسرار خانوادگی و پرهیز از دخالت در امور شخصی دیگران و ترویج فرهنگ همدلی و همدردی با افراد نیازمند و آسیب‌پذیر و مبارزه با تبعیض آموزش داده شود و برای اینکه عملکرد نظام قضایی و حقوقی بهینه‌سازی شود، باید در حوزه اجرای حدود و مجازات، قاطعانه و عادلانه عمل گردد تا اجرای حدود الهی در عمل منافی عفت، بدون احساسات بی‌مورد و در حضور جمع انجام گیرد؛ به گونه‌ای که تهمت‌زندگان به عمل منافی عفت بدون ارائه شاهد، تنبیه بدنی شوند. این مجازات باید

متناسب با جرم و با در نظر گرفتن نقش مجرم در اشاعه فساد و شایعات صورت پذیرد. همچنین عوامل نفاق و فتنه‌انگیزی دشمنان مدنظر باشد تا توطئه‌های آن‌ها را خنثی کند.

ساحت اقتصادی و حرفه‌ای دربرگیرنده دو قسمت توجه به جنبه الهی در امور اقتصادی و پرهیز از افراط و تفریط و اکتفا به حد تعادل است که برای حل بحران مادی‌گرایی کاربرد دارد. این دو قسمت، بر یاد خدا در فعالیت‌های اقتصادی تأکید دارد و به دنبال تغییر نگرش انسان به زندگی مادی است؛ به طوری که آدمی این زندگی را وسیله‌ای برای نیل به اهداف معنوی و عبودیت الهی بداند. همچنین در بهانه‌های مالی برای فرار از ازدواج، انسان باید به فضل الهی رجوع کند. همچنین باید فرهنگ بخشش مالی بدون توجه به لغزش‌های دیگران با امید به دریافت بخشش الهی ترویج شود و حقوق میزبان و میهمان در استفاده از غذای خانه بستگان و دوستان نزدیک آموزش داده شود؛ به طوری که مصرف به صورت اعتدالی و به دور از افراط و تفریط انجام گیرد.

ساحت زیبایی‌شناسی هنر به سه قسمت زیبایی رفتار جمعی و زیبایی معنوی و زیبایی طبیعت، به راهکارهای برون‌رفت از بحران بی‌توجهی به زیباگرایی واقعی اشاره دارد. در این راستا زیبایی رفتار جمعی تأکید می‌کند که افراد هنگام ورود به خانه خود سلام کنند و محبت خود را به اهل خانه ابراز دارند و وقتی می‌خواهند وارد خانه دیگران شوند، محترمانه و همراه با محبت و به دور از خشونت، اجازه بگیرند و سپس وارد شوند. همچنین قسمت زیبایی معنوی به تجلیات فضل و رحمت تکوینی و تشریحی الهی که همچون بارانی تطهیرکننده است، توجه می‌دهد. این تجلیات پلیدی‌های انسان را شست‌وشو می‌دهد و جانس را صفا می‌بخشد. این بخشش و مهربانی دریچه امیدی برای توبه‌کنندگان است؛ از جمله کسانی که فریب خورده و ناخواسته در شبکه‌های تهمت و افترا به عمل منافی عفت گرفتار شده‌اند و بعد از آگاهی از زشتی عمل خود با پشیمانی برگشته و در صدد اصلاح و جبران برآمده و مشمول عفو و رحمت الهی گردیده‌اند. قسمت زیبایی طبیعت نیز، از طبیعت به عنوان تجلی‌گاه شگفتی‌های آفرینش یاد می‌کند تا چشم دل انسان را به تماشای جلوه‌های بی‌کران قدرت و حکمت الهی روشن گرداند.

ساحت علمی و فناورانه، در دو قسمت همراهی تفکر علمی و منطقی با بصیرت و حقیقت‌جویی عالمانه، برای تعدیل بحران انفجار اطلاعات تلاش می‌کند. تفکر علمی و منطقی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ چراکه کمک می‌کند در مواجهه با اتهام به عمل منافی عفت، تصمیمات بر اساس شواهد گرفته شود و از گمانه زنی و تعصبات شخصی به دور باشد. اگر این اتهامات توسط تشکیلات سازمان‌یافته طراحی شده باشد، باید این تشکیلات را شناسایی کرد و جلوی ترویج اتهامات بی‌اساس را گرفت و سلامت جامعه را حفظ کرد. حقیقت‌جویی عالمانه نیز با دقت و بی‌طرفی، حقیقت اتهام در عمل منافی عفت برای شخص مورد اتهام را بررسی می‌کند؛ در نتیجه باید از هرگونه پیش‌داوری و تعصب به دور باشد تا حقی از افراد بی‌گناه تضییع نشود؛ همچنین باید سنت الهی بی‌نیاز شدن فرد فقیر و بدون اسباب در اثر ازدواج را تبیین کند تا ازدواج بدون توجه به مسائل مادی رواج پیدا کند و آسیب‌های ناشی از ازدواج نکردن در جامعه حل شود.

ساحت زیستی و بدنی دارای دو قسمت حجاب و پوشش ایمن‌ساز و اصلاح نگاه است که برای خارج شدن از بحران ظاهرگرایی افراطی مؤثر است. در قسمت حجاب و پوشش ایمن‌ساز لازم است زن سر و گردن، سینه و زینت‌های پنهانی‌اش را در حضور نامحرم ببوشاند تا از تحریک ناخواسته جنس مخالف جلوگیری و محیطی سالم و امن برای تعاملات زنان فراهم شود. این حکم، استثنا هم دارد و خداوند با رحمت و حکمت خود و با در نظر گرفتن شرایط جسمی و روحی افراد، تکلیفی متناسب با وضعیت آن‌ها را مقرر فرموده است. آن مورد استثنا، زنان سال‌خورده هستند که از پوشش، با شرط نداشتن جذابیت و پرهیز از خودآرایی معاف شده‌اند. در قسمت اصلاح نگاه هم به مراقبت از چشم در برابر نامحرم اشاره شده است. این کار باعث حفظ پاکی قلب و روح و دوری از گناه و انحراف می‌شود. برای مراقبت از چشم، راهکار کوتاه کردن نگاه مطرح شده است که به کنترل نفس و جلوگیری از وسوسه‌های شیطانی کمک می‌کند.

ملاحظات اخلاقی:

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آن‌هاست.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

حمایت مالی

نویسندگان اظهار می‌دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچ‌گونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده‌اند.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

آیت، نبیره؛ و مطیع، مهدی. (۱۳۹۹). «نقش رعایت حریم در سلامت اجتماعی از دیدگاه قرآن در سوره نور». همایش بین‌المللی قرآن و سلامت اجتماعی.

جان‌بزرگی، مسعود؛ و احمدپناهی، علی. (۱۳۹۶). روان‌شناسی زن و مرد. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

خادمی، مالک. (۱۴۰۰). «واکاوی واکنش مؤمنان در برابر دروغ‌سازی دشمنان علیه بستگان رهبر مسلمانان (با تکیه بر آیات ۱۱ تا ۲۰ سوره نور)». قرآن و علوم اجتماعی، (۴)، ۵۸-۸۲.

خنیفر، حسین؛ و مسلمی، ناهید. (۱۳۹۵). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی. نگاه دانش.

راد، علی؛ و نساج، مریم. (۱۳۹۱). «معناشناسی واژه اخبات با توجه به آیات و روایات». آموزه‌های قرآنی، (۱۶)۹، ۵۳-۷۲.

رحیم‌پور ازغدی، حسن. (۱۳۸۸). عقلانیت (جامعه‌شناسی توسعه). طرح فردا.

سجادی جزئی، مریم؛ احمدنژاد، امیر؛ و حبیب‌اللهی، مهدی. (۱۴۰۲). «تحلیل فرهنگ قرآنی «استیناس» در سوره نور بر اساس آراء مفسران». قرآن، فرهنگ و تمدن، (۱)۴، ۱۰۷-۱۳۰.

<https://doi.org/10.22034/jksl.2023.371419.1167>

سلطانی بیرامی، اسماعیل. (۱۴۰۲). «سنخیت میان همسران، تأملی در تفسیر آیه ۲۶ سوره نور». مطالعات تفسیری، (۵۵)۱۴، ۷۳-۸۸.

شعبان‌زاده، محمود. (۱۴۰۰). «بررسی عوامل ایجاد بحران معنویت‌گرایی از نگاه روایات قرآنی». آفاق علوم انسانی، (۵۳)۵، ۱۹-۳۸.

صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۵۰). ترجمه تفسیر مجمع البیان (حسین نوری همدانی و دیگران، مترجم). فراهانی.

عابدی نیرین، اسما. (۱۳۹۹). «بررسی نظام اخلاقی عفاف در سوره نور از منظر قرآن کریم». علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم، (۱)۱، ۸۶-۹۰.

عابدی جعفری، حسن؛ و همکاران. (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین»، تهران. اندیشه مدیریت راهبردی، (۲)۵، ۱۵۱-۱۹۸.

<https://doi.org/10.30497/smt.2011.163>

قطب، سید. (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن. دار الشروق.

کارگر، حبیب؛ و بهمنی، زهرا. (۱۳۹۹). «جایگاه حجاب در ساختار آیه ۳۱ سوره نور و پیوند آن با کل سوره. مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت»، (۵)۳، ۹۹-۱۱۲.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۵). اصول کافی (صادق حسن‌زاده، مترجم). قائم آل محمد.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (سیدابراهیم میانجی و محمدباقر بهبودی، محققان). دار احیاء التراث العربی.

محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۴). میزان الحکمة. دار الحدیث.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۲). برگزیده تفسیر نمونه. دار الکتب الإسلامية.

Amalia, S. T., & Mahariah, M. (2023). "Living Qur'an and Hadith in an Integrated Islamic School". Scaffolding: Jurnal Pendidikan Islam Dan Multikulturalisme, 5(2), 835-850.

<https://doi.org/10.37680/scaffolding.v5i2.3266>.

Ahmad, S., & Wan Abdullah, W. S. (2023). "Falsafah Maqasid al-Quran Imam alGhazali dan Faham Ilmu". International Journal of Islamic Thought, 23(1). <https://doi.org/10.24035/ijit.23.2023.262>.

Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", Qualitative Research in Psychology, Vol. ۳, No. ۲, Pp. 101- 77.

Syryamkin, V, Syryamkina, E. (2015). "Technology Management as a tool of innovative strategy of education and cognitive management". *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, 166, 468-471.

Fathi, A.; Mir Ahmadi, S. R. & Al-Amiri, Sh. A. (2024). "The aesthetics of the artistic image of women in verses 30 and 31 of Surah Noor". *Arabic Language and Literature*. 20 (1), 39-54.

Liu, J. (2023). "Research on the future school development path based on artificial intelligence". *Advances in Education, Humanities and Social Science Research*, 1(4)376-380, DOI: 10.56028/ahssr.4.1.376.2023.


Educational Modeling of Islamic Lifestyle in Sūrat al-Nūr with a Comprehensive Approach in the Modern Age

Maryam nassaj¹  Mehri Sadeghiyan² 

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies Education, Farhangian University, Tehran, Iran.

2Assistant Professor (Teacher), Department of Primary Education, Farhangian University, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

Corresponding Email: mm.sadeghiyan@yahoo.com

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.499123.1430>

Introduction

The technological era, despite its many advantages, has brought challenges such as materialism, a decline in direct social interactions, and the rise of excessive externalism. These transformations highlight the necessity of a balanced lifestyle grounded in spiritual and moral values. The Qur'an, as a divine source, provides a comprehensive framework for designing an Islamic lifestyle, and within this framework, Sūrat al-Nūr holds a special place due to its thematic comprehensiveness. This surah, through its principles of chastity, responsibility, and social ethics, offers an educational model for achieving human perfection and well-being. The present article investigates the pedagogical functions of Sūrat al-Nūr in order to integrate them into an all-dimensional educational approach capable of responding to the challenges of the modern age.

Methodology

The study employs thematic analysis, a qualitative method that identifies and interprets both explicit and latent themes through coding. The process involves three levels: basic themes, organizing themes, and global themes. In this research, Sūrat al-Nūr was carefully studied, basic themes were extracted, and then analyzed and organized into broader themes using MAXQDA software. On this basis, an educational model of Islamic lifestyle was designed, offering a comprehensive approach suitable for the modern era.

Findings

The article presents a holistic educational model of Islamic lifestyle in Sūrat al-Nūr, corresponding to the six domains outlined in Iran's Fundamental Transformation Document of Education.

Doctrinal, devotional, and ethical domain: Addressing the human need for spirituality in the technological age, Sūrat al-Nūr emphasizes faith, righteous action, and adherence to moral values. True faith unites belief and practice, with noble character as its outcome.

Social and political domain: Constructive social interactions are highlighted as essential for confronting hostile plots, with encouragement for simple and equitable marriages, respect for privacy, and the reform of improper interactions. Improving the judicial system through evidence-based rulings and just punishments contributes to a secure environment.

Economic and professional domain: Against modern materialism, the surah advocates orienting wealth and livelihood toward divine purposes, practicing moderation, and trusting God when facing financial challenges. Marriage is also presented as a safeguard for religion and moral integrity.

Aesthetic and artistic domain: In the age of virtual communications, where true appreciation of beauty is diminished, the surah emphasizes collective expressions of kindness within families, the recognition of spiritual beauty and divine mercy, and reflection upon the natural world as a sign of monotheism.

Scientific and technological domain: While valuing scientific progress, the surah offers guidance for dealing with challenges such as misinformation and declining trust, promoting truth-seeking and transparency to rebuild public confidence.

Bodily and biological domain: In response to excessive externalism, modest dress and corrective vision are encouraged. Veiling is presented as a cultural identity marker preventing confusion and loss of identity, fostering focus on character rather than appearance, and protecting mental health.

Conclusion

Modern technological and social transformations have brought not only advantages but also critical crises: spiritual decline, materialism, an explosion of information, and extreme externalism. Inspired by Sūrat al-Nūr, this study proposes an educational model of Islamic lifestyle to address these challenges. By grounding each of the six domains-spiritual, social, economic, aesthetic, scientific, and bodily-within Qur'anic principles, the model provides practical strategies to strengthen Islamic values and to offer viable responses to the dilemmas of the modern age.

Keywords

educational model, crises of the modern age, comprehensive approach, Islamic lifestyle, Sūrat al-Nūr.

Ethical Considerations

Compliance with research ethics. The authors observed the ethical principles in conducting and publishing this scholarly research, and this is confirmed by all of them.

Conflict of interest

The authors declare that they have no conflict of interest.

Funding statement

The authors declare that no funds, grants, or other support were received during the preparation of this manuscript.

References

The Holy Qur'an.

Nahj al-Balagha.

[Abedi Jafari, H., et al. \(2011\). Thematic analysis and network of themes. *Andisheh-ye Modiriat-e Rahbord*, 5\(2\), 151–198. <https://doi.org/10.30497/smt.2011.163> \[In Persian\]](#)

[Abedi Nayrin, A. \(2020\). Examining the ethical system of chastity in Sūrat al-Nūr from the perspective of the Qur'an. *'Olum-e Ensani va Eslami dar Hezare-ye Sevvom*, 1\(1\), 86–90. \[In Persian\]](#)

Ahmad, S., & Wan Abdullah, W. S. (2023). Falsafah Maqasid al-Quran Imam al-Ghazali dan Faham Ilmu. *International Journal of Islamic Thought*, 23(1). <https://doi.org/10.24035/ijit.23.2023.262>

Al-Ṣadūq, M. b. 'A. (1992). *Man lā yahḍuruhu al-faqīh*. Daftar Entesharat-e Eslami. [In Arabic]

Al-Ṭabrisī, Faḍl b. Ḥasan. (1971). *Translation of Majma' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān* (H. Nouri Hamadani et al., Trans.). Farahani. [In Arabic]

Amalia, S. T., & Mahariah, M. (2023). Living Qur'an and Hadith in an integrated Islamic school. *Scaffolding: Jurnal Pendidikan Islam dan Multikulturalisme*, 5(2), 835–850. <https://doi.org/10.37680/scaffolding.v5i2.3266>

Ayat, N., & Moti', M. (2020). The role of observing privacy in social health from the perspective of the Qur'an in Sūrat al-Nūr. *International Conference on the Qur'an and Social Health*. [In Persian]

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101.

Fathi, A., Mir Ahmadi, S. R., & Al-Amiri, Sh. A. (2024). The aesthetics of the artistic image of women in verses 30 and 31 of Surah Noor. *Arabic Language and Literature*, 20(1), 39–54.

Jan-Bozorgi, M., & Ahmad Panahi, A. (2017). *Psychology of men and women*. Research Institute of Hawza and University. [In Persian]

[Kargar, H., & Bahmani, Z. \(2020\). The status of hijab in the structure of verse 31 of Sūrat al-Nūr and its connection with the whole surah. *Motale'at-e Tarbiyyati va Ejtemai Qur'an va Etrat*, 3\(5\), 99–112. \[In Persian\]](#)

[Khademi, M. \(2021\). Analyzing the believers' reaction to the fabrications of the enemies against the relatives of the Muslim leader \(with emphasis on verses 11–20 of Sūrat al-Nūr\). *Qur'an va Olum-e Ejtemai*, 1\(4\), 58–82. \[In Persian\]](#)

Khanifar, H., & Moslemi, N. (2016). *Principles and foundations of qualitative research methods*. Negah-e Danesh. [In Persian]

Kulaynī, M. b. Ya'qūb. (2006). *Uṣūl al-Kāfi* (S. Hasanzadeh, Trans.). Qaem Āl Mohammad. [In Arabic]

Liu, J. (2023). Research on the future school development path based on artificial intelligence. *Advances in Education, Humanities and Social Science Research*, 1(4), 376–380. <https://doi.org/10.56028/aehtsr.4.1.376.2023>

Majlisī, M. B. (1982). *Biḥār al-anwār* (S.-E. Mianji & M. B. Behboudi, Eds.). Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]

Makarem Shirazi, N. (2003). *Selected Tafsir Nemouneh*. Dār al-Kutub al-Islamiyya. [In Persian]

Mohammadi Reyshahri, M. (2005). *Mizān al-ḥikma*. Dar al-Hadith. [In Persian]

Quṭb, S. (2004). *Fī zilāl al-Qur'ān*. Dār al-Shurūq. [In Arabic]

[Rad, A., & Nassaj, M. \(2012\). Semantic analysis of the term *ikhbāt* with regard to Qur'anic verses and hadiths. *Āmuzah-hā-ye Qur'ani*, 9\(16\), 53–72. \[In Persian\]](#)

Rahimpour Azghadi, H. (2009). *Rationality (sociology of development)*. Tarh-e Farda. [In Persian]

[Sajjadi Jazi, M., Ahmadnejad, A., & Habibollahi, M. \(2023\). An analysis of the Qur'anic culture of *istinās* in Sūrat al-Nūr based on the views of exegetes. *Qur'an, Farhang va Tamaddon*, 4\(1\), 107–130. <https://doi.org/10.22034/jksl.2023.371419.1167> \[In Persian\]](#)

[Shaban Zadeh, M. \(2021\). Examining the causes of the crisis of spirituality from the perspective of Qur'anic narrations. *Āfāq-e 'Olum-e Ensani*, 5\(53\), 19–38. \[In Persian\]](#)

[Soltani Birami, E. \(2023\). Compatibility between spouses: A reflection on the interpretation of verse 26 of Sūrat al-Nūr. *Motale'at-e Tafsiri*, 14\(55\), 73–88. \[In Persian\]](#)

Sryamkin, V., & Sryamkina, E. (2015). Technology management as a tool of innovative strategy of education and cognitive management. *Procedia – Social and Behavioral Sciences*, 166, 468–471.

How to cite:

Nassaj, Maryam., & Sadeqian, Mehri. (2025). Educational modeling of Islamic lifestyle in Sūrat al-Nūr with a comprehensive approach in the modern age. *Quran, Culture And Civilization* , 6 (3), 51-70.
<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.499123.1430>

Civilizational Convergence: An Analysis of Sacrifice and Jihad in the Teachings of Buddha and Their Qur'anic Critique (Strategies, Principles, Objectives, and Characteristics)

Hojjatollah Mehrabi ¹  Ebrahim Rezaei Adriyani ²  Mohsen Barghikar ³  Hamid Elahidoost ⁴ 

1. Lecturer, Department of Qur'an and Hadith, Al-Mustafa International University, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

2. Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Studies, Al-Mustafa International University, Isfahan, Iran.

3. Lecturer, School of Islamic Sciences and Teachings, Al-Mustafa International University, Isfahan, Iran

4. Assistant Professor of Jurisprudence and Principles, Al-Mustafa International University, Isfahan, Iran.

Corresponding Email: mehrabi@miu.ac.ir

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.456103.1361>

Article History:

Received: 2024-06-29

Revised: 2025-03-05

Accepted: 2025-04-12

Online First: 2025-09-14

Keywords

Civilizational convergence,
Buddhist teachings,
sacrifice in Buddhism,
objectives of self-sacrifice in
Buddhism,
Qur'anic critique.

Type of Article:

Research

Abstract: Self-sacrifice on the battlefield is one of the life-giving themes emphasized in many human schools of thought. Examining this concept in living non-monotheistic traditions such as Buddhism-which still has a considerable number of followers-shows that a rational explanation of the Qur'anic teachings and the clarification and reinforcement of commonalities between Islam and Buddhism in relation to self-sacrifice can bring about significant civilizational convergence among their adherents. Investigating this issue requires an in-depth study of the foundations, objectives, and characteristics of self-sacrifice, since these three domains determine the quality and scope of defensive and sacrificial teachings within religions and traditions. Using a descriptive-analytical method, this study explores the general teachings of Buddhism in these three domains, explains their influence on the spirit of sacrifice and defense, and then critiques them in light of Qur'anic knowledge. The findings indicate that Buddhism, drawing upon the Four Noble Truths, the law of karma, and universal altruistic thought, regards the main strategy of self-sacrifice in war as granting concessions and offering one's interests to the aggressor in order to satisfy the enemy's material desires. The Qur'an, while acknowledging the principle of suffering in life and directing it wisely toward higher goals, critiques the Buddhist objectives, rejects the notion of the enemy's reformability in the Buddhist strategy, and instead affirms the necessity of active defense and sacrifice.

How to cite:

Mehrabi, H., Rezaei Adriyani, E., Barghikar, M., & Elahidoost, H. (2025/1404). Civilizational convergence: An analysis of sacrifice and jihad in the teachings of Buddha and their Qur'anic critique (strategies, principles, objectives, and characteristics). *Quran, Culture And Civilization* , 6 (3), 71-94.
<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.456103.1361>





همگرایی تمدنی؛ تحلیل ایثار و جهاد در آموزه‌های بودا و نقد قرآنی آن
(راهبردها، مبانی، اهداف و شاخصه‌ها)

دریافت: ۱۴۰۳-۰۴-۰۹
بازنگری: ۱۴۰۳-۱۲-۱۵
پذیرش: ۱۴۰۴-۰۱-۲۳
انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۶-۲۳

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.456103.1361> doi

مقاله: پژوهشی

چکیده

ایثارگری در میدان نبرد از جمله مقوله‌های حیات‌بخش در مکاتب انسانی است و در غالب آن‌ها بر آن تأکید شده‌است. بررسی این مقوله در آیین‌های زنده غیرتوحیدی همچون بودا که از پیروان قابل‌توجهی برخوردار است، نشان می‌دهد، تبیین منطقی آموزه‌های وحیانی قرآن و آشکارسازی و تقویت نقاط اشتراک دو آیین اسلام و بودا در مورد ایثارگری، می‌تواند همگرایی تمدنی قابل‌توجهی را در میان پیروان دو آیین به ارمغان بیاورد. بررسی این مسئله با این هدف، نیازمند پژوهشی عمیق در مبانی و اهداف و شاخصه‌های ایثارگری است؛ زیرا این سه حوزه، تعیین‌کننده کیفیت و حدود تعالیم دفاعی و ایثارگرایانه ادیان و آیین‌هاست. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، کلیات تعالیم آیین بودا در سه حوزه مبانی و اهداف و شاخصه‌ها را مطالعه کرده و زمینه‌های تأثیرگذاری آن‌ها در روحیه ایثار و دفاع را تبیین نموده و سپس به نقد و بررسی آن‌ها بر اساس معارف قرآن پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، آیین بودا متأثر از حقایق چهارگانه، قانون کارما (رفتار) و اندیشه‌های فراگیر نوع‌دوستی، راهبرد اصلی ایثارگری در جنگ را بخشش و ایثار منافع به متخاصم و تأمین خواسته‌های او می‌داند و از این طریق به دنبال فرونشاندن عطش دشمنان به مادیات است. قرآن کریم با پذیرش اصل رنج در زندگی و جهت‌دهی حکیمانه آن به اهداف متعالی، اهداف مطرح در بودا را نقد می‌کند و اصلاح‌پذیری متخاصم در راهبرد بودا را مردود و دفاع و ایثارگری فعال را واجب می‌داند.

واژگان کلیدی: همگرایی تمدن‌ها، آموزه‌های بودا، ایثار در بودا، اهداف ایثارگری در بودا، نقد بودا.

استناد به مقاله:

مهربانی، حجت‌الله؛ و همکاران. (۱۴۰۴). همگرایی تمدنی؛ تحلیل ایثار و جهاد در آموزه‌های بودا و نقد قرآنی آن (راهبردها، مبانی، اهداف و شاخصه‌ها). فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۶(۳)، ۷۱-۹۴.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.456103.1361>

۱. مربی همکار گروه قرآن و حدیث، مجتمع عالی جامعه المصطفی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).
mehrabim@miu.ac.ir
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمية، اصفهان، ایران.
۳. مربی مدرسه علوم و معارف اسلامی، جامعه المصطفی العالمية، اصفهان، ایران.
۴. استادیار فقه و اصول، مجتمع عالی جامعه المصطفی، اصفهان، ایران.

@نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند. صاحب امتیاز دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، این مقاله یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت شرایط و ضوابط Creative Commons Attribution 4.0 International توزیع شده است.



مکاتب و ادیان مختلف، اعم از الهی و غیرالهی، به طور خاص به مفهوم ایثارگری و جهاد به عنوان ابزارهای اصلی مقابله با تهاجم دشمنان و حفظ پیروان خود پرداخته‌اند. این مکاتب در بسیاری از موارد، مبانی و ضوابط و اهداف ایثارگری در مقابل دشمن را بر اساس مبانی اعتقادی و اخلاقی خود ارائه نموده‌اند. با این حال، برخی آیین‌ها به‌طور خاص به مسئله ایثارگری در دفاع و دشمن‌ستیزی نپرداخته‌اند. بنابراین، ضروری است با توجه به مبانی اعتقادی و فلسفی این آیین‌ها و نیز تعالیم اخلاقی موجود در آن‌ها، مسئله ایثارگری و دفاع به دقت بررسی شود. از طرفی، کمبود مطالعات جامع در زمینه اندیشه‌های نظامی و دفاعی در مکاتب و ادیان مشهور جهانی که گاه اقدامات تحریک‌آمیز و تهاجمی علیه پیروان ادیان مختلف به‌ویژه مسلمانان انجام می‌دهند، ضرورت انجام این پژوهش را بیشتر می‌کند. بر این اساس، تحلیل و بررسی اندیشه‌های دفاع و ایثارگری در آیین بودا می‌تواند به درک بهتر زمینه‌های فرهنگی مشترک و چالش‌های احتمالی بین آیین بودا و اسلام کمک کند و به‌طور مؤثری از حقانیت اندیشه نظامی اسلام دفاع نماید.

این مقاله با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای در گردآوری اسناد مکتوب و روش توصیفی تحلیلی در مرحله پردازش اطلاعات، به بررسی این سؤال می‌پردازد که آیین بودا با وجود تأکید بر ترک تعلقات و تمرکز بر همیاری و تعامل، چه آموزه‌هایی درباره ایثارگری در میدان‌های دفاعی و نظامی به پیروان خود ارائه می‌دهد و این آموزه‌ها تا چه حد با آموزه‌های قرآنی هماهنگ یا قابل نقد است؟ ترجمه نشدن منابع اصیل بودایی به زبان فارسی و در اختیار نبودن برخی منابع، پژوهشگر را بر آن داشت که پژوهش را بر پایه منابع دست دوم معتبر تدوین کند؛ خصوصاً گستردگی منابع اصیل و همچنین تصریح نکردن منابع به مفهوم ایثار و جزئیات آن، فضای بسیار مبهم و گسترده‌ای را پیش روی محقق قرار داده که مراجعه به کتب واسطه را توجیه می‌کند.

پژوهش‌های متعددی در زمینه اندیشه‌های بودا و مقایسه آن با اسلام یا قرآن کریم انجام شده است که از آن جمله می‌توان به پایان‌نامه امیر هاشم‌پور با عنوان «بودا و متافیزیک»، رساله دکتری تخصصی از مجتبی نوری کوهبنانی با عنوان «رنج و ظرفیت‌های بهره‌برداری از آن در آیین بودا و اسلام»، پایان‌نامه آقای جعفر شکوهی راد با عنوان «رنج در اسلام و بودا»، رساله دکتری آقای محمدحسین موسوی با عنوان «رنج و شادی در اسلام و آیین بودا»، پایان‌نامه خانم صنم بدری با عنوان «معنا و هدف زندگی از دیدگاه بودا و احادیث محمد (ص)» اشاره کرد. چنان‌که عناوین این پژوهش‌ها نشان می‌دهد، تاکنون پژوهشی در زمینه تبیین آموزه‌های بودا در باب ایثار و جهاد و نقد و بررسی قرآنی آن صورت نگرفته است.

با توجه به تصریح نکردن متون بودایی به مسئله ایثار در میدان جنگ و مقابله با دشمن و مباحث پیرامونی آن، استخراج و انتزاع مفهوم ایثار و مبانی و اهداف و شاخصه‌های آن از لابه‌لای آموزه‌های بودا، تنها راه به دست آوردن دیدگاه بودا پیرامون مسئله تحقیق است. به همین جهت ابتدا در هر یک از محورهای بحث، گزارشی از اساسی‌ترین آموزه‌های بودا ارائه شده و سپس با تمرکز بر آن، مبانی و اهداف و شاخصه‌های ایثارگری استخراج گردیده و سپس از نظر قرآن نقد شده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. معنای لغوی ایثار

این واژه در معنای عرفی به معنای گذشت و فداکاری و از خودگذشتگی است. ریشه‌یابی این واژه و معین کردن معنای وضعی و مصادیق کاربردی این واژه در منابع لغوی، لایه‌های معنایی آن را در منابع دینی و غیردینی آشکار می‌سازد. واژه ایثار^۱ از ماده «أثر» به معنای دلالت شینی بر شیء دیگر (راغب، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۲) و چیزی است که باقی مانده یا نتیجه وجود شیء دیگر باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۱). همچنین این واژه به معنای برتری دادن (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۷)، برگزیدن (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۰)، ترجیح دادن و مقدم داشتن دیگری بر خود (راغب، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۲) مطرح شده است. در این مقاله، مقصود از ایثار و ایثارگری مقدم داشتن دیگران بر خود در آسایش و امنیت است که ایثارگر را برای مقابله با متجاوزان و عوامل ناامنی پیش قدم می‌کند. این واژه در متون اصیل بودایی با عناوین متعددی یاد می‌شود که با معنای ایثارگری در میدان نبرد قرابت دارد. به این عناوین توجه کنید:

वीर्य (Vīrya): به معنای شجاعت، نیروی قهرمانانه یا تلاش قاطع در راستای هدف است. این واژه در بودیسم به‌ویژه در رابطه با کسب کمالات به کار می‌رود (Saddharma Puṇḍarīka Sūtra – Mahāvastu).

पराक्रम (Parakrama): قدرت، شجاعت در مبارزه و قاطعیت. این واژه به‌ویژه در ادبیات سانسکریت، برای مبارزه با نیروهای منفی و ناآگاهی به کار می‌رود (Mahāvastu- Jataka Tales).

۲-۲. آیین بودا

آیین بودا از جمله آیین‌های کهنی است که در شبه‌قاره هند از آیین برهمنایی منشعب گردید (توفیقی، ۱۳۹۷، ص ۴۱). البته این آیین بعدها در قرون هشتم و نهم، با ظهور آیین هندو در هندوستان کمرنگ شد؛ اما در کشورهای خاور دور، به علت برخورداری از اندیشه‌های عرفانی گسترش یافت (توفیقی، ۱۳۹۷، ص ۴۲). در این آیین که بنیان‌گذار آن شخصیتی بنام «سیدهارتا» یا «سیدارتا گوتاما» در پانصد سال پیش از میلاد مسیح بوده است (هوکینز، ۱۳۸۸، ص ۲۰)، سخنی از خدا و نبوت و معاد نیست و تنها یک روش زندگی اخلاقی مبتنی بر اندیشه‌های بشری است. بودا در لغت به معنای «بیدار شده» یا «روشن شده» است و بیشتر یک لقب تلقی می‌شود تا یک اسم (مینگ و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۵۴).

۳. راهبرد کلی در جنگ و تهاجم نظامی

با توجه به بستر فرهنگی تولد اندیشه بودا و محور اصلی تعالیم او که شناخت مبدأ رنج‌ها و راه رهایی از آن‌ها در زندگی انسان است (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۴، ص ۷۹)، و با توجه به فرمان‌های هشت‌گانه آیین بودا می‌توان گفت: روح ایثارگری و فداکاری به معنای عام آن، بر آموزه‌های آیین بودا حاکم است و خمیرمایه غالب آن‌ها با ایثارگری به معنای عام هماهنگی دارد؛ اما در مورد ایثارگری و دفاع در میدان‌های نبرد، سخنان او بسیار اندک و البته صریح است. دو آموزه اصلی در زمینه ایثارگری در میدان نبرد را می‌توان از کلمات بودا استخراج کرد.

۳-۱. راهبرد تقابل اخلاقی با دشمنان

آنچه از کلمات بودا در زمینه مقابله با دشمنان و متجاوزان به سرزمین و منافع بودا قابل برداشت است، رد برخورد فیزیکی و استفاده از سلاح در تقابل با دشمنان است. بودا حفظ صفات حسنه مانند گذشت، ایثار اموال، زهد و بی‌رغبتی به دنیا، صداقت، سخاوت، نرم‌زبانی

1. Self-sacrifice.

و هر صفتی که بزرگ‌منشی را برای فاعلش ظاهر سازد و هرگونه ضرر و تحمیل و ناراحتی را از دشمن دور سازد، مقدم بر جهاد و مبارزه خشن می‌داند. به همین جهت می‌توان گفت در اندیشه بودا، راهبرد تقابل اخلاقی مقدم بر تقابل نظامی است. در این باره از بودا چنین نقل شده است:

... زیرا هرگز نمی‌توان تنفر را با تنفر از میان برد. تنفر تنها با محبت از میان برداشته می‌شود. بگذار انسان بر خشم خود با محبت فائق آید. بگذار او بر بدی‌ها با خوبی فائق آید. بگذار... (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۴، ص ۸۱)

بگذار او در مقابل آدم طماع، گشاده‌دست بوده و در مقابل دروغ‌گو راست‌گو باشد. اگر کسی از روی حماقت در مورد من کار غلطی انجام دهد، من در مقابل این کار، او را در ظل محبت بی‌شائبه خود قرار خواهم داد. هر چه از ناحیه او بدی بیشتر شود، از ناحیه من خوبی اضافه خواهد شد... (هیوم، ۱۳۶۲، ص ۱۰۷؛ سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۴، ص ۸۱).

از کلام بودا چهار نکته اساسی می‌توان استخراج کرد: گشاده‌دستی در برابر زیاده‌خواهی و عدم ایجاد مانع در برابر متجاوز، راست‌گویی و شفافیت کامل در برابر فریب‌کار و حيله‌گر، محبت و مهرورزی به آنان حتی با وجود خسارت و اتلاف منافع و فزونی محبت و عنایت در برابر افزایش رذالت و طغیانگری بیشتر دشمن.

اندیشه رفع عطش به تعلقات مادی و روحیه صلح‌دوستی بی‌حدومرز، بر گستره وسیعی از تعاملات انسانی و حتی بر شیوه تعامل و تقابل با متخاصم و مهاجم سایه افکننده و هدف از آن، جلوگیری از وقوع نزاع و جنگ است. درحقیقت بودا به جای به‌کارگیری راهبرد دفاع نظامی در برابر منافع دشمن و سرکوب تجاوزگری او، از راهبرد اعطا و گشاده‌دستی در تأمین خواسته‌های مهاجم طماع سخن می‌گوید.

۲-۳. پرهیز از ضرر جانی و مالی به دیگران

قانون چهارم از قوانین هشت‌گانه بودا اصل دیگری از اصول اینارگری در این آیین را پایه‌گذاری می‌کند؛ اصل «پرهیز از آسیب زدن به حیات و امکانات زندگی دیگر جانداران و اجتناب از هرگونه دزدی و غارت». قانون اول بودا برای عموم پیروان خود، یعنی «ترک هرگونه رفتاری که موجب سلب حیات (مرگ) از موجود زنده گردد»، از جمله اصولی است که عاملی در ایجاد انسجام اجتماعی تلقی شده و معیار تعاملات انسانی قرار گرفته است. در نبود آموزه‌های خاص درباره وظیفه بوداییان در موقعیت جنگ و جهاد، می‌توان این آموزه را عقیده اصلی بودا دانست که به صورت عام برای تمامی شرایط تجویز کرده است. بنابراین نفی جهاد و دفاع مسلحانه در برابر تهاجم ظالم و لزوم مهرورزی و شفافیت در برابر او، راهبرد بوداست. بر اساس این راهبرد زیربنایی در اینارگری و جهاد، مبانی و اهداف و شاخصه‌های اینارگری در آیین بودا را بررسی می‌کنیم.

۳-۳. نقد راهبرد بودا در مقابله با متخاصم

در بعد راهبرد اینارگری، دیدگاه قرآن برخلاف باورهای بودایی است. بودا پیروان خود را به مسامحه و بخشش منافع به متجاوزان دعوت می‌کند، درحالی‌که قرآن کریم، پیامبر و پیروان او را ابتدا به راهبرد تعاهد و پیمان‌های مستحکم بین ملت‌های رقیب توصیه می‌کند (توبه: ۱۲-۱۳) و در صورت پیمان‌شکنی یا هرگونه تجاوزگری از جانب بدخواهان، به مقابله به مثل و شدت عمل برای تنبیه متجاوز دستور می‌دهد (نساء: ۸۴؛ بقره: ۱۹۰-۱۹۳). قرآن علت برخورد این‌چنین با متجاوز را تأثیر نداشتن نرمش و پذیرش خواسته‌های متجاوز در پایان یافتن تجاوزگری و خوی طمع‌ورزانه او می‌داند (بقره: ۱۲۰) و آسیب‌های جبران‌ناپذیر تسامح و مقابله نکردن با متجاوز را به این شرح معرفی می‌کند: زیان در عرصه‌های متنوع (مانند: ۲۱)، سرگردانی و ممکن نبودن تصمیم‌گیری در رفع حواجیج (مانند: ۲۶)، فساد و فتنه‌جویی‌های مکرر (بقره: ۲۵۱؛ انفال: ۳۹)، شراکت در ظلم متجاوزان به حقوق مردم (توبه: ۴۷) و درنهایت سقوط جامعه و فرهنگ

(بقره: ۱۹۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۵۱۶). با توجه به عواقب مطرح شده، قرآن کریم راهبرد ایجاد هیبت و صلابت امت در برابر دشمنان را توصیه می‌کند که دشمنان و متجاوزان، تصور تجاوز و تصرف منافع دیگران را به خود راه ندهند (أنفال: ۶۰) و در صورت تجاوز، پاسخی عبرت‌آموز به آن‌ها داده شود (أنفال: ۵۷).

۴. بررسی مبانی بودا و مداخله آن در ایثارگری

۴-۱. مبانی آیین بودا

برای تبیین شکل‌گیری مبانی نظری و اعتقادی ایثارگری در پیروان بودا بر اساس باورهای زیربنایی و مبانی آن‌ها، لازم است که باورهای اساسی آن‌ها را بازتعریف کنیم. باورهای اساسی بودا، بر محور رهایی از رنج و تمرکز بر کردار و نتایج آن شکل گرفته است که باید تأثیرگذاری آن‌ها بر ایجاد روحیه ایثارگری در میدان نبرد را بررسی کرد. در ابتدا برخی از اصلی‌ترین مبانی اعتقادی بوداییان را ذکر می‌کنیم.

۴-۱-۱. درک حقایق و باور به آن‌ها

باورمندی به حقایق چهارگانه باعث می‌شود تا پیرو بودا بتواند به حالت رهایی مطلق دست یابد و این مسئله او را برای بیداری حقیقی آماده می‌سازد. نتیجه آن باورها و این بیداری آن است که شخص به همه موجودات در حالت دشمنی یا صلح مهرورزی می‌کند. این حقایق چهارگانه عبارت است از:

(الف) رسمیت و اصالت رنج: باور به اینکه هر حالت و شیئی که محدود به زمان است و زمانی موجود و زمانی زایل می‌شود، تولد، بیماری، مرگ، ناامیدی، دوری از آرزوها و بسیاری مطالب دیگر رنج است.

(ب) باور به خاستگاه رنج، یعنی تمایل و تعلق نفسانی: به عقیده بودا، رنج حاصل تعلق و تشنگی در وجود انسان است؛ عطش نسبت به لذت‌های جسمانی، عطش به وجود و بقا و تثبیت موقعیت بهتر، عطش و تمایل به دوری از شرایط سخت و بد.

(ج) باور به راه توقف رنج‌ها: قطع تمایلات و عطش درونی راه نجات از رنج‌ها و رهایی از دردهاست. دستیابی به خوشبختی و آرزوها شروع رنج‌هاست؛ بنابراین قبول واقعیت‌ها و قطع تشنگی درونی، راه رسیدن به بیداری و خاموشی رنج‌هاست.

(د) راه توقف رنج‌ها، حرکت در مسیر تحقق توصیه‌های هشت‌گانه بوداست (ابوطالبی و همکاران، ۱۳۸۱، صص ۲۶۶-۲۶۷).

درک حقایق چهارگانه از نظر محتوایی، زمینه فداکاری و ایثارگری برای دیگران را در فرد و جامعه فراهم می‌کند. ایثارگری در بودا زمانی شکل می‌گیرد که بتوان با درک حقایق چهارگانه در مورد رنج‌ها، خواسته‌ها و عطش‌های درونی خود را کنترل کرد و هیچ تعلق باقی نگذاشت و بتوان خود را در محروم کردن از لذت‌ها و تحمل سختی پیش قدم نمود.

۴-۱-۲. انکار ماوراءالطبیعه و معاد در بودیسم

در اندیشه بودا، جهان به عنوان پدیده‌ای ابدی و ازلی در نظر گرفته می‌شود. این آیین به خالقیت خداوند برای آفرینش جهان اعتقادی ندارد، تأثیر خداوند در عالم را نفی می‌کند و به وقوع معاد و شکل‌گیری حیاتی متفاوت برای بشریت در نشئه دیگر اعتقادی ندارد. به طور کلی، بودا درباره مسائل ماوراءالطبیعه مانند وجود خدا، ملائکه، ارسال پیامبران، اصل وجود روح و بقای آن، جهان پس از مرگ، بهشت و جهنم نظری ارائه نکرده و حتی به پیروان خود توصیه کرده است که از تفکر و تأمل در این موضوعات پرهیز کنند (چاترچی و همکاران،

۱۳۸۴، ص ۲۶۷). البته برخی از محققان، باور به غایتی مانند تناسخ و نیروانا را برای بودا نوعی غایت‌باوری و معاد می‌دانند.

توجه به منطق بودا در نپرداختن به مسائل متافیزیک قابل بررسی و تأمل است. او به قدری تمرکز و اندیشه‌ورزی خود را جهت یافتن راهی برای رهایی بشر از انواع رنج‌ها و کاستن از آلام بشری معطوف کرده بود که پرداختن به همه مسائل ماوراءالطبیعه، مانند وجود خدا و صفات او، لزوم وجود خالق در جهان و سنت‌های او در عالم (جهان‌شناسی و خداشناسی)، فلسفه خلقت انسان و مقصد و فرجام او (انسان‌شناسی) را در رهایی انسان از رنج‌ها بی‌فایده می‌دانست. بودا تلاش فکری و فلسفی در این‌گونه مسائل را به تلاش انسان نادانی تشبیه می‌کرد که در مقابل رنج و ناراحتی فرد مجروحی که با تیر سمی از درد به خود می‌پیچد، به جای اینکه تیر را خارج کند و مرهمی فراهم آورد، به چنین سؤالاتی می‌اندیشد: مبدأ و جنس تیر چیست؟ سازنده‌اش کیست؟ چه کسی و با چه نیتی تیر را پرتاب کرده است؟ هدف او از این تیر زدن چیست؟ البته غیرقابل اثبات بودن و احتمالی بودن پاسخ‌های بشری به سؤالات خداشناسی و جهان‌شناسی و انسان‌شناسی نیز، از دیگر دلایل گریزان بودن بودا از مباحث فلسفی و نظری بود (چاترجی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۲۶۸). بنابراین در عقیده بودا، توکل به خداوند و استعانت از او در همه امور، به‌ویژه در ایثارگری و مقابله با دشمنان، امری بی‌فایده و خالی از پشتوانه اعتقادی است. همچنین بوداییان در ایثارگری بر این باورند که نتیجه فداکاری‌های ایثارگر در همین دنیا و با پیوستن به نیروانا حاصل می‌شود. بنابر توصیف متنوعی که از نیروانا ارائه شده است، در آن مقام صلح، آرامش رهایی از رنج‌های مختلف برای ایثارگر فراهم می‌شود، اما پاداشی به عنوان بهشت و نعمت‌های متنوع آن برای ایثارگر نیست.

۳-۱-۴. قانون کارما^۱ (کردار)

یکی از اصول بنیادین در آیین بودا، «قانون کارما» است که تأکید دارد هر کنشی نتیجه‌ای متناسب به دنبال دارد. براساس این قانون، کردار نیک (همچون ایثار و از خودگذشتگی به معنای عام) منجر به نتایج نیکو برای فرد و جامعه می‌شود. بودا بر این عقیده بود که اساس تقدیرها و پدیده‌های عالم، چه در مقیاس فرد و چه فراتر از آن، معلول قانون کردار یا همان «کرما» است. حقیقت و سنت حاکم بر عالم این است: «بدرفتاری و کردار بد نتیجه بد به همراه دارد و رفتار نیک نیک و خوبی به همراه دارد». این قانون اساس همه اتفاقات و پدیده‌هاست. بر این اساس خداوند هرگز نه در خلقت و نه در تدبیر عالم اثری ندارد و تصرفی نمی‌کند. عین عبارت‌های بنیان‌گذار بودیسم در مقابل پنج راهب که از او در مورد حقیقت و باورهایش سؤال کردند، چنین گفت:

آیا شما به کارما یعنی قانون کردار ایمان دارید؟ پس بدانید، همان سرآغاز حکمت و آگاهی از حقیقت است. از نیکو نیکو پدید آید و از بد بد. این نخستین قانون زندگی است و همه چیزهای دیگر بر این قانون استوار است... و اگر چنین است، قربانی، دعا و تضرع به درگاه خدا عاقلانه نیست؛ زیرا آب همیشه سراشیبی می‌رود، آتش همیشه داغ است و یخ همواره سرد. اگر به درگاه همه خدایان هندوستان هم دعا کنیم، آب هرگز سربالا نمی‌رود و آتش سرد و یخ گرم نمی‌شود؛ زیرا در زندگی قانون‌هایی یافت می‌شود که همه چیز بر آنها استوار است. از این رو کاری که انجام گرفت، قابل ابطال نیست و دعا و قربانی برای خدایان نیز سودی ندارد. اگر چنین است، پس کتاب وداها که مردم را دعوت به دعا و قربانی می‌کند نیز درست نمی‌باشد و وداها مقدس نیستند. اصلاً من باور ندارم برهما (خداوند) چیزی را آفریده باشد تا جهان آفریده او باشد. به نظر من، جهان همیشگی است و آغاز و انجامی ندارد (توفیقی، ۱۳۹۷، صص ۴۴-۴۵).

اعتقاد به تأثیرگذاری تام کردار (کارما)، عاملی انگیزه‌بخش در ترجیح ایثارگری و فداکاری برای دیگران به حساب می‌آید. این باور به پیروان بودا اطمینان می‌دهد که ایثار و فداکاری برای دیگران، در نهایت به رهایی و سعادت ایثارگر منجر خواهد شد و باعث جلب

۱. کارما (Karma یا कर्म).

خیر است. در نقطه مقابل، حرص و خودپسندی، شخص را از خیر و نیک‌عاقبتی دور می‌کند. بنابراین اعتقاد به کرما لازمهٔ ایثارگری نزد بوداست.

۴-۱-۴. نیروانا (عمق آرامش و رهایی)

یکی دیگر از مبانی ارزشی بودا، اعتقاد به وجود جایگاه و مقام والای نیروانا است؛ مقامی بس شایسته و نقطهٔ کمال انسانی که قابل توصیف و تشریح نیست. عباراتی مانند مقام صلح و آرامش، فناپذیری و بیکران‌ها را در توصیف نیروانا مطرح کرده‌اند. نیروانا مقامی است که بوداییان در آن از درگیری‌ها، طمع‌ورزی‌ها، نزاع و مقابله، فریب و کینه و هرگونه صفات ناپسند خلاص می‌شوند و به پاکی محض و آرامش مطلق می‌رسند. این مقامی است که پیروان بودا برای دستیابی به آن و رهایی از تناسخ، اطاعت از دستورات بودا را بر خود هموار می‌کنند. ایثارگری و ترجیح دادن دیگران بر خود، احسان و دور کردن بدی و ناامنی از آنان نیز از توصیه‌های محوری بوداست که برای دستیابی به مقام نیروانا لازم است. به همین خاطر پیش از رسیدن به مقام نیروانا، عمل چرخه‌شکنی یا موکشا (موکتا) را توصیه می‌کنند.^۱ ایثارگری با این باور عمیق در بودا، می‌تواند ظرفیت عظیمی را آزاد کند و در اطاعت فرمان بودا قرار دهد؛ همچنین اهداف و آرمان‌های معنوی عمیقی در قلب پیروان بودا ایجاد می‌کند که برای دستیابی به آن، دشواری و رنج ایثارگری را قابل تحمل می‌سازد.

۴-۱-۵. نفی روح در وجود انسان و تأثیرگذاری آن

بودا وجود موجودی به نام روح را که به منزلهٔ وجودی متافیزیکی باشد، رد کرد و به جای آن وجودی به نام «خود» را به عنوان فاعل و انگیزه‌بخش کنش‌ها و رفتارها پذیرفت (مینگ و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۸۶). او زندگی را به مثابهٔ جریانی از وجود یافتن و نابود شدن موجودات با تمام داشته‌هایشان می‌داند. به عقیدهٔ او زندگی زنجیره‌ای از ظهور و امحاء شدن‌های پیاپی است. اما در مورد انسان و مرحلهٔ تناسخ، تنها چیزی که باقی می‌ماند و منتقل می‌شود، مجموعه‌ای از کیفیت‌ها و حالات است که مقدمه‌ساز و ایجادکنندهٔ شرایط در زندگی جدید با کیفیت‌ها و حالات جدید می‌شود. بر این اساس چیزی به نام روح وجود ندارد؛ بلکه آن حالات و کیفیت‌هایی است که در تناسخ به موجود جدید منتقل می‌شود (چاترجی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۲۹۹) و این تغییر مدام، زمینهٔ رنج‌ها و دردهای بشر است. بودا در ادامه برای رهایی بشر از انواع رنج‌ها و دردها، حقایق چهارگانه را پیرامون اصل وجود رنج‌ها، درک خاستگاه رنج‌ها (عطش)، درمان‌پذیری رنج‌ها و راهکار رفع رنج‌ها مطرح می‌کند. بنابر این باور، ایثارگر در آیین بودا، تأثیر متافیزیک و ارواح پیشینیان مقدس را بر سرنوشت انکار می‌کند و دعا و مناجات در مقابله با دشمن را فاقد اثر می‌شمارد. براساس این عقیده، هیچ قدرت ماورایی در دستیابی ایثارگران به موفقیت و پیروزی دخالت ندارد و فقط قدرت ظاهری و عوامل طبیعی است که تعیین‌کنندهٔ پیروزی و شکست در میدان جنگ است. توکل و توسل به خداوند و ارواح نیاکان در مسیر ایثارگری منطقی نیست.

با توجه به مطالب فوق، مبانی اعتقادی مطرح‌شده در آیین بودا در تقابل با دشمن، با راهبرد تقابل اخلاقی و رفتارهای بزرگ‌منشانه ارتباط عمیقی دارد. مبانی اعتقادی مانند کارما، نفی متافیزیک و تمرکز بر کردار نیک (کارما) نشان می‌دهد که ایثار در آیین بودا نه تنها به عنوان عملی اخلاقی، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای رهایی از رنج تناسخ، رسیدن به روشنایی و سعادت و ساختن جامعه‌ای متعادل‌تر مطرح می‌شود و در پیروان بودا انگیزه‌ای مضاعف برای اقدامات ایثارگرایانه ایجاد می‌کند.

۱. Mukti. در آیین بودا و هندو، برای رهایی از تناسخ و سمساره، به چرخه‌شکنی یا همان موکشا توصیه می‌شود. بوداییان در این مرحله با اجتناب از حس منیت و تقویت تصور هیچ بودن، تلاش می‌کنند خود را در هستی والاتر جذب کنند. از ویژگی آن هستی، خالی بودن از ابعاد و زمان و مکان است. برای رسیدن به موکتا یا موکشا، چهار عمل توصیه می‌شود: خدمت به دیگران بدون هیچ چشمداشت، عشق درون‌زا، نیروی تشخیص درون و غرق شدن شاهانه در مراقبه. John Bowker, The Oxford Dictionary of World Religions, (650).

۴-۲. نقد مبانی ایثارگری در آیین بودا

۴-۲-۱. نقد حقایق چهارگانه

از جمله مبانی اعتقادی بودا در ایثارگری، پذیرش حقایق چهارگانه است. این حقایق جهت رهایی از رنج‌ها و دردها به همراه دستورات دیگری از جانب بودا پیشنهاد شده است. در نقد حقایق چهارگانه بودا که نقش مؤثری در پذیرش ایثارگری دارد، لازم است هر یک از آن‌ها را به صورت مستقل، از منظر قرآن بررسی کنیم.

در اولین حقیقت بودایی، نگاه منفی به نعمت‌ها و لذت‌ها باعث می‌شود هرگونه نعمت و لذت پایان‌پذیر و زائل‌شدنی رنج و دشواری شمرده شود. با این باور، تولد، ازدواج، دوستی و محبت و بهره‌مندی از نعمت‌ها نیز رنج و دشواری است. اما در مقابل، قرآن کریم اصل وجود رنج و دشواری را به رسمیت می‌شناسد (بلد: ۴)^۱ و به تبیین حکمت وجود سختی‌ها در زندگی می‌پردازد؛ حکمت‌هایی مانند جدا شدن افراد خبیث و منافق از انسان‌های پاک و مؤمن (آل عمران: ۱۷۵)، جدایی مجاهدان و صابران از دیگران (آل عمران: ۱۶۶-۱۶۷) و بازگشت و تضرع به درگاه خدا (انعام: ۴۲؛ اعراف: ۱۶۸). قرآن کریم در عین حال، نوع واکنش انسان را نیز به او تعلیم می‌دهد و از سوءبرداشت‌ها در مشاهده رنج‌ها و خوشی‌ها جلوگیری می‌کند (فجر: ۱۵-۱۷). همچنین قرآن در برابر نگاه منفی بودا به نعمت‌ها و لذت‌های مادی، وجود آن‌ها را نیز جزء واقعیت‌های زندگی انسان می‌داند؛ از جمله این نعمت‌ها همسر و فرزند و نوادگان (نحل: ۷۲؛ اعراف: ۱۸۹)، مقام و درجات اجتماعی (انعام: ۱۶۵؛ یوسف: ۹۰-۱۰۱)، ثروت و مال (نحل: ۷۵؛ نوح: ۱۲) است که آن‌ها را نشانه لطف و رحمت خداوند می‌داند (ضحی: ۶-۱۱). بنابراین اصالت دادن به رنج و سختی به اندازه‌ای که نعمت و لذت‌های واقعی نیز رنج و دشواری تلقی شود، امری خلاف واقع و وجدان است.

بودا در حقیقت دوم، ریشه و خاستگاه اصلی احساس درد و رنج را عطش دورنی و دلبستگی به منافع می‌داند. شاید بتوان کلام بودا را چنین تفسیر کرد که عامل اصلی انتقال حس ناراحتی و رنجش خاطر در زمان مصیبت‌ها و فقدان‌ها و ظلم‌ها، وجود علقه و وابستگی قلبی شکل‌گرفته در انسان است. درحقیقت این تعلق و عطش، واسطه انتقال ناراحتی و درک رنج‌ها در بشر است و بودا تلاش می‌کند این واسطه یعنی عطش و وابستگی را مهار کند و با این تکنیک، مانع تحقق ناراحتی و رنجش قلبی در حوادث ناگوار شود؛ هرچند فقدان‌ها و مصائب بسیار سنگین باشد. اما قرآن کریم خاستگاه و ریشه تحقق دردها و رنج‌ها را خداوند و اذن او می‌داند (نساء: ۷۸) و عامل زمینه‌ساز وقوع رنج‌ها در زندگی انسان را اعمالی مانند کفر و مخالفت با رسولان الهی (نساء: ۱۶۱-۱۶۲؛ رعد: ۳۱)، معصیت‌ها (آل عمران: ۱۶۵)^۲ و ارجاع داوری به طاغوت (نساء: ۶۹) معرفی می‌کند. روش قرآن برای مهار رنجش قلب و اضطراب خاطر، قلع و قمع کردن عطش‌ها یا بریدن از دنیا و ریاضت^۳ نیست؛ بلکه توصیه قرآن آن است که انسان‌ها در قبال فقدان‌ها و مصیبت‌ها، باورهای صحیح و استقامت و عبادت را پناهگاه خود قرار دهند (بقره: ۴۵)، به سطوح بالاتری از نعمت و اهداف معنوی نزد خداوند بیندیشند (بقره: ۱۵۵-۱۵۷) و زمینه‌های رشد و تعالی خود را در بیداری و تجلی فطرت توحیدی (بقره: ۱۵۶؛ قصص: ۴۷)، درود و رحمت الهی (بقره: ۱۵۷) و محبوبیت نزد خداوند (آل عمران: ۱۴۶) جست‌وجو کنند. بنابراین درک و باور به حقایق چهارگانه که مقدمه‌ای برای روحیه ایثارگری در آیین بوداست و زمینه پذیرش دشواری‌ها را شکل می‌دهد، از نظر قرآن مطابق واقعیت نیست و مردود است.

۱. «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ: همانا ما انسان را در رنج و زحمت آفریدیم» (بلد: ۴).

۲. «أَوَلَمْ آصِبْتُمْ مِصْبَةَ قَدْ أَصَبْتُمْ بِئَلَيْهَا قُلْتُمْ أِنِّي هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ...»

۳. برخلاف حقیقت سوم بودا که راهکار نجات از رنج‌ها را تمرین بی‌توجهی به عطش و ریشه‌کن کردن آن می‌داند.

۲-۲-۴. نقد انکار ماوراءالطبیعه و معاد

اندیشه بودا با تمرکز بر از بین بردن حسن رنج و ناراحتی از انسان، منجر به تأمل نکردن در جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و خداشناسی و ارتباط رنج‌ها با خدا و انسان شد. از مهم‌ترین نقدهای وارد بر بودا، شناختن دقیق و عمیق منشأ رنج‌ها و فلسفه ناگواری‌ها در زندگی بشر و انحصارگرایی در درمان رنج‌های انسان با روش دفع عطش و سرکوب غرائز و علقه‌های درونی انسان است. درحالی‌که قرآن کریم با تفسیر صحیح از گستره حیات دنیوی و اخروی انسان و ماهیت موقت و کشتزارگونه دنیا برای نشئه آخرت، حوادث و رنج‌های دنیا را در مراحل از آزمایش‌های الهی (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۳۵) یا توانی از اعمال گذشته انسان‌ها معرفی می‌کند^۱ (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۳۰). بنابراین نفی ماوراءالطبیعه و دخالت اراده الهی در وقوع رنج‌ها، امری خلاف واقع است. همچنین ادله عقلی و نقلی بر وقوع معاد و جایگاه صالحان در بهشت و مفسدان در جهنم، بطلان عقیده بوداییان بر نفی معاد را ثابت می‌کند.

۳-۲-۴. نقد ایثارگری مبتنی بر قانون رفتار (کرما)

بر اساس دیدگاه بودا، قانون اصیل و فراگیر در عالم برای تحقق پدیده‌ها و سرنوشت‌های فردی و اجتماعی، تأثیرگذاری اعمال و رفتار نیک و بد است و بر این اساس، دعا و قربانی و حتی اراده پروردگار اثری در تغییر سرنوشت‌ها و پدیده‌ها ندارد؛ بلکه ایثارگری برای دیگران از جمله اعمال مؤثر در سرنوشت افراد است. این باور اگرچه مؤید ایثارگری و فداکاری در بوداست، از حیث مبانی و باورهای زیربنایی، اشکالات اساسی دارد. این دیدگاه از حیث پذیرش تأثیرگذاری رفتار بر سرنوشت‌ها و حوادث، اجمالاً با معارف قرآنی^۲ هماهنگ است. آیات قرآن همان‌گونه که بخشی از فسادها و رنج‌های عالم را نتیجه اعمال بشر می‌داند (روم: ۴۱)، رفتارهای نیک انسان‌ها را نیز عامل سرازیر شدن برکت‌های الهی برمی‌شمرد (اعراف: ۹۶) و عمیقاً ارتباط بین اعمال انسان‌ها و نظام تکوین را تأیید می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۵۹). اما قانون رفتار از این جهت که تنها عامل انحصاری و مستقل در سرنوشت انسان‌ها باشد، محل نقد و بررسی است. قرآن کریم تأثیرگذاری رفتارها بر سرنوشت‌ها را اراده الهی و فعل خدا معرفی می‌کند (قلم: ۲۹-۳۶)^۳ و اراده الهی را عامل اصلی محرومیت از نعمت و انتقال آن به دیگری به خاطر سوء عمل می‌داند (دخان: ۱۷-۲۸)؛ همچنین قربانی (حج: ۶۷، ۳۴) و نذر کردن انسان در راه خداوند متعال (آل عمران: ۳۵) را تأیید می‌کند و در نظرگاه الهی مقبول (بقره: ۲۷۱) می‌شمارد. بنابراین ایثارگری برخاسته از باور به استقلال و انحصار تأثیرگذاری رفتار بر شکست و موفقیت‌ها مخدوش و غیرصحیح است.

۵. بررسی اهداف زندگی در بودا و مداخله آن در ایثارگری

۱-۵. اهداف و فرجام زندگی در آیین بودا

بررسی هدف متعالی و فرجام مطلوب از حیات بشر مطلب بسیار مهمی است که با شناخت آن و بررسی میزان دخالت ایثارگری در دستیابی به آن، ایثارگری در میدان نبرد را توجیه‌پذیر و مورد اشتیاق پیروان بودا قرار می‌دهد. مقصد نهایی پذیرش تمامی باورها و تقیدات اخلاقی اجتماعی بودا، رسیدن به روشنی و بیداری است که باعث می‌شود دشواری‌های متنوعی که بشر از آن‌ها رنج می‌برد، پایان پذیرد (مینگ و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۹۰) و شخص از تناسخ و زندگی پیاپی نجات یابد و به نیروانا برسد (هوگینز، ۱۳۸۸، ص ۲۸). این باوری است که بودا آن را نقطه کمال و هدف خلقت و زندگی انسان می‌دانست. نیروانا درحقیقت معادل فرجام‌شناسی (معاد) مطرح در

۱. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم: ۴۱)؛ «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» (شوری: ۳۰).
 ۲. احسان عامل اتمام نعمت الهی (انعام: ۱۵۴)؛ احسان عامل جلب رحمت الهی (لقمان: ۳؛ اعراف: ۵۶)؛ احساس همراه با اخلاص، عامل فرجام نیک (لقمان: ۲۲)؛ محروم کردن فقرا از احسان، عامل نابودی نعمت (قلم: ۲۹-۳۲).
 ۳. «أَفَتَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ * مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (قلم: ۳۵-۳۶).

ادیان آسمانی است. بودا که هرگز اعتقاد به معاد و بهشت را مطرح نکرده، معتقد است سالک با التزام به انضباط خاص به نیروانا می‌رسد. واژه «نیروانا» درحقیقت به معنای توفیق یافتن و موفق شدن است. موفقیت در غلبه بر هیجان‌ها، مانند خشم‌ها، شهوات، غم و اندوه‌ها و نادانی‌ها و فائق شدن بر رقابت‌های بیهوده برای اثبات خود انجام می‌گیرد. می‌توان گفت خاموش کردن امیال و منیت‌ها با ایثارگری و عبور از خود و چشم‌پوشی از هوس‌ها حاصل می‌شود و این عامل اصلی در رهایی از تناسخ و رسیدن به کمال انسان یعنی نیرواناست. درمقابل، امیال و نفس‌پروری‌ها عامل اصلی تولد مجدد و تداوم رنج و زحمت‌ها می‌شود. اگر انسان بر ذهن و هوس‌های دل پیروز شود و ذهن را هوشیار و بیدار کند، پس از مرگ جسمانی، ذهن (نه روح) او دوباره متولد نخواهد شد؛ بلکه آزاد و رها می‌شود و به مقصد نهایی نیروانا و آزادی نهایی از اضطراب‌ها خواهد پیوست (جبرائیلی، بی‌تا، ص ۴۳).

۲-۵. اهداف ایثارگری در آیین بودا

اهداف ایثارگری در بودا را باید با توجه به باورهای بودا در بعد غایت و کمال انسان و همچنین سخنان بودا در باب مواجهه با دشمن^۱ تبیین گردد. بنابراین می‌توان اهداف ایثارگری در این آیین را چنین ترسیم کرد: رسیدن به بیداری و هشیاری کامل برای نجات از رنج‌های زندگی، رهایی از چرخه رنج‌آور تناسخ و زندگی‌های مکرر، رسیدن به نیروانا و غایت کمال بشری، تسلط بر منیت‌ها و شهوات و تربیت نفس در به‌کارگیری سجایای اخلاقی و بزرگ‌منشی، زمینه‌سازی برای بیداری و هدایت اخلاقی خصم و کاهش تعلق و طمع‌ورزی او به دنیا و بازگرداندن او به صلح و نوع‌دوستی.

۳-۵. نقد اهداف ایثارگری در بودا

۱-۳-۵. رهایی از رنج‌ها؛ آرزویی باطل

در نظام معرفتی قرآن، رفتار خالصانه دینی در مواجهه با دشواری‌ها و سختی‌های زندگی ظهور می‌یابد، نه در شرایط عادی و دلخواه انسان. ظهور رفتار خالصانه و صحیح است که انسان را در شرایط سخت، به هدف زندگی و کمال بشری نزدیک می‌کند. بنابراین آزمایش انسان‌ها در کوران زندگی، بخشی از سنت‌های خداوند و ساختار جدایی‌ناپذیر دنیا و مسیر تکاملی انسان است (بقره: ۱۵۴) و تلاش برای رهایی از رنج‌ها، پنداری باطل و بی‌فایده است (عنکبوت: ۲). درمقابل، آیات قرآن تلاش دارد با تغییر نگرش به مصائب و دشواری‌ها، پذیرش آن را برای انسان مؤمن شیرین و رضایت‌مندی فعالانه را در او تقویت کند.

۲-۳-۵. نیروانا؛ ادعایی بدون دلیل

هدف‌گذاری رفتارهای ایثارگرایانه به قصد دستیابی به نیروانا، خالی از هرگونه اقامه دلیل و برهان است. قرآن کریم در آیات بسیاری، هرگونه تصور از فرجام زندگی بشر و باور کلی یا جزئی در این زمینه را که مبنای وحیانی و معصومانه نداشته باشد، طرد می‌کند و آن را پنداری باطل می‌داند که در روز قیامت همه آن باورهای باطل در مقابل آن عقیده باطل گم می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۵۰). برخی از باورهایی که قرآن آن‌ها را باطل می‌داند، عبارت است از: شفاعت بت‌ها در آخرت (یونس: ۱۷-۱۸)، اعتماد به شفاعت فرشتگان (نجم: ۲۶) و در نظر گرفتن معبودهای دروغین به عنوان شفیعان آخرت (زمر: ۴۳).

۱. سخنان بودا در باب مواجهه با دشمنان: «... زیرا هرگز نمی‌توان تنفر را با تنفر از میان برد. تنفر تنها با محبت از میان برداشته می‌شود. بگذار انسان بر خشم خود با محبت فائق آید. بگذار او بر بدی‌ها با خوبی فائق آید. بگذار...» (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۴، ص ۸۱). «بگذار او در مقابل آدم طماع، گشاده‌دست بوده و در مقابل دروغ‌گور راستگو باشد. اگر کسی از روی حماقت در مورد من کار غلطی انجام دهد، من در مقابل این کار، او را در ظل محبت بی‌شائبه خود قرار خواهم داد. هرچه از ناحیه او بدی بیشتر شود، از ناحیه من خوبی اضافه خواهد شد...» (هیوم، ۱۳۶۲، ص ۱۰۷؛ سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۴، ص ۸۱).

۳-۳-۵. اشتباه در معیار منیت و طمع‌ورزی

بودا حرکت و اقدام فعال علیه تجاوز دشمن را منیت و طمع‌ورزی و حرکت در مسیر امیال معنا می‌کند و این در حالی است که معیار حرکت بر اساس منیت‌ها و امیال، سکوت در برابر حق یا اقدام علیه حق است. دفاع از حق، عدالت، حتی به خاطر حقوق مادی و دنیایی، نزد عقلا و شرع دارای فضیلت و ارزشی فطری و دینی است و هرگز به معنای دنیاطلبی و میل‌پرستی نیست. در مقابل، سستی و تنبلی در مقابل ظالم و عدم تقابل فیزیکی برای دفاع از حق و عدالت، نشانه‌ی راحت‌طلبی، ذلت‌پذیری و دوری از فضایل و بزرگ‌منشی است. قرآن کریم در مقابل چنین تصوراتی از طرف منافقان امت که به بهانه‌ی خطر لغزش و تمایل به غنیمت‌های نفیس جنگی و تحریک هوای نفس (در پوشش تزکیه‌ی نفس) به دنبال سرپیچی از فرمان جهاد بودند، آن‌ها را گرفتار فتنه و هوای نفس معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۰۵). بودا به خیال خود، با تسامح و تسالم با دشمنان خواهان دوری از دنیا و عطش به منافع است؛ درحالی‌که نفس این اقدام، تمایل و عطش به بقا و آرامش و اجتناب از برهم زدن آرامش به‌ظاهر عرفانی است.

۶. شاخصه‌های بودایی‌گری و مداخله‌ی آن در ایثارگری

در آیین بودا تعالیم و رفتارهایی توصیه شده است که ایثارگران الگو در این آیین، از این شاخصه‌ها برخوردارند یا انتظار تخلق به چنین شاخصه‌هایی از آن‌ها می‌رود.

۱-۶. ارتباط عمیق با پناهگاه‌های سه‌گانه

منابع بودا برای تداوم حقایق و باورهای دینی در جامعه و زنده نگه داشتن بودا در میان مردم، سه پناهگاه و گوهر اساسی را معرفی می‌کنند که پیروان بودا در همه‌حال ملزم به مراقب از آن هستند و باید بدان التزام عملی داشته باشند. آن سه گوهر مهم عبارت است از: ۱. گوهر بودا (معلم)، ۲. گوهر آیین و شریعت، ۳. گوهر انجمن (مینگ و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۵۲). این سه پناهگاه یا گوهر اساسی، مسیر دستیابی به حقایق یادشده را هموار می‌کند و پیروان باید دینداری خود را با محوریت این سه گوهر هماهنگ نمایند. بر اساس این دستورالعمل، توجه ویژه و نگاه از سر تکریم و عظمت به پیشوایان و معلمان بودا، آموزه‌ها و شریعت بودا و گوهر انجمن و اجتماع بوداییان، از الزامات مهمی است که ایثارگران این آیین باید بدان توجه و در سراسر زندگی، تعامل و ارتباط خود را با این سه پناهگاه مستحکم کنند.

۲-۶. التزام عملی به آموزه‌های اخلاقی بودا

در مورد آموزه‌های اخلاقی بودا، به‌سختی می‌توان سخنی را یافت که مستقیماً از خود بودا ماندگار شده باشد. به جهت نبود قدرت نوشتاری در آن زمان، شاگردان او سخنانش را با عناوینی شبیه «چنین شنیده‌ام»، مطرح می‌کردند. بنابراین اثر مستقیم و قابل اطمینانی از شخص بودا باقی نمانده است (چاترجی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۲۶۴). اما به طور اجمال می‌توان هماهنگی بین سخنان و آموزه‌های شفاهی شاگردان او را دلیل بر صحت صدور آن‌ها از بودا دانست و به یک اطمینان نسبی دست یافت (مینگ و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۸۵).

این آیین پس از صدها سال، آموزه‌های خود را به دو دلیل گسترش و توسعه داد: اول، پرورش پیروان و راهبان خاص به عنوان مبلغان و پیشوایان مسلک بودا که به «واده‌ها» خوانده می‌شوند؛ دوم، ترویج بودا در میان عموم جامعه و گسترش پیروان عادی در میان مردم که آن‌ها را «مهایانه» می‌نامند. دو آموزه کلی بودا برای بیداری و رهایی که می‌تواند زیربنای ویژگی‌های اخلاقی رفتاری بودا قرار گیرد، عبارت است

از: اول، اجتناب سالک از زشتی‌ها و بدمستی‌های ثروت و مکنث و شهوت و دوم، پرهیز از رنج‌ها و دشواری‌های ریاضت و تکلف‌های بیهود، برای رسیدن به حقیقت (شایگان، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۳۸؛ بایرناس، ۱۳۸۷، ص ۱۸۴).

در ادامه، پیروان بودا برای تبیین و اجرایی کردن این دو آموزه، احکام عملی و آموزه‌های جزئی تدوین نمودند و برای تربیت مبلغان خاص و پیروان عام بودا، به تبلیغ و تشکیل مدارس بودایی پرداختند. بر همین اساس، کسی که قصد دارد در سلک راهبان آیین بودا درآید، باید سبک زندگی خود را به کلی تغییر دهد، از معاشرت با خانواده و دوستان دوری کند و در سرتاسر سال به جز برای شرکت در چند مراسم آیینی، در مجامع عمومی حاضر نشود. دست‌یابی به این مراقبه، مستلزم التزام به انضباط قوی نسبت به دستورالعمل‌های هشت‌گانه‌ای است که راهبان رده بالاتر دستور می‌دهند (هوکنیز، ۱۳۸۸، ص ۲۸). گام‌های هشت‌گانه، از توصیه‌های اصلی بودا به راهبان بودایی است. او راه‌هایی از رنج‌ها را رسیدن به بیداری می‌داند و مقدمه آن را تقید به انضباط خاص در زندگی و پذیرش آن معرفی می‌کند. در غیر این صورت، کسی که به انضباط خاص تن ندهد، به بیداری نخواهد رسید و در جریان بی‌پایان تناسخ باقی می‌ماند. بنابراین راهب برای دستیابی به بیداری و رهایی از رنج‌ها باید هشت فرمان زیر را رعایت کند:

دید و شناخت صحیح و فهمیدن قانون عمل و کردار و نتایج آن؛ اندیشه و افکار صحیح (افکاری که باخشم و طمع و سوء نیت نباشد)؛ گفتار صحیح (پرهیز از دروغ و افتراء و شایعه و سخنان زشت)؛ کردار نیک (پرهیز از آسیب زدن به زندگی دیگر جانداران و اجتناب از دزدی و غارت)؛ زیست و زندگی سالم (پرهیز از زیاده‌طلبی و حرص که به دیگران زیان برساند)؛ کوشش صحیح (انجام بهترین کارها با جدیت و وجدان کاری عمیق)؛ آگاهی صحیح و توجه و همواره دقیق و مراقب بودن؛ تمرکز و یکدلی تمام و ذهن را برای درک صحیح حقایق آماده و آرام نگه‌داشتن (مینگ و همکاران، ۱۳۸۸، صص ۱۸۸-۱۹۰).

به جز موارد پیش‌گفته، در برخی متون بودایی به اجتناب از پرخوری، رقص و موسیقی و تماشای لهو و لعب، استعمال زیورآلات و عطریات (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۴، ص ۸۹) و اجتناب از بسترهای نرم و مجلل و نپذیرفتن طلا و نقره نیز سفارش شده است. همچنین اینکه راهب فقط حق دارد خوراک و پوشاک روزانه خود را از مردم بگیرد (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۴، ص ۸۹). بودا برای عموم مردم نیز فرمان‌هایی صادر کرده که ایشان نیز برای گرایش به مسلک بودایی، باید ملتزم به رعایت این موارد باشند. این فرمان‌ها عبارت است از:

عهد بستن بر سر اینکه هرگز حق زندگی را از هیچ موجود زنده‌ای نگیری؛ عهد بستن بر سر اینکه هرگز چیزی را که حق تو نیست، از دیگران به سرقت نبری؛ عهد بستن بر سر اجتناب از روابط نامشروع با دیگران؛ عهد بستن بر سر اجتناب از سخن ناشایست و ناصواب مانند دروغ و افتراء؛ عهد بستن بر سر اجتناب از هرگونه ماده مست‌کننده و حالت‌های غیرعادی، مانند شراب و مواد مخدر (جبرائیلی، بی‌تا، ص ۴۵).

بر اساس مطالب فوق، اگر اینارگر در آیین بودا از طبقه مبلغان و پیشوایان آیین بودا باشد، باید به گام‌های رشد مطرح شده متخلق گردد و اگر از طبقات عمومی جامعه است، باید به عهد و پیمان‌های عمومی برای بوداییان متخلق باشد.

۳-۶. باورمندی عمیق به مبانی و اهداف غایی بودا

چنان‌که در ابتدای بحث گذشت، باورمندی به مبانی و اهداف غایی بودا، از جمله شاخصه‌های مهم پیروان بوداست. بنابراین در آیین بودا، اینارگر در بعد اعتقادی برخوردار از چنین شاخصه‌هایی برخوردار باشد: تلاش برای درک صحیح و کامل حقایق چهارگانه و کاهش تعلقات و عطش درونی؛ کم‌توجهی به عوامل ماورائی مانند خدا، توکل، نصرت الهی و درمقابل، باور عمیق به کارما و بازگشت منفعت و

ضرر اعمال به خود؛ باور به تناسخ و لزوم تلاش برای رسیدن به نیروانا؛ تلاش برای رسیدن به بزرگ‌منشی و تسلط بر خواسته‌ها و تمایلات قلبی.

۴-۶. نقد کلی بر شاخصه‌ها

۱-۳-۶. اقامه نکردن ادله لازم برای اثبات حقانیت

معیار توجه به منبع باورهای دینی و بررسی عمیق اعتبار منادیان معنویت (زمر: ۱۷ و ۱۸) بر این مسئله تأکید دارد که تعیین دین و سرنوشت حیات تکرارنشده انسان، فارق از افترا به خداوند، امری نیست که انسان عاقل و خردمند به سادگی در اختیار هر ادعاکننده‌ای قرار دهد. بنابراین لازم است مدعی هدایت مردم به حقیقت، دارای ویژگی‌هایی قانع‌کننده برای اثبات حجیت و حقانیت ادعاها و تعلیمات خود باشد. از این رو پیامبران الهی با وجود بشر بودن (ابراهیم: ۱۱)، از ویژگی‌ها و اقداماتی به نام معجزه بهره‌مند بودند که در صورت نیاز، برای اثبات رسالت و حقانیت خود استفاده و اطمینان عوام و خواص دارای قلب سلیم را به خود جلب می‌کردند. پس از اثبات رسالت، وحی الهی با شاخصه‌های نقض‌ناپذیر و اطمینان‌بخش، آموزه‌های الهی را از طریق انبیا در اختیار بشر می‌گذاشت.

مقایسه طریق دریافت آموزه‌ها توسط بودا و توسط انبیا نشان می‌دهد، بین وحی الهی که انبیا برای بشریت ارائه می‌کنند، با آنچه پیشوایان بودا به آن دست یافته‌اند، فاصله بسیار زیادی وجود دارد. سلسله‌مراتب دریافت حقیقت ابتدا وحی الهی است که توسط انبیای معصوم دریافت می‌شود؛ بعد از آن، بهره معصومان کامل غیر از انبیاء است. بعد از این دو گروه و با فاصله زیاد در اطمینان‌بخشی، آنچه در مرحله بعدی نصیب عالمان یا عارفان سالک می‌شود، هر دو در معرض جدی آسیب‌های بشری قرار دارد؛ شهوات و جهل و هوس‌ها برای عالمان و القانات شیطانی در عارفان. لازم است این آسیب‌ها با برهان عقلی تصفیه و حق و باطل در آن آشکار شود (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۸۰). بنابراین پذیرش حقانیت بودا جای شگفتی دارد. جان بایرناس، محقق و نویسنده کتاب تاریخ جامع ادیان، در مورد سرگذشت بودا در لحظات خلصه نهایی در زیر درخت علم چنین می‌نویسد:

... در این مرحله، بودا به این نتیجه در خود رسید که از همه تمایلات و رغبت‌ها که مانع اصلی رهایی است، نجات یافته است [یا خود را از نظر روحی رهایی بخشید و خود را فارغ از آن تمایلات در نظر گرفت]. او در این مرحله به حالت جذبه و جدیتی رسید که منتهی به حالت تسلیم محض و رضای صرف در برابر حوادث و رنج‌ها شد؛ به گونه‌ای که دیگر به کلی از خوشی و ناخوشی و نعمت و عذاب هر دو فارغ شد. [علاقه خود را نسبت به هر دو مساوی دانست] و ذهن او به حالت استقرار و آرامش رسید و در اینجا به این رسید که دیگر ظلمات جهل و نادانی درونی او به نور و علم و بیداری روشن گشته است و در این حالت و زیر درخت علم، احساس کرد که به نور اشراق کامل نایل شده و به نیروانا رسیده است و دیگر تجدید حیات و تولدهای متوالی تناسخ از او برداشته شده است. با خود گفت: دیگر من فرد سابق نیستم و عالی‌ترین مرتبه حیات را دریافت کرده‌ام و تکلیف روحانی خود را به پایان رسانیدم (بایرناس، ۱۳۸۷، صص ۱۸۳-۱۸۴).

زمانی که بودا هیچ‌یک از ویژگی‌های رسولان الهی را برای حقانیت دریافت‌های خود اقامه نکرده است، چگونه می‌توان به حقانیت کلام اطمینان کرد؟ وجود چنین نقص عظیمی در آیین بودا به این منجر شده که در طول زمان در باورها و رفتارهای بوداییان تحولات اساسی و بنیادین شکل بگیرد؛ تا جایی که با اهداف اولیه پیشوای اول ایشان متناقض است. بوداییان برخلاف اندیشه پیشوای اول که ادعای مبارزه با تعدد الهه‌ها در آیین هندو را داشت و آیین بودا را خالی از معبودهای متعدد و بت‌ها قرار داد، در طول زمان گرفتار بت‌پرستی شدند و به

جای خدایان متعدد هندوان، تماثیل و مجسمه‌های بودا را بت قرار دادند و بت پرستی شرک‌آلود هندوها را به بت پرستی کفرآمیز تبدیل کردند (بایرناس، ۱۳۸۷، صص ۲۲۵-۲۲۹).

۲-۳-۶. محدودسازی بعد اخلاقی و نقصان در تشکیل منظومه دین

باورها و اندیشه‌های بودا هرچند ادعای بر اخلاق‌مداری تأکید دارد، در این حوزه نیز بسیار محدود و با کلی‌نگری از مسائل گذشته است. محدود کردن ابعاد گوناگون اخلاق و حقوق در حد توصیه‌های اخلاقی کلی و نپرداختن به اهداف و راهکارها و شرایط گوناگون مسائل اخلاقی، نقضی غیرقابل انکار در آیین بوداست. اکتفا به مسائل هشت‌گانه و نداشتن برنامه کامل و جامع در باب رعایت آن هشت توصیه در شرایط مختلف و معرفی رهایی از رنج‌ها یا رسیدن به نیروانا به عنوان هدفی بدون دلیل و برهان منطقی، التزام به شاخصه‌ها را اقدامی ناقص و غیرمنطقی جلوه می‌دهد. بنابراین از یک طرف، بی‌توجهی به ابعاد گوناگون حیات انسان، مانند جهان‌شناسی و انسان‌شناسی و فرجام‌شناسی منطقی و از طرفی عدم ارتباط اخلاق با این آموزه‌ها، نقصانی مشهود در آموزه‌های این آیین است و با توجه به همین نقصان‌های گسترده در معرفی عالم و ماورای آن، اطلاق دین و تمسک به آن به عنوان دین، منطقی و صحیح به نظر نمی‌رسد.

آیین بودا از نظر بهره‌مندی از منظومه جامع در شکل‌گیری دین واقعی، در مقایسه با ادیان توحیدی فاقد معیارهای لازم است. ادیان ابراهیمی به عنوان ادیان کامل، از دو بخش عمده «نظری و اعتقادی» و «عملی و تکلیفی» ساخته می‌شوند و خداوند دین را به معنای مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقررات اجرایی به منظور هدایت بشر فرستاده است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ص ۲۶). همچنین دین را سلسله قواعدی مشتمل بر اصول عقاید و اخلاق و ارزش‌های فردی و اجتماعی و بین‌المللی می‌دانند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۶۵). آیین بودیسم با وجود برخی آموزه‌های مفید، یک دین به معنای واقعی نیست؛ زیرا در بعد مباحث نظری و اعتقادی بسیار ضعیف و بی‌اعتناست. البته این آیین بر اساس تعریف جامعه‌شناختی از دین که هیچ الزامی در طرح مباحث ماوراءالطبیعه قائل نیست، می‌تواند دین محسوب شود.

۳-۳-۶. انحراف از توحید ربوبی بدون اقامه دلیل

اساساً قطع عالم امکان از اراده الهی و ابدی و ازلی دانستن آن، ریشه بسیاری از باورهای ناصحیح بوداست. اشکال عمده آن است که اعتقاد به وجود نداشتن خدا یا وجود خدا و قطع هرگونه ارتباط بین او و عالم امکان، به معنای استقلال تمام موجودات از اراده الهی در بقا و تأثیر و تأثراتشان است. علاوه بر اینکه بودا برهان و دلیلی بر این ادعا اقامه نکرده است، با ادله فراوان توحید ربوبی و ادله عقلی و نقلی وابستگی تمام وجود در ابعاد سه‌گانه ایجاد و بقا و آثار به خداوند متعال (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۳۲) در تناقض است. قرآن کریم نیز با صراحت، تمامی عرصه‌های عالم را میدان حاکمیت و نفوذ امر الهی می‌داند و رحمت او را تنها عامل نصرت و پیروزی می‌شمارد (بقره: ۱۰۷).

۴-۳-۶. نقد راهبرد اصلی بودا در ایثارگری

با تأمل در آیات قرآن کریم و پیگیری عوامل گرایش بودا به راهبرد انفعالی در برابر متجاوز، خیالی بودن بسیاری از پیش‌بینی‌های او احراز می‌شود. قرآن بر بی‌تأثیر بودن نرمش و پذیرش خواسته‌های متجاوز در پایان‌پذیری تجاوزها و فرونشاندن خوی طمع‌ورزانه دشمن (بقره: ۱۲۰) تأکید دارد و آن را عامل سرگردانی و ممکن نبودن تصمیم‌گیری در رفع نیازها می‌داند (مائده: ۲۶)؛ زیرا این راهبرد دشمن را جسورتر و موجبات فساد و فتنه‌جویی‌های مکرر او را فراهم می‌کند (بقره: ۲۵۱؛ انفال: ۳۹). قرآن کریم در پایان این راهبرد مرحله

۱. انعام: ۵۷-۶۲ و ۱۱۴؛ توبه: ۱۱۶؛ اسراء: ۱۱۱.

نمودار نقدهای وارد بر راهبرد ایثار در آیین بودا نیز به شرح زیر است:



نمودار ۲: نقدهای راهبرد ایثار در آیین بودا

نتیجه‌گیری

بررسی باورها و آموزه‌های آیین بودا به خوبی نشان می‌دهد، تمرکز بر باور صلح‌طلبی و دوری از خشونت، حقایق چهارگانه و خصوصاً نقش ریشه‌ای تعلق و عطش انسان به منافع در ایجاد رنج‌های بشر و راهکار رهایی از رنج‌ها مبنی بر قلع و قمع همه‌جانبه تعلقات، در تعیین آموزه‌های بودا در مسائل مختلف تأثیر فراوانی داشته است. پیشوایان بودا نیز بر اساس همین دیدگاه در باب ایثار و پیشگامی در میدان نبرد، راهبرد انفعالی ترک مخاصمه همراه با تأمین خواسته‌های دشمن را به عنوان اصلی‌ترین راهبرد در برابر تهاجم و زیاده‌خواهی او معرفی کرده‌اند. این راهبرد با مبانی متعددی همچون باور به حقایق چهارگانه، بی‌اعتنایی به ماوراءالطبیعه و بی‌تأثیر بودن آن، کارما و لزوم رعایت اخلاق و دوری از خشونت و پشتیبانی و جزئیات عملی آن تبیین می‌شود. این شیوه ایثارگری در آیین بودا، از بعد اهداف غایی و معنوی نیز از اهدافی همچون رسیدن به کمالات اخلاقی و بزرگ‌منشی، رهایی از تعلق‌ها، وصول به نیروانا و رهایی از تناسخ پس از مرگ برخوردار است و ایثار منافع و تأمین خواسته‌های دشمن، به قصد دستیابی به اهداف غایی صورت می‌گیرد. آموزه‌های بودا شاخصه‌های موردانتظار

از ایثارگران را علاوه بر باورمندی عمیق به مبانی و اهداف مطرح شده، ارتباط عمیق با سه پناهگاه معلم و شریعت و انجمن بوداییان و التزام عملی به آموزه‌های اخلاقی بودا عنوان می‌کند.

تطبیق الگوی ایثارگری در بودا با آموزه‌های قرآن، نقدهای متعددی را در سطوح زیربنایی و روبنایی بر تعالیم او وارد می‌کند. اصلی‌ترین نقد قرآنی بر الگوی ایثار در بودا، نقد راهبرد صلح‌طلبانه و انفعالی در تقابل با متخاصم است. قرآن با رد تأثیرگذاری این راهبرد بر خاتمه‌بخشی تخصصی، آن را عامل افزایش زیاده‌خواهی‌های متخصص می‌شمارد و زیان‌های جبران‌ناپذیری را متوجه این تفکر می‌داند. در بعد مبانی و اهداف و شاخصه‌های ایثارگری در بودا نیز نقدهای متعددی وارد است؛ از جمله: الف) معیار توجه به منبع باورهای دینی و بررسی عمیق منادیان معنویت در دو آیه ۱۷ و ۱۸ سوره زمر و لزوم ارائه معجزات توسط هادیان به حقیقت؛ ب) محدودسازی ابعاد مختلف اخلاقی به کلیات صلح و دوری از خشونت و تنش؛ ج) منقطع دانستن دنیا از اراده و نصرت الهی؛ د) انسداد باب سؤال از چرایی توصیه‌های بودا برای پیروان و جست‌وجوگران حقیقت. به نظر می‌رسد، بررسی و گفت‌وگوی عقلی و منطقی در باب آموزه‌های اسلام و بودا، می‌تواند راهگشای بن‌بست‌های نظامی و دفاعی در آیین بودا باشد و با بررسی مسائل متنوعی همچون معیارهای شناخت حق در منازعات و لزوم حق‌طلبی و یاری مظلومان، راه برای همگرایی بین دو تمدن پیش‌ازپیش فراهم گردد.

ملاحظات اخلاقی:

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آنهاست.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

حمایت مالی





نویسندگان اظهار می‌دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچ‌گونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده‌اند.

قرآن کریم

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب (جمال الدین میردامادی، مصحح). دار الصادر.
 ابوطالبی، محمدصادق و همکاران (۱۳۸۱). دانش‌نامه دین: ادی گرت، بوداشناسی، چهار حقیقت شریف، روشن‌شدگی، هفت آسمان، (۱۵)۴، ۲۶۱-۲۷۹.
 بدری، صنم (۱۳۹۲). معنا و هدف زندگی از دیدگاه بودا و احادیث محمد (ص) [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، مجتمع دانشگاهی ولیعصر]. پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج).
 توفیقی، حسین (۱۳۹۷). آشنایی با ادیان بزرگ. انتشارات سمت.
 جان، بایرناس (۱۳۸۷). تاریخ جامع ادیان (علی اصغر حکمت، مترجم). انتشارات علمی و فرهنگی.
 جبرائیلی، آرش (بی‌تا). آموزه‌های بودا. بی‌نا.
 جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰). انتظار بشر از دین. انتشارات اسراء.
 جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). وحی و نبوت. انتشارات اسراء.
 چاترجی، ساتیش چاندرا و همکاران (۱۳۸۴). معرفی مکتب‌های فلسفی هند (فرناز ناظرزاده کرمانی، مترجم). مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
 راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۹۰). مفردات ألفاظ القرآن. دار القلم-الدار الشامیه.
 زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس (علی شیری، مصحح). نشر دار الفکر.
 سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم (۱۳۹۴). ادیان زنده جهان. کتاب طه.
 شایگان، داریوش (۱۳۶۲). ادیان و مکتب‌های فلسفی هند. امیرکبیر.
 شکوهی‌راد، جعفر (۱۳۹۱). رنج در اسلام و بودا [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه معارف اسلامی قم]. پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج).
 طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. دفتر انتشارات اسلامی.
 طبرسی، فضل بن محمد (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ناصرخسرو.
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی. انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. دار الکتب العلمیه.
 مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. دار الکتب الاسلامیه.
 موسوی، محمدحسین (۱۳۹۲). رنج و شادی در اسلام و آیین بودا [رساله دکتری تخصصی، دانشگاه فردوسی مشهد]. پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج).
 مینگ، دو وی و همکاران (۱۳۸۸). آیین کنفسیوس، دانو و بودا (غلامرضا شیخ‌زین‌الدین، مترجم). فیروزه.
 نوری کوهبنانی، مجتبی (۱۴۰۳). رنج و ظرفیت‌های بهره‌برداری از آن در آیین بودا و اسلام [رساله دکتری تخصصی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قم]. پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج).
 هاشم‌پور، امیر (۱۴۰۰). بودا و مسئله متافیزیک [پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان]. پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج).
 هوکینز، بردلی (۱۳۸۸). آیین بودا (محمدرضا بدیعی، مترجم). انتشارات امیرکبیر.
 هیوم، رابرت (۱۳۶۲). ادیان زنده جهان (عبدالرحیم گواهی، مترجم). نشر فرهنگ اسلامی.

John Bowker (1997). *The Oxford Dictionary of World Religions*. Oxford University Press.

Civilizational Convergence: An Analysis of Sacrifice and Jihad in the Teachings of Buddha and Their Qur'anic Critique (Strategies, Principles, Objectives, and Characteristics)

Hojjatollah Mehrabi ¹  Ebrahim Rezaei Adriyani ²  Mohsen Barghikar ³  Hamid Elahidoost ⁴ 


1. Lecturer, Department of Qur'an and Hadith, Al-Mustafa International University, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

2. Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Studies, Al-Mustafa International University, Isfahan, Iran.

3. Lecturer, School of Islamic Sciences and Teachings, Al-Mustafa International University, Isfahan, Iran

4. Assistant Professor of Jurisprudence and Principles, Al-Mustafa International University, Isfahan, Iran.

Corresponding Email: mehrabi@miu.ac.ir

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.456103.1361>

Introduction

The concept of sacrifice in the context of war has been a central theme throughout history in both religious and philosophical traditions, often reflecting the moral and spiritual values of each system. In Buddhism, sacrifice is rooted in the principles of non-violence and altruism, emphasizing avoidance of conflict through compassion and kindness. By contrast, the Qur'anic worldview offers a balanced approach that combines mercy and forgiveness with the necessity of defense under specific circumstances. This study seeks to examine and compare the foundations, objectives, and practical functions of sacrifice in both Buddhism and Islam, focusing on how their respective teachings frame ethical conduct in times of war. Through this comparative reading, the research aims to highlight points of convergence and divergence, showing how religious frameworks shape ethical perspectives on sacrifice and the morality of conflict.

Methodology

This research employs a descriptive–analytical method. First, Buddhist teachings are analyzed across three main domains: foundational principles (such as the Four Noble Truths and the law of karma), goals (such as altruism and non-violence), and key features (including compassionate behavior during conflict). Data were collected from primary Buddhist sources and reliable secondary literature. These findings were then critically assessed in light of Qur'anic teachings, particularly verses addressing jihad, defense, and the philosophy of suffering. Classical Islamic exegetical traditions, alongside modern interpretive approaches, were utilized to evaluate strengths and limitations of the Buddhist view of sacrifice. By combining textual analysis with conceptual critique, the study provides a balanced perspective, aiming at a deeper understanding of how these two traditions engage the question of sacrifice in war.

Findings

The comparative analysis reveals striking differences between Buddhist and Islamic conceptions of sacrifice, especially regarding their approaches to war. In Buddhism, the notion of sacrifice is profoundly shaped by the Four Noble Truths, which view suffering as a universal condition and identify ethical living and mental discipline as the path to liberation. The law of karma reinforces

this outlook, emphasizing consequences of actions and encouraging non-violent strategies even in situations of conflict. Sacrifice, in the Buddhist sense, is closely tied to altruistic behavior: compassion is prioritized over confrontation. A notable example is the Buddha's insistence on quelling the greed of enemies through generosity and forgiveness—a strategy aimed at dissolving hostility without recourse to violence. This orientation reflects Buddhism's overarching aim to reduce harm and cultivate compassion even toward adversaries.

Yet, when measured against Qur'anic teachings, limitations of this stance become apparent. The Qur'an articulates a broader and more multi-dimensional conception of sacrifice, encapsulated in the notion of jihad, which encompasses both spiritual striving and legitimate defense. Qur'anic verses stress compassion and forgiveness but also sanction defensive action when necessary (e.g., Qur'an 2:190-193). Unlike Buddhism's absolute commitment to non-violence, Islam establishes a principled balance between altruism and the real need for defense. The study shows that while Buddhism's devotion to non-violence is admirable, it remains insufficient in contexts where active resistance is required to prevent injustice.

Furthermore, the findings demonstrate that Buddhism's emphasis on individual liberation sometimes overlooks collective responsibilities, whereas Qur'anic teachings address both personal and communal dimensions of sacrifice. For instance, the Qur'anic philosophy of suffering interprets it as a divine test that may necessitate active resistance against oppression—contrasting with the more passive acceptance of suffering found in Buddhist thought. These differences underscore the fundamentally distinct ways in which the two traditions approach the ethics of war and defense.

Conclusion

This comparative study underscores the profound role religious traditions play in shaping ethical responses to war. The Buddhist model, centered on non-violence and altruism, offers a compelling framework for conflict resolution through compassion and forgiveness. Its focus on disarming the greed of adversaries through generosity reflects a deep moral commitment to peace and the alleviation of suffering. However, the study critiques this perspective for its inadequacy in situations where defensive action is indispensable, since an absolute prohibition of violence cannot always address the realities of war and injustice.

In contrast, the Qur'anic approach provides a more balanced and pragmatic model. By integrating mercy and forgiveness with the necessity of legitimate defense, the Qur'an conceptualizes sacrifice within jihad, encompassing both spiritual struggle and social responsibility. This synthesis ensures that Islamic teachings attend to individual spiritual growth while also fulfilling collective obligations, thus presenting a more comprehensive ethical framework for sacrifice in war.

Overall, while the Buddhist vision of non-violence remains ethically valuable, Islamic teachings demonstrate a more realistic and actionable paradigm, especially in contexts demanding active defense. These findings enrich our understanding of how religious traditions manage the interplay of sacrifice, morality, and warfare, and they open new avenues for exploring both historical applications and contemporary relevance of these principles.

Keywords

Buddhist teachings; civilizational convergence; Qur'an; critique of Buddhism; objectives of sacrifice in Buddhism; sacrifice in Buddhism.

Ethical Considerations

Compliance with research ethics. The authors observed the ethical principles in conducting and publishing this scholarly research, and this is confirmed by all of them.

Conflict of interest

The authors declare that they have no conflict of interest.

Funding statement

The authors declare that no funds, grants, or other support were received during the preparation of this manuscript.

References

The Holy Qur'an.

[Aboutalebi, M., & colleagues. \(2002\). *Encyclopedia of religion: Buddhology, the Four Noble Truths, enlightenment. Seven Heavens*, 4\(15\), 261–279. \[In Persian\]](#)

Al-Ṭabrisī, Faḍl b. Muḥammad. (1993). *Majma' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Naser Khosrow. [In Arabic]

Al-Zabīdī, M. (1993). *Tāj al-'arūs* (ed. 'A. Shīrī). Dar al-Fikr. [In Arabic]

[Badri, S. \(2013\). *Meaning and purpose of life from the perspective of Buddha and the Hadiths of Muhammad \(PBUH\)* \[Master's thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Valiasr Campus\]. Iranian Scientific Information Database \(Ganj\). \[In Persian\]](#)

Bowker, J. (1997). *The Oxford dictionary of world religions*. Oxford University Press.

Chatterjee, S. C., & colleagues. (2005). *An introduction to the philosophical schools of India* (F. Nazerzadeh Kermani, Trans.). Center for the Study and Research of Religions and Denominations. [In Persian]

[Hashimpour, A. \(2021\). *Buddha and the problem of metaphysics* \[Master's thesis, Shahid Madani University of Azerbaijan\]. Iranian Scientific Information Database \(Ganj\). \[In Persian\]](#)

Hawkins, B. (2009). *Buddhism* (M. Badi'i, Trans.). Amir Kabir Publications. [In Persian]

Hume, R. (1983). *The world's living religions* (A. Govahi, Trans.). Nashr-e Farhang-e Eslami. [In Persian]

Ibn Manzūr, M. b. Mukarram. (1993). *Lisān al-'Arab* (ed. Jamal al-Din Mirdamadi). Dar al-Sader. [In Arabic]

Javadi Amoli, A. (2001). *Human expectation from religion*. Esra Publications. [In Persian]

Javadi Amoli, A. (2005). *Revelation and prophethood*. Esra Publications. [In Persian]

Jebraeili, A. (n.d.). *Teachings of Buddha*. N.p. [In Persian]

Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemuneh*. Dar al-Kutub al-Islamiyah. [In Persian]

Misbah Yazdi, M. T. (2012). *An outline of fundamental Islamic thought*. Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]

[Mousavi, M. H. \(2013\). *Suffering and joy in Islam and Buddhism* \[Doctoral dissertation, Ferdowsi University of Mashhad\]. Iranian Scientific Information Database \(Ganj\). \[In Persian\]](#)

Muṣṭafavī, H. (2009). *Al-tahqīq fī kalimāt al-Qur'ān al-karīm*. Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]

Noss, J. B. (2008). *A comprehensive history of religions* (A.-A. Hekmat, Trans.). Scientific and Cultural Publications. [In Persian]

[Nouri Kohbanani, M. \(2024\). *Suffering and its potentials in Buddhism and Islam* \[Doctoral dissertation, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom\]. Iranian Scientific Information Database \(Ganj\). \[In Persian\]](#)

Rāghib al-Iṣfahānī, H. b. Muḥammad. (2011). *Mufradāt alfāz al-Qur'ān*. Dar al-Qalam & al-Dar al-Shamiyya. [In Arabic]

Shayegan, D. (1983). *Religions and philosophical schools of India*. Amir Kabir. [In Persian]

[Shokouhi-Rad, J. \(2012\). *Suffering in Islam and Buddhism* \[Master's thesis, University of Islamic Sciences, Qom\]. Iranian Scientific Information Database \(Ganj\). \[In Persian\]](#)

Soleimani Ardestani, A. (2015). *Living religions of the world*. Taha Publications. [In Persian]

Ṭabāṭabā'ī, M. H. (1996). *Al-Mīzān fī tafsīr al-Qur'ān*. Daftar-e Entesharat-e Eslami. [In Arabic]

Tofghi, H. (2018). *An introduction to the major religions*. SAMT Publications. [In Persian]

Tu, W.-M., & colleagues. (2009). *Confucianism, Daoism, and Buddhism* (Gh. Sheikh-Zeynoddin, Trans.). Firouzeh Publications. [In Persian]

How to cite:

Mehrabi, H., Rezaei Adriyani, E., Barghikar, M., & Elahidoost, H. (2025). Civilizational convergence: An analysis of sacrifice and jihad in the teachings of Buddha and their Qur'anic critique (strategies, principles, objectives, and characteristics). *Quran, Culture And Civilization* , 6 (3), 71-94. <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.456103.1361>




Components of Islamic Civilization Based on the Historical Process of the Revelation of the Story of Prophet Noah (PBUH) in the Holy Qur'an

Somayeh Emadi ¹  Mehri Karimi ² 

1. Assistant Professor, Department of Qur'anic Sciences, Faculty of Qur'anic Sciences and Hadith, University of Maarif Quran va Itrat, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

2. M.A. Graduate in Qur'anic Sciences and Hadith, Feyz al-Islam Institute of Higher Education, Khomeini Shahr, Isfahan, Iran.

Corresponding Email: S.emadi64@yahoo.com

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.476604.1384>

Article History:

Received: 2024-09-09

Revised: 2025-04-09

Accepted: 2025-04-15

Online First: 2025-09-14

Keywords

Islamic civilization,
Qur'anic narratives,
story of Prophet Noah,
thematic-tanzili exegesis.

Type of Article:

Promotional

Abstract: Since the teachings of the divine prophets contain the foundations for the emergence and formation of civilization, the study of Qur'anic narratives serves as one of the most important sources for uncovering these foundations. Through an analysis of these stories, it is possible to address some of the problems of contemporary societies and to identify certain components of Islamic civilization. However, as the verses and chapters of the Qur'an were revealed under specific historical circumstances-and the narratives of the prophets are no exception-different portions of these stories, relevant to the mission of the Prophet of Islam, were revealed within various chapters. Accordingly, this article, employing a thematic-tanzili exegetical style and using a descriptive-analytical and library-based method, seeks to answer the following question: which components and which sections of the story of Prophet Noah (PBUH) were revealed under what spatial and temporal circumstances, and what is the relationship between the mentioned segment of the narrative and the surrounding verses of the chapter in which it occurs? Furthermore, how does this contextualization between circumstances and the story of Prophet Noah (PBUH) reflect the components of Islamic civilization? The application of this exegetical approach to the story reveals that Qur'anic narratives were revealed in harmony with the overarching objectives of each chapter as well as the various conditions of the life of the Prophet (PBUH), the Muslims, and the opponents of Islam. All parts of the story of Prophet Noah (PBUH) appear in Meccan chapters, and from them the following components of Islamic civilization can be derived: loyalty to God and His messengers, prayer, piety, warning and glad tidings, patience in the face of repeated trials, the empowerment of the oppressed, industrial and economic strength, trust in God, and explanatory jihad through migration.

How to cite:

Emadi, Somayeh, & Karimi, Mehri. (2025). Components of Islamic civilization based on the historical process of the revelation of the story of Prophet Noah (PBUH) in the Holy Qur'an. *Quran, Culture And Civilization* , 6 (3), 95-118 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.476604.1384>

@ authors retain the copyright and full publishing rights. Licensee University of Quranic Studies and Sciences this article an open access article distributed under the term and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CCBY 4.0) <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>





دریافت: ۱۹-۰۶-۱۴۰۳
 بازنگری: ۲۰-۰۱-۱۴۰۴
 پذیرش: ۲۶-۰۱-۱۴۰۴
 انتشار آنلاین: ۲۳-۰۶-۱۴۰۴

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.476604.1384>



سمیه عمادی^{۱*}

مهری کریمی^۲

مقاله: ترویجی

چکیده

از آنجا که در تعالیم انبیای الهی زیرساخت‌های پیدایش و شکل‌گیری تمدن وجود دارد، بررسی قصص قرآنی از مهم‌ترین منابع کشف این زیرساخت‌هاست. می‌توان با تحلیل این قصص، برخی از مشکلات جوامع بشری امروز را حل کرد و به برخی از مؤلفه‌های تمدن اسلامی پی برد. ولی با توجه به این مطلب که آیات و سوره‌های قرآن در شرایط تاریخی خاصی نزول یافته و قصص قرآن نیز از این امر مستثنی نیست، هر بار بخشی از داستان انبیا که متناسب با دعوت پیامبر اسلام بوده، در خلال سوره بیان شده است. از این رو این مقاله با سبک تفسیر تنزیلی موضوعی و با روش توصیفی تحلیلی و کتابخانه‌ای درصدد پاسخگویی به این مسئله است که کدام مؤلفه‌ها و چه بخش‌هایی از داستان حضرت نوح علیه السلام در چه شرایط مکانی و زمانی در سوره مختلف نازل شده است و وجه ارتباطی میان قسمت مذکور قصه با دیگر آیات سوره که داستان در آن ذکر شده، چیست؟ همچنین این متناسب‌سازی میان شرایط با محدوده قصه حضرت نوح علیه السلام، بیانگر کدام‌یک از مؤلفه‌های تمدن اسلامی است؟ کاربرت این شیوه مطالعاتی در این داستان، بیانگر این نکته است که قصص قرآنی هم‌راستا با هدف سوره و شرایط گوناگون زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان و دشمنان اسلام نازل شده است. تمامی بخش‌های داستان حضرت نوح علیه السلام در قرآن در سوره مکی بیان شده است و ولایت‌پذیری خدا و فرستادگانش، دعا، تقوا، انذار و تبشیر، شکیبایی در مواجهه با امتحانات متعدد، حاکمیت مستضعفان، اقتدار صنعتی و اقتصادی، توکل به خدا و جهاد تبیین هجرت از مؤلفه‌های تمدن اسلامی است که از این داستان برداشت می‌شود.

واژگان کلیدی: تمدن اسلامی، قصص قرآنی، داستان حضرت نوح علیه السلام، تفسیر موضوعی تنزیلی.

استناد به مقاله:

عمادی، سمیه؛ کریمی، مهری (۱۴۰۴). مؤلفه‌های تمدن اسلامی بر اساس سیر تاریخی نزول داستان حضرت نوح علیه السلام در قرآن کریم. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۶(۳)، ۹۵-۱۱۸.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.476604.1384>



۱. مقدمه

تمدن، ظهور و بروز فرآیندی پیشرفت‌های هدفمند و نظام‌مند در یک یا چند جامعه بر اساس طرز تفکری روشن است که شکل معنادار و منضبط به خود گرفته است و جامعه را به مقصد موردنظر می‌رساند (غلامی، ۱۳۹۶، ص ۳۱). از این رو تمدن رابطه‌ای بنیادین و عمیق با دین دارد و بعثت انبیای الهی و سیر هدایتی ایشان نمایانگر این ارتباط است. بررسی اهداف بعثت انبیا در قرآن کریم و سیره عملی ایشان، نشان از پایه‌گذاری تمدن توحیدی جهت عمومی‌سازی معارف دینی و پیشرفت انسان در حوزه‌های مادی و معنوی دارد. با تحلیل دقیق قصه پیامبران و آنچه در بین امت‌های آنان اتفاق افتاده است، می‌توان بعضی از مشکلات جوامع بشری امروز را حل کرد.

این پژوهش بر این فرض است که در داستان حضرت نوح علیه السلام به عنوان اولین پیامبر اولوالعزم و صاحب شریعت الهی و طولانی‌ترین دعوت، شاخصه‌ها و چارچوب‌های نخستین تمدن‌سازی نهفته است و توجه به آن انسان سرگشته امروز را به بازسازی تمدن دینی رهنمون می‌سازد. اما با توجه به آنکه قرآن در طول بیست و سه سال در شرایط زمانی و مکانی مختلف بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است، سؤالاتی پیش روی خواننده ایجاد می‌شود؛ از جمله اینکه چه بخش‌هایی از داستان حضرت نوح علیه السلام در چه شرایط مکانی و زمانی در سور مختلف نازل شده است؟ چه وجه ارتباطی بین آیات نازل شده پیرامون بخشی از سرگذشت حضرت نوح علیه السلام با شرایط خاص زمان و مکان نزول وجود دارد؟ این متناسب‌سازی میان شرایط با محدوده موضوع داستان حضرت نوح علیه السلام چه دستاوردی در راستای تبیین مؤلفه‌های تمدن اسلامی دارد؟ سیر نزولی بخش‌های این داستان به‌طور حتم حکمت‌هایی داشته است؛ مانند بسیاری از حقایق که اگر بر اساس نزول بررسی نشود، درک نادرستی از این حقایق حاصل می‌شود. لذا این امر می‌طلبد که ترتیب نزول آیات مربوط به قصص انبیا در قرآن بازنشاسی شود و زمینه‌های نزول هر بخش از این آیات بررسی و از نظر محتوایی تجزیه و تحلیل گردد، تا پیامدها و نتایج قصص پیامبران در موقعیت‌های مختلف به دست آید.

۱-۲. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش حاضر را از چند جهت می‌توان بررسی کرد:

الف) مطالعات انجام‌شده در حوزه قصص قرآن. در این حوزه تاکنون پژوهش‌های زیادی صورت گرفته که در اینجا به بیان برخی از آن‌ها به عنوان نمونه بسنده می‌کنیم؛ کتاب‌های مبانی هنری قصه‌های قرآن از سید ابوالقاسم حسینی، تحلیل عناصر ادبی و هنری قصه‌های قرآن به قلم خلیل پروینی، قصص قرآن نوشته سید هاشم رسولی محلاتی و قصص قرآن از صدرالدین بلاغی.

ب) مطالعات انجام‌شده در حوزه قصه حضرت نوح علیه السلام. در این زمینه مقالاتی چون «بررسی تفسیری درخواست حضرت نوح علیه السلام در آیه ۴۵ هود» از دیمه‌کار گراب و علی‌پور، «خوانش گفتمان داستان قرآنی حضرت نوح علیه السلام با تکیه بر نظریه کنش ارتباطی یورگن هابرماس» به قلم فسنتوری و یاری و سلمانی، «نخستین پیامبر خدا: آدم ابوالبشر یا حضرت نوح علیه السلام» نوشته رجبی و ضیاء قریشی، «الگوی مدیریتی در سیره حضرت نوح علیه السلام» نوشته شیر و قاسمی منتشر شده است.

ج) مطالعات انجام‌شده در حوزه تفسیر تزلیلی. تفسیر بیان المعانی از سید عبدالقادر ملاحویش آل‌غازی نخستین تفسیری است که تمامی سوره‌های قرآن کریم را بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها بررسی می‌کند. التفسیر الحدیث نوشته محمد عزة دروزه، معارج التفكير و دقائق التدبر از عبدالرحمن حسن حنبله میدانی و همگام با وحی از عبدالکریم بهجت پور کتاب‌هایی در این حوزه هستند.

د) مطالعات انجام شده در حوزه تفسیر موضوعی تنزیلی. در زمینه بررسی موضوعی آیات بر اساس سیر نزول توسط پژوهشگران قرآنی، کتاب مهندسی فرهنگ‌سازی نماز در تفسیر تنزیلی نوشته آقای اقدم، مقالاتی مانند «روش قرآن کریم در نهادینه‌سازی حجاب و عفاف با رویکرد ترتیب نزول» نوشته زاهدی و امرایی و نظریگی، «علل طلاق و راهبردهای کاهش آن از دیدگاه قرآن کریم با روش ترتیب نزول» اثر حکیم و زاهدی فر، «ذکر و تذکر بر اساس سیر نزول قرآن کریم» نوشته شیخ بهایی و شکرانی و حاجی اسماعیلی، «سیر تحلیلی رفتار صبر به ترتیب نزول و کاربردهای آن در تربیت اعتقادی» از علاءالدین و ستوده‌نیا، «بررسی سیر تاریخی تشریح آیات زکات در قرآن کریم» از سلیمی و شکرانی، «بررسی سیر تکوینی امت‌سازی پیامبر اکرم ﷺ در سور مکی مبتنی بر تفسیر تنزیلی موضوعی» نوشته رنجبر و پایان‌نامه‌های «بررسی تحول قصه موسی ﷺ در سیر تاریخ نزول» نوشته قلعه‌نوی و «انفاق در قرآن با توجه سیر تاریخی نزول» از کریمی تبار به رشته تحریر در آمده است.

با مشاهده و بررسی تألیفات انجام شده مشخص شد، درخصوص قصص قرآن تاکنون کتاب‌های زیادی نوشته شده است؛ چه در زمینه نقل قصص قرآنی و چه در زمینه قصه‌شناسی و ویژگی‌های هنری و ساختاری قصه‌های قرآن. ولی در زمینه بررسی قصص قرآن بر اساس سیر نزول کتابی نوشته نشده است. برخی کتب تاریخی ضمن بیان قصص انبیا، صرفاً به نقل زندگی و سرگذشت حضرت نوح ﷺ پرداخته‌اند؛ ولی تاکنون کتاب و پایان‌نامه‌ای به‌طور مستقل و منسجم درباره شاخصه‌های تمدن اسلامی این داستان با رویکرد تفسیر موضوعی تنزیلی نگاشته نشده است. در این پژوهش، به حکمت‌های نهفته این قصه در شرایط و مناسبت‌های مختلف پی خواهیم برد. بنابراین بررسی و توجه به شأن نزول آیات، زمان، مکان و مخاطبان عصر نزول و پیام قصه بر اساس اهداف سوره، این پژوهش را از سایر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه متمایز می‌سازد. ضرورت این تحقیق به این دلیل است که از یک‌سو به بررسی تطور این قصه همپای تطور دعوت پیامبر می‌پردازد و از سوی دیگر به شناخت این مطلب کمک می‌کند که قرآن چگونه این قصه را به عنوان یکی از انواع شیوه‌های بیان برای کمک به این دعوت و بازسازی مؤلفه‌های تمدن اسلامی در راستای تربیت و هدایت مردم به کار می‌گیرد.

۳-۱. روش پژوهش

در این پژوهش، قصه حضرت نوح ﷺ به سبک تفسیر موضوعی تنزیلی بررسی می‌شود. «مفسر در این سبک فهم خود از آیات قرآن را بر اساس وحی تدریجی قرآن قرار می‌دهد و روابط درونی بخش‌های یک آیه و سیاق آیات را در یک سوره، با توجه به زمان و شرایط محیطی و اجتماعی نزول هر سوره یا مجموعه آیات نازل شده بررسی می‌کند و آنگاه به کشف روابط و نظام معرفتی و هدایتی سوره‌ها در زنجیره بیست‌وسه‌ساله نزول تدریجی قرآن می‌پردازد. در این روش، مفسر ساختار هندسه‌ای سوره‌ها و آیات در کنار یکدیگر را کشف می‌کند؛ بدین‌وسیله به فهم دقیق‌تر قرآن و نیز اغراض و اهداف خداوند متعال پی می‌برد» (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۴۶). از این رهگذر، می‌توان نکات تربیتی و تاریخی و روش‌شناسانه را پیرامون دیدگاه قرآن درباره یک موضوع به دست آورد. استفاده از این روش فواید فراوانی دارد؛ از جمله آنکه با بررسی یک موضوع به ترتیب نزول، می‌توان به روش نهادینه کردن ارزش‌های دینی در جامعه پی برد؛ امری که با تفسیر موضوعی به روش‌های رایج، در بیشتر موارد دست‌یافتنی نیست. برای مثال کسانی که به بررسی آیات مربوط به انفاق بر اساس تفسیر موضوعی پرداخته‌اند، مواردی همچون اهمیت انفاق، انواع، موارد مصرف و موانع آن را بیان کرده‌اند؛ اما به این پرسش پاسخ نداده‌اند که چگونه و با طی چه مراحل می‌توان رفتار افراد را در رابطه با انفاق تحت تأثیر قرار داد و آن را به یک خصلت اخلاقی ارزشمند تبدیل کرد؟ با مطالعه قرآن بر اساس ترتیب نزول، می‌توان به این پرسش‌ها پاسخ داد و فرآیندی را که طی آن رفتاری به یک رفتار اجتماعی تبدیل می‌شود، ترسیم کرد (خامه‌گر، ۱۳۸۹، ص ۲۴۲).

لازم به ذکر است که ملاک ترتیب نزول در این پژوهش، روایاتی است که در این زمینه وارد شده و از معتبرترین آن‌ها روایت منقول از عطا و ابوکریب به نقل از ابن عباس است. برخی از پژوهشگران مانند نکونام در کتاب درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن (نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲) و بهجت پور در کتاب تفسیر تنزیلی قرآن (بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۳۴۵) با بررسی و نقد این روایات، جدولی در این رابطه تنظیم کرده‌اند.

۲. قصه حضرت نوح در قرآن بر اساس سیر تاریخی نزول

سرگذشت حضرت نوح علیه السلام در هفت سوره بیان شده است. این سوره‌ها به ترتیب نزول به قرار زیر است:

۲-۱. سوره قمر؛ انذار و انذارپذیری

اولین سوره در سیر نزول قصه حضرت نوح علیه السلام سوره قمر است (بهجت پور، ۱۳۹۴، ص ۱۷۴). سیاق آیات کاملاً مکی بودن آن را تأکید می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۵۵). هدف و غرض این سوره پند دادن به تکذیب‌کنندگان معجزات رسولان از راه بیان سرانجام اقوام تکذیب‌کننده گذشته با تأکید بر نقش پندآموزی قرآن است (بهجت پور، ۱۳۹۴، الف، ج ۲، ص ۲۳۱). گام تحولی در این سوره با توجه به آیه «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ»، توجه دادن به نقش قرآن در تذکر و دعوت مردم به موعظه‌پذیری از آن است.

موضوع آغاز سوره، نزدیک بودن قیامت و وقوع معجزه «شق القمر» و پافشاری کافران مکه بر انکار آیات قیامت و دیگر نشانه‌های الهی است؛ در ادامه، بعد از بیان موضع کفار عرب نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله، در مقام تسلاهی خاطر ایشان و تهدید ضمنی تکذیب‌کنندگان ایشان، از سرانجام اقوامی سخن می‌گوید که دعوت فرستاده‌های خدا را نپذیرفتند. آنگاه بیان می‌کند که سرنوشت کفار مکه همانند اقوام انبیای گذشته است. در این آیات، داستان قوم نوح، عاد، ثمود، لوط و فرعون آمده و به استثنای داستان فرعون، داستان‌های دیگر با جزئیات بیان شده است. این روش اولین بار است که در قرآن به کار رفته و می‌تواند نشان دهد که شرایط زمانه و حکمت وحی، چنین روشی را ایجاب می‌کرد (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۸۳).

در سال‌های آغازین دعوت مردم مکه، مهم‌ترین چیزی که می‌توانست باعث تسلی قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان شود و آنان را ثابت قدم نگه دارد، نقل داستان اقوامی بود که شرایطی مشابه آن‌ها داشتند که چه‌بسا گروه اندکی از مؤمنان بر اکثریت کافران پیروز شدند. خداوند می‌فرماید: «اگر امروز تو را تکذیب می‌کنند، امری بی‌سابقه نیست. قبل از تو حضرت نوح علیه السلام از سوی قومش تکذیب شد. به او نیز نسبت جنون دادند.» (قمر: ۹) هرچند حضرت نوح علیه السلام عمری طولانی داشت و سال‌های زیادی که قومش را به خداپرستی دعوت کرد، افراد اندکی به او ایمان آوردند. گذشته از تهمت‌های زیادی که به او نسبت دادند و او را مجنون خواندند، او را تحت شکنجه و آزار جسمی نیز قرار می‌دادند. گاهی مردم آن حضرت را به قدری کتک می‌زدند که سه روز تمام بی‌هوش می‌افتاد و از گوش وی خون می‌آمد (رسولی محلاتی، ۱۳۸۲، ص ۷۰). هنگامی که نوح علیه السلام از قوم خود ناامید شد، از درگاه الهی تقاضای یاری و انتقام کرد (قمر: ۱۰). دعا یکی از افعال انبیای الهی در هنگام بروز مشکلات بوده است. در اندیشه قرآنی نیز دعا در تمدن‌سازی جایگاه ویژه‌ای دارد. در پی این دعا، خداوند بارانی شدید بر این قوم فرستاد (قمر: ۱۱). در آیات بعدی خداوند در مقام قدردانی از حضرت نوح علیه السلام برآمد و او را به وسیله کشتی محکمی در سطح دریاها به حرکت درآورد و کشتی را در حیطه قدرت خود و حفظ فرشتگان قرار داد. در واقع این حمایت خداوند از نوح علیه السلام و پیروزی بر کافران تکذیب‌گر و نجات و یاری او جزای کافران بود

(قمر: ۱۳-۱۶). این حادثه با توجه به نحوه قرار گرفتن کشتی بر سر کوه، به طور قطع و برای همیشه نشانه قدرت پروردگار است؛ تا هم تکذیب‌گران زمان پیامبر ﷺ و هم منکران و کافران امروز، با دیدن بقایای کشتی بر بامی از بام‌های زمین، شاهد قدرت پروردگار باشند (بهجت‌پور، ۱۳۹۴ الف، ج ۲، ص ۲۴۲). در اندیشه قرآنی، طبیعت و همه پدیده‌های آن برای انسان و سودرسانی به او آفریده شده است (بقره: ۲۹؛ ابراهیم: ۳۲-۳۳) تا با کاوش در آن به همراه عقل، از این منابع بهره‌برد و در ارتقای صنعتی و فناوری جامعه بکوشد. لذا اقتدار صنعتی یکی از مؤلفه‌های اساسی تمدن اسلامی است که خاستگاه و عامل ارتقای اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی محسوب می‌شود. فن کشتی‌سازی حضرت نوح ﷺ در همین راستا قابل توجه است.

در آیه بعد، خداوند با لحنی تهدیدآمیز، خطاب به کفار و مشرکان مکه که راه کافران قوم نوح را در پیش گرفته‌اند می‌فرماید: «اکنون (بگوئید) عذاب و اندازهای من چگونه بود؟!» هدف خداوند در این آیه، ایجاد هول و هراس در دل کفار است و با این استفهام، می‌خواهد شدت عذاب و صادق بودن خود را به آنان نشان دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۹، ص ۶۹). در واقع سرگذشت قوم نوح، دلیلی بر حقانیت عذاب‌ها و هشدارهای خداوند است. در آخرین آیه از داستان مورد بحث، هدف قرآن را به یاد آوردن و به یاد سپردن و پند گرفتن بیان کرده است (قمر: ۱۷). قرآن و برخورداری از کتاب الهی در فرآیند تمدن‌سازی اسلامی نقش زیربنایی دارد؛ تا حدی که شکوفایی علمی مسلمانان در گذشته، برگرفته از آموزه‌های قرآنی بوده است.

۲-۲. قصه حضرت نوح ﷺ در سوره اعراف؛ پذیرش ولایت الهی و بندگی خداوند تنها راه‌هایی از عذاب

دومین سوره‌ای که قصه نوح در آن بیان شده، سوره اعراف است که از سوره‌های مکی محسوب می‌شود. با فرض نزول سوره اعراف بعد از سوره صو قبل از سوره جن (معرفت، ۱۳۸۰، ص ۹۰؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۳۴۵) و با فرض نزول سوره جن پس از بازگشت رسول اکرم ﷺ از سفر تبلیغی طائف در سال دهم بعثت، می‌توان نتیجه گرفت که نزول سوره اعراف قبل از معراج پیامبر ﷺ و در مکه واقع شده است. در این دوره، مشرکان مکه سخت‌ترین مخالفت‌ها را با پیامبر روا می‌داشتند و از هیچ کوششی برای جلوگیری از انتشار دعوت توحیدی ایشان کوتاهی نمی‌کردند. یک نمونه این سخت‌گیری‌ها محاصره اقتصادی سه‌ساله در شعب ابی طالب بود (یوسفی غروی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۴۰۷). در چنین شرایطی سوره اعراف نازل شد تا بار دیگر عهدی را که خداوند از آدمیان گرفته است تا او را بپرستند و چیزی را شریک او قرار ندهند، یادآوری کند. هدف اصلی این سوره، انذار جامعه نوبنیاد مؤمنان و نصیحت آنان برای پذیرش ولایت الهی و دوری از ولایت غیر خداست. تمام آیات این سوره ترکیبی از دو عنصر هشدار و پند است (بهجت‌پور، ۱۳۹۴ الف، ج ۲، ص ۳۳۰). قصه حضرت نوح ﷺ در این سوره در راستای همین هدف بیان شده است. در این سوره بعد از ذکر یک سلسله مسائل اساسی در زمینه خدانشناسی و معاد و هدایت بشر و احساس مسئولیت، به سرگذشت جمعی از پیامبران بزرگ همانند نوح و هود و صالح و لوط و شعیب و بالاخره موسی بن عمران اشاره می‌کند، تا نمونه‌های زنده این بحث‌ها را عملاً در لابه‌لای تاریخ عبرت‌انگیز آنان نشان دهد.

آیات قصه نوح ﷺ در این سوره به چگونگی دعوت او به توحید و ترک شرک و تکذیب او توسط قومش و نزول عذاب و هلاکت آن‌ها و پیروزی نوح و پیروانش می‌پردازد. چون بحث در این سوره، ولایت و انحصار ربوبیت به خدای متعال است، اولین پیام نوح ﷺ در این سوره، دعوت مردم به بندگی خدا و نفی بت‌پرستی است (اعراف: ۵۹) و سپس آن‌ها را از عذاب دنیوی که همان طوفان معروف نوح است و عذاب روز قیامت (ملاحویش، ۱۳۸۲ ق، ج ۱، ص ۳۶۹) برحذر می‌دارد. این آیه بیانگر انگیزه عبادت کردن خداوند است؛ یعنی

اوست که باید از عذابش ترسید، نه معبودی جز خدا که آنان می پرستیدند (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۳۴). از این آیات برداشت می شود که قوم نوح به وجود خدا عقیده داشته اند؛ وگرنه در جواب «اغْبُدُوا اللَّهَ» می گفتند: ما به وجود خدا عقیده نداریم. چطور ما را به عبادت او دعوت می کنی؟ پس نزاع میان آنها در نوع پرستش خدا بود و اگر در این آیه جمله را مقید به قید نکرد و فرمود: «فقط خدا را عبادت کنید»، برای این است که بفهماند عبادت مختص خداوند است و برای غیر او سزاوار نیست و تنها اوست که شایسته عبادت است (قرشی، ۱۳۷۵ش، ج ۷، ص ۱۱۹). با توجه به آیه مورد بحث، اساسی ترین شاخصه تمدن اسلامی عبودیت و اعتقاد به وحدانیت خداوند و توحید در همه ابعاد آن است. عبودیت فقط یک عمل فردی نیست، بلکه جامعه اسلامی نیز باید در مسیر عبودیت الهی حرکت کند. در کنار دعوت به توحید، ایمان به معاد نیز یکی از مؤلفه های تمدن اسلامی است. انبیای الهی افق نگاه انسان ها را از محدوده زندگی دنیوی بالاتر بردند و آنان را با زندگی اخروی آشنا کردند.

قوم نوح نه تنها این دعوت توأم با نیک خواهی را نپذیرفتند، بلکه از فساد و بت پرستی هم دست برنداشتند. آن دسته از اشراف که منافع خود را با آگاهی مردم و یکتا پرستی در خطر می دیدند و آیین نوح را مانعی بر سر راه خود می شمردند، آشکارا در پاسخ به نوح گفتند: «إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (نوح: ۶۰). این شیوه همیشگی سردمداران کفر و سران جامعه های شرک است. این طبقه خاص همواره در طول تاریخ به غلط خود را نماینده و سخنگوی مردم قلمداد کرده اند و با پیامبران به ستیز برخاسته اند. قرآن کریم از این طبقه با تعبیرهای گوناگونی مانند «ملا»، «مترفین»، «اکابر»، «کبراء»، «ساده»، «أئمة الکفر» و «الذین أتبعوا» یاد کرده است. این گروه به خاطر حفظ منافع شخصی خود نمی خواستند وضع موجود به هم بخورد و با جبهه گیری در برابر دعوت پیامبران، مانع پیشرفت کار آنان می شدند و از هدایت مردم جلوگیری می کردند. اشراف قوم نوح او را به گمراهی آشکار متهم و او را در نظر مردم یک فرد گمراه معرفی کردند، تا این تهمت باعث دوری مردم از او شود (جعفری، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۱۵). نوح ﷺ در مقابل، با شفقت و دلسوزی دست به روشنگری و تبیین و ابطال فرهنگ استکبار زد. انبیای الهی هدفی جز هدایت خلق و رضای خداوند نداشته و هیچ گاه برای ابلاغ رسالت خویش از آنان مزدی نخواستند. لذا یکی از ارکان جامعه اسلامی روشنگری و تبیین است.

در آیه بعد، هدف ارسال پیامبران از جمله نوح ﷺ را انذار مردم و دعوت به تقوای الهی بیان نموده است (اعراف: ۶۳). یکی از روش های تربیتی شهروندان جوامع متمدن استفاده از وعد و وعید است. قرآن کریم نیز از این روش بهره جسته و انسان هایی را تمدن ساز معرفی می کند که اختلافات ناشی از خون، نژاد، ملیت و مانند آن را در هم می شکنند. قرآن تقوا را تنها عامل اکرام انسان ها بیان می کند. گروهی از مردم دعوت نوح ﷺ را لیبیک گفتند و سوار کشتی او شدند و نجات یافتند و در مقابل، گروهی دیگر که سخنان او را تکذیب کردند، غرق شدند (اعراف: ۶۴). مطالعه قصص انبیا در قرآن بیانگر این مطلب است که انبیای الهی نقش اساسی در تشکیل تمدن توحیدی داشته اند؛ بدین گونه که انسان های شایسته ای را جهت تشکیل این تمدن پرورش می دادند. گویا پیامبران آمده بودند تا انسان ها را گام به گام به سوی تمدن جهانی سوق دهند و استعداد های برتر زمان خود را بشناسند و برای تشکیل تمدن توحیدی تربیت کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۰۷)

۲-۳. قصه نوح ﷺ در سوره شعراء؛ تسلی و تثبیت قلب پیامبر ﷺ

سومین سوره در سیر نزول قصه حضرت نوح سوره شعراء است. داستان آن حضرت در این سوره تا حدودی گسترده تر از داستان ایشان در دو سوره قبلی است. این سوره بر اساس ترتیب نزول سوره ها، در ردیف چهارم و هفتم و بعد از سوره واقعه و پیش از سوره نمل قرار دارد (معرفت، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۶۶). هدف این سوره تثبیت قلب پیامبر اکرم ﷺ با خبر دادن از نجات مؤمنان و نابودی

معاندانی است که علی‌رغم وجود آیات فراوان، به آن‌ها ایمان نمی‌آورند (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۲۱۵). به‌طور عمده، سوره به سه بخش تقسیم می‌شود: نخست ایجاد اطمینان خاطر در پیامبر ﷺ در مقابل اعراض اکثر مردم از آیات (آیات ۱ تا ۶)؛ دوم ارائه نمونه‌هایی از آیات الهی و تأکید بر عبرت نگرفتن بیشتر معاندان (آیات ۷ تا ۱۹۲)؛ سوم دفاع از کرامت قرآن و پیامبر ﷺ و راهبری او در مواجهه با جمعیت انبوه معاند و مشرک (آیات ۱۹۳ تا ۲۲۳) (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۲۱۶).

آیات بخش اول این سوره، تسلی‌بخشی و دل‌داری دادن به پیامبر، از راه تهدید اجمالی دشمنان ایشان و ترسیم چشم‌اندازی روشن از غلبه پروردگار در برابر دشمنانی است که زیر بار پذیرش آیات نمی‌روند. در ادامه این مطالب، مبحث رویش گیاهان بر روی زمین را بیان می‌کند، سپس به افرادی اشاره می‌کند که از این نشانه‌های الهی پند نمی‌گیرند و این آیات را تکذیب می‌کنند. در آیات بعد، قصه بعضی از پیامبران را بیان می‌کند که توسط قوم خود طرد و تکذیب شدند. این اقوام در نهایت هلاک شدند و پیامبران و پیروانشان به پیروزی رسیدند. در این بین، با بیان قصه نوح ﷺ و قوش و فرجام عبرت‌آمیز مشرکان قوم او (شعراء: ۱۰۵-۱۲۲)، ظالمان مکی را از رویارویی با پیامبر و گرفتار شدن به فرجامی مشابه با سرنوشت قوم هلاک‌شده می‌ترساند و با نشان دادن پیروزی و غلبه اراده خدا از جهت لطفی که به نوح ﷺ و مؤمنان همراه او داشت، به پیامبر تسلی خاطر می‌بخشد.

قرآن در سوره شعراء، بعد از پایان ماجرای ابراهیم و گفت‌وگوی با قوم گمراهش، از قوم نوح سخن گفته و لجاجت آن‌ها را با عاقبت دردناکشان بازگو می‌کند. در ابتدا قوم نوح را تکذیب‌کننده همه رسولان معرفی می‌کند (شعراء: ۱۰۵). این آیه قوم نوح را تکذیب‌کننده همه رسولان می‌خواند؛ هرچند ایشان به غیر از نوح ﷺ پیامبر دیگری را تکذیب نکردند. دلیل این انتساب آن است که همه انبیا در دعوت به توحید متفق بوده‌اند. پس اگر مردمی یکی از ایشان را تکذیب کند، درحقیقت همه را تکذیب کرده است و به همین جهت ایمان به بعضی از ایشان بدون ایمان به بعضی دیگر، کفر به همه آنان خوانده شده است (نساء: ۱۵۰) (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۹۵). این احتمال نیز وجود دارد که اصولاً قوم نوح منکر همه ادیان و مذاهب بودند و تمام پیامبران الهی را قبل یا بعد از ظهور نوح، تکذیب می‌کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۸۰).

خداوند برای قوم نوح برادری از ایشان را به لحاظ نسبی (ملاحویش، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۲۸۷) به پیغمبری مبعوث کرد؛ نژادپرستی آنان سبب خودداری ایشان از پیروی رسالت‌های الهی نشود (شعراء: ۱۰۶). تعبیر «أخوهم» (برادرشان) در این آیه، نمایانگر پیوند نزدیکی است که نوح ﷺ با قوم خود داشت و بدون آنکه چیزی از آن‌ها بخواهد، آن‌ها را به پرهیزگاری دعوت می‌کرد. نوح ﷺ در میان قومش مانند پیامبر اکرم ﷺ با صفت امانت‌داری شناخته شده بود (ملاحویش، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۲۸۷) و به آن‌ها گفت: «شما هیچ خیانتی در ادای رسالت الهی از من نخواهید دید» (شعراء: ۱۰۷). استناد به امانت‌داری نوح ﷺ، اولین عنصر جدیدی است که در داستان او در این سوره به آن استناد شده است (دروزه، ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۲۵۳). امانت‌داری یکی از ویژگی‌های اساسی برای پذیرش مسئولیت و کارگزاری در تمدن اسلامی است. شهروند تمدن‌ساز شهروندی است که نفس خود را به صفت امانت‌داری بیاراید و امین دیگران باشد. این ویژگی آن‌قدر اهمیت دارد که شرط نزول وحی بر انبیای الهی دارا بودن آن است و پیامبر اکرم ﷺ نیز قبل از نبوت، در بین مردم عربستان به «محمد امین» شهرت داشت (ابن هشام، ۱۳۹۲ق، ج ۱، ص ۱۱۸). نوح ﷺ در ادامه آن‌ها را به پرهیزکاری دعوت می‌کند (شعراء: ۱۰۸). مقدم داشتن «تقوا» بر «اطاعت» به خاطر این است که تا ایمان و

اعتقادی نسبت به «اللّه» و ترس از او در میان نباشد، اطاعت از فرمان پیامبرش صورت نخواهد گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۵، ص ۲۸۱). در این سوره نیز یکی از مؤلفه های اساسی تمدن انبیای الهی، وجود تقوا در میان شهروندان معرفی شده است.

دومین عنصر جدید در داستان نوح علیه السلام در این سوره این است: نوح علیه السلام برای اثبات حقانیت خود، به نخواستن مزد از آنان استدلال می کند (دروزه، ۱۳۸۳ ق، ج ۳، ص ۲۵۳). او با این تعبیر فهمانده است که به جز خیرخواهی منظوری ندارد (شعراء: ۱۰۹). همین سخن از لسان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به مشرکان نیز آمده است (نک: ص: ۸۶). وقتی چنین است، باید از اوامر او اطاعت کنند (شعراء: ۱۱۰). علت به کار بردن ترکیب «رَبُّ الْعَالَمِينَ» به جای «اللّه» در جمله «إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ»، دلالت صریح تر بر موضوع توحید است؛ چون مشرکان خداوند را معبود عالم آلهه می دانستند و معتقد بودند که برای هر عالمی الهی جداگانه هست و آن را به جای خدا می پرستیدند. بنابراین در برابر اینان باید این معنا را اثبات کرد که خداوند رب همه عوالم است و غیر از خدا هیچ اله دیگری نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۵، ص ۲۹۶).

در آیات ۱۱۱ تا ۱۲۲، به بهانه جویی های قوم نوح و پاسخ نوح علیه السلام به آن ها می پردازد. قوم نوح به ایمان آوردن افراد فقیر به او ایراد می گرفتند و می گفتند: چگونه انتظار داری ثروتمندان سرشناس به تو ایمان بیاورند؟ «قریش هم این گونه بودند و درباره اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله این گونه سخن می گفتند (انعام: ۵۲). پیروان انبیا نیز همواره این گونه بودند و این نکته از نشانه های آن ها به شمار می رفت. ندیدی وقتی که هرقل از ابوسفیان سؤال کرد که پیروان حضرت محمد صلی الله علیه و آله چه کسانی هستند؟ ابوسفیان گفت: مردم ضعیف و پست. هرقل گفت پیروان انبیا همواره اینگونه اند» (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۳۲۴). ابن عطیه نیز گفته است: «رفتاری که قریش با عمار بن یاسر و صهیب رومی داشتند، مانند این رفتار قوم نوح بود که از ضعیف بودن پیروان آن حضرت عیب جویی می کردند» (ابن عطیه، ۱۴۲۲ ق، ج ۴، ص ۲۳۷). ولی نوح علیه السلام آن ها را در اینجا فوراً خلع سلاح کرد و گفت: وظیفه من دعوت همگان به سوی حق و اصلاح جامعه است. من چه می دانم آن ها چه کاری داشته اند؟! اکنون مهم این است که آن ها دعوت فرستاده خدا را پذیرفته اند و به دنبال تهذیب و تزکیه خود هستند. اگر در گذشته هم گناهی انجام داده باشند، حساب آن ها با خداوند است. مهم امروز است که قلب خود را در اختیار حق گذاشته اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۵، ص ۲۹۷). آنچه وظیفه من است، این است که پر و بال خود را برای همه حق جویان بگشایم و ایمان آورندگان را طرد نکنم. مرا فرستاده اند تا بندگان را از کفر و معاصی بترسانم؛ چه عزیز و بااقتدار باشند، یا ذلیل و بی مقدار. پس چگونه سزاوار باشد که برای طلب پیروی اغنیا، فقرا را طرد کنم (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶، ص ۴۶۵). عکس العمل این قوم گمراه در برابر نوح علیه السلام این بود که اگر از این سخنان خودداری نکنند، سنگسار خواهد شد (شعراء: ۱۱۶). تعبیر «مِنَ الْمُرْجُومِينَ» نشان می دهد که سنگسار کردن در میان آن ها در مورد مخالفان سابقه داشته است. آن ها در حقیقت به نوح علیه السلام گفتند: اگر به این گفت و گوها و دعوت به سوی توحید ادامه دهی، بر سر تو همان خواهد آمد که بر سر سایر مخالفان ما آمد و آن سنگسار کردن است که یکی از بدترین انواع قتل است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۵، ص ۲۸۵). آلوسی در روح المعانی «رجم» را به معنای ناسزا گرفته است (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۹، ص ۱۰۸).

در پایان قصه در این سوره، گفت و گوی نوح علیه السلام با خدا مطرح می شود. نوح علیه السلام که می بیند این دعوت مستمر و طولانی، با این منطق روشن و با آن همه صبر، جز در عده قلیلی تأثیر نگذاشته، سرانجام شکایت به درگاه خدا می برد و ضمن شرح حال خود، تقاضای جدایی و نجات از چنگال این ستمگران بی منطق می کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۵، ص ۲۸۶). باز در این قسمت

داستان در این سوره، بر دعای نوح علیه السلام تأکید شده که خود بیانگر جایگاه ویژه دعا در تمدن اسلامی است. نوح علیه السلام و یارانش با رحمت خداوند نجات یافتند و عذاب الهی شامل حال تکذیب‌کنندگان شد (شعراء: ۱۲۰-۱۱۹). در این آیات نیز مانند سوره اعراف، طرح پرورش انسان‌های صالح به عنوان یکی از پایه‌های تمدن اسلامی قابل تأمل است. در پایان داستان می‌فرماید: در ماجرای نوح علیه السلام عبرتی برای همگان است؛ هرچند بیشتر آن‌ها ایمان نیاوردند (شعراء: ۱۲۱). از نظر تشریف، روی سخن با رسول گرامی صلی الله علیه و آله است و خداوند صفت قدرت و قهر خود را درباره سرکوب نمودن کفار یادآوری کرده؛ همچنین رحمت و فضل ساحت کبریایی را درباره پیروان رسولان یادآوری فرموده است (طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۴۳).

۲-۴. قصه نوح علیه السلام در سوره یونس؛ عبرت گرفتن مشرکان از فرجام مخالفان وحی

سوره یونس طبق قول جمهور، مکی است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۵) و در ردیف پنجاه و یکم از آن‌ها قرار دارد. پیش از آن سوره اسراء و پس از آن سوره هود نازل شده؛ لکن در ترتیب الفهرست در رتبه‌ای متأخر، پیش از سوره حجر و پس از سوره هود قرار گرفته است (بهجت‌پور، ۱۳۹۴ب، ص ۲۳۱). از سوی دیگر، سیوطی از عطا نقل می‌کند که سوره یونس مدنی است. البته این ادعا دلیل روشنی ندارد؛ خصوصاً آنکه محتوای سوره با فضای حاکم بر سوره‌های مکی تناسبی کامل دارد و در جدول‌های ترتیب نزول از جمله روایت ابن عباس، مکی شمرده شده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۴الف، ج ۱، ص ۱۱۱). هدف از نزول این سوره به یقین رساندن مردم در مورد رسالتی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای آن فرستاده شده است؛ به علاوه تأکید بر وحی‌انیت قرآن و بیان سرنوشت مشرکان و مؤمنان به این حقیقت و توجه دادن معارضان مکی به حوادث اجتماعی عبرت‌آموز تاریخ (بهجت‌پور، ۱۳۹۴الف، ص ۲۳۳). سوره یونس زمانی نازل شد که مشرکان مکه به بهانه جذابیت قرآن، به پیامبر نسبت افسونگری و ساحر بودن می‌دادند. خداوند در این سوره، بر الهی بودن قرآن و ربوبیت تشریحی خداوند تأکید می‌کند و از این طریق برخی از شبهات مشرکان در این باره را پاسخ می‌دهد؛ سپس معارضان را به عبرت‌گیری از وقایع پیش‌آمده میان نوح و قومش دعوت می‌کند تا ضمن بیان استقامت پیامبران در مقابل مخالفان، روشن شود علی‌رغم مشکلاتی که معارضان برای پیامبران به وجود آوردند، پیامبران و پیروانشان پیروز میدان بودند و سرانجام معاندان شکست و خواری بود (بهجت‌پور، ۱۳۹۴ب، ص ۲۳۳).

قصه نوح علیه السلام در این سوره، تنها در سه آیه و بسیار مختصر مطرح شده است (یونس: ۷۱-۷۳). در این سه آیه، مباحثی مانند یاری رساندن نوح علیه السلام توسط خدا، نجات مؤمنان و هلاکت تکذیب‌کنندگان ذکر شده است. هدف از طرح این قصه در این سوره، بیان سرگذشت مفصل ایشان نبوده، بلکه ظاهراً هدف این است که بخش پایانی سرنوشت نوح علیه السلام و قومش مطرح شود و عبرتی باشد برای مشرکان مکه و کسانی که از آیات الهی پیروی نمی‌کنند (بهجت‌پور، ۱۳۹۴ب، ص ۲۳۳). آخرین حلقه قصه نوح در این آیات، حلقه چالش و مبارزه طلبی واپسین است که پس از بیم دادن فراوان و پند و اندرز و تکذیب طولانی سر می‌رسد. این آیات بیانگر معامله خدا با قوم تکذیب‌کننده نوح است. خدا آن‌ها را هلاک کرد و مؤمنان را نجات داد. هدف از بیان این سرگذشت، عبرت گرفتن اهل تکذیب از این امت است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۰۲). ضمیر «هُم» در جمله «وَآتِلْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ» به مشرکان معارض مکی برمی‌گردد که به پیامبر صلی الله علیه و آله تهمت افترا بر خدا می‌بستند. جنبه عبرت قصه نوح علیه السلام با مردمش، به همین گفته «إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ» برمی‌گردد. از این عبارت می‌توان فهمید که این سخنان نوح علیه السلام هنگامی گفته شده که آن حضرت دعوتش را اظهار کرده و با معارضه‌های قومش مواجه شده بود (بهجت‌پور، ۱۳۹۴الف، ج ۵، ص ۱۲۴). این آیات حاکی از این معناست: ای محمد، قصه نوح

را برای مردم تلاوت کن که چگونه یک‌تنه در برابر همه مردم دنیا ایستاد و به آنان گفت هر کاری که می‌توانند با او بکنند و در باب رسالت خود با آنان اتمام حجت نمود (یونس: ۷۱). این همان مبارزه‌طلبی است که در این سوره در برابر تهمت ساختگی بودن قرآن خطاب به مشرکان مطرح شد (یونس: ۵۱). هدف نوح علیه السلام از به کار بردن این روش، عاجز کردن طرف مقابل است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۰۳). این آیات در مکه و در زمانی نازل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در شرایطی مشابه نوح علیه السلام زندگی می‌کرد و مؤمنان در اقلیت بودند. قرآن به این ترتیب به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز دستور می‌دهد که به قدرت دشمن اهمیت ندهد، بلکه با قاطعیت و شهامت پیش برود؛ چراکه تکیه‌گاهش خداست و هیچ نیرویی تاب مقاومت در برابر قدرت او را ندارد. از این آیه، شدت توکل پیامبران به خدا و قوت ایمانشان به غلبه خدا در تحقق اراده‌هایش استفاده می‌شود؛ همان‌طور که بزرگی خدا در چشمان انبیا و اولیای خدا و کوچکی غیر او به روشنی نمایان است (بهجت‌پور، ۱۳۹۴الف، ج ۵، ص ۱۲۴). بنابراین یکی از ویژگی‌های شهروند تربیت‌شده در تمدن انبیای الهی، توکل به خدا و توسل به منبع لایزال الهی در هنگام بروز مشکلات است.

آیه بعد (فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُمْ مِنْ أَجْرٍ...)، بیانگر اثبات حقانیت نوح و نتیجه توکل وی بر خداوند است؛ «بدین معنا که اگر از پذیرفتن دعوت من اعراض کنید، من کمترین ضرری نخواهم دید؛ زیرا وقتی از اعراض شما متضرر می‌شوم که از شما پاداشی خواسته باشم و با اعراض شما آن پاداش از من فوت شود. با اینکه من هیچ مزدی از شما نخواسته‌ام و پاداشم به عهده خداست، دیگر چه بای از اعراض شما داشته باشم؟» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۰۳). نوح علیه السلام سپس بیان می‌کند: «من مأمورم از کسانی باشم که امور را تسلیم خدا کرده‌اند (یونس: ۷۲) و مأمورم از کسانی باشم که نسبت به امر خدا استکبار ندارند و تسلیم اسباب ظاهری نیستند و در برابر آن‌ها خاضع نمی‌شوند و توقع نفع و ضرر از آن‌ها ندارند». با وجود اتمام حجت نوح علیه السلام، قومه رسالت او را تکذیب کردند. در نتیجه خداوند نوح علیه السلام و همه کسانی را که همراه وی بودند و در کشتی سوار شدند، از هلاکت نجات داد و آن‌ها را جان‌شینان قوم نابودشده‌شان کرد. او کسانی را که نشانه‌هایش را تکذیب کردند، نابود کرد. پس هر کس باید نگاه کند و فرجام کسانی را که به آن‌ها هشدار داده شد، بنگرد (یونس: ۷۳) (بهجت‌پور، ۱۳۹۴الف، ج ۵، ص ۱۲۵). خطاب آیه به تمامی مخاطبان پیامبر است، تا به این واقعه با دیده عبرت بنگرند.

۵-۲. قصه نوح علیه السلام در سوره هود؛ اثبات الهی بودن قرآن و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله

سوره هود که پنجمین سوره در سیر نزول قصه نوح علیه السلام است، در ردیف سور مکی واقع است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۳۶). این سوره در تمام جداول ترتیب نزول، در ردیف پنجاه و دوم، بعد از سوره یونس علیه السلام و قبل از سوره یوسف علیه السلام قرار گرفته است. هدف از نزول این سوره، بیان واکنش ناشایست مشرکان مکه در مقابل موضوعات مهمی چون توحید، الهی بودن قرآن و رسالت پیامبر و همچنین راهنمایی پیامبر و یادآوری مسئولیت‌های او برای گذر از این چالش و مقابله با افراد لجوج و سرکش است. در این سوره، خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را از مکر کافران مکی آگاه می‌کند و با تقاضای آوردن ده سوره مثل قرآن، آن‌ها را به مبارزه فرامی‌خواند. در ادامه از انبیائی که اقوامشان زیر بار توحید عبادی و اطاعت از فرمان‌های الهی نرفتند و نابود شدند، نمونه می‌آورد و بدان توجه می‌دهد (بهجت‌پور، ۱۳۹۴اب، ص ۲۳۶). در آیات ۲۵ تا ۴۹ سوره هود، سرگذشت قوم نوح که در برابر پیامبرشان ایستادند و اسباب نابودی خود را فراهم کردند، مطرح شده است.

قصه نوح در این سوره مفصل‌تر بیان شده است. در آیات ۲۵ تا ۳۰، آن بخش از داستان که در سوره‌های قبل هم بیان شده بود، مطرح گردیده است. در آیات ۳۱ تا ۳۵ حلقه جدیدی از قصه نوح بیان می‌شود. در این بخش، نوح علیه السلام در پاسخ ایرادهای قومش به آن‌ها می‌گوید: «اگر شما فکر می‌کنید، من جز وحی و اعجاز امتیازی بر شما داشته باشم، اشتباه است. نه خزائن الهی در اختیار من است و نه می‌توانم هر کاری را بخواهم انجام دهم. از غیب هم آگاهی ندارم و فرشته هم نیستم» (هود: ۳۱). این آیه از قول پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است (انعام: ۵۰). در پایان این بخش، درباره مؤمنان مستضعف می‌گوید: «من هرگز نمی‌توانم درباره این افرادی که در چشم شما حقیرند، بگویم: خداوند هیچ خیر و پاداش نیکی به آن‌ها نخواهد داد». آنگاه به جهت متذکر شدن اشتباه کافران می‌افزاید: «خدا بهتر می‌داند که در دل‌های آنان چه ارزش‌ها و یا ضد ارزش‌هایی وجود دارد» (هود: ۳۱). مقصود او آن است که ظاهر حال افراد، ملاک خیر واقعی و داشتن کرامت نیست؛ بلکه نفوس بشر ملاک است. اگر نفوس آن‌ها به فضایل درونی و معنوی آراسته گردد، دارای کرامتند و تنها خداوند است که از باطن دل مؤمنان آگاه است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۲۱۴). از این قسمت داستان می‌توان به یکی از مؤلفه‌های تمدن اسلامی پی برد که عبارت است از: حمایت از مستضعفان و دمیدن روح خودباوری در آنان. حضرت علی علیه السلام، از جلب اعتماد توده‌های مردم از سوی دستگاه حاکم و بی‌اعتمادی گروه‌های اندکی که همواره خود را از دیگران برتر می‌پندارند، به عنوان یک اصل یاد می‌کند و می‌فرماید: «برای والی، هیچ‌کس پرخرج‌تر در هنگام آسایش، کم‌کمک‌تر در هنگام سختی، متنفرتر از عدالت و انصاف، پرتوقع‌تر، ناسپاس‌تر، عذرناپذیرتر و کم‌طاعت‌تر در سختی‌ها، از خواص نیست. همانا استوانه دین و نقطه مرکزی جامعه مسلمانان و مایه پیروزی بر دشمن، عموم مردم هستند. پس توجهت همواره به این طبقه معطوف باشد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). سپس قوم نوح در پاسخ استدلال‌های او گفتند: «ای نوح، با ما مجادله کردی و زیاد هم مجادله کردی. اگر راست می‌گویی، به وعده‌ای که داده‌ای عمل کن» (هود: ۳۲). از آنجاکه درخواست قوم کافر به آوردن عذاب برای ناتوان جلوه دادن نوح علیه السلام بود، وی در پاسخشان گفت: «عجز من ملاک نیست و ناتوانی خدا مانع عذاب شدت‌ان است. اما شما هرگز نمی‌توانید او را عاجز کنید». این جمله تنزیه دیگری برای خداوند و نیز جوابی است از تعجیزی که کفار نسبت به نوح علیه السلام ابراز کردند؛ چون ظاهر بی‌اعتنایی کفار به انذار آن جناب از عذاب الیم، این است که گویی خواسته‌اند بگویند: تو نمی‌توانی هیچ کاری بر علیه ما انجام دهی (بهجت‌پور، ۱۳۹۴ الف، ج ۵، ص ۲۳۴). نوح علیه السلام در ادامه گفت: «تنها کاری که از دست من بر می‌آید، نصیحت است. اما پند بی‌شائبه من به شرطی سود می‌دهد که خدا غرق شدن شما در تباهی و انحرافات از هدف و مقصود را اراده نکرده باشد (هود: ۳۴).

قرآن کریم در میانه قصه نوح، به سخن ناشایست کافران عصر پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ می‌دهد. آن‌ها با شنیدن آیات متضمن قصه نوح، به پیامبر صلی الله علیه و آله تهمت زدند که او این قصه‌ها را از پیش خود می‌سازد و به دروغ به خدا نسبت می‌دهد. این تهمت را بارها به پیامبر صلی الله علیه و آله زده بودند. در این آیه موقتاً قصه نوح رها می‌گردد و خداوند به این تهمت پاسخ می‌دهد (حبنکه المیدانی، ۱۹۶۷م، ج ۱۰، ص ۳۵۹) و می‌فرماید: «یا می‌گویند که پیامبر این سخنان را به دروغ آورده است. تو ای پیامبر، در پاسخ آنان بگو: اگر من آن را به دروغ آورده باشم، مسئولیت آن به گردن من است و من از گناهایی که شما پیوسته مرتکب می‌شوید، بی‌زارم» (هود: ۳۵) (جعفری، ۱۳۷۷ش، ج ۵، ص ۲۱۵). مراد آیه این است که نکند باز این کافران مکی، به جای پند گرفتن از جریان نوح و قومش، به انکار آن روی آورند و ادعا کنند که تو آن را از پیش خود ساخته و به خدا نسبت داده‌ای. اگر چنین کردند، بگو: بر فرض این داستان بافته من باشد و من در انتساب این حادثه به خدا مجرم باشم؛ اما آیا مطالب آن، چیزی جز حقیقت ناب است؟! آیا تکذیب ربوبیت خدا و انکار رسالت و

رستاخیز که شما انجام می دهید، جرم نیست؟! گناه شما دامنتان را خواهد گرفت؛ ولی من با اتمام حجت من از جرمی که انجام می دهید، بیزاری می جویم **(بهجت پور، ۱۳۹۴ الف، ج ۵، ص ۲۳۸)**. این آیه در عین بیان سرگذشت قوم نوح، در مقام کنایه به رفتار مشرکان مکه نیز هست؛ زیرا دعوت نوح علیه السلام و احتجاج‌هایی که علیه وثنیت قومش داشت، به دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و احتجاج‌های آن جناب علیه وثنیت قومش، بسیار شبیه است **(طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰، ص ۲۱۸)**. بنابراین، با توجه به این آیه می‌توان نتیجه گرفت که یکی از روش‌های جوامع متمدن دینی جهت اسکات و اقناع مخالفان، هم‌وردطلبی است. در همین راستا، اگر دشمن شروع به تبلیغات روانی علیه جامعه مسلمانان کرد، آنان درمقابل باید از همین حربه علیه آن‌ها استفاده کنند. آنان باید مصادیق جنگ رسانه‌ای را بشناسند و جهت خنثی کردن و ضدّ حمله به دشمن بکوشند (هود: ۳۸).

ادامه آیات (۳۶ تا ۴۰) قصه ساخت کشتی و طوفان است که در سوره‌های پیشین مطرح نشده بود. با تأمل در این آیات می‌توان به جایگاه ویژه اقتدار صنعتی و اقتصادی در کمال تمدن جوامع دینی پی برد. از منظر قرآن، برخورداری جامعه مؤمنان از تمکن مالی که مایه عزت (منافقون: ۸) و استقلال جامعه دینی (نساء: ۱۴۱) شود، از عناصر مهم جوامع متمدن است. فنّ کشتی‌سازی نوح علیه السلام در راستای اقتدار صنعتی و وجود هر جفت از حیوانات در کشتی در راستای اقتدار اقتصادی در خور بررسی است.

اولین عنصر جدید داستان نوح در این سوره، بیان عاقبت فرزند اوست. نوح علیه السلام به دلیل علاقه پدر و فرزند و اتمام حجت بر فرزندش، از او خواست که سوار کشتی شود؛ اما او امتناع ورزید و مانند دیگر کافران غرق شد (هود: ۴۲-۴۷). با توجه به این قسمت داستان، مهر و عطوفت بین اعضای خانواده نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های خانواده در جوامع متمدن دینی در خور بررسی است. اعضای خانواده جامعه متمدن نسبت به یکدیگر رؤف و مهربانند. این مهربانی موجب انسجام آنان و در نتیجه به هم پیوستگی حلقه‌های بزرگتر جامعه دینی می‌شود. البته این نکته قابل تأمل است که جوامع متمدن باید بر مدار ایمان و قانون پایه‌گذاری و اداره شود و روابط خویشاوندی نباید موجب نادیده گرفتن قوانین جوامع گردد.

در سوره هود، مکیان کافر درباره مفتری بودن پیامبر می‌گفتند: اگر او رسول است، چرا همراهش گنج و ملک نیست؟! او اصلاً رسول نیست تا از او گنج و همراهی فرشته بخواهیم. او فردی عادی است که مطالبی را بافته است و به خدا نسبت می‌دهد. بگو: اگر در این نسبتی که به محمد می‌دهید، راست گو هستید و این کلام، بافته خود اوست، برای اثبات این ادعا ده سوره دروغین مانند این کلام بیاورید و در این کار، از جن و ملک و انسان برای همکاری دعوت کنید **(بهجت پور، ۱۳۹۴ الف، ج ۵، ص ۱۹۵)**. در پایان این آیات، نتیجه‌ای متناسب با بیان مفصل قصه طوفان ذکر می‌شود. بیان جزئیاتی که پیامبر و قومش از آن آگاهی نداشتند، دلیل آن است که قرآن وحیی از جانب خداوند است. بنابراین این قصه به منزله شاهدهی بر صحت نبوت پیامبر خطاب به قریش و تکذیب‌کنندگان نبوت آن حضرت است. خداوند با مطرح کردن قصه نوح، به مشرکان هشدار می‌دهد که همه آنچه گفته شد، از اخبار غیبی بود که بر پیامبر وحی شد. این اخبار تکراری نیست و اگر آن اخبار از جانب ما بر پیامبر وحی نمی‌شد، شما نمی‌توانستید در کتب آسمانی دیگر بیابید؛ زیرا آنچه در کتب دیگر وجود دارد، تحریف شده است. ولی آنچه در قرآن است، صدق محض است و خداوند این گونه الهی بودن قرآن و نبوت پیامبر را اثبات می‌کند.

۶-۲. قصه نوح علیه السلام در سوره نوح؛ هشدار به کافران برای هلاکت و اطمینان به مؤمنان جهت پیروزی حق بر باطل

سوره نوح ششمین سوره در سیر نزول قصه نوح و هفتاد و یکمین سوره‌ای است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد. پیش از آن سوره نحل و پس از آن سوره انبیا فرو آمد. هدف از نزول این سوره راهنمایی عمومی مردم نسبت به سیر دعوت انبیا از ابتدا تا انتهای کار با قوم معاندشان است. فایده بیان این سیر در نمونه دعوت نوح علیه السلام که اولین رسالت دینی را بر عهده داشت، هشدار به کافران برای هلاکت و اطمینان خاطر به مؤمنان جهت نجات و دلداری به پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر حمایت خداوند از دعوت اوست (بهجت پور، ۱۳۹۴، ص ۳۲۶). این سوره در روزهای آخر توقف پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه و در نزدیکی‌های مهاجرتش به مدینه نازل شده است. در همین ایام، پیامبر صلی الله علیه و آله درگیری شدیدی با مشرکان داشت و آنان هر روز در برابر دعوت او به بهانه‌هایی متوسل می‌شدند؛ از جمله اینکه هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله آن‌ها را به عذاب الهی تهدید می‌کرد، بعضی از لجوجان می‌گفتند: اگر عذاب و کیفری که وعده می‌دهی راست است، پس چرا به سراغ ما نمی‌آید؟! اگر فرضاً عذابی در کار باشد ما دست به دامن بت‌ها می‌شویم تا در پیشگاه خدا شفاعت کنند و این عذاب از ما برداشته شود. فشارهای زیاد به مسلمانان در سال‌های آخر بعثت نه تنها از سوی سران شرک، بلکه گاه از سوی خویشاوندان مسلمانان نیز اعمال می‌شد؛ در مقام نصیحت یا از موضع سرزنش و حتی آزار، و این بر دردهای آنان می‌افزود. در هر روز و شب و حتی در هر ساعت، مجموعه اندکی از مؤمنان به پیامبر صلی الله علیه و آله، در معرض انواع تحقیرها، دشنام‌ها، سرزنش‌ها و شکنجه‌ها قرار داشتند و گاه چنان عرصه بر آنان تنگ می‌شد که خداوند رحمان با نازل کردن آیاتی با محور قصص انبیاء، دل‌های شکسته و روحیه‌های افسرده آنان را جلا می‌بخشید. نزول این سوره و قصه نوح در آن شرایط سخت، به این دلیل بود که هشدار دهد سرانجام مشرکان و تکذیب‌کنندگان قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله، همانند مشرکان قوم نوح خواهد بود؛ همچنین به مؤمنان نوید قطعی آمدن حق و هلاکت باطل را بدهد (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۲۱۰).

این سوره با قصه نوح را شکل و بیانی متفاوت نسبت به سوره‌های دیگر بیان می‌کند. در سوره‌های دیگر، قصه نوح در سیاق آیات قبل و بعد مطرح می‌شود، ولی تمامی سوره نوح به این قصه اختصاص دارد. در آیات ۱ تا ۴ به بعثت نوح و دعوت قومش به پرستش خدا و به دو نتیجه دین‌پذیری، یعنی آموزش گناهان و طولانی شدن عمر انسان، اشاره شده است. در ادامه، به شیوه‌های تبلیغی او می‌پردازد. نوح علیه السلام برای نفوذ در قوم لجوج خود، دعوتش را از سه روش مختلف دنبال کرد. او گاه تنها مخفیانه دعوت می‌کرد و در نتیجه با عکس‌العمل‌های چهارگانه مواجه شد: «انگشت‌ها را در گوش گذاشتند، لباس‌ها را به خود پیچیدند، در کفر اصرار کردند و استکبار ورزیدند»؛ گاه تنها دعوت علنی داشت و گاه نیز از روش آمیختن دعوت آشکار و نهان استفاده می‌کرد. ولی هیچ‌یک از این‌ها مؤثر نیفتاد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۱۳۶). در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله نیز گروهی بودند که وقتی صدای آن حضرت به آیات قرآن بلند می‌شد، با جار و جنجال و سوت کشیدن چنان غوغایی به راه می‌انداختند که هیچ‌کس صدای او را نشنود (فصلت: ۲۶). در ادامه، نوح علیه السلام به نتایج مادی و معنوی استغفار، از جمله فرو باریدن باران زیاد و افزایش نسل و فرزندان اشاره می‌کند (نوح: ۹-۱۴) و سپس با سیر در آیات آفاقی و اشاره به نشانه‌ها و نعمت‌های خدا، در مورد خداگریزی هشدار می‌دهد (نوح: ۱۵-۲۰). آیات ۲۱ تا ۲۵، به شکوه نوح علیه السلام از قومش و نیرنگ‌بازی و بت‌پرستی آن‌ها اشاره می‌کند و در پایان، عوامل عذاب قوم نوح، یعنی بی‌فایده بودن بقای آنان نه برای مؤمنان و نه برای فرزندان خودشان و دعاها و نفرین‌های او را بیان می‌کند (نوح: ۲۶-۲۸).

این سوره در مکه نازل شده و پیامبر صلی الله علیه و آله و اندک مسلمانان آن زمان در شرایطی مشابه شرایط نوح علیه السلام و یارانش قرار داشتند؛ در نتیجه طرح مسائلی چون مواجهه با دشمنان از طریق استدلال منطقی توأم با محبت و دلسوزی کامل، خسته نشدن در مسیر دعوت به سوی خدا، استفاده توأمان از تشویق و انداز در امر تبلیغ، هشدار به مشرکان لجوج که تسلیم نشدن در برابر حق و گردن نهادن به فرمان خدا عاقبت دردناکی برایشان دارد، موجب تسلی خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان نخستین می شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ق، ج ۲۵، ص ۵۴). عبادت و تقوا، صبر و استمرار در دعوت و دعا کردن از دیگر مؤلفه های جوامع متمدن اسلامی است که از خلال داستان نوح علیه السلام در این سوره قابل برداشت است. با توجه به بررسی این مؤلفه ها در سوره قبله، در اینجا از ذکر مجدد آن خودداری می کنیم.

۷-۲. قصه نوح علیه السلام در سوره مؤمنون؛ نعمت معنوی هدایت از طریق رسالت

سوره مؤمنون هفتمین سوره در سیر نزول قصه نوح است. این سوره پس از سوره انبیا و پیش از سوره سجده فرو آمد و به استناد جداول ترتیب نزول، هفتاد و چهارمین سوره نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله و جزء سور مکی است. هدف این سوره حمایت از مؤمنان و تقویت پایه های ایمان مردم و دعوت به توحید از طریق رسالت و پاسخ به شبهه افکنی کسانی است که در جامعه مؤمنان تفرقه ایجاد می کنند (بهجت پور، ۱۳۹۴ب، ص ۳۳۷).

قصه نوح در سوره مؤمنون به صورت مختصر و در سیاقی متفاوت با سوره های دیگر، با طرح موضوعاتی همچون دعوت نوح، بهانه جویی ها و استدلال های کفار و عذاب الهی و نابودی ایشان بیان شده است. خداوند در این سوره ابتدا سخن را از نعمت های بی شماری آغاز می کند که برای انسان ها فرستاده است. آدمی می تواند از طریق این نعمت ها نیازهای مادی و جسمی خود را برطرف کند و از زندگی در این دنیا بهره ببرد. در ادامه و بعد از بیان نعمت های مادی، از نعمت معنوی هدایت سخن می گوید و انسان ها را به خداپرستی از طریق نعمت رسالت دعوت می کند. انسان برای اینکه بتواند مسیر تکامل خود را به سوی کمال نهایی ببیماید، نیاز دارد از نظر مادی و معنوی تأمین شود و برای درک و دریافت معنویات نیاز به راهنمایی فرستاده های الهی دارد؛ به همین دلیل در سیاق آیاتی که نعمت های مادی را بیان می کند، به بیان قصه نوح و نعمت معنوی هدایت می پردازد (مؤمنون: ۲۳-۳۰). آیات بعد موضع گیری اشراف قوم نوح را در برابر دعوت او بیان می کند (مؤمنون: ۲۳-۲۵)، بر اساس سیاق آیات، کافران قوم نوح مطالب این آیات را به همه می گفتند تا مردم را از اطراف نوح علیه السلام دور کنند و برای بیشتر فریفتن مردم می گفتند: «اگر خدا می خواست، ملائکه می فرستاد نه بشر. وانگهی چیز نوظهوری است و در پدران گذشته چنین چیزی سراغ نداریم که بشر نماینده خدا باشد». همچنین نوح علیه السلام را به جنون متهم ساختند. مطالعه زندگی پیامبران الهی به ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله نشان می دهد که مخالفان، همین تهمت جنون را به دیگر پیامبران نیز زده اند. از اینجا روشن می شود که روش تهمت زدن در برابر مردان حق، روش مستمر کافران در طول تاریخ بود. اما این تهمت آن قدر بی اساس بود که قرآن حتی پاسخ کافران قوم نوح را نداد؛ چراکه مطالعه زندگی پیامبران نشان می دهد که آنان افرادی عاقل و حکیم بودند و قدرت و سلطه جویی را طلب نمی کردند (بهجت پور، ۱۳۹۴ب، ص ۴۶).

آیه آخر قصه نوح در این سوره (مؤمنون: ۳۰) خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است. خداوند به ایشان اعلام می کند این دعوت و جریانات همراه با آن همه امتحانات الهی است. «هر یک از رسالت های پیامبران و قیام آنان زمینه آزمایشی است که به تناسب سطح افکار اهل هر عصر وسیله آزمایش آنان قرار می گیرد. برحسب حکمت نیز درباره متمدنانی که در مقام مبارزه با دعوت رسولان برآیند،

عقوبتی مقرر فرموده است. درباره قوم نوح پس از دعوت هزارساله او و اجرای سال‌های متمادی آزمایش برحسب مشیت پروردگار، این چنین عقوبت بی‌مانندی به اجرا گذارده شد و جهانی متمرد را به هلاکت افکند» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۲۶۳). عبادت و تقوا، اقتدار صنعتی و نجات مؤمنان، از مؤلفه‌های جوامع متمدن اسلامی است که از داستان نوح علیه السلام در این سوره برداشت می‌شود.

۸-۲. قصه نوح علیه السلام در سوره عنکبوت؛ آزمایش و امتحان، سنت همگانی الهی

آخرین سوره در سیر نزول قصه نوح سوره عنکبوت است. این سوره پس از سوره روم و پیش از مظفین نازل شده و هشتاد و پنجمین سوره مکی است (بهجت پور، ۱۳۹۴اب، ص ۳۷۳). سوره عنکبوت مانند سوره‌های قبل از خود اما با سیاقی دیگر، به قصه نوح و قومش پرداخته است. هدف این سوره آزمایش انسان‌هاست. در این سوره خداوند از امتحان الهی مردم تازه‌مؤمن، به سبب فتنه مردم ستمگر و کافر مکه پرده برمی‌دارد و یادآور می‌شود که این فتنه، عرصه را چنان بر دینداری مردم تنگ می‌کند که ناچار به مهاجرت می‌شوند؛ لذا آن‌ها را برای هجرت آماده می‌سازد. همچنین به دلیل اینکه برخی از تازه‌مسلمانان از این امتحان پیروز بیرون نمی‌آیند، آن‌ها را منافق می‌خواند و از عاقبت رفتارشان بیم می‌دهد (بهجت پور، ۱۳۹۴اب، ص ۳۷۵). سپس برای دلداری پیامبر و پیروانش که تحت فشار و اذیت مشرکان مکه بودند، امتحان‌های سخت پیامبران پیشین و اقوامشان را بیان می‌کند که در مقابل دشمنان و فشارهای آن‌ها چگونه صبر کردند و سرانجام پیروز شدند. نخست از قصه نوح در دو آیه (عنکبوت: ۱۴-۱۵) شروع و آن بخش از قصه نوح را که با وضع مسلمانان آن زمان تناسب داشت، بیان می‌کند. اولین عنصر جدید قصه نوح در این سوره که در متناسب با آیات دیگر این سوره مطرح شده، مدت تبلیغ نوح در بین قومش است. نوح شبانه‌روز قومش را به خداپرستی دعوت کرد و هیچ‌وقت از این کار خسته نشد و ضعف به خود راه نداد. او به مدت ۹۵۰ سال به کار خود ادامه داد، اما باین‌همه گروه اندکی ایمان آوردند. در ادامه خداوند به پیامبر و مؤمنان دستور می‌دهد که در راه دعوت به سوی حق و مبارزه با انحرافات خسته نشوند؛ چراکه برنامه ایشان در مقابل برنامه نوح آسان است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۱۴).

صبر و ایستادگی در برابر مشکلات و تهمت‌های دشمنان، از مؤلفه‌های مهم جوامع متمدن اسلامی است؛ تاجایی که در روایات اسلامی صبر به منزله سرایمان معرفی شده است (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۸۹). از دیدگاه قرآن، صبر از چنان اهمیت والایی برخوردار است که خداوند آن را در کنار یقین، دو علت اساسی برای موهبت امامت معرفی می‌کند (سجده: ۲۴). در سیستم اخلاقی قرآن، فایده صبر در مقابل مشکلات و مصائب، جلب رضایت خداوند است (رعد: ۲۲). لازمه پیمودن مسیر رضای الهی و رسیدن به این فایده نیز، لزوم انجام واجبات و ترک محرمات است که دشواری‌هایی نیز به همراه دارد (آل عمران: ۱۴۲). این سختی‌ها برای امتحان بندگان است (بقره: ۱۵۵).

قصه نوح ﷺ در هشت سوره بر اساس سیر نزول			
سوره: آیات	عناصر قصه در سوره	پیام قصه	مؤلفه تمدن اسلامی مستخرج از قصه
قمر: ۹-۱۶	تکذیب نوح، تهمت جنون به نوح، دعای نوح، کشتی نوح	انذار و انذارپذیری	دعا کردن، اقتدار صنعتی، برخورداری از کتاب آسمانی
اعراف: ۵۹-۶۴	دعوت به توحید، تهمت گمراهی نوح، فرستاده‌ای از جنس خودتان، تکذیب نوح، نجات مؤمنان و هلاکت تکذیب‌کنندگان	پذیرش ولایت الهی و بندگی خداوند، تنها راه رهایی از عذاب	عبودیت، ایمان به معاد، جهاد تبیین، تقوای شهروندان، پرورش انسان‌های شایسته و تمدن‌ساز، تبشیر و انذار
شعراء: ۱۰۵-۱۲۲	تکذیب نوح، دعوت به تقوا و اطاعت، بهانه‌جویی‌های قوم نوح، امانت‌داری و مزد نخواستن نوح، دعای نوح، نجات مؤمنان و هلاکت تکذیب‌کنندگان	تسلی و تثبیت قلب پیامبر ﷺ	امین بودن کارگزاران، تقوای شهروندان، دعا کردن، پرورش انسان‌های شایسته و تمدن‌ساز
یونس: ۷۱-۷۳	دعوت به توحید، فرجام پیروی از آیات الهی و مخالفت با آن، مبارزه‌طلبی	اثبات اصالت قرآن و عبرت گرفتن مشرکان از فرجام مخالفان وحی	توکل به خدا، تحدی، انذار و تبشیر
هود: ۲۵-۴۶	دعوت به توحید، بهانه‌جویی‌های اشراف، پاسخ‌های نوح به قومش، ساخت کشتی، مبارزه‌طلبی، چگونگی نزول عذاب، نجات نیافتن فرزند نوح	اثبات الهی بودن قرآن و نبوت پیامبر ﷺ	حمایت از مستضعفان، اقتدار صنعتی و اقتصادی، مهر و عطفوت بین اعضای خانواده، قانون‌مداری، مقابله با جنگ روانی دشمنان، تبشیر و انذار
نوح: ۱-۲۸	دعوت نوح، احتجاج نوح با مشرکان، رهبران فاسد عتت عذاب قوم، نفرین نوح	هشدار کافران به هلاکت و اطمینان خاطر مؤمنان از پیروزی حق بر باطل	عبودیت، تقوای شهروندان، صبر و استمرار در دعوت، دعا کردن
مؤمنون: ۲۳-۳۰	دعوت به توحید، استکبار اشراف، تهمت برتری‌جویی و جنون به نوح	نعمت معنوی هدایت از طریق رسالت	عبادت، تقوا، اقتدار صنعتی، بشارت مؤمنان
عنکبوت: ۱۴-۱۵	مدت نبوت نوح، نجات نوح	آزمایش و امتحان؛ سنت همگانی الهی	صبر و ایستادگی در برابر مشکلات و تهمت‌های دشمنان

جدول ۱- قصه نوح ﷺ در هشت سوره بر اساس سیر نزول

نتیجه‌گیری

سوره‌های قرآن در شرایط زمانی و اجتماعی متفاوتی بر پیامبر ﷺ نازل شده است و هر کدام هدفی خاص را دنبال می‌کند؛ به علاوه قرآن هیچ داستانی را به طور کامل نقل نمی‌کند. بلکه داستان‌های نقل شده در هر سوره، در راستای همان هدف کلی سوره است. قصص قرآنی ابعاد مختلفی دارد و هر بُعد آن حاوی یک پیام هدایتی و تربیتی ویژه است. از این رو در موقعیت‌های گوناگون در هر سوره، بخش خاصی از قصص بیان می‌شود. البته همه انبیا در همه زمانه‌ها در یک مسیر حرکت کرده‌اند و برخورد گروه‌های معاند در تمام دوران با ایشان یکسان بوده است. بر این اساس، قصه نوح ﷺ در هشت سوره قرآن بیان شده است. این سوره‌ها عبارت است از: قمر، اعراف، شعراء، یونس، هود، نوح، مؤمنون و عنکبوت. این هشت سوره در مکه و از آغاز دعوت پیامبر ﷺ تا هجرت ایشان نزول یافته است؛ یعنی در سال‌هایی که مؤمنان در اقلیت و تحت فشار بت‌پرستان بودند. هدف این سوره‌ها نیز دعوت و انذار مشرکان و دل‌داری پیامبر ﷺ و مؤمنان است. سیر نزول آیات قصه نوح ﷺ بر اساس دو اصل اعتقادی توحید و نبوت است. دعوت به پذیرش ولایت الهی و نفی ولایت آله‌ها و بت‌ها، فرمان به ترک لجاج و برخورد تند با عقاید باطل مشرکان و خط بطلان کشیدن بر اندیشه‌های پوچ آنان و یادآوری فرجام انبیا و پیروان و مخالفانشان از ویژگی‌های ممتاز این داستان در سوره‌های یادشده است. به مبارزه خواستن ناباوران انبیای الهی نیز یکی از شیوه‌های قرآن در راستای اقناع مخالفان است.

اساسی‌ترین مؤلفه‌های تمدن اسلامی که از بررسی داستان نوح ﷺ به ترتیب استخراج می‌شود، به قرار ذیل است:

- دعا کردن: مطالعه سرگذشت انبیا در قرآن، از جمله نوح علیه السلام، حاکی از آن است که دعا کردن جایگاه ویژه‌ای در تمدن اسلامی دارد (قمر: ۱۰؛ شعراء: ۱۱۸).
- اقتدار صنعتی و اقتصادی: اقتدار صنعتی یکی از مؤلفه‌های اساسی تمدن اسلامی است که خاستگاه و عامل ارتقای اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی محسوب می‌شود. فن کشتی‌سازی نوح علیه السلام در همین راستا قابل توجه است (قمر: ۱۳؛ هود: ۳۷). اقتدار اقتصادی نیز از عناصر مهم جوامع متمدن است و وجود هر جفت از حیوانات در کشتی، در راستای اقتدار اقتصادی در خور بررسی است (هود: ۳۷).
- کتاب آسمانی: قرآن در فرآیند تمدن‌سازی اسلامی نقش زیربنایی دارد؛ تا حدی که شکوفایی علمی مسلمانان در گذشته برگرفته از آموزه‌های قرآنی بوده است (قمر: ۱۷).
- ولایت‌پذیری و معادباوری: اساسی‌ترین شاخصه تمدن اسلامی خدامحوری است. خدامحوری به معنای اعتقاد به وحدانیت خداوند و توحید در همه ابعاد ذاتی، صفاتی، ربوبی، عبادی، اطاعت، ولایت و حاکمیت است. هم فرد و هم جامعه اسلامی باید در مسیر عبودیت الهی حرکت کند (اعراف: ۵۹). در کنار توحید، ایمان به معاد از مؤلفه‌های مهم تمدن اسلامی است و از این رو، انبیای الهی افق نگاه انسان‌ها را از محدوده زندگی دنیوی بالاتر برده و آنان را با زندگی اخروی آشنا کرده‌اند (اعراف: ۵۹).
- جهاد تبیین: یکی از ارکان جامعه اسلامی روشنگری و تبیین است. انبیا و بزرگان دین و بالتبع هر یک از دینداران، به سهم خود باید همراه با شفقت و دلسوزی دست به روشنگری و تبیین و ابطال فرهنگ استکبار بزنند و در همین راستا در انتظار مزد دنیوی نباشند (اعراف: ۶۱-۶۲).
- تبشیر و انذار: بشارت به نجات مؤمنان شایسته پس از عبور از امتحانات و زندگی در سرزمین سلامت (هود: ۴۸) و تهدید مخالفان و بدکاران (هود: ۲۵)، از روش‌های مهم تربیتی رهبران جوامع متمدن اسلامی است.
- تقوای الهی: قرآن کریم انسان‌هایی را تمدن‌ساز معرفی می‌کند که تقوا را تنها عامل اکرام انسان‌ها می‌دانند. در نتیجه گروهی از مردم دعوت انبیا را لبیک گفتند، و تقوا پیشه کردند و نجات یافتند و در مقابل، گروهی دیگر سخنان آن‌ها را تکذیب کردند و عذاب شدند (اعراف: ۶۴-۶۳؛ شعراء: ۱۰۸).
- پرورش انسان‌های تمدن‌ساز: مطالعه قصص انبیا در قرآن نشان می‌دهد، انبیای الهی نقش اساسی در تشکیل تمدن اسلامی داشته‌اند؛ بدین گونه که انسان‌های شایسته‌ای را جهت تشکیل تمدن دینی پرورش دادند (اعراف: ۶۴؛ شعراء: ۱۱۹).
- امانت‌داری: یکی از ویژگی‌های اساسی برای پذیرش مسئولیت و کارگزاری در تمدن اسلامی امانت‌داری است. شهروند تمدن‌ساز شهروندی است که نفس خود را به صفت امانت‌داری بیاراید و امین دیگران باشد (شعراء: ۱۰۷).
- توکل به خدا: از دیگر ویژگی‌های شهروند تربیت‌شده در تمدن انبیای الهی، توکل به خدا و توسل به منبع لایزال الهی در هنگام بروز مشکلات است (یونس: ۷۱).
- حمایت از مستضعفان: حاکمیت مستضعفان بر زمین مهم‌ترین طرحی است که انبیا از قدیم در بعد سیاسی تمدن داشته‌اند (هود: ۲۷-۳۱).
- هشیاری: یکی از حربه‌های دشمنان، جنگ روانی علیه جوامع است؛ از این رو یکی از وظایف شهروندان جوامع متمدن اسلامی شناخت مصادیق این نوع حربه دشمن و ایستادگی و خنثی کردن آن است (هود: ۳۸-۳۹). در این راستا یکی از شیوه‌های الهی جهت

پاسخ‌گویی به منکران نبوت و اسکات معارضان، فراخواندن آن‌ها به مبارزه طلبی است (یونس: ۷۱).

- مهر و عطوفت بین اعضای خانواده: اعضای خانواده جامعه متمدن، نسبت به یکدیگر رئوف و مهربانند. این مهربانی موجب انسجام آنان و در نتیجه به هم پیوستگی حلقه‌های بزرگ‌تر جامعه مدنی می‌شود. البته این نکته قابل تأمل است که جوامع متمدن باید بر مدار ایمان و قانون پایه‌گذاری و اداره شود و روابط خویشاوندی نباید موجب نادیده گرفتن قوانین جوامع گردد (هود: ۴۲-۴۷).
- صبر و بردباری: صبر و ایستادگی در برابر مشکلات و تهمت‌های دشمنان و طواغیت زمانه و کارشکنی‌های آنان، از مؤلفه‌های مهم جوامع متمدن اسلامی، در حیطه فردی و اجتماعی و از ناحیه رهبر یا ناحیه شهروندان است؛ تا جایی که انبیای الهی مانند حضرت نوح علیه السلام، ۹۵۰ سال برای این هدف تلاش می‌کند (عنکبوت: ۱۴). تمدن‌های نبوی همواره با آزمایش‌های متعددی روبه‌رو بوده‌اند. سنت امتحان از عام‌ترین سنن الهی است و به زمان و مکان و قشر خاصی انحصار ندارد. زمینه‌های آزمایش‌های الهی نیز متفاوت است.
- هجرت: بیشتر تمدن‌های در دل خود مهم هجرتی بزرگ داشته‌اند. هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه از هجرت‌های تمدن‌ساز بشر بوده است. نوح علیه السلام نیز به امر خداوند از سرزمین کفر خارج شد و به همراه پیروانش وارد کشتی نجات گردید و سرانجام در سرزمین سلامت فرود آمد (قمر: ۱۳؛ شعراء: ۱۱۹؛ هود: ۴۰).

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آن‌هاست.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

حمایت مالی

نویسندگان اظهار می‌دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچ‌گونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده‌اند.

فهرست منابع

- قرآن کریم (محمد مهدی فولادوند، مترجم).
 نهج البلاغه (محمد دشتی، مترجم).
 آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن. دارالکتب العلمیة.
 ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ ق). التحریر و التنبیر. مؤسسة التاریخ العربی.
 ابن عطیة الأندلسی، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ ق). المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز (محمد عبدالسلام عبدالشافی، محقق). دار الکتب العلمیة.
 ابن هشام، عبدالملک. (۱۳۹۲ ق). سیرة نبوی (مسعود انصاری، مترجم). نشر مولی.
 بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۴ الف). همگام با وحی. التمهید.
 بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۴ ب). شناخت‌نامه تنزیلی قرآن. التمهید.
 بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۲). تفسیر تنزیلی (مبانی، اصول، قواعد و فواید). سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 جعفری، یعقوب. (۱۳۷۷). تفسیر کوثر. هجرت.
 حبنکه المیدانی، عبدالرحمان حسن. (۱۹۶۷ م). معارج التفكير ودقائق التدبر. دارالقلم.
 حسینی همدانی، سید محمد حسین. (۱۴۰۴ ق). انوار درخشان. کتابفروشی لطفی.
 خامه‌گر، محمد. (۱۳۸۹). شبکه معنایی موضوعات قرآن «معرفی شش رویکرد در تفسیر موضوعی قرآن کریم». پژوهش‌های قرآنی، ۱۶ (۶۲-۶۳)، ۲۳۶-۲۷۱.
 دروزة، محمد عزة. (۱۳۸۳ ق). التفسیر الحدیث. دار إحياء الکتب العربیة.
 رسولی محلاتی، سید هاشم. (۱۳۸۲). قصص قرآن. بوستان کتاب.

- زمخسری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. دار الکتب العربی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲ ق). تفسیر جوامع الجامع. مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن (احمد قیصر عاملی، محقق). دار احیاء التراث العربی.
- غلامی، رضا. (۱۳۹۶). درس گفتارهایی از فلسفه تمدن نوین اسلامی. سوره مهر.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). دار الکتب العلمیه.
- قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. دار الکتب الإسلامیه.
- کاشانی، ملافتح الله. (۱۳۳۶). تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین. کتابفروشی محمدحسن علمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸ ق). الکافی. دار الکتب اسلامیة.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۰). علوم قرآنی. التمهید.
- ملاحویش آل غازی، سیدعبدالقادر. (۱۳۸۲ ق). بیان المعانی. مطبعة الترقی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. دار الکتب الإسلامیه.
- نکونام، جعفر. (۱۳۸۰). درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن. هستی نما.
- یوسفی غروی، محمدهادی. (۱۴۱۷ ق). موسوعة التاريخ الإسلامی. مجمع الفكر الإسلامی.


Components of Islamic Civilization Based on the Historical Process of the Revelation of the Story of Prophet Noah (PBUH) in the Holy Qur'an

Somayeh Emadi ¹  Mehri Karimi ² 

1. Assistant Professor, Department of Qur'anic Sciences, Faculty of Qur'anic Sciences and Hadith, University of Maarif Quran va Itrat, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

2. M.A. Graduate in Qur'anic Sciences and Hadith, Feyz al-Islam Institute of Higher Education, Khomeini Shahr, Isfahan, Iran.

Corresponding Email: S.emadi64@yahoo.com

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.476604.1384>

Introduction

Civilization is the manifestation of purposeful and systematic advances within one or more societies, grounded in a clear worldview that takes on a meaningful and disciplined form and guides society toward its intended destination (Gholami, 2017, p. 31). Hence, civilization has a profound and fundamental relationship with religion, as reflected in the missions of the divine prophets and their paths of guidance. A study of the objectives of the prophets' missions in the Qur'an and their practical conduct demonstrates the foundations of a monotheistic civilization designed to universalize religious teachings and promote human progress in both material and spiritual realms. By carefully analyzing the stories of the prophets and the experiences of their communities, one can discover solutions to some of today's human and social problems.

This research proceeds from the assumption that the story of Noah (PBUH)-as the first prophet of resolute will (ulu al-'azm) and bearer of divine law, whose mission spanned a very long period-contains the earliest indicators and frameworks of civilization-building. Reflecting on this narrative can help guide contemporary humanity, often bewildered and disoriented, toward the reconstruction of a religious civilization. However, since the Qur'an was revealed to the Prophet Muhammad (PBUH) over twenty-three years in varying temporal and spatial contexts, certain questions arise: Which parts of Noah's story were revealed in which surahs, and under what historical and social circumstances? What is the relationship between the revealed verses concerning aspects of Noah's life and the particular conditions of the time and place of revelation? And how does correlating these circumstances with the scope of Noah's story contribute to clarifying the components of Islamic civilization?

The sequential revelation of these narratives certainly contained wisdom, for just as with many truths, if they are examined outside the context of their revelation, their meaning can be misunderstood. This makes it necessary to reconstruct the order of revelation of the prophetic stories in the Qur'an, study the circumstances surrounding each portion of revelation, and analyze them in terms of content, so that the outcomes and lessons of the prophetic narratives may be understood in their situational contexts.

Methodology

This study examines the story of Noah (PBUH) through the method of sequential thematic exegesis (tafsīr mawḍū'ī-tanzīlī). In this method, the exegete grounds their understanding of the Qur'an in its gradual revelation, analyzing the internal relationships within each verse and the context of the verses within a surah, while also taking into account the temporal, environmental,

and social circumstances of revelation. The exegete then uncovers the epistemic and guiding system of the surahs across the twenty-three years of gradual revelation. By mapping the structural and thematic geometry of the surahs and verses alongside one another, the exegete arrives at a more precise understanding of the Qur'an and the divine objectives behind its revelation (Behjatpour, 2013, p. 46).

This approach allows for pedagogical, historical, and methodological insights into the Qur'an's perspective on a given topic. One of the main benefits of this method is that by studying a topic in the order of revelation, one can grasp the process by which religious values were institutionalized in society—something that is often overlooked in conventional thematic exegesis. For example, while traditional thematic studies of the Qur'anic verses on charity (*infāq*) have explained its importance, types, uses, and obstacles, they have rarely addressed how, through what stages, charitable behavior is cultivated into a lasting moral and social trait. A study of revelation order enables us to answer such questions and trace the process by which a personal act evolves into a social practice (Khomeini, 2010, p. 242).

In this study, the criterion for the order of revelation follows narrations on the subject, the most reliable being that transmitted from 'Aṭā and Abū Karīb, reported by Ibn 'Abbās. Scholars such as Nekounam (2001, p. 142) in *An Introduction to the Dating of the Qur'an* and Behjatpour (2013, p. 345) in *Sequential Exegesis of the Qur'an* have examined these narrations critically and provided ordered tables of revelation.

Findings

The essential components of Islamic civilization derived from the sequential analysis of Noah's story include: prayer; industrial and economic capability; divine scripture; loyalty to divine authority and belief in the afterlife; explanatory jihad; glad tidings and warnings; God-consciousness (*taqwā*); the cultivation of civilization-building individuals; trustworthiness; reliance upon God; support for the oppressed; vigilance; love and compassion within the family; patience and perseverance; and migration.

Conclusion

The Qur'anic surahs were revealed to the Prophet (PBUH) under diverse historical and social conditions, each pursuing specific aims. Moreover, the Qur'an never recounts a prophetic story in its entirety; rather, each story is narrated in fragments across different surahs, each fragment serving the thematic and guiding purpose of its respective surah. The Qur'anic narratives are multi-dimensional, each dimension conveying a particular moral or pedagogical message. Hence, in various contexts, different aspects of a prophet's story are highlighted.

At the same time, all prophets across all ages followed a single path, and the hostility of their opponents displayed consistent patterns throughout history. The story of Noah (PBUH) appears in eight surahs—all Meccan: *al-Qamar*, *al-A'rāf*, *al-Shu'arā'*, *Yūnus*, *Hūd*, *Nūḥ*, *al-Mu'minūn*, and *al-Ankabūt*. These surahs were revealed during the early years of the Prophet's mission, prior to the migration, when the believers were a minority facing severe pressure from idolaters. They aimed both to call and warn the polytheists, and to console and encourage the Prophet and the believers.

The order of revelation of Noah's story is grounded in the twin theological principles of divine unity (*tawḥīd*) and prophethood (*nubuwwa*). Its features include calls to accept God's authority and reject false gods; warnings against obstinacy and harsh opposition to false beliefs; refutations

of empty superstitions; reminders of the ultimate fate of prophets, their followers, and their opponents; and the divine method of calling disbelievers to persuasion through reasoned appeal.

Keywords

Islamic civilization; Qur’anic narratives; story of Prophet Noah (PBUH); sequential thematic exegesis.

Ethical Considerations

Compliance with research ethics. The authors observed the ethical principles in conducting and publishing this scholarly research, and this is confirmed by all of them.

Conflict of interest

The authors declare that they have no conflict of interest.

Funding statement

The authors declare that no funds, grants, or other support were received during the preparation of this manuscript.

References

- The Holy Qur'an (M. Fooladvand, Trans.).
- Nahj al-Balagha* (M. Dashti, Trans.).
- Ālūsī, S. M. (1994). *Rūh al-ma'ānī fī tafsīr al-Qur'ān*. Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
- Bahjatpour, A. (2013). *Sequential exegesis (principles, foundations, rules, and benefits)*. Research Institute for Culture and Islamic Thought. [In Persian]
- Bahjatpour, A. (2015a). *Along with revelation*. Al-Tamhid. [In Persian]
- Bahjatpour, A. (2015b). *Sequential encyclopedia of the Qur'an*. Al-Tamhid. [In Persian]
- Darwaza, M. 'I. (1963). *Al-Tafsīr al-ḥadīth*. Dār Iḥyā' al-Kutub al-'Arabiyya. [In Arabic]
- Ebn Hishām, 'A.-M. (1972). *The prophetic sīra* (M. Ansari, Trans.). Neshr-e Mowlā. [In Persian]
- Fakhr Rāzī, M. b. 'U. (1999). *Al-Tafsīr al-kabīr (Mafātīḥ al-ghayb)*. Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
- Gholami, R. (2017). *Lectures on the philosophy of modern Islamic civilization*. Sūreh Mehr. [In Persian]
- Ḥabannaka al-Maydānī, 'A. Ḥ. (1967). *Ma'ārij al-tafakkur wa daqā'iq al-tadabbur*. Dār al-Qalam. [In Arabic]
- Hosseini Hamadani, S. M. H. (1984). *Anvār-e Derakhshān*. Ketabforushi Lotfi. [In Persian]
- Ibn 'Āshūr, M. Ṭ. (1999). *Al-Tahrīr wa al-tanwīr*. Mu'assasat al-Tārīkh al-'Arabī. [In Arabic]
- Ibn 'Aṭīyya al-Andalusī, 'A. b. Gh. (2001). *Al-Muḥarrar al-wajīz fī tafsīr al-kitāb al-'azīz* (M. 'Abd al-Salām 'Abd al-Shāfi, Ed.). Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
- Jafari, Y. (1998). *Kosar exegesis*. Hejrat. [In Persian]
- Kashani, M. F. (1957). *Minhaj al-ṣādiqīn fī ilzām al-mukhālīfīn*. Ketābforūshi Mohammad-Hasan Elmi. [In Persian]
- [Khomegar, M. \(2010\). The semantic network of Qur'anic subjects: Introducing six approaches to thematic exegesis of the Qur'an. Qur'anic Studies, 16\(62–63\), 236–271. \[In Persian\]](#)
- Kulaynī, M. b. Ya'qūb. (1968). *Al-Kāfī*. Dār al-Kutub al-Eslāmiyya. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsīr Nemuneh*. Dār al-Kutub al-Eslāmiyya. [In Persian]
- Mallahwīsh Āl-Ġāzī, S. 'A. (1962). *Bayān al-ma'ānī*. Maṭba'at al-Taraqī. [In Arabic]
- Ma'rifat, M.-H. (2001). *Qur'anic sciences*. Al-Tamhid. [In Persian]
- Nekounam, J. (2001). *An introduction to the chronology of the Qur'an*. Hasti-Nama. [In Persian]
- Qorashi, S. A. (1992). *Qamus al-Qur'an*. Dar al-Kutub al-Eslāmiyah. [In Persian]
- Rasouli Mahallati, S. H. (2003). *Stories of the Qur'an*. Bustan-e Ketab. [In Persian]
- Ṭabāṭabā'ī, M. H. (1996). *Al-Mīzān fī tafsīr al-Qur'ān*. Daftar Enteshārāt-e Eslami, Howzeh Elmiyeh Qom. [In Arabic]
- Ṭabrisī, Faḍl b. Ḥasan. (1991). *Tafsīr jawāmi' al-jāmi'*. Markaz Modiriyat-e Howzeh Elmiyeh Qom. [In Arabic]
- Ṭūsī, M. b. Ḥasan. (n.d.). *Al-Tibyān fī tafsīr al-Qur'ān* (A. Qaysar 'Āmelī, Ed.). Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
- Yousofi Ghavami, M.-H. (1996). *Mawsū'at al-tārīkh al-islāmī*. Majma' al-Fikr al-Islāmī. [In Arabic]
- Zamakhsharī, M. b. 'U. (1987). *Al-Kashshāf 'an ḥaqā'iq ghawāmiḍ al-tanzīl*. Dār al-Kitāb al-'Arabī. [In Arabic]

How to cite:


Emadi, Somayeh, & Karimi, Mehri. (2025). Components of Islamic civilization based on the historical process of the revelation of the story of Prophet Noah (PBUH) in the Holy Qur'an. *Quran, Culture And Civilization*, 6 (3), 95-118. <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.476604.1384>

A Paratextual Reading of Qur'anic Ornaments Based on Gérard Genette's Theory of Paratextuality

Azarm Markazi ¹  Mohammadreza Sharifzadeh ²  Mohammad Aref ³ 

1. PhD Candidate in Comparative and Analytical History of Islamic Art, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.
2. Professor of Philosophy of Art, Faculty of Arts, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author).
3. Associate Professor, Department of Theater, Faculty of Arts, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

Corresponding Email: Moh.sharifzade@iauctb.ac.ir

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.496798.1429>

Article History:

Received: 2025-01-22

Revised: 2025-04-16

Accepted: 2025-04-23

Online First: 2025-09-14

Keywords

Paratextuality,
Gérard Genette,
Qur'an,
Ornamentation.

Type of Article:

Research

Abstract: Paratextuality, as a branch of Gérard Genette's broader theory of transtextuality, is a contemporary approach for examining the influence of a text on its surrounding elements and especially on its readers. Initially developed for analyzing the book as a text, this theory provides a framework for exploring the reciprocal relationship between a work and its paratextual environment. The presence of Qur'anic verses in diverse works produced across the Islamic world has been one of the earliest and most distinctive features separating "Islamic art" from the arts that preceded it. Manuscripts of the Qur'an reflect a wide range of information about the art, culture, and civilization of their era. The ornaments that frame this most significant historical text and the miracle of the Prophet Muhammad (PBUH) have undergone substantial transformations over time. This study investigates the evolution of these ornaments, their types, and their mutual interaction with the Qur'anic text from a paratextual perspective, employing a descriptive-analytical method and situating the discussion historically within the framework of the Persianate world. The findings reveal that ornaments, as paratexts, create a communicative network that mediates between the divine word and its readers, inviting engagement with the text. Furthermore, the study examines their grammar as a medium, categorizes the functional, symbolic, and decorative conventions present in this network, and traces their historical transformations.

How to cite:

Markazi, Azarm, Sharifzadeh, Mohammadreza, & Aref, Mohammad. (2025). A paratextual reading of Qur'anic ornaments based on Gérard Genette's theory of paratextuality. *Quran, Culture And Civilization*, 6 (3), 119-144. <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.496798.1429>





خوانش پیرامنتی آرایه‌های قرآنی با تکیه بر نظریه پیرامنتیت ژرار ژنت

آزرم مرکزی^۱ <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.496798.1429>



محمد رضا شریف‌زاده^{۲*}
محمد عارف^۳

مقاله: پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۳-۱۱-۰۳
بازنگری: ۱۴۰۴-۰۱-۲۷
پذیرش: ۱۴۰۴-۰۲-۰۳
انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۶-۲۳

چکیده

پیرامنتیت، به عنوان شاخه‌ای از نظریه جامع‌تر ترامنتیت متفکر فرانسوی ژرار ژنت، رویکردی معاصر در بررسی تأثیر یک متن بر پیرامون خود و به‌ویژه مخاطبان خود است که از ابتدا برای بررسی متن در معنای کتاب طرح شد. این نظریه امکانی ایجاد می‌کند تا به فضای پیرامون یک اثر و تأثیر دوجانبه متن و پیرامونش بپردازیم. وجود آیات مقدس قرآن کریم در آثار گوناگون تولیدشده در سراسر عالم اسلام، از اولین عوامل متمایزکننده «هنر اسلامی» از هنرهای پیش از خود است. نسخه‌های خطی قرآن منعکس‌کننده سطح وسیعی از اطلاعات درباره هنر و فرهنگ و تمدن دوران خود است. آرایه‌های قرآنی که پیرامون این مهم‌ترین متن تاریخی و معجزه پیامبر اکرم (ص) قرار گرفته، در گذر زمان، تغییر و تحولات وسیعی یافته است. این پژوهش با پرسش از تحول آرایه‌ها و گونه‌های آن و تأثیر متقابل متن و آرایه‌ها بر یکدیگر از منظر پیرامنتی و با روش توصیفی-تحلیلی، آن‌ها را با رویکردی تاریخی در چهارچوب ایران فرهنگی بررسی کرده است. نتایج حاصله نشان‌دهنده این است که آرایه‌ها به مثابه پیرامنت، یک شبکه ارتباطی جهت دعوت به خواننده شدن میان کلام خدا و خوانندگان برقرار می‌سازد. همچنین دستور زبان آن‌ها را به مثابه یک رسانه بررسی می‌کند؛ قراردادهای کاربردی، نمادین و تزئینی حاضر در این شبکه ارتباطی را دسته‌بندی می‌نماید و تحول آن‌ها را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: پیرامنتیت، ژرار ژنت، قرآن، آرایه.

استناد به مقاله:

مرکزی، آزرم؛ شریف‌زاده، محمد رضا؛ و عارف، محمد. (۱۴۰۴). خوانش پیرامنتی آرایه‌های قرآنی با تکیه بر نظریه پیرامنتیت ژرار ژنت. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۶(۳)، ۱۱۹-۱۴۴.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.496798.1429>

Moh.sharifzade@iauctb.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
۲. استاد فلسفه هنر، دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

۳. دانشیار گروه نمایش، دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.



۱. مقدمه

نسخه‌های خطی را می‌توان اشیایی چندوجهی در نظر گرفت که علاوه بر ادبیات و هنرهای بصری، سطح بالایی از هنر و ارتباطات انسانی را نیز نشان می‌دهند. درحقیقت آن‌ها رسانه هستند. در میان نسخه‌های خطی، متون مقدس ویژه هستند؛ زیرا متن مقدس با خواندن رشد پیدا می‌کند و خواندن به مثابه عملی فیزیکی است که تأثیر خود را بر متن می‌گذارد. پاورقی‌ها، شماره صفحات، تقسیم‌بندی آیات و علامت‌های انتهای آیات و مانند آن، همه نشانه‌هایی برای خوانندگان هستند. در میان متون مقدس، قرآن کتاب مقدس مسلمانان، به علت ویژگی خاص آن و اینکه اصولاً کتابی است که به معنای دقیق کلمه برای قرائت کردن نازل شده، از این لحاظ ویژگی منحصر به فردی دارد. بنابراین گرچه آرایه‌ها و تزیینات قرآن برای ارج نهادن به کلام خداست، از جانب دیگر می‌توان به کاربردی بودن آن‌ها برای مخاطب نیز اشاره کرد. این آرایه‌ها متن مقدس را احاطه می‌کنند و در پیرامون آن فضایی می‌آفرینند که علاوه بر اینکه در خدمت متن است، در ارتباط با مخاطب نیز فضای رسانه‌ای خود را خلق می‌کند. پیرامنتیت، به عنوان زیرمجموعه‌ای از نظریه بینامتنیت، اصطلاحی است که ژرار ژنت^۱ متفکر فرانسوی، نخستین بار برای فضایی که به طور فیزیکی و غیرفیزیکی یک متن (کتاب) را دربرمی‌گیرد، ارائه داد. ژنت توجه را به نقش تأثیرگذار پیرامتن‌ها در میانجی‌گری میان خوانندگان و متون جلب و پیرامتن‌ها را مانند راهی برای ورود به متن معرفی کرد. طبق دیدگاه او، دو کارکرد عمده پیرامتن‌ها عبارت است از: روش ارائه اثر و ساختن یک ارائه. تذهیب‌ها و آرایه‌های قرآنی به عنوان پیرامتن‌ها، با اینکه معمولاً بخش کمتری نسبت به کل متن قرآن را دربردارند، غالباً چهارچوب اصلی فرم متن را شکل می‌دهند.

۱-۱. روش پژوهش

این مقاله به روش توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با مشاهده آثار جمع‌آوری شده است. این پژوهش در بستر مطالعات تاریخی و بر پایه انتخاب نمونه‌هایی از آثار تاریخی انتخابی انجام شده و آثار مطالعه شده همگی قرآن‌هایی است که در چهارچوب تاریخی ایران فرهنگی خلق شده است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون تذهیب‌های قرآنی و چگونگی تغییر و تحول تاریخی آن‌ها بارها مطالعه شده است؛ از آن جمله، هاجر سلیمی نمین در مقاله «کتابت و تذهیب در قرآن‌های چهار قرن اول اسلام با رویکرد هنر قدسی» این تذهیب‌ها و آرایه‌ها را بررسی کرده است. فاطمه غلامی هوچقان در مقاله «مطالعه مفاهیم آرایه‌های تذهیب در عرفان ایرانی اسلامی و تناسب آن با محتوای قرآن»، با رویکردی عرفانی به مطالعه هماهنگی فرم تذهیب با معانی عرفانی آن پرداخته است. حبیب‌الله عظیمی در مقاله «ادوار تذهیب در کتاب‌آرایی ایرانی»، به بررسی سیر تحول تذهیب در دوران مختلف پرداخته و ویژگی‌های هر دوره را بررسی کرده است. همچنین محیا فرح‌بخش (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، به بررسی نقوش تذهیب قرآن کریم در دوره صفوی پرداخته و بیشتر به جنبه تاریخ‌نگاری و بیان تاریخچه اشاره کرده است. لاله دانش (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، به بررسی خصوصیات آرایه‌های تزیینی قرآن کریم پرداخته، ولی تنها به مطالعه موردی یک نمونه از قرآن عثمان بن وراق پرداخته است که بیشتر شرحی توصیفی است. مهناز ابراهیم‌زاده نجفی (۱۳۹۱) نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، به بررسی تطبیقی نقوش تجریدی تذهیب در دوره صفوی و تأثیر آن بر هنر معاصر پرداخته است. پژوهش او از نظر بررسی تطبیقی، دارای نوآوری بیشتری است. این مرور مختصر نشان می‌دهد که رویکردی معاصرانه به آرایه‌های موردبحث در هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها دیده نمی‌شود و پژوهش حاضر از این نظر نوآوری دارد.

1. Genette, Gerard

۲. مبانی نظری

بینامتنیت که توسط پساساختارگرایانی چون جولیا کریستوا^۱ و رولان بارت^۲ مطرح شد، به مطالعه فرآیند معناگذاری و معناپردازی می‌پردازد و فرآیند تولید معنا را از طریق روابط بینامتنی بررسی می‌کند؛ نشانه‌شناسی نیز به همین ترتیب، به رمزگشایی از متون می‌پردازد. نشانه‌شناسی دانشی است که پس از فعالیت‌های فردینان دوسوسور^۳ نشانه‌شناسی و زبان‌شناس سوئیسی اهمیت یافت. نسل اول بنیان‌گذاران بینامتنیت را می‌توان فردینان دوسوسور و میخائیل باختین^۴ متفکر روس دانست. سوسور زبان را به «لانگ» (نظام زبان) و «پارول» (گفتار) تقسیم کرد. به نظر او، آنچه باید مطالعه شود، لانگ است و زبان یا همان لانگ یک نظام نشانه‌ای است. درمقابل، باختین بر مطالعه پارول و نقش اجتماع در شکل‌گیری آن تأکید داشت. باختین گفتار را بر ساخته اجتماع قلمداد می‌کرد، نه مقوله‌ای منفک از شرایط. «اصطلاح سلووی^۵ روسی را می‌توان به «واژه» ترجمه کرد، اما در مکتب باختین [این اصطلاح] با مایه‌ای عمیقاً اجتماعی که نزدیک به «گفته» یا «سخن» است، به کار می‌رود» (سلدن، ویدوسون، ۱۳۸۴، ص ۵۸). گراهام آلن^۶ در کتاب بینامتنیت، در رابطه با ریشه‌های شکل‌گیری بینامتنیت نزد سوسور و باختین می‌نویسد: «اگر سرشت رابطه‌ای واژه برای سوسور، از در نظر گرفتن زبان به عنوان یک نظام تعمیم‌یافته و انتزاعی ناشی می‌شود، برای باختین این سرشت ناشی از موجودیت واژه در عرصه‌های اجتماعی خاص، نمودهای اجتماعی خاص و وهله‌های خاص بیان و دریافت است» (آلن، ۱۳۸۰، ص ۱۹). با توجه به این امر، باختین مسئله گفتگومندی در متن را بیان می‌کند. «درواقع، گفتگومندی عنصر اساسی آرای باختین در مورد روابط میان متون محسوب می‌شود. باختین به نقش جامعه در شکل‌گیری شخصیت انسانی تأکید بسیار داشته است. او همچنین معتقد است که زبان به بهترین صورت می‌تواند این ویژگی گفتگومندی را ظاهر کند. از نظر باختین، گفتار همیشه با گفتار یا گفتارهای دیگر در ارتباط است» (نامور مطلق، ۱۳۸۷، ص ۴۰۰). کریستوا به عنوان واضع بینامتنیت، درباره تأثیرپذیری‌اش از باختین می‌گوید: «من اندیشه باختین درباره وجود صداهای متعدد در درون یک متن را با ایده چند متن در درون یک متن جایگزین کردم. تاریخ همین است!» (کریستوا، ۲۰۰۲، ص ۸).

بینامتنیت شکل‌گیری یک متن بر اساس متون دیگر است. «بر پایه اصل اساسی بینامتنیت، هیچ متنی بدون پیش‌متن نیست و متن‌ها همواره بر پایه متن‌های گذشته بنا می‌شوند» (نامور مطلق، ۱۳۹۴، ص ۲۴). براین اساس، تاروپود یک متن، همواره در حال ساخته شدن است. «درواقع، یک اثر خودبسنده و به‌تنهایی حاکم بر کل خویش نیست؛ بلکه حاصل جذب و دگرگونی دیگر متن‌ها یا معرفی نقل قول‌هاست» (پین، ۱۳۸۳، ص ۱۷۰).

ژرار ژنت دیدگاهی نسبتاً ساختارگرایانه را درباره روابط بین متن‌ها دنبال می‌کند و می‌کوشد تا مفاهیم نسبتاً کلی و مبهم در بینامتنیت پیش از خود را دسته‌بندی شده و نظام‌مند عرضه کند. او به جای واژه بینامتنیت، از ترامتینیت^۷ استفاده می‌کند و پنج گونه روابط میان‌متنی را توضیح می‌دهد. ترامتینت دستگاه تازه و پیچیده‌ای است که نزد هیچ‌یک از نظریه‌پردازان بینامتنیت سابقه نداشته است. ژنت می‌کوشد تا همه ارتباطات میان متن‌ها را بررسی کند. پنج گونه ارتباط ترامتینی که ژنت تعریف می‌کند، عبارت است از: بینامتنیت (روابط هم‌حضور

1. Julia Kristeva
2. Roland Barthes
3. Ferdinand de Saussure
4. Mikhail Bakhtin
5. slovo
6. Graham Allen
7. Transtextualite

بین دو یا چند متن)، پیرامنتی^۱ (حضور یک متن اصلی و پاره‌متن‌ها در اطراف آن)، فرامنتی^۲ (تفسیر، نقد و داوری یک متن)، سرمنتی^۳ (رابطه یک متن با گروهی که به آن تعلق دارد) و بیش‌متنتی^۴ (روابط برگرفتگی بین دو متن ادبی یا هنری).

۱-۲. پیرامنتی

پیرامنتی مفهومی است که نخستین بار ژرار ژنت آن را در زمینه نشر و ادبیات مطرح کرد. او از مفاهیم پیرامتن و پیرامنتی برای توصیف یکی از انواع روابط میان متون استفاده کرد. «به نظر می‌آید که امروز (۱۳ اکتبر ۱۹۸۱) پنج گونه روابط ترامنتی را می‌توان از یکدیگر تمییز داد که به ترتیب و بسته به میزان تجریدی بودن، کاربری و جامعیت، بدان‌ها اشاره می‌کنم» (ژنت، ۱۹۸۲م، ص ۸). او سپس این روابط را چنین برمی‌شمارد: بینامنتی، پیرامنتی، سرمنتی، ترامنتی و بیش‌متنتی. او مفهوم پیرامنتی را دومین مفهوم از این پنج‌گانه می‌داند و با بیان خودش اهمیت آن را نشان می‌دهد. ژنت در ادامه پیرامنتی را این‌گونه تعریف می‌کند: «رابطه‌ای است که متنی مشخص، با آنچه آشکارا نقشی فراتر از متن اصلی دارد، برقرار می‌کند؛ مانند عنوان، زیرعنوان، مقدمه، مؤخره، توجه، پیشگفتار، حاشیه‌نویسی‌ها، زیرنویس‌ها، پانوش و انتهانوش‌ها، تصاویر، توضیحات و بسیاری دیگر از این قبیل» (ژنت، ۱۹۸۲م، ص ۱۰). ژنت این اصطلاح را برای توصیف همه چیزهایی که آثار ادبی را احاطه می‌کند، به کار می‌برد. بنابراین این اصطلاح برای توصیف یکی از انواع روابط ممکن بین متون استفاده می‌شود؛ هرچند در ادامه، در سایر زمینه‌ها نیز به کار گرفته شد.

ریشه و ساختار واژه «پیرامتن» از ریشه لاتین و ساخته ژرار ژنت است. «از حیث واژه‌شناسی، پیرامتن از دو بخش تشکیل شده است: para به معنای در کنار و در حاشیه، و texte یا متن که از واژه لاتین textus و از فعل texere به معنای رشتن یا بافتن برگرفته شده است. بدین ترتیب، پیرامتن شامل تمام آن چیزهایی است که درباره متن اصلی است و توسط نویسنده یا ناشر، با هدف تکمیل متن اصلی، در کتاب یا خارج از آن نمود می‌یابد» (حسین‌زاده و شهپرراد، ۱۳۹۷، صص ۹۷-۹۸). جوزف هیلیس میلر^۵ نویسنده و منتقد ادبی، در مقاله «منتقد به عنوان میزبان» درباره واژه پارا (para) می‌نویسد: «آنچه که «پیرا»ست، نه تنها همزمان در دو طرف خط مرزی بین داخل و خارج قرار دارد، همچنین خود مرز است؛ صفحه غشای نفوذناپذیری که داخل و خارج را به هم وصل می‌کند، آن‌ها را با هم اشتباه می‌گیرد، به داخل اجازه خارج شدن و به خارج اجازه داخل شدن می‌دهد و آن‌ها را از هم جدا و با هم ترکیب می‌کند؛ همچنین یک انتقال مبهم بین یکی و دیگری ایجاد می‌کند. ممکن است به نظر برسد یک کلمه در «پیرا» به صورت یک‌جانبه یکی از این امکانات را انتخاب می‌کند، اما معانی دیگر همواره به صورت درخششی در واژه وجود دارد که باعث می‌شود از ثابت ماندن در جمله خودداری کند» (هیلیس میلر، ۱۹۷۷، ص ۴۴). بنابراین منظور از پیرامتن، مرز یا فضای بین است که جداکننده و متصل‌کننده بیرون و درون است. «هیچ متنی بدون پوشش وجود ندارد؛ یا چنان‌که ژنت می‌گوید: به ندرت یک متن به طور عریان وجود دارد و همواره در پوششی از متن‌واژه‌هایی است که آن را به طور مستقیم یا غیرمستقیم دربرگرفته است. این متن‌هایی که همانند ماهواره متن اصلی را دربرمی‌گیرد، پیرامتن نامیده می‌شود. پیرامتن‌ها همچون آستانه متن هستند؛ یعنی برای ورود به جهان متن، همواره باید از ورودی‌ها و آستانه‌هایی گذر کرد» (نامور مطلق، ۱۳۸۹، صص ۸۹-۹۰). می‌توان گفت که پیرامنتی، متن‌هایی است که متن اصلی را به مثابه هسته اصلی دربرمی‌گیرند و خود متن‌های جدا محسوب نمی‌شود؛ مانند عنوان‌بندی یک فیلم، یا جلد یک کتاب یا مجله. پیرامتن‌ها را می‌توان عناصر

1. paratextualite
2. Metatextualite
3. Architextualite
4. Hypertextualite
5. Miller, J. Hillis

اغلب نادیده گرفته شده اکوسیستم‌های رسانه‌ای در نظر گرفت. پس از ژنت، محققان مختلف مطالعات رسانه‌ای و ارتباطی، شروع به استفاده از این اصطلاح برای فیلم و تلویزیون و سایر رسانه‌ها کردند و آن را به عنوان یک اصطلاح مفید برای دربرگرفتن دنیای عظیم تبلیغات، تریلرها، کالاها و بازی‌ها به کار بردند.

گراهام آلن پیرامتن را نشانه‌عنصری می‌داند که در آستانه متن قرار گرفته است و دریافت متن از سمت خواننده را کنترل می‌کند و جهت می‌دهد (آلن، ۱۳۸۰، ص ۱۲۸). پیرامتن بیش از یک متن یا یک محدوده است. پیرامتن یک آستانه است؛ یک راهروی ورودی که به طور کلی امکان قدم زدن در داخل یا بازگشت به عقب را فراهم می‌کند. اینجا یک منطقه تعریف نشده بین داخل و خارج است؛ منطقه‌ای که هیچ مرز سخت و سریعی در هر دو سویه درونی (چرخش به سمت متن) یا بیرونی (چرخش به سمت گفتمان بیرونی جهان در مورد متن) ندارد و به مثابه یک لبه، امکان ارتباط با هر دو سوی را دارد؛ منطقه‌ای بین متن و خارج از متن که هدفش تنها انتقال نیست، بلکه مذاکره می‌کند. موقعیتی ویژه از واقع‌بینی و تدبیر کنش‌گری عموم را فراهم می‌آورد و اگر از جانب عموم به صورت خوب یا بد درک شود، در خدمت پذیرش بهتر متن و خوانش مرتبط‌تر آن است. بنابراین، این عناصر در تمام دوره‌ها در اطراف متن به صورت تجربی، از یک گروه ناهمگن از همه انواع شیوه‌ها و گفتمان‌ها ساخته شده و ژنت آن‌ها را تحت عنوان «پیرامتن» در یک جامعه مشترک گرد هم آورده است (فرخی‌راد، نامور مطلق، خزایی، ۱۴۰۰، ص ۳۳۶). در چهارچوب نظر ژنت، پیرامتن‌ها به ندرت متونی جدا از متن اصلی در نظر گرفته می‌شوند و همواره نقشی مرزی دارند. «پس اغلب اوقات، پیرامتن خودش یک متن است. اگر هم هنوز متن نباشد، قبلاً متن بوده است. اما ما باید حداقل ارزش پیرامتنی را که در انواع مختلف ظهور وجود دارد، در نظر داشته باشیم. این‌ها ممکن است نمادین (تصویری)، مادی (به عنوان مثال، هر چیز خوشنویسانه که در ساخت کتاب مشارکت داشته است) یا کاملاً واقعی باشد. منظورم از واقعی، متنی است که از یک پیام صریح (شفاهی) تشکیل نشده، بلکه واقعی است که اگر وجود آن به تنهایی برای عموم شناخته شود، تفسیری برای متن فراهم می‌کند، یا بر نحوه دریافت متن تأثیر می‌گذارد» (ژنت، ۱۹۹۷م، ص ۷).

ژنت دو گونه پیرامتنی را از نظر محل قرارگیری در ارتباط با متن اصلی معرفی می‌کند. اپیتکست‌ها^۱ (تبلیغی) و پریتکست‌ها^۲ (آستانگی). «پیرامتنیت بر اساس دو نوع رابطه آستانگی و تبلیغی استوار شده است. پیرامتن آستانگی توسط متن‌هایی صورت می‌پذیرد که به نوعی متن اصلی را در برمی‌گیرد و خود متن‌هایی کاملاً مستقل محسوب نمی‌شود. به همین دلیل، می‌توان آن‌ها را متن‌های اقماری یا ماهواره‌ای نامید. آن‌ها متن اصلی را پوشش می‌دهند و مانند کمربندی آن را در برمی‌گیرند؛ چنان‌که یک بزرگراه کمربندی یک شهر را در برمی‌گیرد. عنوان اثر، عنوان مولف، اسامی دست‌اندرکاران، نام تهیه‌کننده یا ناشر، مقدمه، پیشکش‌نامه و پانوشت‌ها، همگی جلوه‌هایی از پیرامتن آستانگی محسوب می‌شود. همه این‌ها به شکلی به متن اصلی متصل است و به همین دلیل می‌تواند نقش آستانگی و ورودی متن را بازی کند» (نامور مطلق، ۱۳۹۵، ص ۲۶). در این پژوهش نیز، به آرایه‌ها در کتاب مقدس قرآن، به مثابه پیرامتن‌هایی با نقش آستانگی پرداخته‌ایم.

۲-۲. پریتکست

ژنت میان پیرامتن‌هایی که توسط نویسنده ایجاد شده و آن‌هایی که ناشر تولید کرده، تفاوت قائل است. طرح جلد و صفحه عنوان و ضمایم بر عهده ناشر و پاورقی‌ها و مقدمه‌ها بر عهده نویسنده است. در میان عناصر تشکیل‌دهنده جلد، مخصوصاً روی جلد، «عنوان» یکی از اولین مواردی است که خواننده با آن مواجه می‌شود. ژنت به سه کارکرد اصلی عنوان اشاره می‌کند: شناسایی اثر، اشاره به موضوع آن و

1. Epitexts
2. peritexts

جذب پتانسیل خواننده (نامور مطلق، ۱۳۹۵، ص ۷۶). از میان آنچه بر عهده نویسنده است، مقدمه بسیار مهم است؛ زیرا کارکرد اصلی پیشگفتار مؤلف، اطمینان از خواندن صحیح متن است (ژنت، ۱۹۹۷، ص ۱۹۷). براین اساس، نویسنده کتاب در مقدمه خود، توجه خواننده را به ارزش متن معطوف می‌کند. درعین حال، او خواننده را به چگونگی خواندن متن راهنمایی می‌کند و از این نظر می‌توان مقدمه را به عنوان ابزار متقاعدسازی توصیف کرد (ژنت، ۱۹۹۷، ص ۱۹۸). پیرامتن‌هایی با موقعیت آستانگی، درحقیقت در حاشیه متن هستند، اما خوانش آن را نیز کنترل می‌کنند. آن‌ها متن را گسترش می‌دهند، به خوانندگانش ارائه می‌کنند و دریافت آن‌ها از متن را با تقدیم‌نامه‌ها، پیشگفتارها، جدول‌ها و تصویرسازی‌ها و سایر عناصر پیرامنتی جهت می‌دهند. آن‌ها را می‌توان عناصر یا پیرامتن‌های درونی یا پیوسته هم نامید.

۲-۳. اپیتکست

اپیتکست پیرامنتی است که پیوسته با کتاب نیست و در کتاب وجود ندارد، بلکه خاصیت تبلیغی دارد. کارکرد این پیرامتن تبلیغی همان‌طور که از نامش پیداست، ترغیب مخاطب به ورود به دنیای متن است. «پیرامتن تبلیغی به متن‌هایی اطلاق می‌شود که سفیران و مبلغان متن اصلی است؛ یعنی از متن اصلی جدا می‌شود و در هیئت‌های گوناگون به تبلیغ اثر می‌پردازد. برخی از اشکال پیرامتن‌های تبلیغی عبارت است از: پوستر تبلیغی، تیزر تبلیغی، نشست‌های رونمایی و...» (نامور مطلق، ۱۳۹۵، ص ۲۶). پس پیرامتن‌ها (اپیتکست و پریتکست)، درواقع متن را گسترش می‌دهند. ژنت این دوگانه پیرامتن (آستانگی و تبلیغ) را به این صورت فرمول‌بندی می‌کند: «برای کسانی که مشتاق فرمول هستند، پیرامتن = پریتکست + اپیتکست» (ژنت، ۱۹۹۷، ص ۵). بنابراین و بر اساس تعریفی که از واژه «پیرا» ارائه شد، می‌توان پیرامتن‌ها را ابزارهایی درون متن (در نقش آستانگی) و بیرون از متن (در نقش تبلیغی) محسوب کرد که به صورت واسطه میان اثر و مخاطب عمل می‌کنند.

۲-۴. طبقه‌بندی پیرامنتی ژنت

طبقه‌بندی پیرامنتی ژنت با پنج سؤال اداره می‌شود. «این ویژگی‌ها اساساً خصوصیات مکانی، زمانی، اساسی، عمل‌گرایانه و عملکردی یک پیام فرامنتی را توصیف می‌کنند. به طور دقیق‌تر، تعریف یک عنصر پیرامنتی شامل تعیین مکان آن (پرسش از کجایی؟)، تاریخ ظهور و در صورت لزوم ناپدید شدن آن (چه زمانی؟)، نحوه وجود کلامی یا غیرکلامی آن (چگونگی؟)، ویژگی‌های وضعیت ارتباطی آن (از چه کسی به چه کسی؟) و کارکردهایی است که پیام قصد انجام آن را دارد (برای انجام چه کاری؟)» (ژنت، ۱۹۹۷، ص ۴). روابط پیرامنتی از دیدگاه ژنت و در کتاب پیرامنتیت: آستانه‌های تفسیر^۱ از پنج جهت قابل بررسی است:

مکان: مکان در پیرامنتیت به صورت دوگانه اپیتکست و پریتکست یا همان متن‌های تبلیغی و آستانگی مفهوم‌سازی می‌شود. اپیتکست‌ها با خاصیت تبلیغی در فاصله بیشتری از متن فعالیت می‌کنند و در همان مکان فیزیکی متن قرار دارند.

زمان: در مورد بعد زمان سه مسئله در نظر گرفته می‌شود: زمان نسبی نسبت به انتشار نوبت اول که آیا متن‌های منتشرشده قبل از متن یا همزمان با آن نیز بر تشکیل این نوع از پیرامتن مؤثرند؛ زمان نسبی نسبت به زندگی نویسنده، یعنی پیرامنتی‌هایی که همزمان با دوره حیات نویسنده و پس از مرگ او منتشر می‌شود؛ مدت‌زمان: در طول زمان معمولاً سه واقعه بر عناصر پیرامنتی رخ می‌دهد: حذف می‌شوند، تغییر می‌کنند یا دست نخورده باقی می‌مانند.

1. Paratexts: Thresholds of Interpretation,

ماهیت یا چگونگی: ژنت بیشتر بر پیرامتن‌های کلامی متمرکز است و به جزئیات زیادی درباره دیگر انواع پیرامتن‌ها نمی‌پردازد، اما سه مثال ذکر می‌کند: «نمادین (تصویرسازی‌ها)، جنس مواد (خوشنویسی، قالب) و واقعیت» (ژنت، ۱۹۹۷م، ص ۷). دو نوع اول به راحتی در چهارچوب پیرامتنیت قرار می‌گیرد، اما نوع سوم، یعنی واقعیت، کمی از زمینه پیرامتنی فراتر می‌رود و قابلیت تأثیرگذاری بر تفسیر متن را هم دارد.

وضعیت ارتباطی: توجه به فرستنده، مخاطب، درجه اقتدار فرستنده و قدرت غیرکلامی پیرامتن‌ها در این بعد قرار می‌گیرد. ژنت درباره فرستنده، نویسنده و ناشر و آلوگرافیک (شخص سومی که کار پیرامتن توسط نویسنده یا ناشر به او تفویض شده) را مسئول می‌داند. مثلاً پیشگفتاری امضا شده در یک کتاب از طرف شخصی غیر از نویسنده، نمونه‌ای از کار آلوگرافیک است. درباره مخاطب نیز سه وجه را در نظر دارد: وقتی که پیرامتن دسته عمومی از مخاطبان را دربرمی‌گیرد، وقتی فقط برای افراد خاصی در نظر گرفته شده و قرار نیست محتوای آن را به اشتراک بگذارند و درنهایت، پیرامتن‌های صمیمی که محدودترین مخاطبان را دارند. پیرامتن‌ها در مورد درجه قدرت فرستنده که از نظر ژنت می‌تواند نویسنده یا ناشر باشد، دو وجه رسمی و نیمه‌رسمی دارند. مسئولیت پیرامتن‌های رسمی با نویسنده و ناشر است، اما پیرامتن نیمه‌رسمی می‌تواند پس گرفته شود.

کارکردی: این بعد، بر وجه تبعیت پیرامتن‌ها از متن اصلی تأکید دارد. این تبعیت کارکردهای خاصی را برای پیرامتن مشخص می‌کند؛ به طور مثال، تصحیح معانی خطا در متن (ژنت، ۱۹۹۷م، صص ۴-۸).

۲-۶. نظریه پیرامتنیت ژنت و کارکرد آن

تمرکز اصلی ژرار ژنت در نظریه پیرامتنی، بر آثار ادبی چاپی و عمدتاً رمان و تأثیرات ناشر و نویسنده بر این آثار استوار است؛ از این رو به طور مستقیم با نسخه‌های خطی ارتباط برقرار نمی‌کند. او در این باره می‌گوید: طبق تعریف، چیزی پاراتکست نیست، مگر نویسنده یا یکی از همکارانش مسئولیت آن را بپذیرند؛ اگرچه درجه این مسئولیت ممکن است متفاوت باشد... انواع رسمی پیرامتن‌ها هر پیام پیرامتنی‌ای است که به طور واضح توسط نویسنده، ناشر یا هردو پذیرفته شده؛ یک پیام که نویسنده یا ناشر از آن گریزی ندارد... انواع غیررسمی (یا نیمه‌رسمی) پاراتکست‌ها در اغلب موارد، پری‌تکست‌های نویسنده است: مصاحبه‌ها، گفت‌وگوها و صمیمیت و مسئولیتی که نویسنده همیشه می‌تواند کم‌وبیش آن را با انکارهایی از نوع «این دقیقاً آن چیزی نیست که من گفتم» انکار کند (ژنت، ۱۹۹۷م، صص ۹-۱۰). از نظر ژنت هر آنچه بعداً به متن اضافه شود، در محدوده نظریه پیرامتنی او قرار ندارد و بیشتر متمایل به فرامتنیت خواهد بود. در دنیای ژنت، نویسنده و ناشر با همکاری هم پیرامتن را تولید می‌کنند؛ امری که در دنیای باستان نادر به نظر می‌رسد. البته در زمینه نگارش و کتابت متون مقدس بحث از نویسنده، محلی از اعراب نخواهد داشت. ژنت درباره پیرامتن‌ها در نسخه‌های خطی کاوش نکرده، اما در کتاب پیرامتنیت خود می‌گوید: «این بدان معنا نیست که در دوره [بسیار طولانی] پیش از گوتنبرگ و با نسخه‌های دست‌نویس که حقیقتاً در آن زمان هم یک فرم از نشر بود، چیزی از عناصر پیرامتنی نمی‌دانستند. ما دلیلی برای این پرسش خواهیم داشت که چگونه در دوران باستان و سده‌های میانه، عناصری مانند عنوان یا نام نویسنده را در جایی به کار می‌بردند که امروزه پیرامتن ناشر محسوب می‌شود» (ژنت، ۱۹۹۷م، ص ۱۶). به نظر می‌رسد ژنت تأثیر فرم و شکل امروزی پیرامتن‌ها، یا به عبارت دقیق‌تر، پری‌تکست‌های یک اثر (کتاب) را و مدار نسخه‌های باستانی می‌داند. ژنت همچنین پیرامتن‌هایی پدیدآمده توسط نویسنده (پیشگفتار، عنوان، زیرنویس و مانند آن) و پیرامتن‌هایی پدیدآمده توسط ناشر (طرح جلد، سایز و اندازه و نوع کاغذ و تصاویر) را از هم تفکیک می‌کند. او سپس تصویر را هم به انواع پیرامتن‌های تولیدشده توسط ناشر اضافه می‌کند و مشخصاً از تذهیب‌های نسخه‌های قدیمی نام می‌برد: از حروف بزرگ (حروف

ابتدای جمله) و تذهیب‌های زینتی قرون وسطی و ارزششان به عنوان تفسیر که اغلب قدرت زیادی هم دارد (ژنت، ۱۹۹۷م، ص ۴۰۶). از نظر او، نویسنده و ناشر با هم کتاب را تولید می‌کنند و این امری است که در دنیای باستان بسیار کمیاب بوده و درباره کتاب‌های مقدس امکان ندارد.

۳. تذهیب در قرآن

پیش از اسلام، کتاب‌های ادیان دیگر نیز با خوشنویسی و آرایه‌های گوناگون پیراسته می‌شد. «این ایده که مصحف باید کتابی زیبا باشد، احتمالاً حاصل برخورد با دیگر سنت‌های مخطوط، یا به سبب آشنایی با دیگر کتابت‌های ایشان، یا استخدام هنرمندان مسیحی یا یهودی توسط مسلمانان و تلاش‌های امویان برای رقابت با بیزانس است» (دروش، ۱۳۹۵، صص ۲۴۰-۲۴۱). «کتاب‌هایی نظیر تورات و انجیل هم از قرن‌های اولیه استقرار مسیحیت، خوشنویسی و کتاب‌آرایی می‌شدند و درخشان‌ترین این نمونه‌ها از قرون پنجم تا هفدهم میلادی باقی مانده‌اند که خوشنویسی شده و سراسر پوشیده از تذهیب و تصویرگری‌های استادانه و هنرمندانه‌اند» (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۵۴). باید توجه داشت که همه این کتاب‌های مقدس مجموعه‌ای از احادیث و داستان‌های مقدس است. انجیل‌های چهارگانه (متی، مرقس، لوقا، یوحنا) روایت چهار حواری عیسی مسیح است. از سنت مانوی کتابی که نزدیک به زمان ساسانیان کتابت شده باشد به دست نیامده و اوستا نیز مجموعه پند و اندرزهایی از زرتشت است. هیچ‌کدام از آن‌ها ادعا ندارند که کلام خود خداوند باشند. تنها قرآن است که کلام مستقیم خداوند شمرده شده است. علاوه بر این، قرآن معجزه پیامبر اکرم (ص) است و باید به زیباترین نحو بیان و نگارش شود. همچنین نوشتن، عینیت بخشیدن به امری انتزاعی است. ایده زیباسازی این کتاب حاصل مواجهه مسلمانان با سایر ادیان اهل کتاب هم بوده است. «مسلم‌ها فکر تثبیت تمامیت وحی به کتابت، برای محمد (ص) با همان عنایتی که او می‌دید یهودیان و نصارا دارای کتب مقدسند، مطرح بود. به علاوه، در قرآن غالباً این فکر یافت می‌شود که الله صاحب قانون الهی است و او تمام آن را بر لوح محفوظ نگاهشته است و این دفتر آسمانی نه تنها شامل تمام قرآن است، بلکه محتوی تمام کتب وحی شده بر انبیای قبل نیز هست؛ هرچند این کتب بعدها به وسیله طرفداران آن‌ها قلب و تحریف شده باشد» (بلاشر، ۱۳۷۶، صص ۳۳-۳۴).

نص قرآن نیز اهمیت کتابت و محافظت از این متن را در آیات زیادی تصریح می‌کند. تأکیدهای قرآن در باب تعلیم و تعلم و تفکر، در بسیاری از سوره‌های قرآن از جمله بقره (آیه‌های ۲، ۴۱ و ۱۷۴)، آل عمران (۳، ۴ و ۷)، نساء (۱۳۶)، مائده (۴۸)، انعام (۸۸، ۸۹ و ۱۵۵)، اعراف (۲ و ۵۲)، هود (۱)، رعد (۱)، ابراهیم (۱)، حجر (۱)، اسراء (۸۲)، کهف (۱ و ۲)، مریم (۹۷)، طه (۲ و ۳)، انبیاء (۱۰)، حج (۱۶)، نمل (۱ و ۲)، قصص (۲)، لقمان (۲ و ۳)، سجده (۲)، فاطر (۳۲)، یس (۲، ۴ و ۵)، ص (۱ و ۲۹)، زمر (۱، ۲، ۲۳ و ۲۸ و ۴۱)، غافر (۲)، فصلت (۲ تا ۴)، شوری (۷)، زخرف (۳ تا ۵)، دخان (۲ و ۳)، جاثیه (۱۱، ۲۰ و ۲۹)، احقاف (۲)، ق (۱)، قمر (۱۷)، ۲۲ و ۳۲ (۴۰)، واقعه (۷۷ تا ۸۰)، قلم (۱)، حاقه (۳۸ تا ۴۰)، تکویر (۱۹ و ۲۵ تا ۲۷)، طارق (۱۳ و ۱۴) و قدر (۱) آمده است. این تأکیدها همه گویای آن است که به منظور حفاظت و توجه و احترام بیشتر به قرآن کریم، شایسته است این کتاب به زیباترین و جذاب‌ترین شیوه ارائه شود (رستمی، ۱۳۹۱، صص ۱۲-۱۳).

همچنین باید اذعان داشت که متن مقدس قرآن، به دلیل ساختار و تقسیمات و نحوه خوانش و برخی اعمالی که برای خواندن آن ضروری بود (از قبیل سجده کردن در بعضی آیات)، امکان و ضرورتی را فراهم می‌کرد تا هنرمندان تذهیب‌کار در کنار خوشنویسان، برای تولید شکلی و درخور شأن آن فعالیت کنند. تقسیمات قرآن عموماً جهت قرائت و حفظ و تدریس آن بوده است. رژی بلاشر^۱ تقسیم قرآن به سی

1. Rejis Blachere

قسمت یا سی جزء را به جهت خواندن قرآن در یک ماه و مخصوصاً اتمام آن در طول ماه رمضان می‌داند (بلاشر، ۱۳۷۶، صص ۱۵۷-۱۵۸). خواننده یا قاری قرآن، بی‌واسطه با عین کلام خداوند مواجه می‌شد و صحیح خواندن کلمات خدا بر عهده او بود. این تقسیم‌های ضروری، به قولی از زمان پیامبر (ص) آغاز شد. «از تقسیم‌هایی که درباره قرآن صورت گرفته، تقسیم‌های شکلی است. شاید بتوان تقسیم شکلی قرآن را تقسیم از جهت حجم دانست. سابقه این تقسیم را باید در عهد صحابه و بنا بر برخی نقل‌ها، در عهد نبوی دانست که به منظور سهولت در امر قرائت، حفظ و تدریس قرآن کریم، آن را به بخش‌های مختلفی تقسیم کرده‌اند. منظور از این اصطلاح، تقسیم‌هایی از قبیل تقسیم قرآن به سی جزء، هر جزء به چند حزب و هر حزب به چهار ربع است که با گذاشتن نشانه‌هایی در قرآن کریم معلوم می‌شود» (مرکز مطالعات و مدارک اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۵۰).

به تدریج و همگام با تقسیم‌های ضروری، فضاها و دیگری نیز برای ارائه شکل‌تر کلام خداوند یافت می‌شد. قرآن از ۱۱۴ سوره تشکیل شده و هر سوره خود دربرگیرنده جملاتی است که «آیه» نامیده می‌شود. تقسیم‌بندی دیگر قرآن، به صورت ۳۰ بخش مساوی است که «جزء» نامیده می‌شود. قرآن خودش دارای مجال‌هایی است که مذهب را برای ارائه هنرش برمی‌انگیزاند. از شاخص‌ترین این امکانات، سرلوحه سوره و فاصله بین آیات است. به علاوه علائم نشان‌دهنده هر پنج یا ده آیه نیز مجالی برای تکرار منظم نشان‌های زینتی در حاشیه را فراهم می‌کند. خوب است قاری بدانند در کجای متن باید سجده کند؛ لذا این مواضع با نشانه تزئینی نمایش داده می‌شود. همچنین طبیعی است که افتتاح کل کتاب باید از هنرنمایی چشمگیری برخوردار گردد. عاقبت دلایلی از این قبیل، بر وسواس خطاطان فائق آمد و ایشان را قانع کرد که تزئینات می‌تواند به ابزار مفیدی برای افزایش تأثیراتی تبدیل شود که قصد اولیه خطاطان بود (شریفی و چیت‌سازان، ۱۳۹۷، ص ۶۵). به این ترتیب، اولین جایگاهی که بر اساس ساختار قرآن، در قرآن‌های اولیه برای تزئین کاربرد داشت، سرسوره‌ها، علامت پایان آیات و تقسیمات اولیه نصف و جزء و حزب بود. بر اساس مصحف موجود می‌توان گفت که قرآن‌های اموی از سده سوم هجری به بعد، دارای صفحات افتتاحیه در آغاز، انجامه در پایان کتاب و صاحب مواضع تزئینی می‌شود. البته مارتین لینگر عقیده دارد هنر تذهیب نسبت به خوشنویسی رشد محدودتری داشته است؛ زیرا نگارش قرآن خود مستقیماً آن را طلب نمی‌کرد و ترس از جایز نبودن وارد کردن هر چیز زائدی به قرآن، تذهیب را محل تأمل قرار می‌داد (لینگر، ۱۳۷۷، ص ۷۱). همچنین در آغاز کتابت قرآن، ابداع نشانه خاصی برای تقسیم آیات صورت نگرفت؛ زیرا کاتبان و قاریان با توجه به اینکه از نظر تاریخی به زمان نزول وحی در دوره پیامبر نزدیک بودند، مواضع اتمام و آغاز آیات را می‌شناختند.

شکل و مواضع تقسیم و تزئین در آغاز از فرم ثابتی پیروی نمی‌کرد. «به نظر نمی‌رسد که در آن زمان، یک گزینه خاص در نحوه ساماندهی فرم‌ها متداول بوده است. گذاشتن یک سطر خالی مابین سوره‌ها، روشی مناسب برای جدا کردن دو سوره از هم به شمار می‌آمده است» (دروش، ۱۳۹۵، ص ۲۳۴). اما اساس تذهیب، از کادربندی صفحات آغاز می‌شد؛ زیرا فضایی خلق می‌کرد که هنرمند و خوشنویس باید در آن محدوده مشخص شده هندسی و منظم، اثر خود را خلق می‌کرد. فرانسوا دروش^۱ در تعریف کادربندی می‌نویسد: «کادربندی نظامی از خطوط عمودی، افقی، مایل و مدور بود که قبل از نگارش، بر روی صفحه کشیده می‌شد، تا محدوده کار خوشنویس یا تذهیب‌کار مشخص باشد. گاه این کادرها را با ردگذاری قلم خشک بر کاغذ و گاه نیز با اثری از مرکب ساخته شده با رسوب سرب و خاک رس به وجود می‌آوردند» (دروش، ۱۳۷۹، ص ۲۰).

1. Francois Deroche

تأثیر رسم الخط و و تحول خوشنویسی بر آرایه‌ها نیز بسیار قابل توجه است و مخصوصاً کاتبان ایرانی در این امر پیشگام بوده‌اند. «توجه به نگارش صحیح کلام وحی و هماهنگی در رسم الخط، شیوه نقطه‌گذاری و اعراب‌گذاری در مصحف و عدم اختلاف متنی و دستوری میان انواع دست‌نوشته‌ها، از دغدغه‌های کاتبان و وراقان بود. علاوه بر این، مسئله خوانایی متن و زیبایی هر سطر قرآن نیز اهمیت یافت و نظم مبتنی بر سه مختصات (الف، نقطه و دایره) توسط خوشنویسان انتخاب و ترکیب‌بندی شد. در همین راستا و با تأملی بر هندسه موجود در خط (به‌خصوص کوفی و نسخ) و مسئله رنگ‌آمیزی در مصحف اولیه، درمی‌یابیم که کاتبان ایرانی قرآن، از آغاز برای تأکید و تذکر بر تقدس کلام الهی، سعی در ارائه هرچه بهتر ذوق و هنرشان داشتند و با بهره‌گیری از خوشنویسی و افزودن تذهیب و آرایه‌های گیاهی و هندسی (که به باور نگارنده بیشترین نوآوری و تلاش را در طول ده قرن مذهب‌بان ایرانی برای جهان اسلام به ارمغان آوردند)، به کتابت و تزیین مصحف پرداختند» (معتدی، ۱۳۹۵، ص ۱۶). بنابراین به نظر می‌رسد می‌توان دو عامل در شکل‌گیری ساختارهای خاص تزیینی برای قرآن در نظر گرفت: یکی تزییناتی که به دلیل تقسیمات ضروری و کاربردی جهت خوانش و تدریس قرآن خلق شد که به استناد آثار موجود، اولین مواضع تزیینی در این کتاب مقدس محسوب می‌شود؛ دیگری قاب‌ها و چهارچوب‌هایی جهت ارائه حضور باشکوهی که در خور کلام خداوند و وحی مقدس باشد.

۴. تجزیه و تحلیل

برای بررسی آرایه‌ها در قرآن که در تقسیم‌بندی پیرامنتی ژنت «پری‌تکست» محسوب می‌شود، آن‌ها را بر اساس کارکردشان به سه دسته تقسیم می‌کنیم: ۱. آرایه‌هایی مانند صفحات افتتاحیه یا انجامه و سرلوح که صرفاً کارکرد تزیینی دارد و بر جنبه بصری دریافت مؤثر است؛ ۲. آرایه‌هایی مانند علائم تخمیس و تعشیر و سجده و نشان پایان آیات که وظیفه عملکردی دارد و راهنمای خوانش متن است و البته کارکرد تزیینی خود را هم حفظ می‌کند؛ ۳. آرایه‌هایی مانند فهرست مطالب، تقسیم‌بندی، ارجاع و نقطه‌گذاری که به کدکس (شکل شناخته‌شده کتاب که از نسخه‌های خطی به‌ویژه کتب مقدس و آثار کلاسیک گرفته شده است) کمک می‌کند. بعضی پیرامنت‌ها مثل علامت‌های تخمیس یا بعضی تقسیمات خاص نیز، مختص سنت تاریخی خاصی است که در سنت امروزی کارکردی ندارد؛ درحالی‌که بعضی دیگر مانند شماره صفحه‌ها، از رمز سنت عبور کرده است و برای خوانندگان نسخه‌های چاپی امروزی هم کاربرد دارد.

پیرامنت‌ها (پری‌تکست‌ها) در قرآن



۴-۱. انواع آرایه‌ها به مثابه پیرامنت

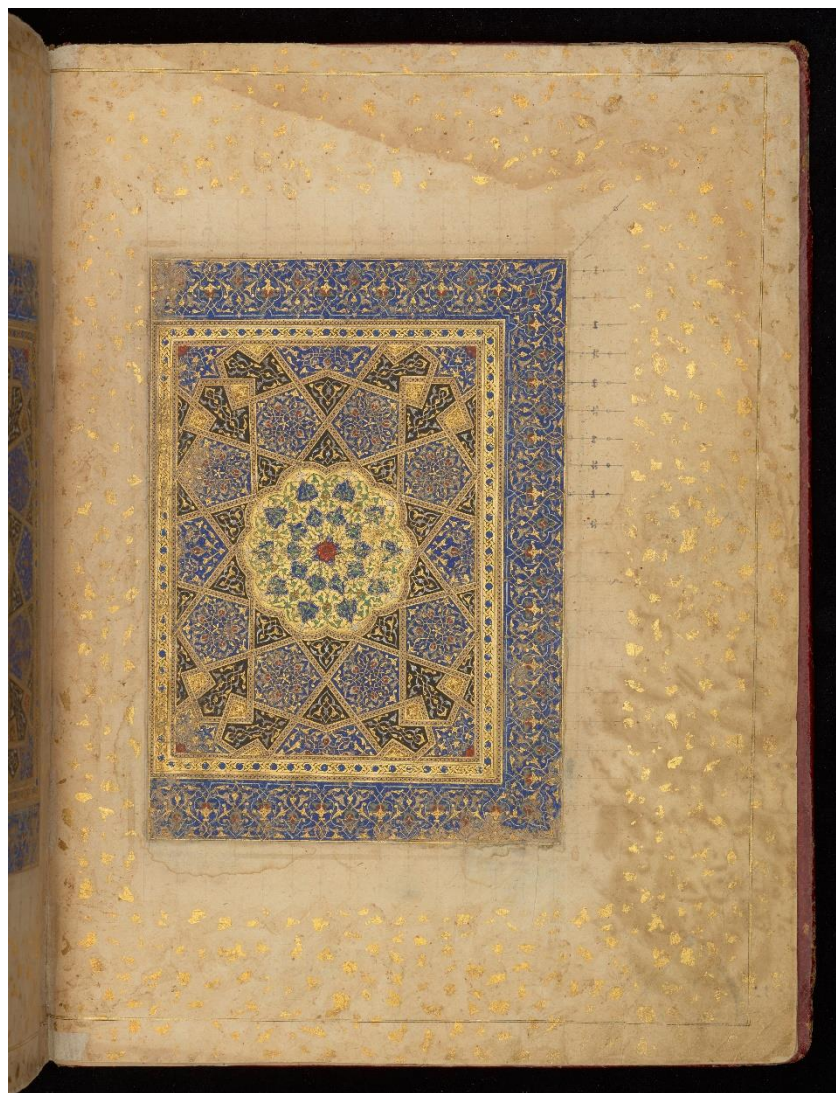
آرایه‌های تزیینی شامل صفحات افتتاحیه و انجامه (اختتامیه)، سرلوح‌ها و کتیبه‌های تزیینی است. «تزیین و تذهیب صفحات افتتاحیه مزدوج قرآن‌ها از همان سده‌های آغازین، رسمی معمول بود؛ اما با آغاز سده چهارم هجری و به واسطه تلاش‌های هنرمندان ایرانی، ساختار طراحی و استفاده از نقوش هندسی در آغاز مصحف قاعده‌مند شد و این الگوواره در سده‌های بعدی و در سبک‌های محلی

بیش از پیش تکامل یافت» (معتقدی، ۱۳۷۹، ص ۵۹). بدین ترتیب صفحات افتتاحیه به جزئی جداناپذیر از کتاب‌آرایی قرآنی بدل شد. تزئینات صفحات ابتدایی قرآن با نقوش هندسی آغاز می‌شود و در گذر زمان به حضور ترنج‌های بسیار پیچیده و پرکار می‌رسد. مارتین لینگز عقیده دارد که از دوران مغول، صفحات افتتاحیه به صورت بسیار مفصل و پر از انواع آرایه‌ها و بسیار رنگین به ابتدای قرآن اضافه می‌شود. «صفحه افتتاحیه قرآن کریم، چون خارج از محدوده متن شریف خود قرآن است، هنرمند در این محدوده می‌توانسته راحت‌تر باشد. نقاط اوجی که بهترین تذهیبات بوده، در قرن هفتم و هشتم تا سیزدهم هجری در صفحات افتتاح قرآن انجام می‌شده و این جنبه خاص از این هنر در سرتاسر شرق عالم اسلام بی‌بدیل بوده است. از آنچه به دست ما رسیده است می‌توان چنین استنباط کرد که هنرمندان قدیمی برای این صفحات هیچ نگاره‌ای را به جز تذهیب، آنچنان پرمحتوا نمی‌یافتند که با استنساخ و تذهیب خود متن قابل قیاس باشد» (لینگز، ۱۳۷۷، ص ۱۵). از دوران تیموری بر این تزئینات افزوده شد و در دوره صفوی صفحات افتتاحیه تذهیب‌شده به چندین صفحه رسید. بسیاری از ویژگی‌های سبک تیموری در طراحی اسلیمی‌های ماری و ابری، در این دوران ادامه یافت. «برگ‌های سرلوحه‌ها غالباً نقش مایه‌های مدور یا ستاره‌ای شکل را دربرمی‌گرفتند که تقریباً تمام صفحه را پر می‌کردند» (عظیمی، ۱۳۸۹، ص ۳۰). نقش مایه ترنج و شمسه از کاربردی‌ترین نقوش مورد استفاده در صفحات افتتاحیه، به‌خصوص در دوران صفوی است. ترنج طرح رایج دوران اسلامی در آثار هنری گوناگون بوده است. «ترنج، نقشی مرکزی بر میانه جلد‌ها یا صفحات افتتاح است. ساختار هندسی ترنج، بیضی و گاهی لوزی است. بنابراین می‌توان برای آن، تقارن‌های عمودی و افقی در نظر گرفت» (کشمیری، ۱۳۹۶، ص ۲۵). بر اساس این محور تقارن، گاهی ترنج‌ها را به صورت افقی یا عمودی نصفه ترسیم می‌کنند که به آن‌ها نیم‌ترنج می‌گویند. گاهی بر دو سر ترنج هم آرایه‌ای کوچک قرار می‌گیرد که به آن سرترنج می‌گویند. «ترنج در کتاب‌آرایی، کاربردی گسترده دارد: ۱. بر مرکز جلد می‌نشیند؛ ۲. در صفحات نخست کتاب، برای نگارش تقدیم‌نامه یا دعاهای افتتاح و غیره می‌آید که در این حالت، کاربردی مشابه شمسه می‌یابد؛ ۳. در مرکز بسیاری از کتیبه‌ها، ترنج‌های کوچک افقی فضای متنی را از بخش تزئینی کتیبه جدا می‌سازد؛ و ۴. در حاشیه‌ها به شکلی کشیده، محملی برای نگارش نام بخش‌ها یا سوره‌ها و دیگر اطلاعات نسخه است» (کشمیری، ۱۳۹۶، ص ۱۲۵).



قرآن دوره ایلخانی، صفحات افتتاحیه

مأخذ: <https://www.bl.uk/collection-items/sultan-uljaytu-quran>



صفحات افتتاحیه قرآن دوره تیموری

مأخذ: [Qur'an from Timurid Herat - Chester Beatty Online Collections \(intrantra.com\)](http://intrantra.com)



صفحات افتتاحیه قرآن دوره صفوی

مأخذ: [Qu'ran from Safavid Iran - Chester Beatty Online Collections \(cbl.ie\)](http://cbl.ie)

سرلوح، آرایه‌ای است که در ابتدای کتاب یا ابتدای سوره‌ها قرار می‌گیرد. اطلاعاتی که در سرسوره یا سرلوح قرار می‌گیرد، معمولاً عنوان سوره و محل نزول و تعداد آیات است و البته به صورت عامل تزئینی جداکننده یک بخش از بخش دیگر یا سوره‌ها از یکدیگر نیز ایفای نقش می‌کند. «سرلوح (آنچنان‌که اکنون می‌شناسیم) به لحاظ فرم، وسعت طیف رنگ، جزئیات طرح و عناصر متشکله و به‌ویژه از منظر موضع اجرا، یکی از شاخص‌ترین عناصر تزئینی در هنر تذهیب و به‌ویژه تزئین قرآن‌های نفیس است. شیوه مرسوم و

معمول در سرسوره‌سازی سنتی مکتب بویه سلجوقی، مشتمل بر قابی مستطیل مذهب که با جدول‌های مضاعف احاطه شده و معمولاً در یکی از جوانب در حاشیه و لبه آزاد صفحات با نقش یک ترنج (شجیره) مرتبط است. در درون آن با شاخه‌های اسلیمی خرطومی و اژدری و برخی عناصر ساده‌تر گیاهی عموماً به رنگ‌های محدود، زعفران، شنگرف و اخراپی تزیین می‌یابد که علاوه بر اجزا در سرسوره‌ها و ذیل صفحات به طور همانند در پیشانی و ذیل صفحه به صورت قرینه، متناظر و مزدوج در دو صفحه افتتاح جزوات و کتاب نیز اجرا می‌شود» (عزیززاده، ۱۳۸۹، ص ۱۳). با آغاز دوره تیموری، سرلوح شکل خاص کلاسیک خود را می‌یابد. «سرلوح‌سازی به شیوه مرسوم معاصر، ظاهراً از اواخر دوره تیموری متداول شد که به دنبال دو صفحه آغازین که به صورت متناظر و مزدوج اجرا می‌شد، در صفحه سوم از نسخه نفیس سرلوح متشکل از طرح نیم‌ترنج‌های متداخل همراه با نقوش اسلیمی و طرح‌های ساده هندسی با رنگ‌های زرین و لاجوردی و گاه با سبز و سفید و انواع قرمزها و... به صورت مرصع طرح و اجرا می‌گردید. عمده‌ترین این طرح‌ها عبارت از طرح تاجی، نیم‌تاج و طاووسی بود» (عزیززاده، ۱۳۸۹، صص ۱۳-۱۴).

کتیبه‌ها در کتاب‌آرایی، عموماً فضایی در ابتدا و آغاز متن است. مذهبان قرآنی کتیبه را بر سرسوره‌های قرآن قرار می‌دادند. «کتیبه، کادری مستطیلی بر فراز بخش متنی است که در مرکز آن، نام خداوند، اطلاعاتی درباره مذهب، خوشنویس یا داده‌هایی درباره کتاب نگاشته می‌شود؛ از این رو، کتیبه بخشی کاربردی در تزیین صفحات به شمار می‌آید» (کشمیری، ۱۳۹۶، ص ۱۲۷). البته در برخی نسخه‌های متأخرتر در دوران قاجار، کتیبه‌ها صرفاً تزیینی هم طراحی می‌شود.



کتیبه سرآغاز سوره و ارائه اطلاعات مربوط به سوره در دوره مغول

مأخذ: <https://www.khalilicollections.org/collections/islamic-art/khalili-collection-islamic-art-single-volume-quran-qur/>



تزیینات ترکیبی از کتیبه و سرلوح در دوره صفوی

مأخذ: <https://www.khalilicollections.org/collections/islamic-art/khalili-collection-islamic-art-single-volume-quran-qur/> ۳۰۱

۲-۴. کدکس‌های تزیینی

مقصود از این آرایه، مواردی شامل شماره صفحات، فهرست و جدول‌هاست. بعضی از این آرایه‌ها و ویژگی‌هایی مانند نحوه شماره‌گذاری در صفحه یا عنوان و تزیینات آن، از رمزهای زمان فراتر رفته و برای ما به عنوان انسان معاصر نیز آشناست. اساس تذهیب از کادربندی صفحات آغاز می‌شد؛ زیرا فضایی خلق می‌کرد که هنرمند و خوشنویس باید در آن محدوده مشخص‌شده هندسی و منظم، اثر خود را خلق می‌کرد. از حدود قرن سوم، جدول‌کشی به صورت ابتدایی و برای ترسیم کتیبه سرسوره ترسیم می‌شد و شاید بتوان معادل امروزی صفحه‌آرایی را برای آن به کار برد. «بررسی دقیق تذهیب در نخستین دست‌نوشته‌های قرآنی آشکار می‌کند، هنرمند تذهیب‌کار همان کسی است که کادر اولیه صفحه را در صفحه‌آرایی افقی و عمودی ترسیم کرده است» (دروش، ۱۳۷۹، ص ۲۱). به نظر می‌رسد که مذهب و خوشنویس در ابتدا یک نفر بود و بعدها با دو مسئولیت جدا اما همگام با یکدیگر فعالیت می‌کرد. «علاوه بر خوشنویسی و تذهیب که دو عامل بصری مهم در صفحه‌آرایی قرآن‌های خطی است، حضور نوعی کارگردانی و مدیریت هنری در تولید این قرآن‌ها محسوس است که اهمیت آن از یک‌یک اجزای بصری صفحه و مهارتی که در طراحی آن‌ها به کار رفته بیشتر است» (شفیقی و مراثی، ۱۳۹۳، ص ۲۵).

فرانسوا دروش^۱ در تعریف کادربندی می‌نویسد: «کادربندی نظامی از خطوط عمودی، افقی، مایل و مدور بود که قبل از نگارش، بر روی صفحه کشیده می‌شد تا محدوده کارخوشنویس یا تذهیب‌کار مشخص باشد. گاه این کادرها را با ردگذاری قلم خشک بر کاغذ و گاه نیز با اثری از مرکب ساخته‌شده با رسوب سرب و خاک رس به‌وجود می‌آوردند» (دروش، ۱۳۷۹، ص ۲۰). کشیدن چهارچوب و مشخص کردن جای متن و آرایه از پیش و در ساختار ذهن تولیدکنندگان کتاب، ایجاد فرمت مشخصی است که تولیدکننده، خواننده و شنونده از آن تبعیت خواهند کرد.

۳-۴. آرایه‌های تزینی خوانشی

این آرایه‌ها شامل علائم مربوط به تقسیمات پنج‌تایی و ده‌تایی، مواضع سجده و علائم مربوط به شمارش آیات است. مورد اخیر از ضروری‌ترین نشانه‌ها در قرآن شمرده می‌شود. این تقسیمات، پایه‌ای برای بروز آرایه‌های پیچیده و رنگین بعدی بوده است. «پیشینه نشانه‌های تقطیع و پایانی آیات و علائم محاسبه و شمارش آنان، در کتب آسمانی مذاهب پیشینان، از جمله منابع مذهبی ایران ساسانی، رومیان و قبطیان که از سنن هنری پیشرفته‌ای برخوردار بودند و به‌ویژه در اوستا کتاب دینی زرتشتیان، وجود داشته است؛ از این رو می‌توان فرض نمود که در موقع مقتضی، کاتبان و صحابه آشنا با کتابت و منابع مذهبی سایر اقوام موحد، کاتبین مسلمان را در قرن نخستین و به‌ویژه به‌هنگام تدوین نسخه‌های امام،^۲ به اتخاذ راه‌حل مشابهی رهنمون شده باشند. در وهله نخست با گذاشتن فاصله‌ای کوتاه و همسان، بدون هیچ مشخصه‌ای در فواصل آیات، سپس با ترسیم دایره‌ای کوچک و توخالی، رنگین و عاری از هر نشانه در فاصله مذکور به این امر پرداختند» (عزیززاده، ۱۳۸۰، ص ۳۴). این علائم به تدریج تغییر و تحول یافت و ابتدا به صورت سه‌دایره و سپس سه‌دایره و خط دور و سپس شش‌دایره در فرم مثلث و در نهایت به صورت یک برگ با بته درآمد. از قرن پنج هجری این علامت‌های پایان آیات به صورت‌های تزینی شمس و برگ و مانند آن در آمد. فرانسوا دروش عقیده دارد که این نشان‌ها «تفنن قلمی کاتب» (دروش، ۱۳۷۹، ص ۲۲) بوده است؛ ولذا جنبه کاربردی آن را ضعیف‌تر می‌داند. این نشانه‌ها در حقیقت نخستین مرحله شکل‌گیری تذهیب هم هست.

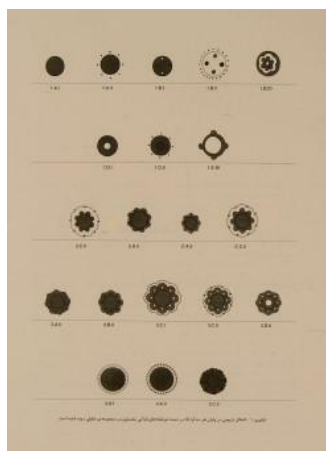
1. Francois Deroche

۲. نسخه‌های امام معبود نسخه‌های قرآن کریم که در زمان حیات خلیفه سوم با نظارت صحابه، به طور رسمی تهیه شد و به مهمترین بلاد اسلامی ارسال گردید تا معیار و مناط اعتبار باشند و از تشتت آرا در کتابت و قرانت جلوگیری شود.



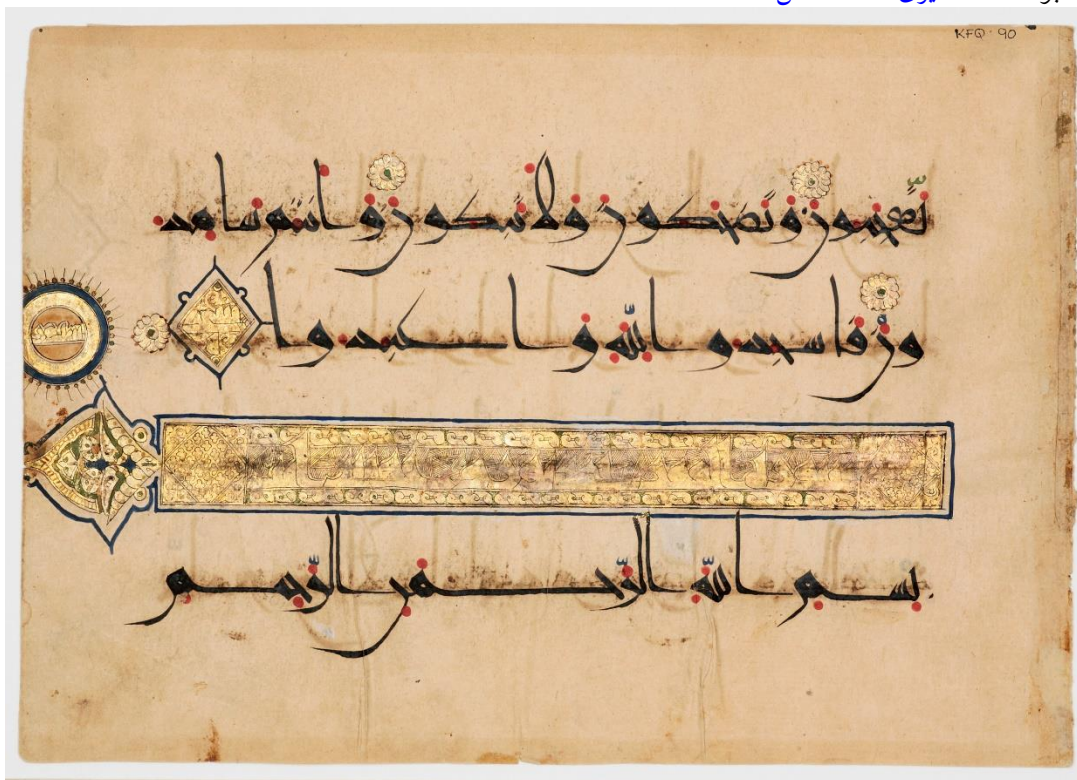
مأخذ: دروش، ۱۳۷۹: صص ۲۱-۲۳

علاوه بر نشانه‌های کاربردی مربوط به پایان آیات، نشانه‌هایی برای شمارش آیات نیز ابداع شد. این نشانه‌ها معمولاً بر اساس شمارش آیات به پنج و ده است و تخمیس و تعشیر نامیده می‌شود و به‌ویژه در سوره‌های طولانی‌تر، از نظر آموزش و حفظ قرآن کارکرد زیادی داشت. «تخمیس و تعشیر - شکل صوری نشانه - عموماً اندکی بزرگ‌تر و غالباً متفاوت از نشانه‌های تقطیع آیات هستند و گرچه در فواصل سطور و آیات و بالای آخرین کلمه از آیه مربوطه نیز دیده می‌شوند، لیکن غالباً در حاشیه صفحات به صورت شمشه‌های مذهب وجود دارند و بعضاً در داخل هر علامت، کلمه عشر یا خمس به خط کوفی تزیینی، رنگ‌نویسی شده است؛ یا فقط رموز آنان و به جای کلمه عشر، حرف نخستین آن (حرف ع) و به جای کلمه خمس، حرف خ به همان شیوه تحریر یافته است» (عزیززاده، ۱۳۸۰، ص ۳۵). این نشانه‌ها نیز غالباً در فرم دایره طراحی شده و در بالای آیات مورد نظر یا به شکل شمشه‌های مذهب در حاشیه کتاب قرار گرفته است. گاهی هم فقط حرف ابتدای کلمه «عشر» (ع) یا حرف ابتدای کلمه خمس (خ)، به نشانه تخمیس یا تعشیر یا معادل‌های ابجد این حروف، درون این فضاها تزیینی قرار گرفته است.



مأخذ: دروش، ۱۳۷۹، ص ۲۵

علائم مربوط به مواضع سجده. خوانش و قرائت قرآن شامل آداب و رسومی است که از جمله در مواضع سجده، به صورت قوانینی در متن قرآن به آن اشاره شده است. «سجده به معنای گذاشتن اعضای هفت‌گانه (پیشانی، کف دست‌ها، زانوها و سرانگشتان بزرگ دویا) بر زمین است و اهم آن‌ها گذاشتن پیشانی است» (قرشی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۵). مواضع سجده با علامتی در کنار آیات مشخص می‌شد. چهار موضع در قرآن سجده واجب دارد: آیه ۱۵ سوره سجده، آیه ۲۷ سوره فصلت، آخرین آیه سوره نجم و آخرین آیه سوره علق. یازده سوره نیز سجده مستحب دارد: آخرین آیه سوره اعراف، آیه ۱۵ سوره رعد، آیه ۴۸ سوره نحل، آیه ۱۰۷ و ۱۰۹ سوره اسراء، آیه ۵۸ سوره مریم، دو آیه ۱۸ و ۷۷ سوره حج، آیه ۶۰ سوره فرقان، آیه ۲۵ سوره نمل، آیه ۲۴ سوره ص، آیه ۲۱ سوره انشاق. «در نمونه‌های نزدیک به سده پنجم هجری، نشانیدن لوزی در حاشیه صفحه گسترش یافت. این لوزی‌ها محملی برای نگارش کلمات سجده، مکی، مدنی یا اطلاعاتی از این دست بودند» (کشمیری، ۱۳۹۶، ص ۴۲).



موضع سجده به صورت لوزی

مأخذ: <https://www.khalilicollections.org/collections/islamic-art/khalili-collections-islamic-art-single-folio-from-a-four-part-quran-kfq> /۹۰

برخی از این پیرامنت‌ها به دلیل کاربرد ویژه در خوانش متن، مختص به سنت‌های به‌خصوصی است؛ برخی مانند علامت‌های تخمیس و تشعیر، برای دوره خاصی طراحی شده و در سیر تحول تاریخی آرایه‌ها و به دلیل تغییر در نحوه حفظ کردن و آموزش قرآن و با افزایش سطح سواد، کارکرد خود را از دست داده و رفته‌رفته حذف شده است. برخی دیگر مانند مواضع سجده و علائم مربوط به شمارش آیات، به دلیل ارتباط ساختاری با متن مقدس قرآن غیرقابل حذف است و شکل ساختاری آن‌ها تغییر می‌کند.

نتیجه‌گیری

پیرامنتیت به عنوان زیرمجموعه‌ای از نظریه بینامتنیت ژرار ژنت، ابزاری جهت مطالعه نحوه تأثیرگذاری یک متن بر مخاطب را شکل می‌دهد. پیرامتن‌ها به منزله بدنه متن قرآن، شامل تذهیب و آرایه‌هایی است که فقط برای زیباتر کردن متن رونق نیافته، بلکه دقیقاً به منظور پاسخ‌دهی به برخی نیازهای مخاطبان، در مقاطع خاص قرآنی خلق شده است. مقاطعی شامل پایان آیات، پایان پنج‌آیه، پایان ده‌آیه، مجموع آیات، شروع و پایان سوره‌ها، مقاطع آغاز قرآن و پایان متن کتاب مقدس، مواضع مربوط به سجده و تقسیم‌بندی‌های مربوط به سی جزء، از جمله مقاطع مهم قرآن است که نیاز به علامت و نشان را تولید کرد و بعدها صورت تزیینات گسترده به خود گرفت. بنابراین از منظر کارکردی، بسیاری از آرایه‌ها علاوه بر تزیین، کارکرد عملی دارد. می‌توان اطلاعاتی را که به واسطه مطالعات پیرامنتی درباره قرآن به دست می‌آید، به این صورت برشمرد: پیرامتن‌های صرفاً تزیینی؛ پیرامتن‌هایی که علاوه بر تزیینی بودن، بر خوانش و آموزش قرآن هم مؤثر است و همچنین به چهارچوب کتاب قرآن به مفهوم کتاب یا کدکس قرآنی می‌پردازد.

از دیدگاه ارتباطی و رسانه‌ای در نظریه ژنت، بسیاری از آرایه‌ها به دلیل کارکرد عملی خود خاصیت ارتباطی می‌یابد؛ بسیاری نیز به لحاظ نقش آستانگی، آمادگی ورود به متن را به خواننده نوید می‌دهد. قاریان و کسانی که برای آموزش قرآن می‌خوانند، به تقسیم‌بندی‌ها، مواضع سجده، اطلاعات آغاز و پایان و مکی و مدنی بودن سوره‌ها نیازمند بودند. در قرون متقدم این نشان‌ها ساده‌تر است و گاهی حالتی رمزگونه و نمادین دارد. به نظر می‌رسد با گسترش سواد و تعدد خوانندگان، ارتباط قاری و متن عمومی‌تر می‌شود.

آرایه‌ها به مثابه پیرامتن، مرزی تزیینی و گاه کاربردی ایجاد می‌کنند. مخاطب (قاری)، ما به عنوان بیننده و نسخه‌های خطی قرآن کریم به مثابه شیء، در مرزی قرار می‌گیریم که از این آستانه باشکوه به متن نگاه می‌کنیم؛ به علاوه در این فاصله پیرامنتی، اطلاعاتی درباره خودمان به عنوان مخاطب متن مقدس در گذر زمان دریافت می‌کنیم. این نشان‌دهنده خاصیت ارتباطی یا رسانه‌ای این آرایه‌ها به مثابه پیرامتن است. این خاصیت رسانه‌ای جهت ارتباط شفاهی قاری با متن بوده و به نوعی گفت‌وگو میان آنان را فراهم آورده است. این اپیتکست‌ها در گذر زمان خاصیت تخیلی بیشتری پیدا کرده و رشد بی‌نظیری یافته است. خاصیت رسانه‌ای این اپیتکست‌ها باعث می‌شود بر عمل خواندن مؤثر باشد؛ زیرا متن مقدس با خواندن رشد پیدا می‌کند و خواندن عملی فیزیکی است که تأثیر خود را بر متن می‌گذارد. پاورقی‌ها، شماره صفحات، تقسیم‌بندی آیات، انتهای آیات و مانند آن، همه علامت‌هایی برای خوانندگان است.

به لحاظ مسئله زمان در نظریه ژنت، بعضی عناصر پیرامنتی در برهه‌ای از زمان اضافه و بعضی در گذر زمان کم‌کم حذف شده است. مثلاً صفحات افتتاحیه در ابتدا بسیار ساده بوده و بعدها تزیینی و باشکوه شده؛ یا علائم تخمیس و تعشیر در حال حاضر از چرخه پیرامنتی قرآن‌ها حذف شده است. مسئله حذف یا تغییر شکل بعضی عناصر پیرامنتی، در ارتباط مستقیم با مخاطب شکل گرفته؛ یعنی علائم تخمیس و تعشیر با توجه به نیاز مخاطب جهت آموزش مورد نیاز بوده، یا گاهی همین علائم با شکل نمادین و رمزآمیز به شکل حروف ابجد معادل خود ترسیم شده و رمزی قراردادی با قاری ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد علائم پیرامنتی قرآنی در گذر زمان، از شکل رموز قراردادی جدا شده و فرم‌های آشکارتر و تزیینی‌تر یافته است. علت این امر شاید تعدد قاریان و گسترش سواد آنان باشد. هرچه تعداد قاریان محدودتر بوده، علائم و آرایه‌ها نیز محدود به قراردادهای خصوصی‌تر پدید آمده و هرچه این رسانه عمومی‌تر شده، قراردادهای تزیینی و خوانشی نیز از حالت رمزی خارج شده است.

ملاحظات اخلاقی:

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

این پژوهش کد اخلاق را به شماره ۱۰۱۴۸۰۰۶۷۲۳۲۲۱۳۱۴۰۱۱۶۲۵۹۷۹۲۹ از کمیته اخلاق دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی دریافت کرده است. نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آنهاست.

مشارکت نویسندگان

مشارکت نویسندگان در مقاله مستخرج از پایان‌نامه:

نویسنده اول: آزر م مرکزی

نویسنده دوم و مسئول: استاد راهنمای پایان‌نامه، آقای دکتر محمدرضا شریف زاده.

نویسنده سوم: استاد مشاور پایان‌نامه، آقای دکتر محمد عارف.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

حمایت مالی

نویسندگان اظهار می‌دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچ‌گونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده‌اند.


فهرست منابع

- آلن، گراهام. (۱۳۸۰). بینامتنیت (پیام یزدانجو، مترجم). نشر مرکز.
 بلاشر، رژی. (۱۳۷۶). درآستانه قرآن (محمود کامیار، مترجم). دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 پین، مایکل. (۱۳۸۳). فرهنگ اندیشه انتقادی از روشنگری تا پسامدرنیته (محمدرضا تاجیک، مترجم). نشر نی.
حسین‌زاده، آذین؛ و شهرزاد، کتابون. (۱۳۹۷). از پیرامتن تا ترجمه؛ دریافت ترجمه داستان‌های دولت آبادی به فرانسه بر اساس نظریات ژرار ژنت. فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، ۵۱(۱). ۹۳-۱۱۶.
- <https://doi.org/10.22067/lts.v5i1i1.66239>
- دروش، فرانسیس. (۱۳۷۹). سبک عباسی (پیام بهتاش، مترجم). کارنگ.
 دروش، فرانسوا. (۱۳۹۵). قرآن‌های عصر اموی (مرتضی کریمی‌نیا، آلا وحیدنیا، مترجمان). هرمس.
 رستمی، مصطفی. (۱۳۹۲). جلدسازی ایرانیان از سلجوقیان تا قاجار. مؤسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
 سلدن، رمان؛ ویدوسون، پیترو. (۱۳۸۴). راهنمای نظریه ادبی (عباس مخبر، مترجم). طرح نو.
شریفی، سمیه؛ و چیت‌سازان، امیرحسین. (۱۳۹۷). بررسی سیر تذهیب قرآن در دوره‌های تیموری، صفوی و قاجار. دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۳(۳). ۶۱-۷۴.
- عزیززاده، قربان. (۱۳۸۰). علانم تزئینی پایانی آیات قرآن کریم. کتاب ماه هنر، ۴(۳۷، ۳۸)، ۳۴-۳۵.
- عزیززاده، قربان. (۱۳۸۹). علانم تزئینی در قرآن کریم؛ سرلوح‌سازی. گلستان قرآن، ۶(۱۶۰)، ۱۳-۱۶.
- عظیمی، حبیب‌الله. (۱۳۸۹). ادوار تذهیب در کتاب‌آرایی مذهبی ایرانی. هنرهای زیبا، هنرهای تجسمی، ۲(۴۱)، ۲۳-۳۲.
- فرخی‌راد، زهرا؛ نامور مطلق، بهمن؛ و خزایی، محمد. (۱۴۰۰). واکاوی شاخصه‌های خوانش لوگو به مثابه پیرامتن در ادراک بصری خطوط هوایی ایران. نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۱۸(۴۴)، ۳۶۱-۳۷۶.
- [Doi: https://doi.org/10.22034/IAS.20220320610.1825](https://doi.org/10.22034/IAS.20220320610.1825)
- قرشی، سیدعلی‌اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. دارالکتب الاسلامیه.
 کشمیری، مریم. (۱۳۹۶). تذهیب در ایران (تاریخچه، نقوش و اصطلاحات). سمت.
 لینگز، مارتین. (۱۳۷۷). هنر خط و تذهیب قرآنی (مهرداد قیومی، مترجم). گروس.
 معتقدی، کیانوش؛ و ناصری‌مهر، علی‌اصغر. (۱۳۹۱). شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی؛ منتخب قرآن‌های نفیس از آغاز تا سده نهم هجری قمری. آستان قدس رضوی.
 معتقدی، کیانوش. (۱۳۹۵). خاندان وراق غزنوی. پیکره.
 مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی. (۱۳۹۴). فرهنگنامه علوم قرآنی. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۴). درآمدی بر بینامتنیت. انتشارات سخن.
 نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۵). بینامتنیت از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم. انتشارات سخن.
نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۶). ترامتنیت؛ مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها. پژوهشنامه علوم انسانی، ۱۴(۵۶)، ۸۳-۹۸.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۷). باختین، گفتگومندی و چندصدایی؛ مطالعه پیشابینامتنیت باختینی. پژوهشنامه علوم انسانی، ۱۸(۵۷)، ۳۹۷-۴۱۴.
- هاشمی‌نژاد، علیرضا. (۱۳۹۱). آسمانی و زمینی؛ نگاهی به خوشنویسی ایرانی از آغاز تا امروز. نشر فرزاد روز.
- Genette, G. (1982). *Palimpsestes, la littérature au second degré*. Seuil.
- Paratexts: Thresholds of Interpretation. Cambridge. Genette, G. (1997).
- Graham, Gordon. (2005). *Philosophy of the Arts: An Introduction to Aesthetics*, 3rd ed. Routledge.
- Kristeva, Julia. (2002). *Nous Deux or A Hi Story of Intertextuality*, *The Romantic Review Journal*, Vol.93. January-March. pp.7-13.
- Miller, J. Hillis. (1977). *The Critic as Host*. *Critical Inquiry*, Vol. 3, No. 3 (spring, 1977), pp. 439-447.

A Paratextual Reading of Qur'anic Ornaments Based on Gérard Genette's Theory of Paratextuality

Azarm Markazi ¹  Mohammadreza Sharifzadeh ²  Mohammad Aref ³ 

1. PhD Candidate in Comparative and Analytical History of Islamic Art, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.
2. Professor of Philosophy of Art, Faculty of Arts, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author).
3. Associate Professor, Department of Theater, Faculty of Arts, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

Corresponding Email: Moh.sharifzade@iauctb.ac.ir
 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.496798.1429>

Introduction

Qur'anic manuscripts, as sacred texts, not only transmit the divine word but also bear witness to the art, culture, and intellectual traditions of different historical periods. Paratextuality, one of the core concepts of the French theorist Gérard Genette's theory, emphasizes the external and threshold relationships between a text and its audience, encompassing the space that readers encounter before entering the main text. In the Qur'an, this space includes ornaments, illuminations, verse division markers, and similar features. These ornaments are both decorative and communicative, mediating between the text and its readers. Focusing on Qur'anic ornaments, this article examines them as paratexts which, over time, have served not only decorative purposes but also facilitated the reading, teaching, and spiritual experience of the Qur'an. The study thus seeks, within the framework of Genette's paratextuality, to provide a contemporary account of the reciprocal relationship between the Qur'anic text and its paratexts within the historical context of Iranian culture.

Methodology

The research adopts a descriptive-analytical approach within a historical framework, with data collected through library sources and examination of Qur'anic manuscripts. Purposefully selected samples consist of manuscripts produced within the Persianate cultural sphere across different periods of Islamic history. The analysis focuses on paratexts such as frontispieces, opening pages, verse division markers, prostration signs, and takhmīs and ta'shīr notations, which are categorized, analyzed, and evaluated through Genette's paratextual framework. Since Genette originally based his theory on printed literary works, this study applies and adapts his framework creatively to Qur'anic manuscripts. The objective is to extract semantic, functional, and communicative patterns of ornaments as paratextual elements mediating between the Qur'an and its readers.

Findings

The findings show that, according to Genette's theory, Qur'anic ornaments occupy a paratextual position of the peritext type—that is, they are physically embedded within the book's structure, surrounding the text and functioning as its threshold. Analysis reveals that these elements are not merely visual embellishments; rather, they perform clear communicative, educational, and functional roles. Genette structures paratextuality around spatial, temporal, modal, relational, and functional dimensions, and Qur'anic ornaments can be grouped accordingly: (1) purely decorative and honorific elements (such as opening pages, frontispieces, and inscriptions); (2) dual-purpose elements with both decorative and functional roles (e.g., takhmīs and ta'shīr signs, prostration markers, and verse endings, which both beautify and guide recitation); and (3) codicological and



structural elements (such as tables, pagination, and indices) that organize the manuscript's layout and shape the reading experience. Some ornaments, like the use of abjad letters to indicate verse groupings, functioned as symbolic codes that engaged readers directly.

The study further shows that, while early ornaments carried symbolic and esoteric meanings, over time—with the spread of literacy, the rise of scribes and illuminators, and the increasing prestige of manuscripts—they evolved into more elaborate yet more widely accessible forms. Historically, these ornaments played a central role in facilitating the reading and teaching of the Qur'an, especially in societies where Qur'an recitation was integral to religious education. Prostration markers and verse division signs, originally pedagogical tools, continue to function in modified forms today. The findings also highlight the contributions of Iranian illuminators and calligraphers to the development of decorative patterns, where ornaments served not only aesthetic purposes but also as symbolic codes mediating between the text and its readers, structuring their encounter with the sacred word.

Conclusion

The study concludes that Qur'anic ornaments can be considered paratexts of the peritext type: they signify form and convey meaning simultaneously. Illuminations and markers are not merely decorative but play fundamental roles in facilitating recitation, instruction, and the transmission of sacred meaning. According to Genette, paratexts act as mediators between text and audience; in the Qur'an, this mediation is carried out by ornaments that surround the text, shaping its form and providing cues for reader engagement. Many ornaments, particularly those marking divisions, were originally designed to serve the text's practical needs, but over time became sophisticated artistic forms reflecting broader social and cultural changes. This transition mirrors the Qur'an's movement from private to public reading contexts and the evolving media environment of Islamic societies. Thus, Qur'anic ornaments must be understood not merely as embellishments but as communicative phenomena that define reading as both an individual act and a collective, cultural practice. Ultimately, they constitute an inseparable part of the Qur'anic experience, framing the text visually and guiding the audience toward engagement with its sacred content.

Keywords

Paratextuality, Gérard Genette, Qur'an, ornamentation.

Ethical Considerations

Compliance with research ethics.

This research has received the ethics code number 1014800672322131401162597929 from the Ethics Committee of the Faculty of Arts, Islamic Azad University, Central Tehran Branch.

The authors observed the ethical principles in conducting and publishing this scholarly research, and this is confirmed by all of them.

Author Contributions

Contributions to the article derived from the thesis:

- **First author:** Azarm Markazi
- **Second and corresponding author (thesis supervisor):** Dr. Mohammadreza Sharifzadeh
- **Third author (thesis advisor):** Dr. Mohammad Aref

Conflict of interest

The authors declare that they have no conflict of interest.

Funding statement

The authors declare that no funds, grants, or other support were received during the preparation of this manuscript.

References

- Allen, G. (2001). *Intertextuality* (P. Yazdanjou, Trans.). Nashr Markaz. [In Persian]
- [Azimi, H. \(2010\). Periods of illumination in Iranian religious book arts. *Honarhā-ye Zibā: Honarhā-ye Tajassomi*, 2\(41\), 23–32. \[In Persian\]](#)
- [Azizzadeh, G. \(2001\). Decorative end marks of Qur'anic verses. *Ketab-e Mah-e Honar*, 4\(37–38\), 34–35. \[In Persian\]](#)
- [Azizzadeh, G. \(2010\). Decorative signs in the Qur'an: Headpieces. *Golestan-e Qur'an*, 6\(160\), 13–16. \[In Persian\]](#)
- Blachère, R. (1997). *At the threshold of the Qur'an* (M. Kamyar, Trans.). Daftar Nashr Farhang Eslami. [In Persian]
- Déroche, F. (2000). *Abbasid style* (P. Behtash, Trans.). Karang. [In Persian]
- Déroche, F. (2016). *Qur'ans of the Umayyad era* (M. Kariminia & A. Vahidnia, Trans.). Hermes. [In Persian]
- [Farkhi Rad, Z., Namvar Motlagh, B., & Khazaei, M. \(2021\). Analyzing the characteristics of logo reading as paratext in the visual perception of Iran's airlines. *Nashriyeh-ye Motale'at-e Honar-e Eslami*, 18\(44\), 361–376. <https://doi.org/10.22034/IAS.20220320610.1825> \[In Persian\]](#)
- Genette, G. (1982). *Palimpsestes: La littérature au second degré*. Seuil.
- Genette, G. (1997). *Paratexts: Thresholds of interpretation*. Cambridge University Press.
- Graham, G. (2005). *Philosophy of the arts: An introduction to aesthetics* (3rd ed.). Routledge.
- Hasheminejad, A. (2012). *Heavenly and earthly: A look at Iranian calligraphy from the beginning until today*. Farzan Rouz. [In Persian]
- [Hossein Zadeh, A., & Shahparrad, K. \(2018\). From paratext to translation: The reception of Dowlatabadi's stories in French based on Gérard Genette's theories. *Faslnameh-ye Motale'at-e Zaban va Tarjomeh*, 51\(1\), 93–116. <https://doi.org/10.22067/lts.v51i1.66239> \[In Persian\]](#)
- Kashmiri, M. (2017). *Illumination in Iran: History, motifs, and terminology*. SAMT. [In Persian]
- Kristeva, J. (2002). Nous deux or a history of intertextuality. *The Romanic Review*, 93(1), 7–13.
- Lings, M. (1998). *The art of Qur'anic calligraphy and illumination* (M. Qayoumi, Trans.). Geros. [In Persian]
- Markaz-e Ettela'at va Madarek-e Eslami. (2015). *Encyclopedia of Qur'anic sciences*. Research Institute of Islamic Sciences and Culture. [In Persian]
- Miller, J. H. (1977). The critic as host. *Critical Inquiry*, 3(3), 439–447.
- Mo'taqedi, K. (2016). *The Ghaznavid Warrāq family*. Peykareh. [In Persian]
- Mo'taqedi, K., & Naseri Mehr, A. (2012). Artistic masterpieces of Astan-e Quds Razavi: Selected precious Qur'ans from the beginning to the 9th century AH. Astan Quds Razavi. [In Persian]
- [Namvar Motlagh, B. \(2007\). *Transtextuality: Studying the relations of a text with other texts. Pazhuheshnameh-ye Olum-e Ensani*, 14\(56\), 83–98. \[In Persian\]](#)
- [Namvar Motlagh, B. \(2008\). *Bakhtin, dialogism, and polyphony: A study of Bakhtinian pre-intertextuality. Pazhuheshnameh-ye Olum-e Ensani*, 18\(57\), 397–414. \[In Persian\]](#)
- Namvar Motlagh, B. (2015). *An introduction to intertextuality*. Sokhan. [In Persian]
- Namvar Motlagh, B. (2016). *Intertextuality from structuralism to postmodernism*. Sokhan. [In Persian]
- Payne, M. (2004). *Dictionary of critical thought: From Enlightenment to postmodernism* (M. Tajik, Trans.). Nashr-e Ney. [In Persian]
- Qorashi, S. A. (1992). *Qamus al-Qur'an*. Dar al-Kutub al-Eslamiya. [In Persian]
- Rostami, M. (2013). *Iranian bookbinding from the Seljuks to the Qajars*. Matn Institute. [In Persian]
- Selden, R., & Widdowson, P. (2005). *A guide to literary theory* (A. Mokhber, Trans.). Tarh-e No. [In Persian]
- [Sharifi, S., & Chitsazan, A. \(2018\). A study of Qur'an illumination in the Timurid, Safavid, and Qajar periods. *Bimonthly Journal of Research in Art and Humanities*, 3\(3\), 61–74. \[In Persian\]](#)

How to cite:

Markazi, Azarm, Sharifzadeh, Mohammadreza, & Aref, Mohammad. (2025). A paratextual reading of Qur'anic ornaments based on Gérard Genette's theory of paratextuality. *Quran, Culture And Civilization* , 6 (3), 119-144. <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.496798.1429>




Table of contents

Pathology of the Obstacles to the Development of Qur'anic Culture with an Analytical View of the National Charter for the Development of Qur'anic Culture

Hossein Qaderi-Baghdad - Ali Safari - Jalil Parvin - Hassan Asgharpoor..... 1

Sociological foundations of Qur'anic lifestyle in the sphere of social interactions

Rouhollah Mohammadi..... 27

Educational Modeling of Islamic Lifestyle in Sūrat al-Nūr with a Comprehensive Approach in the Modern Age

Maryam Nassaj - Mehri Sadeghiyan51

Civilizational Convergence: An Analysis of Sacrifice and Jihad in the Teachings of Buddha and Their Qur'anic Critique (Strategies, Principles, Objectives, and Characteristics)

Hojjatollah Mehrabi - Ebrahim Rezaei Adriyani - Mohsen Barghikar - Hamid Elahidoost.....71

Components of Islamic Civilization Based on the Historical Process of the Revelation of the Story of Prophet Noah (PBUH) in the Holy Qur'an

Somayeh Emadi - Mehri Karimi95

A Paratextual Reading of Qur'anic Ornaments Based on Gérard Genette's Theory of Paratextuality

Azarm Markazi - Mohammadreza Sharifzadeh - Mohammad Aref..... 119

Articles review the acceptance period.



Journal Scope

Subjects accepted: The Qur'an, Culture and Civilization Quarterly seeks to explain Islamic civilization and its harmony with the rich religious culture that is watered from the source of the Qur'an and the words of the innocent by presenting the articles of intellectuals and intellectuals. We hope that researchers who have such concerns will help this quarterly by sending their written research that has at least one of the following indicators:

1- Quran and civilization:

- A) Civilizational components of the Qur'an
- b) The topics of Islamic civilization and its sub-branches concerning the Holy Quran
- c) Modern Quranic civilization
- d) Comparing Quranic civilization with other civilizations
- e) Civilizations from the perspective of the Qur'an
- f) Orientalists and Quranic civilization
- g) Historical analysis of the Qur'an in different dimensions
- h) The historical course of Quranic studies
- i) Analysis of stories and topics of the Quran with a civilizational approach
- j) Life of Prophets and Infallibles

2- Quran and culture:

- A) Cultures from the perspective of the Qur'an
- b) Cultural effects of the Qur'an
- c) Comparison of Quranic culture with other cultures
- d) Quran and social culture
- e) Orientalists and Quranic culture
- f) Quranic cultural indicators in individual dimensions

Esteemed peer reviewers of Vol. 6 Issue 3 of "Quran, Culture and Civilization" journal

	Last Name	First Name	Researcher ID (ORCID)
◆	Abbasi	Azadeh	**
◆	Habibollahi	Mahdi	0000-0002-8411-101X
◆	Hosseini	SeyedMasoom	0000-0002-2277-0415
◆	Jafarian	Majid	0000-0002-4623-5011
◆	Keshavarz	Zahrasadat	0000-0002-1463-7358
◆	Mir Sanei	Seyed MohammadAli	0009-0008-4152-4501
◆	Molla Ebrahimi	Ezzat	0000-0002-0326-6731
◆	Nazemi	Ruhollah	0000-0002-7260-6824
◆	Pourmohammadi	Abuzar	0000-0002-5496-4054
◆	Pourshabani	Zahra	0000-0002-7737-7952
◆	Qalmkarian	Seyed Mohammad	0000-0002-9288-9067
◆	Qasemi Hamed	Mortaza	0000-0002-8290-7815
◆	Rastagou	Kubari	0000-0003-1644-037X
◆	Safarinejad	Ahmad	0009-0001-3051-1755
◆	Salehizadeh	MohammadIsmail	0000-0001-9952-8910
◆	Zamani	Abbas	0000-0001-9101-3306

Editorial Board

◆ **Dr. Mohammad Ali Chalongar**

Professor, Department of History and Iranian Studies, Faculty of Literature and Humanities, Isfahan University, Isfahan, Iran.

◆ **Dr. Ghasem Darzi**

Assistant Professor of Theology and Islamic Studies, Interdisciplinary Quranic Studies Research Institute. Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

◆ **Dr. Mohsen Dimekar Garob**

Associate Professor of Commentary Department, Mashhad Faculty of Quranic Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Qom, Iran.

◆ **Dr. Mohammad Hossein Rajabi Devani**

Associate Professor of Islamic History and Civilization, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

◆ **Dr. Nasrollah Shamali**

Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Foreign Languages, Isfahan University, Isfahan, Iran.

◆ **Dr. Nematullah Safari Forushani**

Associate Professor, Al-Mustafa Al-Alamiya Society, Qom, Iran.

◆ **Dr. Rahman Ashriya**

Associate Professor, Department of Qur'anic Tafsir and Sciences, Faculty of Qur'anic Sciences, Qom, University of Noble Qur'anic Sciences and Education, Qom, Iran.

◆ **Dr. Marzie Mohasses**

Associate Professor, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

◆ **Dr. Mohammad Ali Mahdavi Rad**

Associate Professor of Quran and Hadith Sciences, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

◆ **Dr. Mohammad Naqeeb**

Associate Professor, Department of Qur'anic Exegesis and Sciences, Faculty of Qur'anic Sciences, Qom, Quranic Sciences and Education University, Qom, Iran.

◆ **International Editorial Board**

Dr. Ammar Abboudi Mohammad Hossein Nassar

Professor of the History Department of Kufa University

Dr. Hadi Abdul Nabi Mohammad Al-Tamimi

Professor of History and Head of the Faculty of Islamic Sciences, Najaf Ashraf Islamic University

Dr. Kurt Anders Richardson

Professor at the Faculty of Religions, McMaster University, Toronto, Canada.

Abdelmadjid Ben Habib

Associate Professor Abou Bakr Belkaid University of Tlemcen

Antonio Cuciniello

Member of the International Association of



Research Group

Qur'an, Culture and Civilization

Isfahan Faculty of Quranic Sciences

Volume 6, Issue 3 – Serial Number 21, 2025

Publisher :University of Quranic Studies and Sciences

Director-in-Charge: Seyyed Ahmad Sajjadi Jezi

Editor-in-Chief: Dr. Mohammad Ali Chalongar

Manager: Dr. Mehdi Esnaashran

Executive Director: Leila Ghasabi

Technical Editor: Dr.Rohollah Nazemi

English Text Editor: Dr.Mehdi habibolah

Design and layout: Isfahan Seminary Computer Research Center

Cover designer: Zainab Naji

The address of the quarterly office: Isfahan Faculty of Quranic Sciences, Taleghani Street, Dolat Abad, Isfahan. Postal code: 8341913485

Phone: 031-45850771 extension: 117

Email: qcc@quran.ac.ir

Online ISSN: 2783-3356

How to write articles: on the magazine site

www.qcc.quran.ac.ir





Quran, Culture And Civilization

Volume & Issue: Volume 6, Issue 3 - Serial Number 21, 2025

ISSN: 2783-3356

- Pathology of the Obstacles to the Development of Qur'anic Culture with an Analytical View of the National Charter for the Development of Qur'anic Culture
Hossein Qaderi-Baghdad • Ali Safari • Jalil Parvin • Hassan Asgharpour
- Sociological foundations of Qur'anic lifestyle in the sphere of social interactions
Rouhollah Mohammadi
- Educational Modeling of Islamic Lifestyle in Sūrat al-Nūr with a Comprehensive Approach in the Modern Age
Maryam Nassaj • Mehri Sadeghiyan
- Civilizational Convergence: An Analysis of Sacrifice and Jihad in the Teachings of Buddha and Their Qur'anic Critique (Strategies, Principles, Objectives, and Characteristics)
Hojjatollah Mehrabi • Ebrahim Rezaei Adriyani • Mohsen Barghikar • Hamid Elahidoost
- Components of Islamic Civilization Based on the Historical Process of the Revelation of the Story of Prophet Noah (PBUH) in the Holy Qur'an
Somayeh Emadi • Mehri Karimi
- A Paratextual Reading of Qur'anic Ornaments Based on Gérard Genette's Theory of Paratextuality
Azarm Markazi • Mohammadreza Sharifzadeh • Mohammad Aref



University of Quranic Studies and Sciences
Isfahan Faculty of Quranic Sciences

وَلَا تَنْسُوا
الْحَجْرَةَ
عَلْمِي
الْحَجْرَةَ

QCC

